

فصلنامه گنجینه اسناد

سال سی و دوم، دفتر اول، بهار ۱۴۰۱
شماره پیاپی ۱۲۵
شاپا (شماره استاندارد بین‌المللی پیاپیها): ۱۰۲۳-۳۶۵۲
شاپای الکترونیک: ۲۵۳۸-۲۲۶۸



فصلنامه تحقیقات تاریخی طبق آیین‌نامه نشریات علمی مورخ ۱۳۹۸/۲/۹ به شماره
و مطالعات آرشیوی ۱۱/۲۵۶۸۵ فقط عنوان «علمی» برای نشریات علمی-پژوهشی ذکر می‌شود.

صاحب امتیاز: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران-پژوهشکده اسناد
مدیرمسئول: دکتر غلامرضا عزیزی greazizi@gmail.com

سرمدبیر: دکتر سعید رضائی شریف آبادی srezaei@alzahra.ac.ir

هیئت تحریریه

دکتر ری ادموندسون، مدرس برنامه حافظه جهانی یونسکو، استرالیا / دکتر تری ایستوود، استاد دانشگاه بریتیش کلمبیا، کانادا / دکتر فریبرز خسروی، دانشیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران / دکتر سعید رضائی شریف آبادی، استاد دانشگاه الزهرا / دکتر سید امیرمسعود شهرام‌نیا، دانشیار دانشگاه اصفهان / دکتر غلامرضا فدائی، استاد دانشگاه تهران / دکتر عبدالحسین فرج پهلوی، استاد دانشگاه شهید چمران اهواز / دکتر حسین میرجعفری، استاد دانشگاه اصفهان / دکتر مرتضی نورائی، استاد دانشگاه اصفهان / دکتر نرگس نشاط، دانشیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران / دکتر محمدباقر وثوقی، استاد دانشگاه تهران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران
پژوهشکده اسناد

دبیر اجرایی: دکتر سید محمود سادات بیدگلی m.sadat@yahoo.com

مترجم: دکتر ابراهیم افشارزنجانی

ویراستار انگلیسی: ری ادموندسون

ناشر: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

طراح نشانه و جلد: علیرضا حصارکی

صفحه آرا: مرتضی میرزائی

ویراستار فنی: دکتر سید محمود سادات بیدگلی

چاپ و صحافی: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

نشانی: تهران، بزرگراه شهید حقانی، ابتدای خ کوشا، ساختمان گنجینه اسناد ملی ایران، طبقه هفتم.

صندوق پستی ۶۵۵-۱۹۹۳۵ | تلفن: ۰۲۱ ۸۱۶۲۵۵۵۴

وبگاه: ganjineh.nlai.ir

پیام‌نگار: ganjinehasnad@gmail.com

فروشگاه: تهران، بزرگراه شهید حقانی، بلوار کتابخانه ملی، فروشگاه کتاب، تلفن: ۸۱۶۳۳۳۱۵

این نشریه در SID, ISC, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال (نظام نمایه سازی مرکز منطقه ای اطلاع رسانی علوم و فناوری) نمایه می‌شود.

www.ISC.gov.ir | www.sid.ir | www.ricest.ac.ir | www.researchgate.net | Scholar.google.com



فهرست مطالب

گنجینه اسناد

(علمی)

سال ۳۲، دفتر ۱، بهار ۱۴۰۱

شماره پیاپی ۱۲۵

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲

شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

تحقیقات تاریخی

- ۶-۴۵(۴۰) بررسی نقش آفرینی جنبش دانش‌آموزی در عمومی‌سازی مبارزات انقلاب اسلامی: مطالعه موردی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر اصفهان (۱۳۵۰-۱۳۵۷) / مریم قانونی، مرتضی نورانی، فریدون الهیاری
- ۴۶-۶۹(۲۴) بررسی و تحلیل روند تأسیس کارخانه‌های تولید اسلحه و فشنگ در دوره قاجار (۱۲۲۲-۱۳۴۰ ق/۱۸۰۷-۱۹۲۲ م) / عادل شعبانی‌مقدم، مرتضی دهقان‌نژاد، اصغر فروغی‌ابری
- ۷۰-۱۱۱(۴۲) تبلیغات در صنعت جهانگردی در دوره پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۵۷) / سمیه بختیاری
- ۱۱۲-۱۴۳(۳۲) نوع و نحوه مصرف موقوفات روحانیون و تجار ساری در دوره قاجار / فرشید نوروزی، جمشید نوروزی

مطالعات آرشیوی

- ۱۴۴-۱۸۲(۳۹) آموزش «انگلیسی برای اهداف ویژه»: گامی برای توانمندسازی آرشیوداران: بررسی تأثیر استفاده از برنامه‌های چندرسانه‌ای بر مهارت خواندن، دانش واژگان، و رفتارهای خودتنظیمی آرشیوداران ایرانی / زهرا ضرغامی، رویا خویی، مژگان رشتچی
- ۱۸۴-۲۲۵(۴۱) در راستای توصیف اسناد تاریخی: شناسایی و معرفی مهرهای صدراعظم‌های قاجار / رضا فراستی، محمد خندان، محمدرضا وصفی
- ۲۲۶-۲۴۵(۲۰) طراحی فرایند فراهم‌آوری اسناد در معاونت اسناد ملی ایران (آرشیو ملی ایران) با کمک سامانه جامع مدیریت اسناد / رضا شهبازی‌فراهانی، فهیمه باب‌الحوائجی، نجلا حریری، فاطمه نوشین‌فرد

۲۴۶-۲۵۱(۶)

نمایه سال ۱۴۰۰ فصلنامه گنجینه اسناد / سید محمود سادات‌بیدگلی

شرایط پذیرش مقاله

۱. هر مقاله علمی که در راستای تحقیقات تاریخی مبتنی بر اسناد، و مطالعات آرشیوی باشد، برای بررسی و چاپ در نشریه، پذیرفته می‌شود.
۲. در پذیرش مقالات، اولویت با مقالات پژوهشی است.
۳. مسئولیت مطالب مندرج در هر مقاله، بر عهده نویسنده است.
۴. مقاله، نباید پیش‌تر در نشریات فارسی زبان داخل یا خارج از کشور چاپ شده باشد.

ضوابط تهیه مقاله

۱. مقاله، در محیط Microsoft Word با قلم ۱۳ Blotus تهیه و به دفتر نشریه ارسال شود.
۲. چکیده ساختار یافته فارسی و انگلیسی مقاله، هر کدام حداکثر در ۲۰۰ کلمه ارائه شود.
۳. توضیحات، معادل‌های خارجی واژه‌ها و اصطلاحات علمی، به ترتیب استفاده در متن، با شماره‌گذاری پیاپی در هر صفحه درج گردد.
۴. حجم مقاله، از ۱۵ صفحه فراتر نرود.
۵. نام و مشخصات نویسنده/ نویسندگان، همراه با نشانی پیام نگار و وابستگی سازمانی در پانوشت ذکر شود.
۶. ملاک ارجاع‌دهی، شیوه‌نامه انجمن روانشناسی آمریکا (A.P.A) است.

ملاحظات

۱. هیئت تحریریه نشریه، در قبول یا رد مقاله‌ها آزاد است.
۲. نشریه، در ویرایش، اصلاح و هماهنگ‌سازی اصطلاحات، آزاد است.
۳. ترتیب تنظیم مقالات تأیید شده برای چاپ، بنا به نظر هیئت تحریریه نشریه خواهد بود.
۴. مقالاتی که در اولویت چاپ قرار نمی‌گیرند، مسترد می‌شوند.

کوتاه‌نویسی‌ها

- نام مراکز آرشیوی کشور، به منظور ارجاع درون متنی به سند، به شیوه زیر در این فصلنامه سرواژه‌سازی شده است:
- ساکما (sākmā): سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
 - مارجا (mārjā): مرکز اسناد ریاست جمهوری اسلامی ایران.
 - کهام (kemām): کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
 - مَراسان (marāsān): مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
 - استادوخ (estādux): اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.
 - مَتما (motmā): مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
 - ساکماقی (sākmāq): سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
 - مپس (maps): مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
 - کمشا (kamšā): کتابخانه مرکزی شهرداری اصفهان.
 - ماد (mād): موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
 - مَکَم (mokamem): مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک.

The Role of the Student Movement in the Publicization of the Islamic Revolution: A Case Study of Isfahan Students (1972-1979)

Maryam Ghanuni¹ | Morteza Nouraei² | Feridon Allahyari³

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract:

Purpose: The purpose of the research is to investigate the role of teenagers as an important social group, their movement and its effectiveness in publicizing the Islamic Revolution.

Method and Research Design: Archival records and Oral history of Isfahan from 1972 to 1979 were investigated.

Findings and conclusions: The role of secondary school students of Isfahan in publicizing the revolution and the participation of various citizens of the city were fundamental and very effective in the final stage of the movement. Students played the main role in bringing people to the streets, especially since November 1978, and thus were the leaders in the final process of street struggles.

Keywords: Political Participation; Students; Secondary Level; Islamic Revolution.

Citation: Ghanuni, M., Nouraei, M., & Allahyari, F. (2022). The Role of the Student Movement in the Publicization of the Islamic Revolution: A Case Study of Isfahan Students (1972-1979). *Ganjine-ye Asnad*, 32(1), 6-45 | doi: 10.30484/ganj.2022.2916

1. PhD Student of History
of Islamic Revolution, Department of
History, University of Isfahan, Isfahan,
I. R. Iran
Maryam.ghanooni@gmail.com
2. Professor, Department of History,
University of Isfahan, Isfahan,
I. R. Iran, (Corresponding Author)
morteza.nouraei@yahoo.com
3. Professor, Department of History,
University of Isfahan, Isfahan, I. R.
Iran
f.allahyari@ltr.ui.ac.ir

Copyright © 2022, NLAI (National
Library & Archives of I. R. Iran). This
is an Open Access article distributed
under the terms of the Creative Com-
mons Attribution 4.0 International,
which permits others to download this
work, share it with others and adapt
the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«125»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI):10.30484/GANJ.2022.2916

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 32, No. 1, Spring 2022 | pp: 6 - 45 (40) | Received: 4, Dec. 2019 | Accepted: 4, Dec. 2019

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

بررسی نقش آفرینی جنبش دانش آموزی در عمومی سازی مبارزات انقلاب اسلامی: مطالعه موردی دانش آموزان مقطع متوسطه شهر اصفهان (۱۳۵۰-۱۳۵۷)

مریم قانونی^۱ | مرتضی نورائی^۲ | فریدون الهیاری^۳

چکیده:

هدف: در پژوهش حاضر نقش گروه اجتماعی نوجوانان در روند حرکتی انقلاب اسلامی بررسی شده است. پرسش اصلی این تحقیق، نقش دانش آموزان در انقلاب اسلامی است و پرسش فرعی آن میزان اثرگذاری دانش آموزان در عمومی کردن نهضت اسلامی است.

روش/ رویکرد پژوهش: بنابه ماهیت موضوع و نیاز به بررسی میدانی، شهر اصفهان به عنوان محدوده مکانی تحقیق، و مرحله نهایی نهضت (۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷) به عنوان محدوده زمانی تحقیق انتخاب شد. پژوهش به روش کیفی و با تکیه بر اسناد موجود و به طور ویژه مصاحبه فعال (تاریخ شفاهی) انجام شده است.

یافته ها و نتیجه گیری: نقش دانش آموزان مقطع متوسطه اصفهان در عمومی کردن انقلاب و مشارکت بخش های گوناگون مردم این شهر در مرحله نهایی نهضت، اساسی و خیلی اثرگذار بوده است. دانش آموزان به ویژه از آبان ۱۳۵۷، در کشاندن مردم به خیابان ها نقش اصلی را داشته اند و به همین ترتیب در روند نهایی مبارزات خیابانی هم پیشتاز بوده اند.

کلیدواژه ها: مشارکت سیاسی؛ دانش آموزان؛ مقطع متوسطه؛ انقلاب اسلامی.

استناد: قانونی، مریم، نورائی، مرتضی، الهیاری، فریدون. (۱۴۰۱). بررسی نقش آفرینی جنبش دانش آموزی در عمومی سازی مبارزات انقلاب اسلامی: مطالعه موردی دانش آموزان مقطع متوسطه شهر اصفهان (۱۳۵۰-۱۳۵۷). گنجینه اسناد، ۳۲(۱)، ۴۵-۶. doi: ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲,۲۹۱۶

۱. دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
Maryam.ghanooni@gmail.com
۲. استاد، گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، (نویسنده مسئول)
morteza.nouraei@yahoo.com
۳. استاد، گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
f.allahyari@ltr.ui.ac.ir



گنجینه اسناد «۱۲۵»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۲,۲۹۱۶

نمایه در ISC, SID, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۲، دفتر ۱، بهار ۱۴۰۱ | صص: ۶ - ۴۵ (۴۰)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۱۳ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۱۴

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

در تحلیل عوامل گوناگون اثرگذار در پیروزی انقلاب اسلامی، بررسی نقش گروه‌های مشارکت‌کننده در این رویداد و نحوه اثرگذاری و کنش‌گری هرکدام، اهمیتی فراوان دارد. در تقسیم‌بندی این کنش‌گران، مواردی مانند سن، جنس، شغل، و وابستگی فردی یا تشکیلاتی مدنظر قرار می‌گیرد؛ علاوه بر این خواسته‌های هر گروه و دورنمای ایشان از تحولات مدنظر نیز بر همین مبنا مدنظر قرار می‌گیرد و در نهایت نحوه اثرگذاری منحصر به فرد هر بخش در روند پیشبرد انقلاب اسلامی، بررسی می‌شود. بدین ترتیب و با مشخص کردن گروه‌های مشارکت‌کننده، خواسته‌های هر گروه و نحوه اثرگذاری آن‌ها در انقلاب، می‌توان به تحلیلی جامع درباره انقلاب اسلامی ایران دست یافت. در این میان نقش گروه سنی نوجوانان و قشر دانش‌آموز که در شاخه جوان نهضت قرار می‌گیرد، به طور معمول کم‌اهمیت به نظر می‌رسد و معمولاً از آن غفلت می‌شود؛ در حالی که رویدادهای گوناگون، برای این گروه سنی بیشتر از بقیه گروه‌ها سرنوشت‌ساز است و این بر اهمیت نحوه مشارکت آنان در رویدادهای انقلابی می‌افزاید.

بررسی اسناد و مطالب روزنامه‌های منتشر شده از اوایل دهه پنجاه شمسی تا پیروزی انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که دانش‌آموزان نوجوان در روند مبارزاتی انقلاب فعالانه مشارکت داشته‌اند. نحوه مشارکت دانش‌آموزان و دلایل آن، در ترسیم و بازنمایی خواسته‌های انقلابی و هدف انقلابیون راه‌گشاست. در واقع با شناسایی این نکته و واکنش‌های حکومت به رفتارهای گاه پرخطر نوجوانان در آستانه انقلاب اسلامی، شناختی بهتر از این رویداد مهم تاریخ معاصر ایران حاصل می‌شود. این شناخت در سنجش میزان دوری و نزدیکی اهداف انقلابیون با نتایج حاصله و همچنین عوامل اعتراض‌برانگیز به رفتار حکومت پهلوی، مؤثر است. در حقیقت نکته این‌جاست که در تشریح دلایل و چگونگی انقلاب ایران، یکسان‌دانستن اهداف گروه‌های گوناگون مشارکت‌کننده و نحوه مشارکت آن‌ها در انقلاب، باعث انحراف از تحلیل اصیل می‌شود. این تفاوت در میان گروه‌های سنی، جنسی و شغلی مشارکت‌کننده، آشکار است.

در پژوهش‌های انجام‌شده درباره گروه‌های مشارکت‌کننده در رویدادهای گوناگون کشور، به دلایل گوناگون کمتر به حضور گروه سنی اجتماعی نوجوانان پرداخته شده است. به نظر می‌رسد یکی از علت‌های این غفلت، بدیهی‌انگاشتن دلایل حضور نوجوانان و کم‌اثر دانستن این مشارکت است؛ در حالی که شناسایی رویکردهای دانش‌آموزان به تحولات کشور - که در تعارفات معمول به آینده‌سازان جامعه تعبیر می‌شوند - برای برنامه‌ریزان کشور پراهمیت است.



پرسش اصلی مقاله این است که دانش‌آموزان در پیروزی انقلاب اسلامی چه نقشی داشتند؟

پرسش فرعی نیز این است که مشارکت سیاسی دانش‌آموزان در رخداد‌های منجر به انقلاب اسلامی ایران چگونه باعث عمومی شدن انقلاب در میان مردم شد؟

به دو دلیل شهر اصفهان مبنای این بررسی قرار گرفت؛ اول اینکه این شهر از شهرهایی بود که فعالیت مبارزاتی در آن از سال‌ها قبل از اوج‌گیری نهضت اسلامی شروع شد؛ به نحوی که حتی برخی بر این عقیده‌اند که انقلاب اسلامی در اصفهان زودتر از سایر شهرهای ایران پیروز شد. دلیل دوم ولی به ماهیت رهبران مبارزاتی این شهر مربوط است. چند نفر از این رهبران که در برنامه‌ریزی‌های مبارزاتی در اصفهان نقشی مهم داشتند از معلمان شهر بودند و هم‌چنین مشارکت‌کنندگان عمده در چند رویداد اصلی در براندازی حکومت در این بخش از ایران دانش‌آموزان بودند.

بنابه ماهیت موضوع، اسناد موجود از ساواک و شهربانی، در کنار گزارش‌های خبری روزنامه‌ها و مدارک موجود مرتبط با مدارس اصفهان، منابع اصلی پژوهش حاضر بودند؛ ولی از آنجاکه این مدارک در تشریح نمای مدنظر ناکافی بودند، لازم بود تا با استفاده از مصاحبه فعال (تاریخ شفاهی) بخش‌های خالی بررسی و تکمیل شود؛ بنابراین برای تحلیل رویدادها و دریافت اطلاعات، در کنار استفاده از اسناد و خاطرات مکتوب از مصاحبه فعال (تاریخ شفاهی) هم استفاده شد. تحلیل این مصاحبه‌ها در کنار اسناد، شیوه اصلی تحلیل کیفی این مقاله را تشکیل می‌دهد. براین‌اساس با ۴۰ نفر از دانش‌آموزان مقطع متوسطه در دوره مدنظر این تحقیق (۱۳۵۰-۱۳۵۷)، مصاحبه شد. علاوه بر این با تعدادی از معلمان و برخی دیگر از مبارزان انقلابی که در زمان موردبررسی دانش‌آموز نبوده‌اند ولی با دانش‌آموزان ارتباط داشته‌اند نیز مصاحبه شد. از دیگر مواردی که انجام مصاحبه برای پژوهش حاضر را ضروری می‌کرد، کمبود پژوهش‌های انجام‌شده درباره نقش سیاسی دانش‌آموزان در روند تاریخ ایران بود.

پیشینه پژوهش: محمد عباس‌زادگان، یعقوب توکلی و حسین احمدی، در پژوهش‌های خود به موضوع حضور دانش‌آموزان در روند رویدادهای کشور پرداخته‌اند؛ ولی پژوهش‌های ایشان اولاً بیشتر به شهر تهران منحصر است و سایر شهرها را دربر نمی‌گیرد و دوم اینکه به صورت کلی و گذرا به این موضوع پرداخته‌است. در میان مقالات نیز رویکردهای دانش‌آموزی از نظر اثرگذاری در تاریخ معاصر ایران صرفاً در دو مقاله بررسی شده‌است. این مقالات یکی نوشته رضا بسطامی با موضوع گروه ابوذر

(از گروه‌های با پایه دانش‌آموزی در شهر همدان) است و دیگری نوشته مسعود غفاری و علی اصغر قاسمی با موضوع جامعه‌شناسی خواستگاه جنبش جوانان ایران است که در بخشی از آن به صورت گذرا به دانش‌آموزان هم پرداخته شده است.

۲. نخستین گام‌های جنبش دانش‌آموزی

نخستین قدم‌های کنش‌گران جوان ایرانی در زمینه مبارزات مدنی را در عصر مشروطه و رویدادهای ادامه‌دار آن می‌توان یافت. نقش دانش‌آموزان در فعالیتهای منتهی به این جنبش و بعدتر اعاده مشروطیت گرچه کم‌رنگ بود ولی پراثر بود. دانش‌آموزان در مدارس تبریز، تهران و اصفهان پایه‌ای سایر مشروطه‌خواهان در مبارزات شرکت داشتند (عباس‌زادگان، ۱۳۷۱، ص ۱۰۲).

پس از سقوط حکومت قاجار و روی کار آمدن حکومت پهلوی، رویکرد به مسائل جوانان تغییر کرد. مدارس نوین در سراسر ایران گسترش یافت؛ دانش‌سرای تربیت‌معلم برای آموزش معلمان مدارس به‌راه افتاد و دانشگاه تهران تأسیس شد. در این دوره بنابه جو اختناق و فشار به‌وجودآمده فرصت برای هرگونه جنبش و حرکت بسیار محدود بود؛ ولی با بازشدن نسبی جو سیاسی کشور از شهریور ۱۳۲۰، جوانان و تاحدودی نوجوانان به‌طور رسمی وارد فعالیتهای سیاسی شدند. از اولین گروه‌های شکل گرفته با محوریت جوانان، گروه پان‌ایرانیست‌ها بودند که چاپ نشریه و برخی دیگر از فعالیتهای اجتماعی سیاسی را از دوران دبیرستان در دبیرستان البرز تهران آغاز کردند (پزشک‌زاد، مصاحبه: تاریخ شفاهی هاروارد، نوار دوم، ص ۶). طبق اسناد موجود، جلسات این حزب به‌صورت مرتب و هفتگی دنبال می‌شد و درنهایت به تشکیل حزب پان‌ایرانیست در تهران منتهی شد. برخی از اعضای این گروه در شهرهای دیگر مانند اصفهان نیز فعالیت داشتند (مراسان، ۱۴۶۶۰۷۳، ص ۱۰۱).

مهم‌ترین گروهی که در گذشته دورتر به‌صورت مدیریت‌شده جوانان را به عرصه مبارزات وارد کرده بود، حزب توده بوده است. در سازمان جوانان حزب توده -که رسمیت آن از سال ۱۳۲۲ اعلام شد- تمام افرادی که سن آنها بیشتر از دوازده سال و کمتر از بیست‌وسه سال بود در سازمان پذیرفته می‌شدند (حزب توده ایران، ۱۳۶۲، ص ۱۶۱). کمیته مرکزی سازمان جوانان بعداز کنگره سازمان عالی‌ترین ارگان رهبری این حزب به‌شمار می‌رفت. اعضای این حزب در روزگاری که مباحث و نظریات مارکسیستی‌لنینیستی طرفداران بسیاری داشت، با اجرای برنامه‌های تبلیغاتی درصدد بودند تا جوانان و نوجوانان را در عرصه مبارزات سیاسی وارد کنند. این سازمان در راستای اجرای برنامه‌های



تبلیغاتی-تعلیماتی خود «با چاپ کتاب، از طریق مطبوعات، تشکیل کلاس و... اصول مارکسیسم‌لنینیسم را به مقیاس وسیع در میان جوانان نشر داد. منظور از اجرای این برنامه‌ها عبارت بود از مجهز کردن جوانان به علم سوسیالیسم، پرورش جوانان با روح میهن‌پرستی و انترناسیونالیسم پرولتری و روحیه انقلابی، افزایش سطح معلومات و اطلاعات جوانان و دانش سیاسی آنان برای آن‌که میهن خود را بهتر و بیشتر بشناسند» (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۰، ص ۸۳).

در این سال‌ها، فعالیت شاخه جوانان حزب توده - که هم‌چنان به صورت غیررسمی فعال بود - در مقطع دبیرستان در میان دختران و پسران چشم‌گیر بود. به نظر می‌رسد که حزب توده جدای از اثرگذاری بر نوجوانان و جهت‌دهی به ایشان برای فعالیت‌های آینده، از اغتشاشات در مدارس هم برای ایجاد آشوب عمومی در سطح جامعه بهره‌برداری می‌کرده‌است. نحوه فعالیت هم به این ترتیب بود که برای نمونه با دادن رشوه به آن دسته از مسئولان مدارس [ناظم، مدیر] که با حزب موافقت یا مخالفت ویژه‌ای نداشتند، به نحوی آن‌ها را تشویق می‌کردند تا با دست‌بردن در نمرات دانش‌آموزان رؤسای خود [در ادارات آموزش و پرورش] را به جرم دزدی متهم کنند و بدین ترتیب اوضاع اداری را به هم بریزند. آن‌ها از هر فرصتی مانند تشویق دانش‌آموزان به برف‌بازی و شکستن شیشه‌های مدارس هم برای ایجاد به هم ریختگی در دبیرستان‌ها استفاده می‌کردند (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ج ۹، ۱۳۸۰، ص ۸)؛ این اقدامات فضای مدارس و تاحدزیادی فضای جامعه را متشنج می‌کرد.

گرچه ممکن است برخی از این گزارش‌ها با بدبینی کامل و تلاش برای نسبت‌دادن تمام فعالیت‌های برهم‌زننده نظم عمومی به حزب توده تنظیم شده باشد، ولی در هر صورت اهمیت دبیرستان‌ها و فعالیت‌های دانش‌آموزی در شهر موضوعی همواره مهم بوده‌است. در گزارشی که وزارت جنگ در تاریخ ۲۹ آبان ۱۳۲۹ تهیه کرد، ۴۰ درصد از دانش‌آموزان دبیرستان‌های کل کشور را توده‌ای معرفی کرد و آن‌ها را به دو بخش، یکی متعصبان، فعالان، مبلغان و دیگری اثرپذیرفته‌ها تقسیم کرد. در ادامه این گزارش ذکر شده بود که کارت عضویت سازمان جوانان حزب توده صرفاً به دانش‌آموزان بالاتر از ۱۳ سال داده می‌شده‌است. افراد دارای کارت، مسئولیت پخش اعلامیه‌ها و روزنامه‌های حزب را در دبیرستان‌ها برعهده داشتند و در زمان لزوم اقدامات کارشکنانه را در روند اداره مدارس انجام می‌دادند. در این گزارش به این نکته به‌ویژه اشاره شده‌است که نحوه تبلیغ حزب در میان دسته‌های کارگری با دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها به‌طور کامل متفاوت بود؛ بیانیه‌ها و ابلاغیه‌ها صبح زود و قبل از آمدن دانش‌آموزان به مدارس در حیاط تا زیر نیمکت‌ها انداخته می‌شد. دستورات شفاهی نیز در میان دانش‌آموزانی که در زنگ تفریح به بهانه

درس خواندن کنار هم جمع می شدند، مطرح می شد. نکته دیگر این گزارش این است که تمرکز حزب توده به هیچ عنوان بر تغییر کادر مدرسه نبوده، بلکه تلاش می کرده است تا مرام و مسلک این گروه را در میان سایر دانش آموزان گسترش دهد (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ج ۹، ۱۳۸۰، صص ۳۰-۳۳).^۱

در ادامه این فعالیت ها و در راستای استفاده از نیروی دانش آموزان و هم گام با تأسیس «اتحادیه دانشجویان تهران»، سازمان دانش آموزان حزب توده نیز تأسیس شد. بدین ترتیب که ابتدا در اواخر سال ۱۳۲۹، سازمان دانش آموزان تهران و در سال ۱۳۳۰، سازمان دانش آموزان ایران ایجاد شد (حزب توده ایران، ۱۳۶۲، ص ۲۵۱). حزب توده در جذب جوانان به طور ویژه موفق عمل می کرد. به نظر می رسد یکی از دلایل این موفقیت نبود امکان فعالیت در سایر قالب های رسمی بوده که این حزب را یک تاز میدان کرده بوده است. اعضای کنگره حزب توده در تلاش بودند تا از طریق تشکیل انجمن های علمی، ادبی و فرهنگی، مجالس سخنرانی، اجرای تئاتر، برگزاری کنسرت، گردش های دسته جمعی و مسابقات ورزشی به افزایش سطح فرهنگ عمومی در میان دانش آموزان و جلب آن ها به فعالیت های دسته جمعی کمک کنند. با غیرقانونی اعلام شدن فعالیت های حزب توده در ایران، سازمان جوانان نیز ملغی شد. از فعالیت های شاخه جوانان حزب توده به طور ویژه در اصفهان این دوره مدرک قابل اعتمادی به دست نیامد، ولی با توجه به اینکه این حزب در این شهر صنعتی کارگری، اعضا و طرفداران بسیاری داشته است، می توان نتیجه گرفت که جوانان نه در قالب شاخه های جداگانه از شاخه کارگری که در زیرمجموعه بدنه اصلی حزب، فعالیت های خود را دنبال می کردند. برخی از اعضای کارگری حزب توده اصفهان به تلاش برای اثرگذاری بر بخشی از نوجوانان اصفهانی فقیرتر در قالب فراهم آوردن فرصت کار در کارخانه های تازه تأسیس پارچه بافی اصفهان توسط اعضای این حزب اشاره کرده اند (زارعی، مصاحبه، ۱۳۹۶).

فعالیت های دانش آموزی و دانشجویی چه در قالب شاخه جوانان حزب توده یا حزب جدیدالتأسیس جبهه ملی، در رویدادهای منتهی به نهضت ملی شدن نفت پررنگ تر شد. از این زمان به حضور دانش آموزان شهرهای دیگر به غیر از تهران نیز در عرصه مبارزات توجه شد. گزارشی صادر شده در تاریخ ۵ بهمن ماه ۱۳۲۹ از طرف لشکر ۹ اصفهان خطاب به ستاد جنگ درباره جلساتی خبر داده است که با عنوان «میتینگ دانشجویان و دانش آموزان» برگزار می شده و طی آن بیانیه هایی در ضمیمه روزنامه «شاهکار نو» منتشر می شده است. در همین گزارش سرچشمه این اقدامات، دبیرستان سعدی اصفهان و دانشجویان پزشکی معرفی شده اند. تأکید این گزارش بر

۱. شبیه گزارشی که برای حزب توده در سال ۲۹ تهیه شده است، برای هیچ یک از گروه های مبارز در دوره های نزدیک به پیروزی انقلاب اسلامی مشاهده نشده؛ ولی نحوه کار، عضوگیری و پیشبرد روند در میان سایر گروه ها نیز مشابه بوده است.



نقش اغواگرانهٔ معلمان در دعوت دانش آموزان به مقابله با اقدامات حکومتی است (طاهر احمدی، ۱۳۸۴، ص ۵۸).

چنان که به نظر می رسد، از ابتدای توجه به اقدامات دانش آموزی، معلمان به عنوان عامل اصلی تحرکات شناخته می شدند. این نقش پررنگ در تمام دوران مبارزاتی دانش آموزان به چشم می خورد. نکتهٔ دیگری که از این گزارش دربارهٔ فعالیت ها در شهر اصفهان به دست می آید، سردمداری دبیرستان سعدی در فعالیت های مخالف حکومت است. از آنجاکه در اوایل دههٔ پنجاه با بهانهٔ تغییر محل شهربانی اصفهان و نیاز به فضای دبیرستان که در نزدیکی شهربانی قرار داشت، دبیرستان قدیمی اصفهان منحل شد (فرهمند، ۱۳۸۴، ص ۴۲۰)، بسیاری بر این اعتقاد بودند که این انحلال در تلاش برای دفع اقدامات ضدحکومتی دانش آموزان و مسئولان این دبیرستان انجام شده است (زمانی، مصاحبه، ۱۳۹۵).

گزارش دیگری نیز از رویدادهای مبارزاتی ملی شدن نفت در اصفهان به تاریخ اسفند ۱۳۲۹ در دست است که از تلاش عده ای از دانش آموزان برای تحصن در تلگراف خانهٔ شهر و برگزاری «میتینگی» در حمایت از ملی شدن نفت خبر داده است. در این گزارش از دانش آموزان دبیرستان صارمیه -یکی دیگر از دبیرستان های مطرح اصفهان- در رأس «آشوب های» صورت گرفته نام برده شده است. دانش آموزان این دبیرستان نیز بعدتر در مبارزات اواسط دههٔ پنجاه از جمله افراد فعال در مبارزات انقلابی بودند (طاهر احمدی، ۱۳۸۴، ص ۵۸).

بررسی ها نشان می دهد در میانهٔ دههٔ ۳۰ جنبش جوانان با نوعی رکود مواجه شد؛ ولی در اوایل و میانهٔ دههٔ چهل شمسی، منشأ برخی اعتراضات و اغتشاشات در کشور، جوانان و نوجوانان بودند. در این دورهٔ زمانی و با اوج گیری مطالبه گری بخش های گوناگون، معلمان در کنار کارگران برای تحقق خواسته های خود با تقویت گروه های صنفی به صحنه آمدند. مطلع این اقدامات اعتراضات صنفی معلمان بود که در اردیبهشت ۱۳۴۰ به اوج خود رسید. در این زمان با سازمان دهی های صورت گرفته در باشگاه مهرگان تهران با سردمداری محمد درخشش (نیمهٔ پنهان، ۱۳۸۱، ج ۱۳، ص ۱۳۳) -که به نوعی محل تجمع معلمان و مکانی برای شکل گیری درخواست های آنها بود- از بعداز نوز ۱۳۴۰ تدارکاتی برای اعتصاب سراسری معلمان در کل کشور شکل گرفت. معلمان در این زمان خواسته های خود را از مجرای دانش آموزان به اطلاع سایرین می رساندند. اگرچه دامنهٔ این جریان سراسری بود، ولی بخش برجستهٔ آن با حضور ویژهٔ دانش آموزان، در تهران اتفاق افتاد. در جریان تحصن روز ۱۲ اردیبهشت همان سال مقابل مجلس در تهران که به کشته شدن یکی از معلمان -دکتر خانعلی- منجر

شد، طبق گزارش‌ها دانش‌آموزی به نام سیاوش باباوندی نیز به شدت مجروح شد (مجله امید/ایران، شماره ۳۵۶، ۱۳۴۰/۲/۲۲، ص ۶).

این نکته به‌ویژه در زمان اعتراضات منتهی به ۱۵ خرداد ۴۲ در اصفهان، برای این گروه سنی بااهمیت بود. برخی بررسی‌ها نشان می‌دهد که بعداز دستگیری امام‌خمینی در سال ۱۳۴۲ گروه‌های دانش‌آموزی نیز در سراسر کشور به جمع معترضان پیوستند. در اصفهان نیز دانش‌آموزان دبیرستان سعدی، در کنار فرهنگیان و بازاریان در حوادث خرداد ۴۲ در به‌تعطیلی‌کشاندن بازار اصفهان نقشی مؤثر داشتند (ابطحی و کشتی‌آرا، ۱۳۹۴، ص ۲۶). در کنار اعتراض مستقیم، برخی از کسانی که در این زمان دانش‌آموز دبیرستان بوده‌اند، انتخاب آیت‌الله خمینی را بعداز تبعید به‌عنوان مرجع تقلید از نخستین قدم‌های مبارزاتی با حکومت پهلوی، هرچند به‌شیوه‌ای غیر علنی، برشمرده‌اند (مجله یاد، ۱۳۷۴، ص ۲۲۱).

۳. دانش‌آموزان و شروع نهضت اسلامی

نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که تا اوایل دهه پنجاه عضوگیری رسمی از دانش‌آموزان و مشارکت دادن آن‌ها در فعالیت‌های مبارزاتی به‌شیوه مرسوم، به‌صورت جدی در دستور کار رهبران انقلابی قرار نداشت؛ ولی برخی فعالیت‌های مختصر نسبت به دوره قبل بیشتر رونق داشت. بسیاری از افرادی که در اواخر حکومت پهلوی از سکان‌داران اصلی انقلاب بودند، در سال‌های پیش‌از آن در محافل گوناگون فرهنگی در شهرهای گوناگون، برای پیوستن به فعالیت‌های ضد حکومت پهلوی آمادگی‌های لازم را پیدا کرده بودند.

از اوایل دهه پنجاه، بسیاری از فعالیت‌های سمبلیک اعتراضی در شهری مانند اصفهان با حضور و استفاده از دانش‌آموزان انجام می‌شد. فضل‌الله صلواتی و علی‌اکبر پرورش، از معلمان و رهبران انقلابی این شهر، از تجمعات دانش‌آموزی در ماه محرم به بهترین شیوه استفاده می‌کردند. یکی از این اقدامات برگزاری مراسم عزاداری به‌شیوه‌ای غیر مرسوم در شهر بود. بنابه گفته برخی شاهدان در دهه محرم سال ۵۲، دسته عزاداران دانش‌آموزی از مسجد الهادی واقع در خیابان سیدعلی‌خان تا مسجد سید را در سکوت و درحالی‌که هرکدام شمعی به‌دست داشتند، راهپیمایی کردند. این مراسم به‌یاد آزادی‌خواهان روز عاشورا برگزار شد که تعداد زیادی از نوجوانان دانش‌آموز در آن حضور پیدا کردند (توکل، مصاحبه، ۱۳۹۶). به‌نظر می‌رسد در این مراسم به‌نوعی قدرت معلمان در سازمان‌دهی دانش‌آموزان به نمایش گذاشته شد. بنابه گفته یکی دیگر از فعالان انقلابی، نظیر چنین برنامه‌ای هم به‌بهانه ماه محرم، به‌همت علی‌اکبر پرورش در کانون علمی تربیتی جهان اسلام (از مراکز فرهنگی مذهبی شهر و نوعی همتای حسینیّه ارشاد در اصفهان) برای دانش‌آموزان برگزار شد و دانش‌آموزان در



اطراف فضای سالن کانون با خواندن شعرهایی با مضامینی به‌بهانه عاشورا، به‌نوعی اوضاع نامناسب زمانه را شبیه به زمانه یزید توصیف کردند (زمانی، مصاحبه، ۱۳۹۵).

هم‌زمان با فعالیت‌های غیررسمی دانش‌آموزی که ترتیب‌دهندگان آن مبارزان با حکومت پهلوی بودند، برخی اقدامات با هدف جهت‌دهی به فعالیت‌های سیاسی دانش‌آموزان از طرق دیگر و در چارچوبه رژیم در جریان بود؛ بدین ترتیب که برای نمونه در اوایل سال ۱۳۵۱، سازمان دانش‌آموزان حزب پان‌ایرانیسم در اصفهان، موجودیت خود را اعلام کرد. در اعلامیه‌ای که این حزب به‌صورت رسمی منتشر کرد، هدف اصلی تشکیل حزب، مبارزه با استعمار و مقابله با هرآن‌کسی اعلام شد که به ضرر استقلال و امنیت کشور گام بردارد (مراسان، ۱۴۶۶: ۷۱). به‌نظر می‌رسد بخشی از این فراهم‌آوردن شرایط فعالیت سیاسی در میان دانش‌آموزان، با هدف کنترل این گروه و جلوگیری از پیوستن ایشان به گروه‌های به‌زعم حکومت، ضدمیهنی مانند جبهه ملی، حزب توده یا مبارزان اسلام‌گرا بوده‌است.

از طرف دیگر با شروع این دهه حساسیت‌های حکومت به دانش‌آموزان افزایش یافت؛ بدین ترتیب که گزارش‌های رسیده از دبیرستان‌ها نیز به‌عنوان مراکز تحت‌نظر، با جدیت بیشتری در مراجع عالی‌تر بررسی می‌شد. انشاهای دانش‌آموزی یکی از این موارد حساسیت‌برانگیز بود. انتقاد یا سخن‌گفتن از شاه یا خاندان سلطنتی به هر صورتی، گزارش می‌شد. در حساسیت بر دبیرستان‌های دخترانه یا پسرانه هم تمایزی وجود نداشت. سازمان اطلاعات در گزارشی از کشف چهار برگه دست‌نویس در دبیرستان شاه‌دخت‌آذر اصفهان در سال ۵۱ خبر داد که در آن «مطالب ضدمیهنی» نوشته شده بود. اهمیت این اقدام تا آنجا بود که مسئولان دبیرستان را به تکاپو برای یافتن صاحب دست‌خط نوشته فوق واداشت و تا مدتی جو دبیرستان را متشنج کرد (اسناد بنیاد تاریخ، ۱۳۳۹: ۵).

از دیگر حساسیت‌های رژیم پهلوی در این زمان موضوع آمریکا و اسرائیل و اظهارنظر در این باره بود. درحقیقت از آنجا که یکی از نمودهای مبارزات دانش‌آموزی در این زمان، حمله لفظی به پایگاه‌های اتکای حکومت بود، انتقادات به دو کشور ذکر شده که در گزارش‌های ساواک طرح می‌شد به سرعت بررسی می‌شد. برای نمونه در تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۵۰، از اقدام دانش‌آموزی به نام «محمد مجلسی»، دانش‌آموز کلاس ششم دبیرستان ادب اصفهان، در نوشتن «مرگ بر صهیونیسم، درود بر مبارزین خلق فلسطین، درود ما بر همه شما خلق‌های مبارز» (اسناد بنیاد تاریخ، ۵۳/۲۳۱۲۲) بر تخته‌سیاه گزارشی مفصل تهیه شد. در این گزارش در توصیف این دانش‌آموز بیان شده‌است: «محمد مجلسی فردی ست مذهبی و متعصب و دارای افکار تند و تاحدودی ماجراجو. نامبرده در جلسات

۱. بخش زیادی از اسناد استفاده‌شده در این تحقیق به‌لطف مدیر محترم بنیاد تاریخ و دانش‌نامه انقلاب اسلامی در اختیار نگارنده قرار گرفته‌است.

مذهبی روزهای چهارشنبه هر هفته که از طرف افراد مذهبی تشکیل می شود شرکت می کند» (اسناد بنیاد تاریخ، ۵۳/۲۳۱۲۲). در یکی دیگر از گزارش های مربوط به این شخص آمده است که محمد مجلسی دانش آموزان را به شرکت در جلسات کانون تربیتی جهان اسلام دعوت می کرده است (اسناد بنیاد تاریخ، ۵۱۰/۱۴۰۱).

اسناد به دست آمده و همچنین گفته های فعالان انقلابی اصفهان در دوره مورد بررسی، بیشتر مؤید تلاش کنش گران با گرایش های مذهبی در جلب دانش آموزان است. علت شاید بیشتر به ماهیت مبارزات گروه های چپ بازمی گردد و مناسب ندانستن نوجوانان برای همکاری با گروه های چپ؛ ولی به طور کلی نمی توان منکر این فعالیت ها شد. یکی از بولتن های محرمانه سازمان امنیت کشور در تاریخ ۵ اسفند ۵۳، از دستگیری تعدادی از اعضای گروهی که آن را وابسته به کمونیست ها معرفی کرده اند، در تاریخ ۱۸ آذر ۵۳ در شهرهای اصفهان، شهرکرد، رشت و تبریز خبر داد. در این گزارش آمده است که هسته اولیه شکل دهنده این گروه تعدادی از دانشجویان دانشگاه اصفهان به همراهی برخی از دانش آموزان دبیرستان های اصفهان بوده اند. در توضیح این خبر بیان شده است که دو نفر از اعضای اصلی این گروه به نام های مجید مهریار^۱ و علی کریمی حبیب آبادی که در راستای اهداف گروه مبنی بر تلاش برای فعالیت های مسلحانه و آموزش نظامی قصد داشته اند از ایران خارج شوند و به فلسطین بروند، به هنگام خروج در مرز ایران بازداشت و به اصفهان بازگردانده شده اند. از ۱۹ نفر دستگیر شده این گروه، ۴ نفر، از جمله دو فرد مذکور، دانش آموز دبیرستان ادب اصفهان بوده اند (اسناد بنیاد تاریخ، ۳۱۱/۱۲۴۵۳، صص ۱-۴).

درواقع به ویژه تا پیش از سال ۵۴ و اعلام رسمی جدایی مواضع مجاهدین خلق، بسیاری از فعالان مذهبی نیز به نوعی حامیان گروه مذکور در مقابل فدائیان خلق بودند و درباره برخی آموزه های آن ها با دانش آموزان سخن می گفتند. این نکته حتی در مدارس نیز مشهود بوده و برخی معلمان در اعتراضات خود حتی در کلاس های خود به برخوردهای تند حکومتی با این گروه اشاره می کرده اند. در یکی از این موارد محمدجواد نیل فروشان^۲ در خردادماه ۵۱ در کلاس درس به اعدام علی اصغر بدیع زادگان^۳ اعتراض می کند که باعث اضافه شدن گزارشی به پرونده او می شود (اسناد بنیاد تاریخ، ۶۵۲۶۵۱۰/۵۱۰).

به نظر می رسد اقدامات دانش آموزی در شهر اصفهان تا میانه دهه پنجاه در مواردی خودجوش و با ابتکار شخصی دانش آموزان انجام می شده است. درواقع این بخش از جامعه از مدتی قبل تحت آموزش های گوناگون قرار گرفته بودند، ولی اقدام و عملشان تا مدت ها تشکیلاتی و منظم نبود. از طرف دیگر بررسی اسناد نشان می دهد که تا قبل از سال ۵۷، حکومت پهلوی دانش آموزان را خطری بالقوه به حساب نمی آورده است؛ برخلاف

۱. بنابه گفته یکی از هم کلاسان این فرد، مجید مهریار هدایت اصلی گروه را در دبیرستان برعهده داشته است. او بنابه موقعیت و فعالیت های خانوادگی با مبانی ایدئولوژی مارکسیستی آشنا بوده و تلاش می کرده است تا در بین هم کلاسان خود افرادی را به فعالیت های ویژه جذب کند. منزل او یکی از محل های اصلی تجمعات دانش آموزان علاقه مند بوده و او مباحثات بسیاری را ترتیب می داده است (علی مرادی، مصاحبه، ۱۳۹۶).

۲. از دبیران مذهبی اصفهان و از مؤسسان مجموعه پیشگامان انقلاب اسلامی در این شهر.

۳. از اعضای اصفهانی هیئت مرکزی مجاهدین خلق که در سال ۵۱ اعدام شد.

دانشجویان که بر فعالیت‌ها و اقداماتشان فراوان نظارت می‌شد. به نظر می‌رسد که به گزارش‌هایی که از اقدامات دانش‌آموزان ارائه می‌شده حساسیت چندانی وجود نداشته‌است. از دیگر اقدامات دانش‌آموزان از میانه دهه پنجاه، واکنش به نصب تصاویر محمدرضا پهلوی و خانواده سلطنتی در مدارس و کلاس‌های درسی بود. یکی از این واکنش‌ها که انعکاس آن در اسناد ساواک نیز موجود است، مربوط به دانش‌آموزان دبیرستان احمدیه اصفهان است. مدیر این دبیرستان - که از دبیرستان‌های اسلامی اصفهان به‌شمار می‌رفت - از زمان تأسیس یکی از شخصیت‌های شناخته‌شده شهر به‌نام آیت‌الله بدری بود. با برکناری او در سال ۵۴، مدیر جدید دبیرستان، حسین امامی، دستور داد تا تصاویر شاه و ولیعهد در کلاس‌های درسی نصب شود. شبی که قرار بود نخستین رویداد رسمی مدرسه در زمان مدیر جدید (جشن میلاد امام رضا ^(ع)) برگزار شود، مدیر دبیرستان از طرف فردی ناشناس تهدید شد که تصاویر جدید نصب‌شده را باید حذف کند. در همان شب دانش‌آموزان دبیرستان نیز تلاش کردند تا به همین بهانه از اجرای برنامه خودداری کنند (یاران امام به‌روایت اسناد ساواک: پرورش، ۱۳۹۴، صص ۲۷-۴۹).

از دیگر شیوه‌های مبارزاتی دانش‌آموزان مقطع متوسطه در زمان اوج‌گیری تکثیر و توزیع اعلامیه‌ها سرقت دستگاه پلی‌کپی مدارس بود. البته در گزارش‌های اولیه هدف از سرقت این دستگاه‌ها، نیاز مالی سارقان بیان می‌شد که گاهی هم این سارقان از میان دانش‌آموزان بودند (اسناد بنیاد تاریخ، ۲۵/۱۰/۹۸۲۵)؛ ولی استفاده از همین دستگاه‌ها در تکثیر اعلامیه‌ها، بعداً غلط‌بودن گزارش‌های اولیه را ثابت کرد (اسناد بنیاد تاریخ، ۲۵/۱۰/۹۸۲۵).

به نظر می‌رسد بدین ترتیب دانش‌آموزان از مدت‌ها قبل از مرحله نهایی نهضت، به شیوه‌های گوناگونی به مشارکت سیاسی منفی برضد حکومت وارد شده بودند؛ بنابراین با شروع رویدادهای این مرحله، دانش‌آموزان قوه محرکه و تشدیدکننده فعالیت‌های مبارزاتی به‌شمار می‌رفتند.

گاهی برخی رفتارهای مأموران امنیتی با نوجوانان - به‌ویژه تا قبل از اعلام رسمی ممنوعیت شکنجه در بازداشتگاه‌ها در سال ۵۵ (اسناد بنیاد تاریخ، ۳-۱۷-۷۷/۴۵) - به‌اندازه‌ای شدید بود که در یکی از اسناد ساواک اصفهان از کورشدن دانش‌آموزی به‌نام «محمد شهشهانی» در زیر شکنجه گزارش داده شده‌است. البته بعدتر به گزارش خود مأموران، بی‌گناهی این دانش‌آموز اثبات شده‌است (بنیاد تاریخ، ۳-۱۷-۷۷/۴۵). طبق گفته یکی از دوستان شهشهانی، فعالیت او در آن زمان صرفاً شرکت در برخی جلسات و توزیع برخی اعلامیه‌های مراجع مذهبی در سطح دبیرستان بوده‌است (زمانی، مصاحبه، ۱۳۹۵).

۴. اوج گیری نهضت اسلامی و حضور فعال دانش آموزان در صحنه

بعد از شروع موج نهایی انقلاب از دی ماه ۵۶، بخش عمده‌ای از حاضران و حتی ترتیب دهندگان مراسم چهلم آیت الله مصطفی خمینی در اصفهان از میان نوجوانان دانش آموز بودند. برای دانش آموزان در آن زمان هر اقدامی فرصتی مغتنم به شمار می رفت. برای آن گروه از دانش آموزانی که تا قبل از حوادث سال ۵۶، به فعالیت های انقلابی وارد نشده بودند، وقایع ۱۹ دی ماه قم جرقه ای بود برای ورود به جرگه فعالیت. یکی از دانش آموزانی که بنابه گفته هم کلاسی و معلمانش از فعالان انقلاب در دبیرستان نشاط اصفهان بوده است، شروع فعالیت خود را از اقدام شبانه برای نوشتن شعار «مرگ بر شاه» بر دیوار مدرسه می داند. او بعد از خواندن اخبار مرتبط با حوادث قم به صورت خودجوش از فرصت بازبودن مدرسه برای برگزاری کلاس شبانه استفاده کرده بود و این شعار را بر دیوار نوشته بود (حمزه زاده، مصاحبه، ۱۳۹۶). همین دانش آموز بعد از این واقعه با دانشجویانی آشنا شد که با راهنمایی آنها مسیر فعالیت انقلابی خود را ادامه داد. به نظر می رسد که ورود جریانات انقلابی به دبیرستان های دخترانه کمی دیرتر شروع شده باشد؛ یعنی در زمانی که از میانه سال ۵۶ دانش آموزان دبیرستان های پسرانه اصفهان فضای انقلاب را به سطح شهر می کشاندند، از نظر برخی دختران دبیرستان بهشت آیین اصفهان، حتی سال ۵۶ نیز فضای انقلابی در این دبیرستان محسوس نبوده و از اوایل سال ۵۷ زمزمه هایی در مدرسه به گوش می رسیده است (سعیدی، مصاحبه، ۱۳۹۶).

با پیشرفت فعالیت های سیاسی-انقلابی، برگزاری برخی جلسات سخنرانی در شهر با حضور مدیریتی نوجوانان انجام می شد. در زمان سخنرانی های حسن روحانی در مسجد حکیم اصفهان بخشی از شرکت کنندگان فعال در جلسه دانش آموزان بودند (روحانی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۸۷). با افزایش جرئت و جسارت دانش آموزان، آنها حتی برای سایر افراد نیز سخنرانی می کردند. تا پیش از عمومی شدن اعتراضات، جوانان که در میان آنها دو گروه دانش آموزان و معلمان، هر دو حضور داشتند، جلساتی مخفیانه شکل داده بودند. یکی از معلمان آن زمان که در قالب سپاه دانش در فلاورجان و اصفهان درس می داد، از جلسات مخفیانه ای صحبت کرده است که در مسجد حاج محمدجعفر واقع در خیابان عبدالرزاق شکل می گرفته است. قرار جلسه مسجد و سپس تجمع در مقابل درب امام^۱ به طور مخفیانه و زبان به زبان میان کسانی که همدیگر را می شناختند به صورت شبانه گذاشته می شد (شهبازی، مصاحبه، ۱۳۹۶). در این جلسات که با تجمع سر ساعت برگزار می شد اعلامیه های جدید امام خمینی قرائت می شد. بسیاری از این فعالیت ها خارج از گروه های سیستماتیک بود. شرکت کنندگان در این قبیل جلسات خود را به هیچ گروهی

۱. درب امام: از زیارتگاه های مردم اصفهان و نزدیک به مسجد حاج محمدجعفر (خیابان عبدالرزاق) در یکی از کوچه های خیابان ابن سینا از خیابان های مرکزی اصفهان.



وابسته نمی دانستند. تنها دلیلشان برای شرکت در این جلسات و تظاهرات محدود، به قول خودشان «شکستن قفل زبان‌ها و جاری شدن شعار مرگ بر شاه از زبان مردم» بوده است (شهبازی، مصاحبه، ۱۳۹۶).

تابستان سال ۵۷ در اصفهان، برای دانش آموزان شهر تجربه‌ای جدید به‌شمار می‌رفت. در تیرماه ۱۳۵۷ با تحریک ساواک و شهربانی تعدادی از زندانیان غیرسیاسی به زندانیان سیاسی اسیر در زندان اصفهان حمله کردند و آن‌ها را مصدوم کردند. در اعتراض به این موضوع تعداد ۴۰ نفر از مادران، خواهران و همسران زندانیان سیاسی با تحصن در خانه آیت‌الله خادمی، رسیدگی به این موضوع و جلوگیری از تکرار آن را خواستار شدند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک: استان اصفهان، ج ۲، ۱۳۸۶، ص ۶۵). در این تحصن تعدادی از خانم‌های شرکت‌کننده از دانش آموزان بودند که در اعتراض به تعرض به اعضای خانواده خود به این جمعیت پیوسته بودند. تحصن دوم بعد از این رویداد با دستگیری آیت‌الله سیدجلال‌الدین طاهری اتفاق افتاد. مردم برای کسب تکلیف و حمایت به‌سوی منزل آیت‌الله خادمی حرکت کردند و تحصن دیگری را در منزل او شکل دادند. در این تحصن بسیاری از دانش آموزانی که تا پیش از آن در مسائل سیاسی درگیر نبودند نیز دخیل شدند. برای برخی از آن‌ها این تجمع فرصتی برای گفت‌وگو درباره مسائل روز و برخی دیگر از اقدامات بود (زاهدی، مصاحبه، ۱۳۹۶). از آنجاکه تعدادی از روزهای این تحصن در ماه رمضان بود، بسیاری از دانش آموزان شرکت‌کننده در تحصن با زبان روزه بخشی از روز را تا پاسی از شب در منزل آیت‌الله خادمی به‌سر می‌بردند. حضور دانش آموزان در این اقدام چشم‌گیر بود و محرکان شناخته‌شده برای حضور دانش آموزان در منزل آیت‌الله خادمی، علی‌اکبر پرورش، حسن علی زه‌تاب و ابوالحسن بدری بودند. این چند نفر عوامل اصلی کشاندن دانش آموزان هنرستان‌ها و دبیرستان‌هایی که در آن تدریس می‌کردند به خانه آیت‌الله خادمی، معرفی می‌شدند (مهرعلی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۲۴). این سه نفر از معلمان باسابقه شهر بودند که در میان دانش آموزان نیز نفوذ زیادی داشتند. تحصن مذکور با حمله به متحصنان پایان یافت. در این حمله یکی از دانش آموزان دبیرستان ادب شرکت‌کننده در این مراسم به‌هنگام فرار گلوله خورد و به شهادت رسید (نوربخش، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۰).

از این زمان هر حرکتی که برانگیزنده خشم مأموران حکومتی بود، برای دانش آموزان جذابیتی ویژه داشت و انجامش می‌دادند.^۱

اعلامیه‌ای به امضای علمای حوزه علمیه قم به تاریخ ۲۶ شهریور ۵۷ برنامه مبارزاتی دانش آموزان را چنین ترسیم کرده بود که دانش آموزان دبیرستان در هنگام برنامه‌های صبحگاهی و به‌هنگام خروج از دبیرستان، ۵ مرتبه شعار «مرگ بر شاه جلاد» و ۵ مرتبه

۱. «مساجد اجازه پخش مناجات ماه رمضان را نداشتند؛ بنابراین برای پخش آن سیمی از بلندگوی مسجد سید به خانه یکی از همسایه‌ها کشیدیم. سحرها همسایه مناجات سحر را روشن می‌کرد و صدای آن از بلندگوی مسجد پخش می‌شد. ساواک بسیار در جست‌وجوی عامل پخش‌کننده این آوا بود که موفق نشد» (مسجدی، مصاحبه، ۱۳۹۶).

شعار «دروود بر خمینی بت شکن» و ۵ مرتبه شعار «زننده و جاوید باد یاد شهیدان ما» را سردهند تا همبستگی خود را با نهضت اسلامی امام خمینی نشان دهند. بر این موضوع نیز تأکید شده بود که دانش آموزان حتماً یکدیگر را از این برنامه مطلع کنند. در گزارش های ساواک خبر پخش این اعلامیه در مقابل دبیرستان جامع سعدی اصفهان آمده است (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک: استان اصفهان، ج ۴، ۱۳۹۵، ص ۶). البته به نظر می رسد توزیع این اعلامیه صرفاً به این دبیرستان محدود نبوده است و دانش آموزان برخی دیگر از دبیرستان ها نیز به رؤیت اعلامیه مذکور اشاره کرده اند (آقاجان، مصاحبه، ۱۳۹۶).

با رسیدن فصل پاییز و بازشدن مراکز آموزشی، به نظر می رسید که با حذف اوقات فراغت دانش آموزان و دانشجویان، آن ها صحنه خیابان ها را ترک خواهند کرد؛ ولی از همان روزهای نخستین مهرماه این بخش از جامعه با شدت بیشتری به خیابان ها آمدند؛ بدین ترتیب موج انقلابی بیشتر سرعت گرفت. «بازشدن مدارس، به خصوص در وضعی که وزیر چهارساله آموزش و پرورش -منوچهر گنجی- که با اقدامات رفاهی و مادی بین معلمان تحرکی پدید آورده بود استعفا داده بود و کار به دست کسانی افتاده بود که در زمان بی سروسامانی دولت قادر نبودند نظمی به کار آموزش بدهند، ضربه ای محکم به دولت وارد آورد» (بهنود، ۱۳۶۶، ص ۷۹۰). در این وضعیت دانش آموزان و دانشجویان، در مرکز توجه گروه های گوناگون ضد رژیم قرار داشتند، چون برای به میدان کشاندن آن ها کار زیادی لازم نبود.

دانش آموزان در کشاندن دامنه تظاهرات به بخش های دیگر جامعه نیز نقشی پررنگ ایفا می کردند. نزدیکی مدارس اصلی مؤثر در انقلاب به مرکز شهر و بازار اصفهان، این اثرگذاری را افزایش می داد. دانش آموزان در یکی از روزهای اوایل سال تحصیلی ۵۷ با حضور در بازار بزرگ شهر با فریادهای «برادر، برادرت کشته شد» بازاریان را به پیوستن به خود دعوت کردند. این در حالی بود که مأموران فرمانداری نظامی اطراف بازار بزرگ اصفهان ایستاده بودند. دانش آموزان فقط پس از خروج از دهانه های بازار متفرق شدند (روزنامه کیهان، ۵۷/۸/۲)؛ این اقدام ایشان در روزهای بعد هم ادامه یافت.

نکته ای که به نظر می رسد در گسترش این اقدامات بیشتر اثر داشته است دو اتفاق متناظر با شروع سال تحصیلی بوده است: نخست پیام امام خمینی به مناسبت بازگشایی مدارس و دانشگاه ها و حوزه های علمیه که در تاریخ ۱۶ مهر ۵۷ (صحیفه امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳، صص ۴۸۳-۴۸۸) ایراد شد و شیوه مبارزاتی دانش آموزان را به سمت جدیدی کشاند. انعکاس این پیام در جراید آن روز به مطرح شدن آن در جمع گسترده ای از دانش آموزان کمک کرد. دانش آموزان به طور رسمی از سمت رهبر انقلاب به ورود به

عرصه مبارزه دعوت شده بودند: «پیام مهم امام به دانش‌آموزان و انتشار آن در جراید واقع‌ای جدید بود. محصلین هم مثل سایر اقشار ملت تکلیف پیدا کرده بودند. آنان از مبارزات دانشگاه بسیار شنیده بودند و اکنون می‌بایست به‌همراه دانشجویان مراکز آموزش عالی در صف مبارزین قرار گیرند. میلیون‌ها دانش‌آموز مصمم بودند که آینده‌ساز باشند و دیگر تسلیم محض نباشد» (مدنی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۱۷۰).

رویداد مرتبط دیگر که باعث به‌صحنه‌کشاندن تعداد بیشتری دانش‌آموز به عرصه مبارزاتی شد، اعلامیه‌های گروه‌های مبارز مانند فجر اسلام بود که با انتشار و توزیع دو اعلامیه با مخاطب قرار دادن دانش‌آموزان با عنوان «شما دانش‌آموز عزیز» و دیگری خطاب به معلمان با عنوان «سخنی با آموزگاران» (انقلاب اسلامی به‌روایت اسناد ساواک: استان اصفهان، ج ۴، ۱۳۹۵، ص ۹۴) رسماً دانش‌آموزان را به حضور در مبارزات دعوت کردند. آغازگر این تظاهرات که موج جدید آن در اصفهان از دوم مهرماه آغاز شد، دانش‌آموزان دبیرستان‌های پسرانه بودند. محل این اعتراضات در مرحله نخست مراسم صبحگاه مدارس بود که در آن خاندان سلطنتی و شخص شاه ستایش می‌شدند (مهرعلی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۲۴۱) و دانش‌آموزان با سعی در برهم‌زدن این مراسم، مخالفت خود را با این‌گونه رفتارها نشان می‌دادند.

دستگیری دو نفر از دبیران مدارس اصفهان که به سابقه مبارزاتی شهرت داشتند -علی‌اکبر پرورش و حسن علی زه‌تاب- بهانه جدی دانش‌آموزان برای تحصن در مهرماه ۵۷ بود. دانش‌آموزان و معلمان مدارس اصفهان طی اعلامیه‌ای اعلام کردند که در اعتراض به این موضوع روز ۱۶ و ۱۷ مهر به سر کلاس نخواهند رفت و تا آزادی این دو نفر این تحصن ادامه خواهد داشت (نوریخس، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۹). با گسترش دامنه این جریان و سایر اعتراضات مشابه در مدارس دیگر شهرهای ایران، مسئولان حکومت که به عمق خطر پیش‌روی این اعتراضات در سطح دانش‌آموزی پی برده بودند، بخش عمده‌ای از مذاکرات شورای امنیت ملی در مهر ۵۷ را به این موضوع اختصاص دادند (آیا او تصمیم دارد بیاید به ایران، ۱۳۷۶، ص ۵۸). درواقع به‌علت بازتاب گسترده‌ای که فعالیت‌های دانش‌آموزی در سطح جامعه می‌یافت، این نکته در حد اعلامی اهمیت قرار گرفت و بایستی به‌سرعت به آن پرداخته می‌شد. در ادامه امر اولین درخواست‌های علنی برای تغییر نام یکی از مراکز دولتی از پهلوی به خمینی، در دبیرستان پهلوی کاشان مطرح شد که دانش‌آموزان رسماً تغییر نام این دبیرستان به امام‌خمینی را خواستار بودند (حسینیان، ۱۳۸۵، ص ۳۷۷). مدیر دبیرستان در پاسخ به این عملکرد دانش‌آموزان، به ناتوانی خود در مقابله اذعان کرد و از مسئولان خواست تا استعفایش را بپذیرند (مراسان، ۳۸، ۳۹).

به نظر می‌رسد در این مقطع زمانی، چنین مسئله‌ای فراگیر بوده‌است؛ مدیران و مسئولان مدارس اعلام می‌کردند که در مقابله با دانش‌آموزان توان ندارند و استعفا می‌دادند. مشکل این بود که تصمیم‌گیری درباره نحوه برخورد با دانش‌آموزان و مدارس بسیار سخت بود. این گروه با سایر اقشار مبارز متفاوت به نظر می‌رسیدند. با برخی از گروه‌های مبارز انقلابی راه گفت‌وگو و مذاکره در پیش گرفته شده بود؛ این مذاکرات اعم از موفق یا ناموفق بودن، امکان‌پذیر بود؛ ولی برای گفت‌وگو با دانش‌آموزان که نماینده‌ای صاحب‌نفوذ نداشتند راهی وجود نداشت؛ دانش‌آموزان مهارناپذیر به نظر می‌رسیدند.

امریکایی‌ها که به‌ظاهر رویدادهای این دوره ایران را به‌دقت تحت‌نظر داشتند، با شروع آبان‌ماه از شدت گرفتن تظاهرات ضدحکومتی گزارش داده‌اند. در این گزارش‌ها به درخواست دانش‌آموزان برای جایگزینی عکس آیت‌الله خمینی به‌جای عکس شاه، آزادی معلمان زندانی و برگزاری کلاس‌ها به‌صورت عادی در روز تولد شاه، اشاره شده‌است.^۱ در همین گزارش که از روز اول آبان‌ماه تهیه شده این نکته آمده‌است که در روزهای منتهی به آبان حتی تیراندازی هوایی باعث متفرق شدن تظاهرکنندگان نشده و این نشانه آشکار شدن ضعف نیروهای نظامی در برابر مخالفان است (اسناد لائنه جاسوسی آمریکا، ج ۹، ۱۳۸۷، صص ۲۱۸-۲۱۹). در گزارشی دیگر از کنسول‌گری آمریکا در اصفهان که به ذکر رویدادهای روز سوم تا هفتم آبان اختصاص یافته‌است، ضمن بیان افزایش نگرانی درباره موج روبه‌ازدیاد مخالفت با امریکایی‌ها این نکته آمده‌است که «رهبری اعتراض و مخالفت به‌دست محصلین دبیرستان‌ها افتاده است [و آن‌ها] نظم و سازمان فوق‌العاده‌ای از خود به نمایش گزارده‌اند» (اسناد لائنه جاسوسی آمریکا، ج ۹، ۱۳۸۷، صص ۲۴۳-۲۴۴).

روز دوم آبان‌ماه ۵۷ نیز از روزهای پرتنش و حساس در شهر اصفهان بود. دانش‌آموزان مدارس در این روز نیز کلاس‌های خود را در خیابان‌ها دنبال کردند. با هجوم نیروهای گارد شاهنشاهی به دبیرستان ادب، و ممانعت تقی بهدادفر^۲ (رئیس دبیرستان) از حضور نیروها در مدرسه و متعاقب آن دستگیری او، هیجان دانش‌آموزان به اوج خود رسید. درنهایت با تلاش استاندار و رئیس‌کل اداره آموزش و پرورش، بهدادفر پس از یک ساعت آزاد شد (کیهان، ۵۷/۸/۳، ص ۲۳). سرعت حکومت در برآورده کردن این خواسته دانش‌آموزی بر امید دانش‌آموزان برای به‌دست‌آوردن آنچه مدنظرشان بود افزود. در این زمان دانش‌آموزان متوجه شده بودند که در حفظ یا برکناری دبیران و مسئولان مدارس خود، اثرگذارند. این اتفاق خود به پی‌گیری پیوسته و ادامه تلاش‌ها منجر می‌شد. نوجوانان می‌دانستند که قدرتی پیدا کرده‌اند که بر تصمیم‌گیری‌های حکومت مؤثر است. روز دوم آبان بازهم مدارس اصفهان رسماً تعطیل شد و دانش‌آموزان در تظاهرات شرکت کردند. در

۱. همه‌ساله به‌مناسبت تولد محمدرضا پهلوی در روز ۴ آبان، در مدارس جشن برپا می‌شد و روند عادی مدارس مختل می‌شد.
۲. تقی بهدادفر از اعضای کانون مرکز جامعه سوسیالیست‌های ایران بود و از سال ۱۳۵۲ مدیر دبیرستان ادب اصفهان شد. باوجود آنکه تمایلات چپ او برای حکومت پهلوی آشکار بود و حتی در یکی از گزارش‌های مهر ۵۷ از حضور او در رأس دبیرستانی با تعداد زیادی دانش‌آموز اظهار نگرانی شده‌است (اسناد بنیاد تاریخ، ۵۱۰/۱۰۶۰۳)، ولی بنابه همین گزارش و گفته‌های فعالان دانش‌آموزی دبیرستان ادب، بهداد به‌صورت علنی از تمایلات خود در میان دانش‌آموزان صحبت نمی‌کرده‌است؛ به‌نحوی که حتی برخی دانش‌آموزان تا قبل از موضع‌گیری علنی او در برابر ورود مأموران حکومتی به مدرسه، او را از موافقان رژیم برمی‌شمردند (زمانی، مصاحبه، ۱۳۹۵).

فهرست دستگیرشدگان این تظاهرات نام چند دانش‌آموز نیز آمده است. (روزنامه رستاخیز، ش ۱۰۴۶، ص ۱۴).

مقابله با دانش‌آموزان شیوه‌های خاص و متفاوتی را طلب می‌کرد؛ به نحوی که نه آن‌ها را بیشتر تحریک کند و نه باعث عصبانیت و افزایش واکنش سایر مردم نیز شود. در گزارش یکی از مأموران حاضر در یکی از تجمعات دانش‌آموزی آمده است:

«در ساعت ۰۸۰۰ مورخه ۵۷/۸/۲ به من با تیم عضویت مأموریت داده شد که از هرگونه اجتماع در منطقه (فلکه شاه‌عباس - خیابان استانداری - بلوار هشت‌بهشت تا دبیرستان بهشت‌آئین) جلوگیری و عملیات در آن منطقه را به‌عهده بگیریم. ابتدا اطلاع پیدا کردم که تعدادی از دانش‌آموزان [دبیرستان] صارمیه در دبیرستان حکیم سنائی اجتماع کرده و قصد دارند به‌اتفاق دانش‌آموزان دبیرستان حکیم سنائی به محوطه آموزش و پرورش واقع در هشت‌بهشت رفته و تظاهراتی به پا کنند. من بلافاصله به جلو دبیرستان حکیم سنائی رفتم و هنگامی که دانش‌آموزان به‌صورت اجتماع خارج می‌شدند با بلندگو آنان را متفرق کردم. در همین اثنا به من خبر دادند که چند نفر دانش‌آموز پسر به دبیرستان دخترانه بهشت‌آئین حمله [کرده‌اند] و سنگ پرتاب می‌کنند. سریعاً به محل رفته و آنان با استفاده از ترافیک سنگین خیابان مذکور فرار کردند. در این موقع دیدم سرهنگ دوم فروغی که در آن منطقه مأموریتی نداشت جلو دبیرستان بهشت‌آئین از خودرو پیاده شد و آمرانه به من گفت آن بلندگو را به من بده و برخلاف دستورات صادره در میان چهارچوب درب دبیرستان بهشت‌آئین ایستاد و شروع به تحریک دانش‌آموزان و دادن شعار کرد (البته نه شعار مضره) و به‌این‌ترتیب دانش‌آموزان دبیرستان فوق را به‌صورت اجتماع از دبیرستان خارج [کرد] و گرفتاری بزرگی برای من ایجاد کرد؛ چون بلافاصله پس از خروج دانش‌آموزان تعداد زیادی از آنان شروع به دادن شعارهای مضره کردند و از نظر افکار عمومی صلاح نبود که پلیس یا سربازان با باتوم به دختران چادری که درحال شعاردادن بودند حمله کنند که من با بلندگو از آنان خواستم متفرق شوند و آنان به‌طرف هشت‌بهشت ولی به‌طور آرام حرکت کردند و در جلو اداره آموزش و پرورش مدیرکل آموزش و پرورش ضمن تشکر از رفتار من با دانش‌آموزان به معاون خود و تعدادی از مسئولان اداره مذکور دستور داد با من درباره متفرق کردن دانش‌آموزان همکاری کند که با همکاری آنان وضع هشت‌بهشت آرام شد و

به ستاد فرماندار نظامی گزارش شد. تا اینکه مجدداً سرهنگ دوم فروغی در بلوار هشت بهشت حاضر [شد] و آرامش را به هم زد. [فروغی] مدیر دبیرستان ادب و برادرش را که تا آن موقع به صورت ظاهر هم که بود با من همکاری [می کرد] و از خروج دانش آموزان از دبیرستان ادب که قصد داشتند به اداره آموزش و پرورش رفته تظاهرات به پا کنند جلوگیری می کرد در مقابل دبیرستان جلو چشم دانش آموزان با وضع بسیار زننده ای گرفت که به فرمانداری نظامی ببرد و به معاون آموزش و پرورش که جلو آمده [بود] و می گفت ما همه با نیروهای انتظامی همکاری می کردیم اهانت کرد که با این عمل وضع منطقه دبیرستان ادب، دبیرستان ۲۲ مهر [و] اداره آموزش و پرورش منقلب [شد] و تظاهرات شدیدی ایجاد [شد]؛ به طوری که دانش آموزان با سنگ به مأمورین حمله ور شدند و در این موقع افسر فوق الذکر با اسلحه کمری خود تیری هوائی شلیک [کرده] و وضع را به نهایت آشفته کرده از منطقه دور شد که من مجدداً با تلاش بسیار دانش آموزان را متفرق و منطقه را آرام کردم» (اسناد وزارت اطلاعات^۱، گزارش مدت دوره از ساعت ۰۷۰۰ مورخه ۵۷/۸/۲ تا ساعت ۰۷۰۰ مورخه ۵۷/۸/۳).

چنان که گفته شد در این زمان علیه برگزاری مراسم سالروز تولد محمدرضا پهلوی نیز حساسیتی ویژه به وجود آمده بود. برای این روز اعلامیه ای در مدارس اصفهان پخش شد با این مضمون که در روز مذکور تمام مدارس دایر است و دانش آموزان با لباس های مشکی سر کلاس حاضر شوند. برای مقابله با این اقدام دستور داده شد که هر دانش آموزی در این روز با لباس مشکی دیده شود دستگیر شود (اسناد وزارت اطلاعات، شماره ۵۷/۸/۲، ۲۰، ۱۰/۱۱۳۵۰).

با نزدیک شدن به میانه پاییز، فعالیت های تهدیدی نیز به اقدامات دانش آموزان اضافه شد؛ تهدید برخی مغازه داران برای تعطیلی مغازه ها یا حتی تهدید بمب گذاری در مدارس که باعث می شد مسئولان دبیرستان ها سراسیمه مدارس را تعطیل کنند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک: استان اصفهان، ج ۴، ۱۳۹۵، ص ۲۷۸).

در حقیقت با نزدیکی به زمان پیروزی انقلاب، افراد زیادی در این نهضت اسلامی دخیل شدند؛ ولی شاکله اصلی به کسانی متعلق بود که قبل تر و در جلسات مخفی تربیت شده بودند. این افراد به صورت تشکیلاتی بارآمده بودند و آماده فعالیت بودند و برای هر گونه اقدامی در راستای دستیابی به اهداف مدنظر آمادگی کامل داشتند. این افراد از دوره های قبل تر آموزش های لازم را دیده بودند و برای این برهه خاص آماده شده بودند.

۱. برخی از اسناد استفاده شده در این مقاله با همکاری مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات در اختیار نگارنده قرار گرفته است.

بنابه اطلاعات روزنامه‌ها و اسناد، بیشترین آسیب به اموال عمومی در شهر اصفهان را دانش‌آموزان زدند. با اوج گرفتن فعالیت‌های انقلابی و پس از تعطیل کردن مدارس، قدم بعدی حمله به پایگاه‌های اقتصادی حکومت بود. پیش‌ازین، حمله به مراکزی مانند سینماها، کافه‌ها و مشروب‌فروشی‌ها رایج بود، ولی مقصد جدید به‌ویژه در میان دانش‌آموزان مراکزی مانند بانک‌ها -به‌ویژه بانک صادرات بود که مالک آن در بین مردم به بهایی بودن شهرت داشت- و ایستگاه‌های اتوبوس و حتی پمپ‌بنزین‌ها بود. اقداماتی از این دست فرماندار نظامی اصفهان را وادار کرد که اعلامیه پنجم خود را منتشر کند. این اعلامیه که در جراید نیز چاپ شد، با لحنی که آشکارا دوستانه و دلسوزانه بود مردم را به مقابله با دانش‌آموزان که عامل اصلی این حملات معرفی می‌شدند، فراخواند (پیغام/امروز، شماره ۴۵۰۲، ص ۳).

در ادامه این اعلامیه آمده است: «تأسف اینجاست که عامل بالفعل این اعمال در لباس دانش‌آموزان هستند که مدرسه و دبیرستان را تعطیل می‌کنند که پمپ‌های بنزین را به آتش بکشند و بانک‌ها را بسوزانند و دستبرد بزنند و پلیس را که حافظ جان و مال و ناموس مردم می‌باشد در نهایت ناجوانمردی مجروح [کنند] و به قتل برسانند» (پیغام/امروز، شماره ۴۵۰۲، ص ۳) «ولی این عوامل شناخته‌شده باید بدانند که فرمانداری نظامی اصفهان و حومه با پشتیبانی قاطبه اهالی شریف و متدین و میهن‌پرست اصفهان به یاری خداوند بزرگ و به پیروی از تعالیم عالیّه دین مبین اسلام نقشه‌های خائنه مشی مزور بیگانه‌پرست را نقش بر آب خواهد کرد و در پایان این مبارزه حق بر باطل پیروز [خواهد شد] و عناصر آشوب‌طلب و اخلاص‌گر و فریب‌خورده منکوب [خواهند شد] و به سزای اعمال ناپسند و پلید [خود] خواهند رسید» (پیغام/امروز، شماره ۴۵۰۲، ص ۳). در لابه‌لای این جملات تلاشی برای ترغیب مردم به مقابله با دانش‌آموزان وجود دارد؛ شاید چون هنوز این گمان وجود داشته است که مقابله خشن حکومت با دانش‌آموزان -که کودک و بیشتر نوجوان بودند- مردم را خشمگین‌تر می‌کند و تعداد بیشتری را به میدان می‌کشد. علاوه بر این لحن اعلامیه نوعی اخطار به خانواده‌ها نیز هست که خود از اقدامات و فعالیت‌های نوجوانانشان جلوگیری کنند؛ زیرا از لحظه ابلاغ اعلامیه آن‌ها نیز در دسته سایر به اصطلاح «خرابکاران» قرار می‌گرفتند.

البته همه آنچه از حضور دانش‌آموزان به یاد مانده است تخریب و آشوب نیست. ناظری خارجی که یک سال بعد از انقلاب در ایران به سر می‌برده و توانسته است فیلم‌های مربوط به یکی از تظاهرات‌های اصفهان را ببیند، بچه‌مدرسه‌ای‌هایی را توصیف می‌کند که آشغال‌های خیابان را جمع می‌کنند تا خیابانی که تظاهرکنندگان از آن عبور کرده‌اند

تمیز بماند. در صحنه‌ای دیگر او از بچه‌هایی سخن می‌گوید که هنگام عبور از خیابانی که در آن تیراندازی شده بوده‌است کیف‌های مدرسه را به زمین می‌اندازند و ورق‌های دفترهای خود را به خون ریخته‌شده کف خیابان آغشته می‌کنند تا هشداری در تاریخ به‌یادگار بگذارند. «این ورق‌های خون‌آلود مانند کف دست‌های خونیِ مقابلِ دوربین‌ها، نمادهای خون‌ریزی در انقلاب‌اند» (کاپوشچینسکی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۶). این نوعی دیگر از حضور دانش‌آموزان در مسیر انقلاب بود. گروه‌های نظم‌گرفته که برنامه‌های تظاهراتشان برپایه پرهیز از خشونت بود به نکاتی مانند حفظ تمیزی مسیر عبور تظاهرکنندگان اهمیتی فراوان می‌دادند (زاهدی، مصاحبه، ۱۳۹۶). دانش‌آموزان بهترین گروه برای اجرای چنین برنامه‌هایی بودند. این اقدامات هم آن‌ها را از خطرهای احتمالی مصون می‌کرد و هم تمرین نظم و سازمان‌دهی و اطاعت گروهی به‌شمار می‌رفت. این چنین بود که آموزش و سازمان‌دهی این نوجوانان در زمان جنگ تحمیلی نیز به شکل‌گیری شاخص فعالیت‌های ایشان منتهی شد.^۱ این نکته به‌طور مکرر در خاطرات و از زبان شاهدان رویدادها ذکر شده‌است که در جریان تظاهرات‌ها تمام دانش‌آموزان دختر و پسر دبستان‌ها و دبیرستان‌ها شرکت داشتند؛ تظاهرات آن‌ها با نظم و آرامش و پرهیز از اخلاف و آشفتگی توأم بود و بلندگوها پیوسته هشدار می‌دادند و از تظاهرکنندگان می‌خواستند که مبدا اخلاف‌گران به صفوف معلمان و دانش‌آموزان راه یابند (مهدی‌نیا، ۱۳۶۸، ص ۲۹۱).

نکته‌ای که در این سازمان‌دهی جالب به‌نظر می‌رسد، هشدارهایی است که به دانش‌آموزان مبنی بر تلاش مأموران حکومتی برای بدنام‌کردن جنبش داده می‌شده‌است؛ مثلاً اینکه ممکن است مأموران رژیم اقداماتی انجام دهند و آن را به‌نام انقلابیون معرفی کنند (احمدی، صادق، مصاحبه، ۱۳۹۶)؛ بنابراین از نیمه سال ۵۷ در راستای صدمه‌نرسیدن به اموال عمومی، به‌شکل جدی مراقبت انجام می‌شد. به دانش‌آموزان آموزش دادند هرآن‌کسی که قصد دارد به اموال عمومی صدمه بزند ضدانقلاب و ساواکی محسوب می‌شود. در یکی از همین موارد هنگامی که تعدادی از دانشجویان دانشگاه اصفهان با هدف بیرون‌کشاندن دانش‌آموزان مدارس به‌سمت هنرستان سروش اصفهان رفتند، ابتدا دانش‌آموزان با شعارهای آن‌ها همراه شدند و از مدرسه خارج شدند؛ ولی به‌محض آنکه یکی از این دانشجویان با کوکتل مولوتف در دست خود به‌سمت بانک صادرات واقع در خیابان رفت تا آن را به‌آتش بکشد، تعدادی از دانش‌آموزان او را به‌عنوان ضدانقلاب تعقیب کردند و جریان تظاهرات کاملاً به‌هم خورد (احمدی، سیدمحسن، مصاحبه، ۱۳۹۶).

۱. شهید ابراهیم جعفرزاده از فرماندهان سپاه در زمان جنگ تحمیلی، متولد سال ۱۳۳۹ و پیش‌تر دانش‌آموز دبیرستان نشاط اصفهان بود. او از فعالان مبارزاتی به‌ویژه در سال ۵۷ به‌شمار می‌رفت که در سازمان‌دهی برخی تظاهرات‌ها در سطح مدرسه و خارج از آن فعال بود (عشاقی، مصاحبه، ۱۳۹۶).



۵. رویکردهای جنبش دانش‌آموزی در عمومی کردن نهضت در اصفهان

با وجود اینکه در مقایسه با آنچه جنبش دانشجویی خوانده می‌شود، جنبش دانش‌آموزی چندان شناخته‌شده نیست و اساساً برخی معتقدند که نمی‌توان به فعالیت‌های دانش‌آموزان در این زمینه نام جنبش داد (توکلی، ۱۳۸۸، ص ۳۵)، ولی باتوجه به اینکه ماهیت این مبارزات در قالب کلی‌تر جنبش جوانان تعریف می‌شود و همچنین گستردگی حیطه عملکرد و به‌طور ویژه پیوستگی آن در مقطع زمانی مدنظر، می‌توان به مجموعه فعالیت‌های دانش‌آموزی نیز عنوان جنبش دانش‌آموزی را اطلاق کرد.

در تعاریف پذیرفته‌شده، جنبش عبارت است از: «شبکه‌ای از تعاملات غیررسمی بین افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها که بر مبنای هویت جمعی مشترک، در برخوردی سیاسی یا اجتماعی درگیرند» (بشیری، ۱۳۷۲، ص ۱۰). باتوجه به این تعریف و سایر تعاریف‌های مشابه، می‌توان این نام را به شبکه دانش‌آموزی نیز اطلاق کرد. دانش‌آموزان نیز در برهه زمانی مشخصی رفته‌رفته به رویدادهای سیاسی جاری کشور حساس شدند و در روندی غیرمنظم ولی ممتد و روبه‌افزایش در راستای تغییرات سیاسی مدنظر گام برداشتند و برای دستیابی به خواسته‌های خود هزینه نیز دادند.

در بررسی‌های جامعه‌شناسانه، نوجوانان از گروه‌هایی هستند که در کنار افرادی مانند فارغ‌التحصیلان بی‌کار، نومه‌اجران و افرادی از این‌دست، در رده افراد اثرگذار فعال در جنبش‌های اجتماعی به‌شمار می‌روند (هوفر، ۱۳۸۵، ص ۵۶). ویژگی‌های شخصیتی و روان‌شناسانه این گروه باعث می‌شود تا ایشان همواره در بیم و امید ناشی از این دغدغه که بهترین سال‌های عمرشان بدون دستیابی به اهدافشان به‌هدر رفته است به‌سر برند. همچنین امید به تغییر اوضاعی که برای آن‌ها نگران‌کننده و باعث ناراحتی خیال است، در این گروه زیاد است. آن‌ها -به‌ویژه نوجوانان- فعالانه مبارزه می‌کنند، انرژی کافی دارند و معمولاً پس از وقفه‌های کوتاه دوباره به صحنه باز می‌گردند. این خصیصه زمانی که شناسایی شود و به‌کار گرفته شود، در پرورش افراد برای مبارزات گسترده، بسیار کاراست. به‌نظر می‌رسد دانش‌آموزان مقطع متوسطه در شهر اصفهان هم همین مسیر را پیموده‌اند.

براساس خاطرات رهبران مبارز اصفهانی، سازندگی نوجوانان و جوانان و ایجاد آمادگی برای تحولات اجتماعی، به‌طور ویژه از زمان تبعید امام خمینی و به‌نوعی دوران فترت مبارزات، در دستور کار ایشان قرار گرفت (نصر، ۱۳۹۶، ص ۲۰۴). درواقع اهمیت این گروه از جامعه برای بخشی از مردم که به تحولات سیاسی-اجتماعی علاقه نشان می‌دادند و به‌عنوان کنش‌گران مدنی فعالیت می‌کردند، شناخته شده بود. بسیاری از افرادی که در دوره زمانی بعد از سال ۴۲ کودک بودند، در آستانه انقلاب در دوران نوجوانی خود

به صف مبارزان پیوستند؛ همان‌طور که نوجوانان دهه مذکور، در مرحله نهایی نهضت جوانانی بودند که در قالب دانشجو یا معلم بر جهت‌دهی فکری دانش‌آموزان تأثیرگذار شدند.

همان‌طور که روند بررسی فعالیت‌های مبارزاتی دانش‌آموزان از اوایل دهه پنجاه در شهر اصفهان نشان داد، این هویت جمعی در میان دانش‌آموزان رفته‌رفته بیشتر درک شد و با نزدیکی به زمان پیروزی انقلاب اسلامی، دانش‌آموزان در برخی موارد به‌صورت مستقل از سایر گروه‌های مبارز، به اقداماتی دست زدند و درحقیقت به درکی از این هویت متفاوت دست یافته بودند. بخش مهم گزارش‌های نهادهای امنیتی اصفهان از شروع موج جدید مبارزات مردمی از زمستان ۵۶، به رویکردهای دانش‌آموزانی اختصاص داشت که به‌صورت فردی یا گروه‌های چندنفره یا در قالب کلیت محصلان یک دبیرستان اقدامات اعتراضی خود را سازمان‌دهی و اجرا می‌کردند.^۱

در بررسی‌های اسناد و گفت‌وگو با فعالان انقلابی دانش‌آموزان آن زمان، دانش‌آموزان چند دبیرستان اصفهان پیش‌تاز فعالیت‌های مبارزاتی شناخته می‌شوند؛ از جمله، دبیرستان سعدی که از ابتدای شروع نهضت اسلامی تا زمان انحلال دبیرستان، در بسیاری از گزارش‌های نهادهای امنیتی از اقدامات دانش‌آموزان و حتی برخی معلمان آن نام برده شده‌است. دبیرستان ادب، دبیرستان صارمیه، دبیرستان خوارزمی، دبیرستان هراتی، دبیرستان نشاط، دبیرستان صائب و دبیرستان دخترانه بهشت‌آیین در هسته مرکزی شهر و دبیرستان‌های نمونه و هاتف با کمی فاصله از مرکز شهر، در رأس دبیرستان‌های نام‌دار انقلابی اصفهان بوده‌اند.

تجمع این دبیرستان‌ها در این منطقه شهری و در کنار بازار بزرگ شهر، از شروع سال تحصیلی ۵۷ در کشاندن تعداد زیادی از مردم به تظاهرات‌ها اثرگذار بود؛ به‌ویژه با تعطیلی مدارس از اوایل آبان ۵۷، دانش‌آموزان این مدارس با پیوستن به سایر گروه‌های معترض، موجی بزرگ ایجاد می‌کردند. یکی از گزارش‌های ساواک از حضور حدود ۲/۰۰۰ نفر دانش‌آموز در تجمعات طلاب مدرسه صدر در بازار خبر داده‌است که در مسیر بازار جمعیتی در حدود ۳/۰۰۰ نفر را تشکیل دادند و موجب افزودن افراد دیگر به این تظاهرات شدند (اسناد وزارت اطلاعات، ۱۳۸۷/۱۰/۵).

به‌نظر می‌رسد که بخش عمده‌ای از همراهی عمومی با دانش‌آموزان در پیوستن به تظاهرات که طبق بررسی‌های صورت‌گرفته ۵۰/۶ درصد نحوه مشارکت مردمی در انقلاب را تشکیل می‌داده (بیرو، آلن، ۱۳۷۶، ص ۲۵۷)، جنبه روانی بوده‌است. حضور تعداد زیادی نوجوان کم‌سال در خیابان‌ها و حمله و شلیک به آن‌ها، در میان بزرگسالان

۱. در حاشیه یکی از اسناد جلد دوازدهم مجموعه «انقلاب اسلامی به‌روایت اسناد ساواک» نوشته شده‌است: «در سندهای روزهای آینده مشاهده می‌شود که اصفهان از نظر رویارویی با قیام دانش‌آموزان یکی از پردرسترین شهرها برای نظام حاکم است» (انقلاب اسلامی به‌روایت اسناد ساواک، ج ۱۳، ۱۳۸۲، ص ۲۰۲).

موجی از هیجان ایجاد می‌کرد و آن‌ها را به صحنه می‌کشاند. علاوه بر این نگرانی از امنیت این نوجوانان حاضر در صحنه نیز بر هیجان قبلی اضافه می‌کرد. این نکته در میان والدین دانش‌آموزان دختر پررنگ‌تر بود. نگرانی‌های والدینی که خود از شرایط موجود ناراضی بودند ولی پیش از حضور جمعی فرزندان خود، جرئت نداشتند به میدان بیایند، در خاطر دانش‌آموزان آن زمان به یادگار مانده است (حسینی خوراسگانی، مصاحبه، ۱۳۹۶). اهمیت این موضوع آنجاست که طبق گفته بسیاری، با وجود آن که تعداد کشته‌شدگان رویداد ۱۳ آبان ۵۷ تهران، از ۱۷ شهریور کم‌تر بود، ولی اثرگذاری آن در کشاندن مردم به صحنه و عزمشان برای تغییر رژیم بسیار بیشتر بود (طلوعی، ۱۳۷۹، ص ۱۱). اگرچه در ۱۳ آبان رویدادی مشابه تهران در اصفهان رخ نداد، ولی حساسیت‌های ویژه و نگرانی از سرنوشت نوجوانان حاضر در میدان، در کشاندن افراد به صحنه مبارزات در اصفهان مؤثر بود.

بسیاری واقعه ۱۳ آبان ۵۷ را نقطه عطفی در تصمیم‌گیری جمعی برای براندازی حکومت پهلوی می‌دانند. در اصفهان نیز برای این روز برنامه‌ریزی ویژه‌ای انجام شده بود. بنابه اهمیت این تاریخ از نظر یادآوری زمان تبعید امام خمینی و تدارک گسترده برای استفاده از یادبود آن روز در تجمعات، در اصفهان نیز یکی از راهپیمایی‌های عظیم مردم در این روز شکل گرفت. در این روز طبق گزارش روزنامه رستاخیز، حدود دویست هزار نفر از طبقات گوناگون مردمی در راهپیمایی آرامی از میدان نقش جهان، خیابان سپه، خیابان چهارباغ و سی‌وسه‌پل و چهارباغ بالا گذشتند و به دانشگاه اصفهان رفتند. انتظامات این راهپیمایی را گروهی از جوانان و نوجوانان برعهده داشتند؛ آن‌ها با بلندگو جمعیت تظاهرکننده را به سکوت و خودداری از دادن شعار دعوت می‌کردند (مجله رستاخیز جوانان، ۱۳۵۷/۸/۱۴، ص ۴). مردم در مسیر این تظاهرات نیروهای انتظامی را گل‌باران کردند. به نظر می‌رسد تغییر رویکرد تظاهرکنندگان و مدیریت آرام تظاهرات‌ها، وجه مشخصه تظاهرات‌های شهری اصفهان در این دوره زمانی بوده است.

درواقع با تعطیلی مدارس، عملاً موج دانش‌آموزانی که طبق روال عادی بایستی بخش عمده روز را در مدارس می‌گذراندند، راهی خیابان‌ها شدند. این به هم‌ریختگی شهری ناشی از این موج عظیم، بسیاری از برنامه‌ریزی‌های حکومت برای مقابله با مخالفان را بر هم می‌زد. حکومت در ابتدای سال تحصیلی و باتوجه به پیش‌بینی‌های انجام‌شده هشدارهای لازم را داد. در روز ۸ مهرماه ۵۷، فرماندار نظامی اصفهان در چهل‌دومین اطلاعیه فرمانداری نظامی، با خطاب‌قراردادن والدین دانش‌آموزان چنین هشدار داد: «مبادا عناصر فرصت‌طلب و اخلاص‌گرا فرزندان معصوم آنان را تحت افعال و افکار ماجراجویانه و اخلاص‌گرانه خود قرار دهند و ضمن ایجاد تشنج و بی‌نظمی در مؤسسات آموزشی،

جوانان پاک و معصوم را از مسیر آموزش و تحصیل منحرف سازند و لطمه‌ای بزرگ و جبران‌ناپذیر به خانواده، جامعه و فردای ایران وارد سازند» (انقلاب اسلامی به‌روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲، ج ۱۲، ص ۲۰۲). در پایان این اطلاعیه به «آشوب‌گران» در محیط‌های فرهنگی و مؤسسات آموزشی، هشدار داده شده بود که با آن‌ها مقابله جدی خواهد شد. آنچه از بررسی اسناد و گزارش‌ها برمی‌آید این است که مأموران حکومتی عملاً در مقابله با دانش‌آموزان دچار بحران شده بودند. بخش عمده بازداشتی‌های شهر اصفهان از میانه تابستان ۵۷ به‌بعد و به‌ویژه از اواسط پاییز همین سال دانش‌آموزان بودند. آمار متعددی که به‌طور ویژه با تأکید بر شغل و سن دستگیرشدگان در این دوره زمانی تهیه شده و برخی از آن‌ها در قالب گزارش‌های روزنامه‌ها در همان زمان چاپ شده‌است، گواه همین مطلب است. ولی در عمل به‌نظر می‌رسد در این دوره زمانی سخت‌گیری بازداشتگاه‌ها برای نوجوانان به‌اندازه سایرین نبوده‌است و در حکم بیشتر آن‌ها به‌جز افرادی که به‌نحوی با گروه‌های مسلح همراه بودند، چند روز بازداشت بدون ارجاع به دادگاه کافی دانسته می‌شده‌است (اسناد وزارت اطلاعات، ۲۵۱۰/۵۷۶۵).

اثرگذاری جنبش دانش‌آموزی فقط در به‌خیابان‌کشاندن عموم مردم در ماه‌های نزدیک به پیروزی انقلاب اسلامی محدود نمی‌شد. چنان‌که پیش‌ازین بیان شد، در دوره زمانی میانه دهه چهل تا میانه دهه پنجاه، توجه به کادرسازی و پرورش نیروهای فعال و ایجاد آمادگی ذهنی در ایشان، در میان کنش‌گران سیاسی-اجتماعی اصفهان در اولویت قرار گرفت. در مراکز فرهنگی مذهبی شهر اصفهان مانند کانون علمی-تربیتی جهان اسلام و برخی از مساجد به‌علاوه برخی محافل خانگی، جلسات سخنرانی و آموزش و تفسیر قرآن برگزار می‌شد. در این جلسات که برگزارکنندگان آن‌ها در برخی موارد با یکدیگر ارتباطی نداشتند و پس از پیروزی انقلاب از اقدامات مشابه انجام‌شده مطلع شدند (عشاقی، مصاحبه، ۱۳۹۶) تلاش می‌کردند تا افراد مستعد را در دبیرستان‌ها، مساجد و دانشگاه‌ها شناسایی کنند و از طریق آموزش‌های متعدد از ایشان «کادر» بسازند (دردکشان، به‌نقل از نصر، ۱۳۹۶، ص ۲۰۵). حضور دانشجویان به‌عنوان معلمان حق‌التدریس در دبیرستان‌های اصفهان - که تعداد آن‌ها بنابه تغییرات انجام‌شده در نظام آموزش و پرورش رژیم پهلوی و جداسدن مقطع دبیرستان از راهنمایی و به‌تبع آن کمبود دبیر در دبیرستان‌ها (مرعشی، ۱۳۵۶، ص ۳۶) افزایش یافته بود (دفاتر ثبت نام آموزش و پرورش، سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۵۷) - در تغییر نگرش دانش‌آموزان و توجه‌شان به مسائل سیاسی روز بسیار اثرگذار بود. بسیاری از دانش‌آموزان آن دوران آشنایی با نام‌هایی مانند «علی شریعتی»، «مهندس بازرگان»، و «آیت‌الله طالقانی» را از یادگارهای آموزش‌های دانشجویان می‌دانند (حسینی

خوراسگانی، مصاحبه، ۱۳۹۶). دانشجویان از این نظر که رسماً در نظام آموزش و پرورش اشتغال نداشتند، در برخی موارد به صراحت از این که این نداشتن وابستگی به ایشان اجازه انتقاد آزادانه می‌دهد، در سر کلاس صحبت می‌کردند. (نورائی، مصاحبه، ۱۳۹۷). این آموزش‌های داده‌شده، از طریق دانش‌آموزان به میان خانواده‌های آن‌ها نیز راه پیدا می‌کرد. فرزندان بزرگ‌تر با فرزندان کوچک‌تر گفت‌وگو می‌کردند؛ حتی در برخی موارد والدین از طریق فرزندان خود از برخی از امور مطلع می‌شدند. به‌طور ویژه اثرگذاری برادران بر خواهران در جهت‌دهی فکری به خواهران چشم‌گیر بود (کاردان‌پور، مصاحبه، ۱۳۹۷).

یکی دیگر از فعالیت‌هایی که دانش‌آموزان در همکاری‌های انقلابی خود و در راستای آموزش‌های دیده‌شده، انجام می‌دادند، توزیع اعلان مجالسی بود که در پوشش جلسات مذهبی مسائل سیاسی روز را در آن‌ها بیان می‌کردند. این جلسات پایه‌گذار آشنایی بسیاری از دانش‌آموزان با مبارزان انقلابی و رویکردهای آن‌ها به حکومت بود و نوجوانان دانش‌آموز درعین استقبال از شرکت در این جلسات، در اطلاع‌رسانی آن نیز فعالانه مشارکت داشتند. نکته شایان توجه این است که به‌نظر می‌رسد از اوایل سال ۵۷ ساواک نیز متوجه این شیوه عملیاتی به‌ویژه در میان معلمان دارای سابقه مبارزاتی شده بود. در گزارشی که در تاریخ ۲۰ فروردین ۵۷ تهیه شده است، ضمن تذکر بر لزوم مراقبت از دبیران «ناراحت» بر این نکته تأکید شده است که این قبیل معلمان به‌همراه سایرین ضمن حفظ ظاهر و شئون در کلاس، در قالب جلسات مذهبی دانش‌آموزان و سایرین را به «سازندگی» دعوت می‌کنند و از دانش‌آموزان برای تبلیغ جلسات استفاده می‌کنند و آن‌ها را به حضور در جلسات مذهبی ترغیب می‌کنند (انقلاب اسلامی به‌روایت اسناد ساواک: استان اصفهان، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۲۵۶).

با شدت گرفتن مبارزات شهری از ابتدای زمستان ۵۷ و با تشکیل کمیته‌های انتظامات شهری، یکی دیگر از اقداماتی که نوجوانان و جوانان در آن دخیل بودند، مشارکت در توزیع سوخت در میان مردم به‌ویژه در روزهای پس از اعتصابات کارگران پالایشگاه‌های نفت بود. براساس آنچه از مصاحبه با فعالان دانش‌آموزی دوره مدنظر برمی‌آید، آن گروه از نوجوانان که به مشارکت سیاسی انقلابی علاقه‌مند بودند، با تعطیلی رسمی مدارس در میانه سال تحصیلی، از فرصت پیش‌آمده استفاده کردند و در توزیع اقلام موردنیاز مردم به‌ویژه نفت، با مبارزان سازمان‌دهی شده همکاری کردند. فعالیت‌های دانش‌آموزی در برخی شهرها رویکرد محافظت نیز گرفته بود. زمانی که شایعه آتش‌زدن بازار شهر آمل گسترش یافت، دانش‌آموزان در کنار بازاری‌ها، اطراف بازار مستقر شدند و رفت‌وآمدها را کنترل کردند (روزنامه کیهان، شماره ۱۰۶۰، ۵۷/۸/۹، ص ۳). اگرچه واقعه‌ای شبیه به

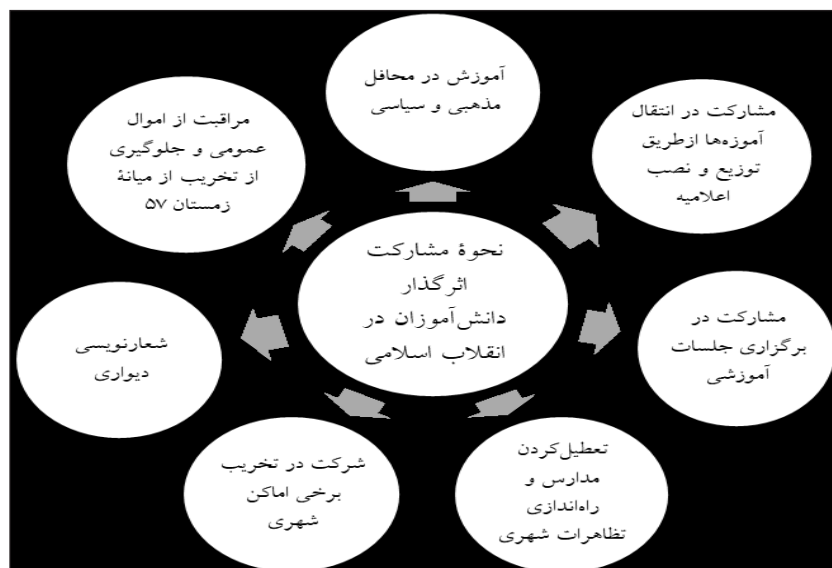
این در اصفهان گزارش نشده است، ولی چنان که گفته شد با خطراتی که به گروه‌های گوناگون مبارز و از جمله دانش‌آموزان مبنی بر ندادن فرصت سوء استفاده به عناصر حکومتی داده شده بود، محافظت از اموال عمومی در میان فعالیت‌های مهم دانش‌آموزی این زمان قرار گرفته بود.

نکته‌ای که در بررسی حضور و نقش دانش‌آموزان در انقلاب اسلامی جالب توجه به نظر می‌رسد، این است که چنان که پیش از این نیز اشاره شد تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی گروه‌های چپ که بعضاً به مبارزات مسلحانه اعتقاد داشتند، با توجه به کم‌سال بودن دانش‌آموزان به مشارکت دادن دانش‌آموزان در فعالیت مبارزاتی شهری در شهر اصفهان چندان تمایلی نداشتند.^۱ طبق گفته یکی از اعضای گروه پیکار، تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی دانش‌آموزان نوجوان از نظر رهبران گروه، به هیچ عنوان صلاحیت حضور در فعالیت‌های جدی را نداشتند؛ زیرا رهبران معتقد بودند که دانش‌آموزان به سادگی به اعتراف تن می‌دهند و باعث دردسر سایرین می‌شوند (تیموری، مصاحبه، ۱۳۹۶). ولی این رویکرد با پیروزی انقلاب اسلامی به سرعت تغییر کرد و از زمان بازگشایی مجدد مدارس در اسفند ۵۷، موج اعلامیه‌ها و تبلیغات از طرف گروه‌های چپ برای جذب دانش‌آموزان به راه افتاد (کیهان، ۶۲/۱۱/۱۵، شماره ۱۲۸۱، ص ۵). دانش‌آموزان با هر دو گرایش فکری، غالباً در یک مسیر و همراه با هم فعالیت می‌کردند. به ویژه که بعد از اعلام مواضع گروه مجاهدین خلق در سال ۵۴ و موضع‌گیری گروه‌های مسلمان ضد این اقدام، اعضا یا هم‌فکران این گروه، گرایش‌ها و وابستگی‌های خود را پنهان می‌کردند (نصر، محمد، مصاحبه، ۱۳۹۶). معلمانی که در میان دانش‌آموزان فعالیت‌هایی را با محوریت محکم کردن پایه‌های اعتقادی دانش‌آموزان پیش از انقلاب انجام داده‌اند، بر این باورند که کسانی جذب نیروهای چپ‌گرا می‌شدند که پایه‌های محکم مذهبی نداشتند و ورود آن‌ها به جرگه مبارزات پیش از طی کردن آموزش‌های مبانی عقیدتی بوده است (صلواتی، مصاحبه، ۱۳۹۶).

باتوجه به موارد ذکر شده می‌توان نحوه اثرگذاری دانش‌آموزان بر گسترش عمومیت مبارزات انقلابی را به شیوه زیر ترسیم کرد:

۱. از فعالیت این گروه‌ها در جلب دانش‌آموزان در کل استان مازندران و شهر شهرکرد اسناد متعددی موجود است.





تصویر ۱

نحوه اثرگذاری دانش‌آموزان بر گسترش
عمومیت مبارزات انقلابی

از نظر بسیاری از ناظران و فعالان انقلاب، حضور کامل و همه‌جانبه دانش‌آموزان در مرحله نهایی نهضت، به‌نوعی نوید پیروزی به‌شمار می‌رفت. شهید صیاد شیرازی در خاطرات خود به این نکته اشاره کرده‌است که زمانی متوجه گسترده‌گی قیام و امکان پیروزی آن شدم که علاقه‌مندی به مباحث انقلابی را در میان هنرجویان کانون زبان اصفهان دیدم. هنرجویان این مجموعه که از دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان یا دانشجو بودند، توجه خود به مقوله انقلاب را با انتخاب موضوعات مرتبط با انقلاب و موضوعات مشابه به‌عنوان موضوع سخنرانی سر کلاس (لکچر) نشان می‌دادند. از نظر شهید صیاد این نکته نشانه‌ای از رونق‌گیری انقلاب در سطح عموم جامعه بوده‌است (بابک، ۱۳۷۸، ص ۷۴). این نقش از زبان یکی دیگر از فعالان شناخته‌شده در مبارزه با حکومت پهلوی چنین توصیف شده‌است: «در انقلاب اسلامی [ایران] که از جهات عدیده‌ای با انقلاب‌های دیگر اختلاف و امتیاز دارد، جوانان نیز نقش برجسته و شاخص ایفا کرده‌اند؛ هم به‌لحاظ سن و هم به‌لحاظ ابتکار عمل و رهبری. در اینجا نوجوانان فعالانه و داوطلبانه وارد میدان شدند؛ نوجوانان، دانشجویان سال‌های اول دانشگاه، حتی دانش‌آموزان و هم‌سن‌های آنان در بازار و محلات. شاید در هیچ‌یک از انقلاب‌های اروپا و آفریقا و آسیا چنین دیده نشده باشد» (بازرگان، ۱۳۶۳، ص ۱۶۷).

حضور نوجوانان در وقایع انقلاب تا اندازه‌ای بود که برخی از معمرین به‌طور کامل نوجوانان و جوانان را عامل اخراج شاه و کلیت انقلاب می‌دانستند (روزنامه آیندگان،

۵۷/۸/۱، ص ۳). آنچه به عنوان نکته‌ای مهم قابل ذکر است و شاخصه اصلی مشارکت سیاسی جوانان را تشکیل می‌دهد، جرئت و جسارت دانش‌آموزان در به میدان آمدن است. جسارتی که از سن و ماهیت متفاوت آن‌ها با سایر گروه‌های انقلابی نشئت گرفته بود. درواقع اگرچه تا پیش از این زمان نیز دانش‌آموزان به شیوه‌های گوناگون مبارزات خود را آغاز کرده بودند، ولی پیوستن آشکار ایشان به موج مردمی و مبارزان در سریع‌تر شدن روند پیروزی انقلاب اثری چشم‌گیر داشت.

نتیجه

در تغییرات اجتماعی، عوامل متعددی شاخص و اثرگذارند؛ رویکرد جنبش‌های گوناگون و عملکرد افراد دخیل در آن‌ها، از علل مهم این تغییرات محسوب می‌شود. جنبش‌های جوانان و به‌طور ویژه جنبش دانش‌آموزی، بنابه ماهیت آینده‌نگرانه این جنبش‌ها، رویکردهایی متفاوت و گسترده‌تر را در این تغییرات اجتماعی مدنظر قرار دارند. بنابه همین رویکرد روبه‌آینده است که در بیشتر مواقع آنچه مدنظر این بخش از جامعه است محقق می‌شود.

سابقه مشارکت سیاسی دانش‌آموزان در ایران به دوره مشروطه و مبارزات آن زمان بازمی‌گردد. در شهر اصفهان نیز بنابه مرکزیت این شهر و دخیل بودن بسیاری از افراد اهل یا ساکن اصفهان در رخداد‌های کشوری، این حضور پررنگ و برجسته بوده‌است. ادامه این حضور با وقفه‌ای کوتاه در دوره پهلوی اول، به‌طور ویژه در قالب برخی از گروه‌های جوان‌گرا مانند حزب توده و پس از آن جبهه ملی ادامه یافت. جنبش دانش‌آموزی اصفهان، اگرچه قالبی مشخص و رویکردی منظم را دنبال نمی‌کرد، ولی در جریان مبارزات ملی شدن نفت و پس از آن فعالانه وارد میدان شد.

اوج این حضور در وقایع آغازین نهضت اسلامی بود و در دوره فترت مبارزات نیز ادامه یافت. درحقیقت زمانی که به‌نظر می‌رسید چراغ مبارزات خاموش شده و اوضاع تحت کنترل حکومت قرار گرفته‌است، نوجوانان و گاه کودکان تحت آموزش‌های مبارزان مطلع قرار گرفتند. درحقیقت موجی که از میانه دهه ۵۰ و به‌طور ویژه از سال ۵۶ به‌صورت ممتد تا پیروزی انقلاب اسلامی به‌راه افتاد، حاصل کادرسازی‌هایی بود که پیش از این انجام شده بود؛ بدین ترتیب که بخشی از نوجوانان سال‌های میانه دهه ۴۰، در میانه دهه پنجاه دانشجویان یا معلمانی بودند که نزدیک‌ترین ارتباط را با دانش‌آموزان داشتند و نهایت تأثیر را بر ایشان گذاشتند.

راه‌اندازی موج اصلی انقلاب اسلامی در مرحله نهایی، در شهر اصفهان برعهده



دانش‌آموزان بود. اقدامات متعدد سازمان‌دهی شده یا گاه بدون سازمان‌دهی این بخش از جامعه، در کشاندن سایر اقشار به صحنه تظاهرات و مشارکت در مبارزات انقلابی، چشم‌گیر بود.

دانش‌آموزان با مشارکت در چند فعالیت ویژه و درواقع با شاخص‌بودن در این فعالیت‌ها، در کشاندن بخش عمده‌ای از مردم به فعالیت‌های انقلابی اثرگذار بودند. بخشی از این فعالیت‌ها در قالب رویکردهای آگاهی‌بخشانه به هم‌کلاسان انجام می‌شد. انشاهای دانش‌آموزی، اعتراضات کلاسی به حضور و قدرت برخی عوامل هویت‌بخش حکومت پهلوی مانند دولت اسرائیل، و دعوت سایر دانش‌آموزان به مطالعه یا گفت‌وگو با اعضای خانواده در این بخش جای می‌گیرد.

مشارکت در فعالیت‌های خیابانی انقلاب نیز از علایق ویژه نوجوانان دانش‌آموز بود. شعارنویسی دیواری و توزیع اعلامیه در این دسته جا دارد. البته ذکر این نکته لازم است که از میانه سال ۵۷ و باتوجه به آگاهی حکومت از فعالیت‌های دانش‌آموزی، این اقدام حتی برای نوجوانان نیز پرخطر به حساب می‌آمد.

راه‌اندازی تظاهرات‌های خیابانی و کشاندن آن به سطح شهر و مراکز عمومی مانند بازار، اگرچه در ابتدا با هدف مستقیم مشارکت‌دادن بازاریان اصفهان و سایر مردم انجام نمی‌شد، ولی در نهایت به حضور عمومی‌تر شاهدان این تظاهرات‌ها در میان جمعیت نوجوانان منجر می‌شد. دعوت و گاه تهدید به تعطیل کردن مغازه‌هایی که در زمان اعتصابات عمومی هم‌چنان گشوده بودند، از دیگر نموده‌های این قبیل فعالیت‌های عرصه‌محور دانش‌آموزان بود. نکته مهم در این میان که نباید آن را نادیده گرفت این است که به‌رحال حضور تعداد زیادی نوجوان در صف تظاهرکنندگان باعث می‌شد تا از خشونت -هرچند به‌میزانی اندک- کاسته شود.

بخش دیگری از فعالیت‌های دانش‌آموزان که در دسته مذکور قرار می‌گیرد، حمله به مراکز مرتبط با حکومت مانند بانک‌ها یا مظاهر فرهنگی مانند سینماها بود. جسارت ناشی از سن این بخش از اجتماع به حضور پیوسته در موج تخریب‌های شروع مرحله خیابانی انقلاب چشم‌گیر بود. البته با تلاش آگاهی‌بخش رهبران جوان نهضت در راستای جلوگیری از تخریب اموال عمومی، از ابتدای زمستان ۵۷، این برخورد به رویکردهای محافظت‌گونه از اموال عمومی و مقابله با آسیب‌زنندگان به این اموال تغییر یافت.

در منظری کلی به‌نظر می‌رسد که عمومی‌سازی نهایی انقلاب در شهر اصفهان را دانش‌آموزان آغاز کردند و به رشد آن در میان اقشار گوناگون کمک کردند. با تعطیلی مدارس و مسائلی که دانش‌آموزان این دبیرستان‌های تعطیل‌شده، برای حکومت و

نیروهای مقابله‌کننده آن ایجاد کردند، شهر به‌طور کامل تعطیل شد. موج عظیم حاصل از این دانش‌آموزان که برخی آموزش دیده و برخی همراه‌شونده بودند، در کنار فعالیت‌های مبارزاتی سایر گروه‌های مردمی، در پیروزی انقلاب اسلامی در شهر اصفهان اثر مهمی داشت. این حضور با پیروزی انقلاب متوقف نشد و حضور دانش‌آموزان نوجوان در مرحله نخست در کمیته‌های انتظامات شهری و در قالب حفاظت از دستاوردهای انقلابی و در ادامه در مقابله با متجاوزان به خاک ایران ادامه یافت.

منبع

اسناد منتشر نشده

آرشیو شخصی نگارنده

اسناد آموزش و پرورش: دفاتر ثبت نام و اطلاعات مدرسان دبیرستان‌های اصفهان.
اسناد موجود در وزارت اطلاعات: ۲۵۱۰/۱۱۳۵۰؛ ۱۰/۱۱۳۸۷؛ ۵۱۰/۵۷۶۵؛ ۲۵۱۰/۵۷۶۵.
اسناد بنیاد دانش‌نامه انقلاب اسلامی (بنیاد تاریخ): ۱۳۳۹۰؛ ۵۳/۲۳۱۲۲؛ ۵۱۰/۱۴۰۱؛ ۳۱۱/۱۲۴۵۳، صص ۱-۴؛ ۳-۱۷-۷۷/۴۵؛ ۲۵/۱۰/۹۸۲۵؛ ۱۰۶۰۳/۱۰.
مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان): ۳۸؛ ۳۹؛ ۰۱۴۶۶۰۷۱؛ ۰۰۱۴۶۶۰۷۳.

کتاب

احمدی، حسین. (۱۳۹۵). نقش دانش‌آموزان و معلمان در انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
اسناد لائنه جاسوسی آمریکا. (ج ۹). (۱۳۸۷). تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک: استان اصفهان. (ج ۲). (۱۳۸۶). تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک: استان اصفهان. (ج ۴). (۱۳۹۵). تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک. (ج ۱۲). (۱۳۸۲). تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
بابک، میترا. (۱۳۷۸). خاطرات امیر شهید سپهبد صیاد شیرازی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
بازرگان، مهدی. (۱۳۶۳). انقلاب ایران در دو حرکت. تهران: بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان.
بشیری، حسین. (۱۳۷۲). انقلاب و بسیج سیاسی. تهران: دانشگاه تهران.
بهنود، مسعود. (۱۳۶۶). دولت‌های ایران از سوم اسفند ۱۲۹۹ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ (از سیدضیاء تا بختیار).



تهران: جاویدان.

بیرو، آلن. (۱۳۷۶). *فرهنگ علوم اجتماعی*. (باقر ساروخانی، مترجم). تهران: کیهان.

توکلی، یعقوب. (۱۳۸۸). *از اینجا آغاز می‌شود... تاریخچه جنبش دانش‌آموزی در ایران اسلامی*. تهران:

مرکز آفرینش‌های ادبی هنری اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان.

چپ در ایران به روایت اسناد ساواک (ج ۹): سازمان جوانان حزب توده. (۱۳۸۰). تهران: مرکز بررسی اسناد

تاریخی وزارت اطلاعات.

حزب توده ایران؛ از آغاز پیدایی تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷. (۱۳۶۲). بی‌نا.

حسینیان، روح‌الله. (۱۳۸۵). *یک سال مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه (بهمن ۱۳۵۶ تا بهمن ۱۳۵۷)*. تهران:

مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

روحانی، حسن. (۱۳۸۸). *خاطرات دکتر حسن روحانی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

طلوعی، محمود. (۱۳۷۹). *صد روز آخر (۱۳ آبان-۲۲ بهمن ۱۳۵۷)*. تهران: علم.

عباس‌زادگان، محمد. (۱۳۷۱). *دانش‌آموزان در صحنه: نقش اجتماعی و سیاسی دانش‌آموزان در ایران*.

تهران: سیمای جوان.

فرهمنده، جلال. (۱۳۸۴). *در آستانه انقلاب اسلامی (اسنادی از واپسین سال‌های حکومت پهلوی)*. تهران:

مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

کاپوشچینسکی، ریشارد. (۱۳۹۳). *شاهنشاه*. تهران: ماهی.

مدنی، جلال‌الدین. (۱۳۶۹). *تاریخ سیاسی معاصر ایران*. (ج ۲). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

مهدی‌نیا، جعفر. (۱۳۶۸). *زندگی سیاسی علی‌امینی*. تهران: پاسارگاد.

مهرعلی‌زاده، مهدی. (۱۳۸۶). *تاریخ سیاسی انقلاب اسلامی در اصفهان*. اصفهان: سازمان فرهنگی-تفریحی

شهرداری اصفهان.

نصر، عباس. (۱۳۹۶). *انقلاب اسلامی در اصفهان*. تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.

نوربخش، حسن. (۱۳۶۲). *یادواره نهضت اسلامی تا ۲۲ بهمن ۵۷، چهره انقلاب در اصفهان*. (ج ۱، ج ۲).

اصفهان: اداره ارشاد اسلامی استان اصفهان.

نیمه پنهان: سیمای کارگزاران فرهنگ و سیاست. (ج ۱۳). (۱۳۸۱). تهران: دفتر پژوهش‌های کیهان.

هوفر، اریک. (۱۳۸۵). *مرید راستین: تأملاتی درباره سرشت جنبش‌های توده‌وار*. (شهریار خواجهیان،

مترجم). تهران: اختران.

یاران امام به روایت اسناد ساواک (۵۷): استاد سیدعلی اکبر پرورش. (۱۳۹۴). تهران: مرکز بررسی اسناد

تاریخی وزارت اطلاعات.

مقاله

ابطحی، سیدعلی‌رضا؛ کشتی‌آرا، کیمیا. (۱۳۹۴). «واکاوی سیر تحولات انقلاب اسلامی در شهر اصفهان درحد فاصل سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۴۷». *پژوهش‌نامه تاریخ*، سال دهم، شماره ۴۰، ص ۲۶.

بسطامی، رضا. (۱۳۸۸). «گروه ابوذر». *مجله زمانه*، سال چهارم، آبان، شماره ۳۸، صص ۳۶-۴۰.

طاهر احمدی، محمود. (۱۳۸۴). «اسنادی از جنبش دانشجویی و نهضت ملی ایران». *گنجینه اسناد*، شماره ۵۷، صص ۵۴-۶۱.

غفاری، مسعود؛ قاسمی، علی‌اصغر. (۱۳۸۵). «نقش جنبش جوانان شهری در گذار به دموکراسی در ایران ۱۳۵۰-۱۳۸۰». *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، شماره ۴۷، صص ۷۵-۹۴.

مرعشی، علی‌اکبر. (۱۳۵۶). «نوآوری در تربیت معلم». *مجله آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت)*، دوره ۴۰، شماره ۳۹ و ۴۰، پاییز و زمستان، صص ۲۱۷-۲۵۶.

روزنامه و مجله

آیندگان: ۵۷/۸/۱.

پیغام امروز: شماره ۴۵۰۲.

رستاخیز، ش ۱۰۴۶، ص ۱۴.

کیهان: شماره‌های ۱۰۶۰، ۱۲۸۱.

مجله امید ایران، شماره ۳۵۶، مورخ ۱۳۴۰/۲/۲۲.

مجله جوانان رستاخیز: ۱۳۵۷/۵/۲۸، شماره ۱۵۵.

مصاحبه

پزشک‌زاد، ایرج. تاریخ شفاهی هاروارد، به کوشش حبیب‌الله لاجوردی، موجود در سایت دانشگاه هاروارد به نشانی:

https://curiosity.lib.harvard.edu/iranian-oral-history-project?utm_source=library.harvard.

آرشیو شخصی نگارنده

آقاچان، علی، ۵۹ ساله. ۱۳۹۶.

احمدی، صادق، ۵۹ ساله. ۱۳۹۶.

احمدی، محمدجواد، ۵۹ ساله. ۱۳۹۶.



- تیموری، جواد، ۵۹ ساله، ۱۳۹۶.
- توکل، مرتضی، ۶۰ ساله، ۱۳۹۶.
- حسینی خوراسگانی، مرتضی، ۵۷ ساله، ۱۳۹۶.
- حمزه زاده، حسین، ۵۶ ساله، ۱۳۹۶.
- زاهدی، حسن، ۵۷ ساله، ۱۳۹۶.
- زرگرزادگان، پری چهر، ۵۵ ساله، ۱۳۹۶.
- زمانی، احمد، ۵۹ ساله، ۱۳۹۵.
- ستار، نیلوفر، ۵۶ ساله، ۱۳۹۶.
- سعیدی، زهرا، ۵۵ ساله، ۱۳۹۶.
- سلطانی کوپایی، مسعود، ۵۶ ساله.
- شهبازی، محمدرضا، ۶۲ ساله، ۱۳۹۶.
- صلواتی، فضل الله، ۴۶ ساله، ۱۳۹۶.
- عامری زاده، ۵۹ ساله، ۱۳۹۶.
- عبدالهیان، معصومه، ۵۵ ساله، ۱۳۹۶.
- عشاقی، جواد، ۷۰ ساله، ۱۳۹۶.
- علی مرادی، محمد، ۵۹ ساله، ۱۳۹۶.
- فتحی، محسن، ۵۶ ساله، ۱۳۹۶.
- فتحی، مصطفی، ۵۵ ساله، ۱۳۹۶.
- کاردان پور، پوران، ۵۵ ساله، ۱۳۹۷.
- مرادی، قدرت الله، ۵۹ ساله، ۱۳۹۶.
- مسجدی، محمد، ۵۶ ساله، ۱۳۹۶.
- مظاهری کوهانستانی، ۵۵ ساله، ۱۳۹۶.
- مظاهری، حسین، ۵۷ ساله، ۱۳۹۶.
- مقصودی، حسین، ۵۹ ساله، ۱۳۹۶.
- ملکوتی نسب، علی رضا، ۵۷ ساله، ۱۳۹۶.
- مهرابی کوشکی، مرتضی، ۵۵ ساله، ۱۳۹۶.
- میلاذفر، اکبر، ۵۹ ساله، ۱۳۹۶.
- نبی زاده، زهرا، ۵۷ ساله، ۱۳۹۶.
- نصر، محمد، ۶۲ ساله، ۱۳۹۶.
- نورائی، مرتضی، ۵۷ ساله، ۱۳۹۷.

English Translation of References

Documents

Unpublished documents

The author's personal archive

“Asnād-e Āmuzeš va Parvareš” (The documents of the Education Department):

Dafāter-e sabt-e nām va ettelā'āt-e modarresān-e dābirestān-hā-ye Esfahān (Registration and information offices of high school teachers of in Isfahan). [Persian]

“Asnād-e mowjud dar Vezārat-e Ettelā'āt” (Documents available in the Ministry of Intelligence): 210/576502; 10/113870; 10/113500. [Persian]

“Asnād-e Bonyād-e Dāneš-nāme-ye Enqelāb-e Eslāmi (Bonyād-e Tārix)” (Documents of the Islamic Revolution Encyclopedia Foundation (History Foundation)): 311/12453; 10/14010; 53/23122; 13390/0, pp. 1 – 4; 4/10/9825/02; 3-17-77/0 10/106030. [Persian]

Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Marāsān) (Islamic Revolution Documents Center): 38; 39; 01466071; 001466073. [Persian]

Books

Abbaszadegan, Mohammad. (1371/1992). **“Dāneš-āmuzān dar sahneh: Naqš-e ejtemā'ee va siyāsi-ye dāneš-āmuzān dar Irān”** (Students on stage: Social and political role of students in Iran). Tehran: Simā-ye Javān. [Persian]

Ahmadi, Hossein. (1395/2016). **“Naqš-e dāneš-āmuzān va mo'alleman dar enqelāb-e eslāmi”** (The role of students and teachers in the Islamic revolution). Tehran: Enteshārāt-e Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Marāsān) (Islamic Revolution Documents Center). [Persian]

“Asnād-e lāne-ye jāsusi-ye Āmrīkā” (The documents of America spy nest) (vol. 9). (1387/2008). Tehran: Mo'assese-ye Motāle'āt va Pažuheš-hā-ye Siyāsi (Political Studies and Research Institute). [Persian]

Babak, Mitra. (1378/1999). **“Xāterāt-e amir-e šahid Sepahbod Sayyād-e Širāzi”** (Memories of martyred General Sayad Shirazi). Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Marāsān) (Islamic Revolution Documents Center). [Persian]



- Bashiriyeh, Hossein. (1372/1993). *“Enqelāb va basij-e siyāsi”* (Revolution and political mobilization). Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). [Persian]
- Bazargan, Mahdi. (1363/1984). *“Enqelāb-e Irān dar do harekat”* (Iran revolution in two movements). Tehran: Bonyād-e Farhangi-ye Mohandes Mahdi-ye Bazargān. [Persian]
- Behnoud, Masoud. (1366/1987). *“Dowlat-hā-ye Irān az sevvom-e Esfand 1299 tā 22 Bahman 1357: Az Seyyed Ziyā’ tā Baxtiyār”* (Governments of Iran from 3 Esfand 1299 (22 October 1921) to 22 Bahman 1357 (11 February 1979) (from Seyyed Zia to Bakhtiar)). Tehran: Jāvidān. [Persian]
- Birou, Alain. (1376/1997). *“Farhang-e ‘olum-e ejtemā’ee”* (Vocabulaire pratique des sciences sociales) [Practical vocabulary of social sciences]. Translated by Bagher Saroukhani. Tehran: Keyhān. [Persian]
- “Čap dar Irān be ravāyat-e asnād-e Sāvāk (vol. 9): Sāzmān-e Javānān-e Hezb-e Tudeh”* (Leftwing in Iran according to SAVAK documents (Vol. 9): Tudeh youth organization). (1380/2001). Tehran: Markaz-e Barresi-ye Asnād-e Tārixi-ye Vezārat-e Ettelā’āt (The Center of Historical Documents Survey). [Persian]
- “Enqelāb-e Eslāmi be ravāyat-e asnād-e Sāvāk: Ostān-e Esfahān”* (Islamic revolution according to SAVAK documents: Isfahan province) (vol. 2). (1386/2007). Tehran: Markaz-e Barresi-ye Asnād-e Tārixi-ye Vezārat-e Ettelā’āt (The Center of Historical Documents Survey). [Persian]
- “Enqelāb-e Eslāmi be ravāyat-e asnād-e Sāvāk: Ostān-e Esfahān”* (Islamic revolution according to SAVAK documents: Isfahan province) (vol. 4). (1395/2016). Tehran: Markaz-e Barresi-ye Asnād-e Tārixi-ye Vezārat-e Ettelā’āt (The Center of Historical Documents Survey). [Persian]
- “Enqelāb-e Eslāmi be ravāyat-e asnād-e Sāvāk”* (Islamic revolution according to SAVAK documents) (vol. 12). (1382/2003). Tehran: Markaz-e Barresi-ye Asnād-e Tārixi-ye Vezārat-e Ettelā’āt (The Center of Historical Documents Survey). [Persian]
- Farahmand, Jalal. (1384/2005). *“Dar āstāne-ye enqelāb-e eslāmi: Asnādi az vāpasin sāl-hā-ye hokumat-e Pahlavi”* (On the threshold of the Islamic revolution: Documents from the last years of Pahlavi rule). Tehran: Mo’assese-ye Motālē’āt-e

- Tārix-e Mo'āser-e Irān (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies). [Persian]
- “Hezb-e Tude-ye Irān; az āqāz-e peydāyi tā enqelāb-e Bahman-e 1357”** (Tudeh Party of Iran; From the beginning to the revolution of February 1357). (1362/1983). [n. p.]: n. p. [Persian]
- Hoffer, Eric. (1385/2006). **“Morid-e rāstin: Ta’ammolāti darbāre-ye serešt-e jonbeš-hā-ye tude-vār”** (The True believer: Thoughts on the nature of mass movements). Translated by Shahriar Khajian. Tehran: Axtarān. [Persian]
- Hoseinian, Ruhollah. (1385/2006). **“Yek sāl mobārezeh barāye sarneguni-ye reżim-e Šāh (Bahman-e 1356 tā Bahman-e 1357)”** (One-year campaigns for toppling of the Shah regime). Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Marāsān) (Islamic Revolution Documents Center). [Persian]
- Kapusācināski, Ryszard. (1393/2014). **“Šāhanšāh”** (Szach in szach = Shahof shahs). Tehran: Māhi. [Persian]
- Madani, Jalal Al-Din. (1369/1990). **“Tārix-e siyāsi-ye mo’āser-e Irān”** (Contemporary political history of Iran) (vol. 2). Qom: Jāme’-ye Modarresin-e Howze-ye ‘Elmiye-ye Qom (Society of Seminary Teachers of Qom). [Persian]
- Mehdiniā, Jafar. (1368/1989). **“Zendeḡi-ye siyāsi-ye ‘Ali Amini”** (Ali Amini’s political life). Tehran: Pāsārgārd. [Persian]
- Mehralizadeh, Mahdi. (1386/2007). **“Tārix-e siyāsi-ye enqelāb-e eslāmi dar Esfahān”** (Political history of the Islamic revolution in Isfahan). Esfahān: Sāzmān-e Farhangi-Tafrīhi-ye Šahrdāri-ye Esfahān (Recreational Sports and Cultural Organization of Esfahan Municipality). [Persian]
- Nasr, Abbas. (1396/2017). **“Enqelāb-e eslāmi dar Esfahān”** (The Islamic revolution in Esfahan). Tehran: Mo’assese-ye āp va Našr-e ‘Oruj. [Persian]
- “Nime-ye penhan: Simā-ye kārgozārān-e farhang va siyāsat”** (The half undercover: The visage of executives of culture and politics) (vol. 13). (1381/2002). Tehran: Daftar-e Pažuheš-hā-ye Keyhān. [Persian]
- Nourbakhsh, Hasan. (1362/1983). **“Yādvāre-ye nehzat-e eslāmi tā 22 Bahman-e 57: Čehre-ye enqelāb dar Esfahān”** (Islamic movement memorial until 22 Bahman

- 1357 (11 February 1979): The face of the revolution in Isfahan) (vols. 1 & 2). Esfahān: Edāre-ye Eršād-e Eslāmi-ye Ostān-e Esfahān (Directorate of Culture and Islamic Guidance of Isfahan Province). [Persian]
- Rohani, Hasan. (1388/2009). "*Xāterāt-e Doktor Hasan-e Rowhāni*" (Memoirs of Dr. Hassan Rouhani). Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Marāsān) (Islamic Revolution Documents Center). [Persian]
- Tavakkoli, Yaghoub. (1388/2009). "*Az injā āqāz mišavad...: Tārixçe-ye jonbeš-e dāneš-āmuzi dar Irān-e Eslāmi*" (). Tehran: Markaz-e āfarineš-hā-ye Adabi Honari-ye Ettehādiye-ye Anjoman-hā-ye Eslāmi-ye Dānešāmuzān (The center of literary and artistic creations of the Union of Islamic Student Associations). [Persian]
- Tolouee, Mahmoud. (1379/2000). "*Sad ruz-e āxar (13 Ābān – 22 Bahman 1357)*" (The last hundred days (4 November 1978 - 11 February 1979)). Tehran: 'Elm. [Persian]
- "*Yārān-e emām be ravāyat-e asnād-e Sāvāk (57): Ostād Seyyed Ali Akbar-e Parvareš*" (Companions of Imam according to the documents of Savak (57): Professor Seyyed Ali Akbar Parvareh). (1394/2015). Tehran: Markaz-e Barresi-ye Asnād-e Tāixi-ye Vezārat-e Ettelā'āt (The Center of Historical Documents Survey). [Persian]

Articles

- Abtahi, Seyyed Alireza; & Kashtiara, Kimia. (1394/2015). "Vākāvi-ye seir-e tahavvolāt-e enqelāb-e eslāmi dar šahr-e Esfahān dar hadd-e fāsel-e sāl-hā-ye 1340 – 1347" (Explain the evolution of Islamic Revolution in Isfahan between years (1340- 1347 Solar)). *Pažuheš-nāme-ye Tārix* (Scientific Journal of History Research), 10(40), p. 26. [Persian]
- Bastami, Reza. (1388/2009). "Goruh-e Abuzar" (Abuzar Group). *Majalle-ye Zamāneh*, 4(38), ābān/November, pp. 36 – 40. [Persian]
- Ghaffari, Masoud; & Ghasemi, Ali Asghar. (1385/2006). "Naqš-e jonbeš-e javānān-e šāhri dar gozār be demokrāsi dar Irān 1350 – 1380" (The role of youth movement



- on transition to democracy in Iran (1971-2001)). *Majalle-ye 'Olum-e ejtemā'ee va Ensāni-ye Dānešgāh-e Širāz* (Journal of Social Sciences and Humanities of Shiraz University), 47, pp. 75 – 94. [Persian]
- Majalle-ye Yād (Yad Magazine). (1374/1995). "Irān-šenāsi bā negāhi digar: Esfahān" (Iranology from another perspective: Isfahan). *Majalle-ye Yād*, issue numbers 39 & 40, Fall & Winter, pp. 217 – 256. [Persian]
- Marashi, Ali Akbar. (1356/1978). "No-āvari dar tarbiyat-e mo'allem" (Innovation in teacher training). *Majalle-ye Āmuzeš va Parvareš (Ta'lim va Tarbiyat)* (Quarterly Journal of Education), 47(6), Esfand/March, pp. 372 – 375. [Persian]
- Taher Ahmadi, Mahmoud. (1384/2005). "Asnādi az jonbeš-e dānešjuyi va nehzat-e melli-ye Irān" (Records on student movement and nationalization of Iranian oil industry). *Ganjine-ye Asnād*, 57, pp. 54 – 61. [Persian]

Newspapers and magazines

- Āyandegān*: 57/8/1 SH / 23 October 1978. [Persian]
- Keyhān* (Kayhan Newspaper): issue numbers 1060, 1281. [Persian]
- Majalle-ye Javānān-e Rastāxiz*: 1357/5/28 SH / 19 August 1978. [Persian]
- Majalle-ye Omid-e Irān*: issue number 356, 1340/2/22 SH / 12 May 1961. [Persian]
- Peqām-e Emruz*: issue number 4502. [Persian]
- Rastāxiz*: issue number 1046, p. 14. [Persian]

Interviews

- Pezeshkzad, Iraj. "Tārix-e šafāhi Hārvārd" (Harvard oral history). Edited by Habibollah Lajevardi. Retrieved from https://curiosity.lib.harvard.edu/iranian-oral-history-project?utm_source=library.harvard. [Persian]

Interviews from the author's personal archive

- Abdollahian, Masoumeh, 55-year-old, 1396 / 2017.
- Ahmadi, Mohammad Javad, 59-year-old, 1396 / 2017.
- Ahmadi, Sadegh, 59-year-old, 1396 / 2017.

- Aghajan, Ali, 59-year-old, 1396 / 2017.
- Alimoradi, Mohammad, 59-year-old, 1396 / 2017.
- Amerizadeh, 59-year-old, 1396 / 2017.
- Fathi, Mohsen, 56-year-old, 1396 / 2017.
- Fathi, Mostafa, 55-year-old, 1396 / 2017.
- Hamzeh Zadeh, Hossein, 59-year-old, 1396 / 2017.
- Hosseini Khorasgani, Morteza, 57-year-old, 1396 / 2017.
- Kardanpour, Pouran, 55-year-old, 1396 / 2017.
- Maghsoudi, Hossein, 59-year-old, 1396 / 2017.
- Malakouti Nasab, Alireza, 57-year-old, 1396 / 2017.
- Masjedi, Mohammad, 56-year-old, 1396 / 2017.
- Mazaheri, Hossein, 57-year-old, 1396 / 2017.
- Mazaheri, Hossein, 57-year-old, 1396 / 2017.
- Mehrabi Koushki, Morteza, 55-year-old, 1396 / 2017.
- Miladfar, Akbar, 59-year-old, 1396 / 2017.
- Moradi, Ghodratollah, 59-year-old, 1396 / 2017.
- Nabizadeh, Zahra, 57-year-old, 1396 / 2017.
- Nasr, Mohammad, 62-year-old, 1396 / 2017.
- Nouraei, Morteza, 57-year-old, 1397 / 2018.
- Oshaghi, Javad, 70-year-old, 1396 / 2017.
- Saeedi, Zahra, 55-year-old, 1396 / 2017.
- Salavati, Fazlollah, 46-year-old, 1396 / 2017.
- Sattar, Niloufar, 56-year-old, 1396 / 2017.
- Soltani Koupayi, Masoud, 56-year-old.
- Shahbazi, Mohammad Reza, 62-year-old, 1396 / 2017.
- Tavakkol, Morteza, 60-year-old, 1396 / 2017.
- Teymouri, Javad, 59-year-old, 1396 / 2017.
- Zahedi, Hasan, 57-year-old, 1396 / 2017.
- Zamani, Ahmad, 59-year-old, 1395 / 2016.
- Zargarzadegan, Parichehr, 55-year-old, 1396 / 2017. [Persian]

The Process of Establishing Gun and Cartridge Factories in the Qajar period (1807-1922): An Analytical Investigation

Adel Shabani Moghadam¹ | Morteza Dehghannejad² | Asghar Foroughi Abari³

Abstract:

Purpose: Kings and statesmen of the Qajar established military factories and produced weapons and cartridges in order to strengthen the military forces, develop the war industry, and fulfill the needs of the Iranian army. In this regard, some military factories were established in Tehran, Tabriz, and Esfahan. The purpose of this research is to investigate and analyze the performance of these factories from 1807 to 1922.

Method and Research Design: Library resources including books and newspapers, and archival records were studied and analyzed.

Findings and conclusion: At the beginning of the Qajar period, especially during the Iran-Russia wars, the performance of military factories was not efficient enough, but from the time of Nasir al-Din Shah, gunfire and cartridge factories played an important role. Despite the lack of self-sufficiency in this field, the factories succeeded in fulfilling some needs of the Iranian army, military equipment imports were reduced, and military industries developed significantly.

Keywords: Shotgun Factory, Cartridge Factory, Ballistic Factory, Military Reform, Qajar Period.

Citation: Shabani Moghadam, A., Dehghan nejad, M., & foroughi. Abari, A. (2022). The Process of Establishing Gun and Cartridge Factories in the Qajar period (1807-1922): An Analytical Investigation. *Ganjine-ye Asnad*, 32(1), 46-69 | doi: 10.30484/ganj.2022.2917

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. PhD Student of History of Iran,
Department of History, University of
Isfahan, Isfahan, I. R. Iran
adelshabani@gmail.com

2. Professor, Department of History,
University of Isfahan, Isfahan, I. R.
Iran,

(Corresponding Author)

mdehqannejad@yahoo.com

3. Associate Professor, Department of
History, University of Isfahan,
Isfahan, I. R. Iran
foroughi.history@gmail.com

Copyright © 2022, NLAI (National
Library & Archives of I. R. Iran). This
is an Open Access article distributed
under the terms of the Creative Commons
Attribution 4.0 International,
which permits others to download this
work, share it with others and adapt
the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«125»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI):10.30484/GANJ.2022.2917

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 32, No. 1, Spring 2022 | pp: 46 - 69 (24) | Received: 27, Feb. 2019 | Accepted: 23, Jun. 2019

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشئولوژی

مقاله پژوهشی

بررسی و تحلیل روند تأسیس کارخانه‌های تولید اسلحه و فشنگ در دوره قاجار (۱۲۲۲-۱۳۴۰ ق/۱۸۰۷-۱۹۲۲ م)

عادل شعبانی مقدم^۱ | مرتضی دهقان نژاد^۲ | اصغر فروغی ابری^۳

چکیده:

شاهان و دولت‌مردان دوره قاجار با هدف تقویت نیروهای ارتش و توسعه و پیشرفت صنایع جنگی و هم‌چنین رفع نیازهای ارتش ایران تلاش کردند تا کارخانه‌های نظامی تولید اسلحه و فشنگ تأسیس کنند. در راستای این امر مهم، به تأسیس کارخانه‌های اسلحه‌سازی، فشنگ‌سازی و توپ‌ریزی توجه شد و در مقطعی از دوران حکومت قاجار و در شهرهایی همانند تهران، تبریز و اصفهان تعدادی کارخانه نظامی پایه‌ریزی شد.

هدف: بررسی و تحلیل چگونگی احداث کارخانه‌های تولید اسلحه و فشنگ و نیز گزارش فعالیت آن‌ها در دوره قاجار.

روش/رویکرد پژوهش: این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و بر منابع کتاب‌خانه‌ای، روزنامه‌ها و اسناد و مدارک آرشیوی مبتنی است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: اگرچه در دوره‌های نخستین حکومت قاجار به‌ویژه در مقاطع زمانی جنگ‌های ایران و روسیه، فعالیت و بازدهی کارخانه‌های نظامی در مسیر درست و مطلوبی قرار نگرفت، ولی از دوره ناصرالدین‌شاه نقش کارخانه‌های اسلحه‌سازی و فشنگ‌سازی ملموس‌تر شد؛ تا آن‌جا که با وجود نبود خودکفایی کامل بخشی از نیازهای ارتش ایران از طریق همین کارخانه‌ها تأمین شد و واردات اسلحه در مقطعی کاهش یافت و صنایع نظامی داخلی تاحدودی توسعه یافت.

کلیدواژه‌ها: کارخانه اسلحه‌سازی؛ کارخانه فشنگ‌سازی؛ کارخانه توپ‌ریزی؛ اصلاحات نظامی؛ دوره قاجار.

استناد: شعبانی مقدم، عادل، دهقان نژاد، مرتضی، فروغی ابری، اصغر. (۱۴۰۱). بررسی و تحلیل روند تأسیس کارخانه‌های تولید اسلحه و فشنگ در دوره قاجار (۱۲۲۲-۱۳۴۰ ق/۱۸۰۷-۱۹۲۲ م). *گنجینه اسناد*، ۳۲ (۱)، ۶۹-۴۶.

doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲.۲۹۱۷

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی
دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

adehshabani@gmail.com

۲. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
(نویسنده مسئول)

mdehqannejad@yahoo.com

۳. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان،
اصفهان، ایران

foroughi.history@gmail.com



گنجینه اسناد

«۱۲۵»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۲.۲۹۱۷

نمایه در ISC, SID, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۲، دفتر ۱، بهار ۱۴۰۱ | صص: ۴۶ - ۶۹ (۲۴)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۸ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۲

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

روند مدرن سازی و صنعتی شدن در همه سطوح جامعه به ویژه در بخش های نظامی کشور، هم زمان با دوره پادشاهی فتح علی شاه قاجار آغاز شد. این موضوع به نخستین جنگ ایران و روسیه (۱۲۱۸-۱۲۲۸ ق/ ۱۸۰۳-۱۸۱۳ م) مربوط می شود؛ جایی که عباس میرزا پس از متحمل شدن شکست های پیاپی در مقابل روس ها، در جهت بهبود صنایع نظامی و تقویت نیروهای ارتش اصلاحات نظامی همه جانبه را شروع کرد. در همین زمان بود که نخستین کارخانه های نظامی در شهرهای مختلف از جمله اصفهان و تبریز احداث شد. اهمیت تأسیس کارخانه های توپ ریزی و تفنگ سازی توسط عباس میرزا از آن جا نمایان می شود که در دوره های بعد، شاهان و دولت مردان قاجار در جهت بهبود صنایع نظامی تلاشی مضاعف کردند. این تلاش ها را می توان در اقدامات اصلاح طلبانه افرادی همچون امیرکبیر، میرزا حسین خان سپه سالار و امین الدوله - که دو نفر اول در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه و نفر سوم در دوره مظفرالدین شاه به مقام صدارت رسیده بودند - به عینه مشاهده کرد. از طرفی یکی از اهداف ملیون و اساساً انقلاب مشروطه (۱۲۸۵ ش/ ۱۹۰۶ م)، رهایی کشور از واردات مهمات نظامی و در ادامه راه، توسعه ابزارها و ادوات جنگی در داخل کشور به منظور پیشبرد صنایع نظامی و کمک به تقویت نیروهای ارتش بود. به همین دلایل است که روند احداث کارخانه های نظامی برای ایران دوره قاجار را می توان مهم دانست. مهم ترین هدف مقاله حاضر، واکاوی و تحلیل چگونگی تأسیس کارخانه های نظامی و نیز کیفیت و کمیت آن ها در عصر قاجار است. با توجه به دلایل فوق و اهمیت موضوع، این پژوهش تلاش دارد با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره گیری از داده های اسنادی، روزنامه ها و منابع دست اول به پرسش های زیر پاسخ دهد.

پرسش های پژوهش

۱. نقش کارخانه های نظامی دوره عباس میرزا در توسعه و پیشرفت صنایع نظامی دوره های بعد به چه میزان بوده است؟
۲. چه تعداد کارخانه نظامی در ایران زمان قاجار پایه گذاری شده است؟
۳. فعالیت و بازدهی کارخانه های اسلحه سازی و فشنگ سازی در دوره زمانی مدنظر چگونه بوده است؟



پیشینه پژوهش

در زمینه بررسی روند شکل‌گیری و فعالیت کارخانه‌های نظامی به‌ویژه کارخانه‌های اسلحه‌سازی و فشنگ‌سازی در دوره قاجار، تاکنون پژوهشی مستقل و مطلوب انجام نشده است و تنها اطلاعاتی جسته‌وگریخته در مقالات و تحقیقات جدید یافت می‌شود. از جمله علی‌بابایی در کتاب «تاریخ ارتش ایران» به بررسی وضعیت کلی ارتش ایران در دوره قاجار پرداخته و به اصلاحات نظامی اشاراتی جزئی کرده است (علی‌بابایی، ۱۳۸۲، صص ۱-۴۸۰). صحت‌منش در مقاله خود تحت عنوان «نظام توپخانه در دوره قاجار» صرفاً به بررسی جایگاه توپخانه در نظام قاجاری پرداخته و در واقع سخنی از کارخانه‌های اسلحه‌سازی به‌میان نیاورده است (صحت‌منش، ۱۳۹۷، تابستان، صص ۸۷-۱۱۴). هم‌چنین علم و حسینی در پژوهش خود با عنوان «بررسی موانع شکل‌گیری ارتش مدرن در نیمه نخست حکومت قاجار» تلاش دارند تا با کمک نظریه ساخت‌یابی آنتونی گیدنز^۱ به موانع شکل‌گیری ارتش مدرن در دوره نخست حکومت قاجار بپردازند (علم و حسینی، ۱۳۹۷، تابستان، صص ۱۱۵-۱۴۲). نایب‌پور نیز در مقاله‌ای با عنوان «تحولات ارتش از عهد قاجار تا پایان سلسله پهلوی» به‌طور پراکنده و مختصر تحولات ارتش در چندین سده را بررسی کرده است (نایب‌پور، ۱۳۸۵، آذر، صص ۴۷-۶۴). هیچ‌کدام از تحقیقات مذکور، به موشکافی عمیق و بررسی اسنادی درباره احداث کارخانه‌های اسلحه‌سازی و میزان تولید مهمات جنگی و نیز توسعه صنایع نظامی در دوره قاجار نپرداخته‌اند؛ در نتیجه، پژوهش حاضر تلاش دارد تا به تحلیل این موضوع مهم بپردازد.

۲. شکل‌گیری نخستین کارخانه‌های نظامی در دوره عباس‌میرزا

مهم‌ترین رویداد دوره نخست پادشاهی حکومت قاجار، جنگ‌های ایران و روسیه در جبهه قفقاز بود. با پیشروی نیروهای روسیه، دولت ایران و در رأس آن عباس‌میرزای ولیعهد به این نتیجه رسید که سواره‌نظام قبیله‌ای به‌هیچ‌وجه در برابر توپخانه روس‌ها کاری از پیش نخواهد برد. شاه‌زاده قاجار در صدد بود تا نیروهای ارتش را به سلاح و تجهیزات مدرن مجهز کند تا در برابر تهاجمات خارجی مقاومت کنند (سپهر، ۱۳۶۸، ص ۹). بدین جهت در بحبوحه جنگ با روسیه، دولت ایران برای مقابله با نیروهای متهاجم، ارتباطی عمیق با دولت‌های فرانسه و انگلیس برقرار کرد. این روابط با گذشت زمان به آغاز اجرای اصلاحات نظامی در کشور منجر شد. مهم‌ترین اقدام در این برهه زمانی، تأسیس کارخانه‌های توپ‌ریزی و باروت‌سازی با هدف تأمین تجهیزات ارتش بود. علاوه‌براین، عباس‌میرزا با هدف تهیه مقدمات کار خود، پنج نفر از جمله فردی به‌نام محمدعلی استاد

1. Anthony Giddens

را - که مقرر شده بود فنون ساختن اسلحه و فشنگ را بیاموزد - به انگلستان روانه کرد تا با علوم نظامی و مهندسی آشنا شوند (مفتون دُنبلی، ۱۳۵۱، ص ۱۴۲). به نظر می‌رسید شرایط برای احداث نخستین کارخانه ایران در حیطه صنایع نظامی مهیا باشد. دو شهر اصفهان و تبریز به عنوان محل احداث کارخانه‌های نظامی دوره فتح‌علی‌شاه انتخاب شدند.

کارخانه توپ‌ریزی اصفهان را فابویه^۱ (از افسران هیئت نظامی گاردان^۲) دایر کرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۷۲). فتح‌علی‌شاه در سال ۱۲۲۲ق/۱۸۰۷م فابویه را با اختیارات تام به اصفهان فرستاد تا در آنجا کارخانه‌ای پایه‌گذاری کند و توپ و باروت بسازد. علاوه بر این شاه دستور داد لوازمی را که فابویه برای این کار احتیاج دارد، در آنجا به او بدهند و کارگران و توپ‌چیانی را که لازم دارد، در اصفهان استخدام کند. فابویه پس از تلاش‌های فراوان در اصفهان سرانجام در سال ۱۲۲۳ق/۱۸۰۸م با شلیک توپ‌های ساخته شده رسماً اعلام کرد که کارخانه‌اش به نتیجه رسیده است (فلاندن، ۱۳۲۴، ص ۱۴۹). به نظر می‌رسید او با همه مشکلات عدیده‌ای که بر سر راه خود داشته موفق شده است کارخانه توپ‌ریزی را در اصفهان دایر کند. فابویه در همان سال با بیست اراده توپ و لوازم آن‌ها از اصفهان به سمت تهران راهی شد (سریکس، ۱۳۵۰، ص ۱۲۵). البته طبق نظر اوژن فلاندن^۳ «این کارخانه علاوه بر ساخت توپ، چندین قطعه اسلحه نیز بیرون داد» (فلاندن، ۱۳۲۴، ص ۱۴۹). نفیسی معتقد است انتظار دولت از کارخانه توپ‌ریزی اصفهان در پایان سال، پنجاه اراده توپ کامل شبیه به توپ‌های روسی بود (نفیسی، ۱۳۳۵، ج ۱، ص ۲۱۱). با وجود آنکه برآورد دولت با عملکرد کارخانه فابویه تقریباً سی اراده توپ اختلاف داشت، ولی به نظر می‌رسد این کارخانه برای اولین تجربه ایرانیان در تولید توپ و مهمات جنگی مناسب بوده باشد. هرچند به ظاهر، تیرگی روابط دولت فرانسه با ایران، اقدامات فابویه و کارخانه توپ‌ریزی اصفهان را به فراموشی سپرد، ولی تأسیس آن به تحولاتی مهم در صنایع نظامی دوره‌های بعد منجر شد و از تجربیات آن در احداث کارخانه‌های بعدی استفاده شد.

علاوه بر کارخانه فابویه، در سال ۱۲۲۴ق/۱۸۰۹م در محلی که قبلاً به نام جبّه‌خانه^۴ تبریز نام‌گذاری شده بود (درویل، ۱۳۶۵، ص ۲۹۵) دومین کارخانه کشور با هدف به‌روزرساندن ارتش و فناوری‌های آن ساخته شد. عباس‌میرزا با هدف تأمین مواد خام کارخانه باروت‌سازی خود، معادن مس و آهن قراچه‌داغ را که قبلاً مأموران سروان مانیتیت^۵ و سرهنگ جانسون^۶ تفحص کرده بودند (Johnson, 1818, pp 196, 214) در اختیار گرفت. پس از گذشت چند ماه از آغاز پروژه، کارخانه تبریز به تولید سلاح‌های مدرن براساس مدل انگلیسی دست یافت. فریزر^۷ معتقد است که در سال ۱۲۳۸ق/۱۸۲۲م،

1. Phobia

۲. گاردان: از افسران معروف فرانسوی در تاریخ ایران.

3. Eugène Flandin

۴. جبّه‌خانه / jobbexāne: اسلحه‌خانه؛ قورخانه. جبّه کلمه‌ای عربی است به معنای زره و سنان.

5. Sir Monteith

6. Sir Johnson

7. G.B. Fraser



کارخانه توپ‌ریزی تبریز «اداری نظم و مدیریتی درست بود» (Fraser, 1825, p308) و پس از مدت‌زمانی توانست بخشی از نیازهای ارتش ایران را تأمین کند و مهمات جنگی در اختیار آنان قرار دهد. به‌واقع تولید این کارخانه در دوره فعالیتش، روزانه ۲۰۰ تا ۲۵۰ کیلو باروت بود (ادیب‌الملک، ۱۳۴۹، ص ۲۱۰؛ آدمیت، ۱۳۶۲، ص ۱۶۲). اگرچه عباس‌میرزا در مقاطعی همانند سال‌های ۱۲۴۸-۱۲۴۹ ق/۱۸۳۲-۱۸۳۳ م با هدف مقابله با روس‌ها مجبور شد (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۷۳۹) در حدود ۴/۰۰۰ قبضه اسلحه از انگلستان وارد کند (رایت، ۱۳۶۸، ص ۱۶۳)، ولی در کنار آن نیز مقرر کرد که استادان و تفنگ‌سازان ایران در کارخانه تبریز به ساخت اسلحه همت گمارند. طبق ادعای برخی از منابع فعالیت این کارخانه در بهترین حالت خود زمانی بود که نزدیک به ۲۰ هزار قبضه تفنگ توسط استادان ایرانی و با نظارت اروپایی‌ها در آن ساخته شد (جمال‌زاده، ۱۳۷۶، ص ۹۶؛ عیسوی، ۱۳۸۸، ص ۴۸۲). حتی بنابه نظر فشاهی کیفیت اسلحه‌های ساخته‌شده توسط استادان ایرانی این کارخانه دست‌کمی از بهترین تفنگ‌های اروپایی نداشته‌است (فشاهی، ۱۳۶۰، ص ۶۶). اگرچه ممکن است توصیف اسلحه‌های ساخته‌شده در این کارخانه به‌لحاظ کمی و کیفی اغراق‌آمیز باشد، ولی آنچه مسلم است، گام‌های مهمی است که در این زمان در راستای اصلاحات نظامی برداشته شده‌است و نشان می‌دهد که ایرانیان برای نخستین‌بار در دوره قاجار به ساخت باروت و تفنگ پرداخته‌اند. با تأسیس کارخانه‌های توپ‌ریزی و باروت‌کوبی در زمان عباس‌میرزا، مقدمات توسعه و پیشرفت صنایع نظامی در ایران دوره قاجار، ولو به‌صورت پراکنده و اندک آغاز شد؛ آن‌چنان‌که لرد کرزن^۱ هم در کتاب «ایران و قضیه ایران» هنگام ستایش اصلاحات نظامی عباس‌میرزا بر این مطلب صحه می‌گذارد: «ایران تجدیدعهد با نظم و انضباط اروپایی را بعد از آزمایش‌های بی‌دوام برادران شرلی مدیون عباس‌میرزا ولیعهد است که در تبریز اقامت داشته و والی آذربایجان است» (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۷۳۱).

ازسوی دیگر تا قبل از اجرای اصلاحات نظامی توسط عباس‌میرزا، وضعیت توپ‌خانه و مهمات جنگی ایران در این برهه زمانی حساس بغرنج به‌نظر می‌رسید. قسمت مهمی از ارتش که می‌بایست به توپ و سلاح‌های مدرن مجهز باشد، عملاً فاقد آن بود. حتی بسیاری از افسران ارتش با نحوه استفاده از توپ آشنا نبودند (فلاندن، ۱۳۲۴، ص ۱۴۹) و به‌تعبیری «با ۳ کرور و نیم تومان خرج لشکر، این حالت قشون است که اگر روزی دولت بخواهد زیر بار تکالیف غیرحقه همسایه نرود، این قشون را یارای آن نیست که پنج ساعت درمقابل خصم بایستد» (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶، ص ۹۲). اگرچه باوجود اجرای اصلاحات نظامی و تأسیس کارخانه‌های اسلحه‌سازی، دولت ایران نتوانست به پیشروی

1. George Nathaniel Curzon

روس‌ها خاتمه دهد، ولی این اقدامات از یک سو بازدهی نظام توپ‌خانه ایران را به‌طور نسبی افزایش داد و حداقل بسیاری از افسران نحوه استفاده از توپ و سلاح‌های مدرن را فراگرفتند و از سوی دیگر احداث کارخانه‌های اسلحه‌سازی در این دوره، به انتقال علوم نظامی به دوره‌های بعد منجر شد و بر تجربیات ایرانیان در ساخت ادوات و مهمات جنگی افزود؛ آن‌چنان‌که در دوره پادشاهی محمدشاه، اقداماتی در جهت انتظام امور توپ‌خانه و مهمات جنگی کشور انجام شد (افضل الملک، ۱۳۶۱، ص ۲۵۵). در سال ۱۲۵۲ ق/ ۱۸۳۶ م سر. اچ. بیتون^۱، برای تجدید فعالیت‌های نظامی مبلغ ۲/۸۰۰ لیره هزینه برآورد کرد تا کارخانه باروت‌سازی تبریز مجدداً به فعالیت خود بپردازد. صورت مخارج این کارخانه به تأیید محمدشاه رسید (ساکما، ۱۳۶۸/۲۹۵)؛ ولی به دلیل کمبود بودجه لازم و کارشکنی دولت روسیه و افراد نزدیک به این دولت در راه‌اندازی کارخانه، توسعه صنعت نظامی به دوره ناصرالدین شاه موکول شد.

۳. تولید اسلحه و فشنگ در دوره ناصرالدین شاه

روابط روبه‌رشد اقتصادی-نظامی و علمی ایران با کشورهای اروپایی و ناتوانی آشکار ایران در رویارویی با دستاوردهای صنعتی و علمی کشورهای غربی در این زمینه‌ها، ریشه‌یابی و درک این ضعف و ضرورت انتقال علوم و تکنولوژی و پایه‌گذاری صنایع نوین در کشور را بیش‌ازپیش توصیه و تجویز می‌کرد. به عبارتی پاسخ‌گونی صنایع سنتی ایران به نیازهای روزافزون جامعه، مهم‌ترین دلیل تأسیس کارخانه‌های صنعتی (طالبوف، ۱۳۱۲ ق، صص ۱۹-۲۰) در ایران دوره قاجار بود. این مسائل به پیدایش تغییراتی بنیادین در سطح علمی و صنعتی در عصر ناصری منجر شد. از یک سو اعزام دانشجو به اروپا که از زمان عباس میرزا و قائم مقام آغاز شده بود، در دوره ناصرالدین شاه و امیرکبیر تشدید شد و از سوی دیگر پس از تأسیس مدرسه دارالفنون گروهی از استادان خارجی برای تدریس در این مدرسه و انتقال علوم مختلف، به ایران دعوت شدند (خورموجی، ۱۳۴۴، ص ۱۰۸). روزنامه حبل‌المتین در یکی از شماره‌های خود در عصر ناصری توسعه و پیشرفت ایرانیان را درگرو آموختن علوم جدید دانسته است:

«رفع احتیاجات ملت جز به ذریعه^۲ تجارت ممکن نیست و تجارت قائم نمی‌شود مگر به صنایع، و کارخانه‌جات مملکت نیز منوط است به تعلیم علوم مختلفه. بهترین وسیله ترقی ایران در تجارت و صناعت و فلاح، تعلیم علوم مختلفه است» (روزنامه حبل‌المتین، ۱۳۱۸ ق، ش ۴۰، ص ۱۴).

1. Sir. H.Biton

۲. ذریعه / zari'e / وسیله؛ واسطه؛ سبب



بدین گونه بود که برای رونق صنایع در هر گوشه از کشور کارخانه‌ای دایر شد. شاهان قاجار در ابتدا به این کارخانه‌ها و مخارج آن‌ها به‌طور خاص توجه داشتند و به بازدید این کارخانه‌ها می‌رفتند (ساکما، ۱۰۸۶/۲۹۵؛ ۴۸۶۸/۲۹۵) و یا افرادی را برای بازدید کارخانه‌های صنعتی و دادن گزارش از اوضاع آن‌ها مأمور می‌کردند (ساکما، ۲۲۰۷/۲۹۵). در زمینه مسائل نظامی نیز وضع به همین منوال بود. اگرچه در دوره‌های گذشته تلاش‌هایی در جهت پیشرفت این صنعت انجام شده بود، ولی واردات اسلحه در آغازین روزهای پادشاهی ناصرالدین شاه نشانه وابستگی هرچه بیشتر ایران در زمینه نظامی بود. در سال ۱۲۶۴ ق/ ۱۸۴۸ م شرکت انگلیسی میلز^۱ که در لندن استقرار داشت، سفارشی از دولت ایران مبنی بر فروش ۱۰۰ هزار قبضه تفنگ به ایران دریافت کرد. این شرکت بر آن بود تا در اصفهان و شیراز نیز شعبه‌هایی تأسیس کند تا بتواند با تجار روس و انگلیس رقابت کند. در همان زمان بازرگانی انگلیسی به نام الکساندر هکتور^۲ که در بغداد مستقر بود مقداری اسلحه به دولت ایران فروخت (Wright, 1977, p97). این وابستگی به واردات اسلحه یکی از مهم‌ترین مشوق‌های میرزاتقی‌خان فراهانی برای تأسیس نخستین کارخانه اسلحه‌سازی در دوره ناصری شد. نقشه امیرکبیر بنای کارخانه‌های نظامی در بسیاری از ایالات مانند آذربایجان، فارس، اصفهان و خراسان بود. به عقیده او اسلحه و مهمات نظامی مورد نیاز لشکر هریک از ایالات مهم می‌بایست در همان محل ساخته می‌شد (آدمیت، ۱۳۶۲، ص ۲۹۵). در راستای همین سیاست‌گذاری، کارخانه باروت‌سازی و توپ‌ریزی تبریز که یادگار عهد عباس میرزا بود، از نو به کار افتاد (آدمیت، ۱۳۶۲، ص ۲۹۷). ولی آنچه از امیرکبیر در زمینه توسعه صنعت نظامی باقی مانده است، تأسیس کارخانه اسلحه‌سازی امیرآباد تهران در سال ۱۲۶۷ ق/ ۱۸۵۱ م است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۷۲). اهمیت این کارخانه در تولید مهمات جنگی آن‌چنان بوده است که پولاک^۳ به‌هنگام توصیف آن اذعان می‌دارد:

«در کارخانه اسلحه‌سازی تهران، اسلحه گرم به‌خصوص تفنگ تپانچه را طبق نمونه‌های اروپایی می‌سازند و حتی علامت کارخانه سازنده را هم به‌وقت تقلید می‌کنند» (پولاک، ۱۳۶۸، ص ۳۸۵).

تولیدات این کارخانه تا بدان‌جا پیش رفت که امیرکبیر دستور داد همراه با دیگر کالاهای ساخت وطن نظیر پارچه، شال و ابریشم، اسلحه و ادوات جنگی این کارخانه را نیز به مجمع جهانی بفرستند (آدمیت، ۱۳۶۲، ص ۴۱۲). حتی پس از دوره صدارت امیرکبیر، برای ترویج هرچه بیشتر تولیدات جنگی وطنی مقرر شد تا در مجمع‌الصنایع^۴ «حجره‌ای بنا نهند و محصولات کارخانه را به منصفه ظهور برسانند» (روزنامه وقایع/تفاهیه، ۱۲۶۹ ق، ش ۱۱۱، ص ۴). کارخانه امیرآباد تهران تا چندین سال پس از برکناری امیرکبیر هم توانست

1. Mills

2. Alexander Hector

3. Jakob Eduard Polak

۴. مجمع‌الصنایع از تأسیسات امیرکبیر بود. او برای ترویج فن و هنر مجموعه‌ای را بنا کرد که به حجره‌هایی قسمت شده بود. مسئولیت این مجمع با حسین‌قلی‌خان معیرالممالک بسطامی بود. نام برخی از حجره‌ها عبارت بودند از: ساعت‌سازی، زرکشی، خیاطی، نقاشی و تفنگ‌سازی (روزنامه/بیران، ۱۲۹۹ ق، ش ۴۸۷، ص ۱).

به تولیدات خود در زمینه صنعت نظامی ادامه دهد، ولی در ادامه با رکودی نسبی همراه شد. با هدف گسترش و پیشرفت صنایع نظامی، دومین کارخانه نظامی تهران در سال ۱۲۷۶ ق/۱۸۶۰ م ساخته شد. در این کارخانه اسلحه مورد نیاز ارتش ساخته می شد و «کیفیت تفنگ های آن نیز پُر بد نبودند» (روش شوار، ۱۳۷۸، ص ۱۸۱). علاوه بر ساخت اسلحه، این کارخانه «از تولید مهمات حربه هم غافل نبود» (اعتماد السلطنه، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۶۰). منظور اعتماد السلطنه تولید فشنگ و باروت برای سلاح های ساخته شده است. او در *المآثر والآثار* هنگام شرح بازدهی و فعالیت کارخانه این چنین می آورد:

«در قورخانه مبارکه به واسطه ایجاد این دستگاه، کافه اعمال متعلقه به صنایع توپ ریزی و تفنگ سازی و حربه پردازی از غایت صعوبت به نهایت سهولت تبدیل یافت» (اعتماد السلطنه، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۴۶).

تولیدات این کارخانه تا بدان جا پیش رفت که در ماه حدود یک هزار قبضه اسلحه دنگی ساخته می شد (جمال زاده، ۱۳۷۶، ص ۹۳؛ عیسوی، ۱۳۸۸، ص ۴۸۰). با وجود فعالیت نسبتاً مطلوب کارخانه های این دوره، گاه و بیگاه وقفه هایی مربوط به مسائل مالی و کارشکنی های دولت روسیه و انگلیس در ادامه راه این کارخانه ها اخلاص ایجاد می کرد. به واقع تأسیس کارخانه ها و تولیدات آن ها به اندازه ای نبود که واردات اسلحه و مهمات جنگی به طور کامل متوقف شود. برای مثال ممتحن الدوله در سال ۱۲۸۶ ق/۱۸۶۹ م از طرف دولت ایران مأمور شد تا ۲۰ هزار قبضه اسلحه به قیمت هر قبضه ۲۰ فرانک - از کارخانه ماکینه^۱ واقع در شهر لیژ^۲ بلژیک بخرد (ممتحن الدوله، ۱۳۵۳، ص ۲۰۱). اگرچه خرید اسلحه از کشوری مانند بلژیک اهمیت تجهیز دائمی ارتش و ناتوانی در خودکفایی کامل مهمات جنگی را برای دولت قاجار نمایان ساخت، ولی تولیدات داخلی در این زمینه روند کاهش واردات اسلحه را در مقطعی به همراه آورد.

از جمله مقاطع زمانی دیگر در جهت توسعه صنایع نظامی، دوره صدارت میرزا حسین خان سپه سالار است. مهم ترین و برجسته ترین کارخانه این دوره، کارخانه ای بود که در سال ۱۲۹۲ ق/۱۸۷۵ م با چرخ های بخار اروپایی باروت تولید می کرد (آدمیت، ۱۳۵۱، ص ۳۱۹؛ جمال زاده، ۱۳۷۶، ص ۹۴). این کارخانه از جمله مهم ترین کارخانه هایی بود که با حمایت دولت و پشتیبانی اروپاییان به ماشین آلات خارجی مجهز شد (ساکما، ۱۳۸۶/۲۹۵). سلاح های ساخته شده در این کارخانه شامل تفنگ خان دار [تعداد نامشخص] و هم چنین ۱۰۰۰ تفنگ خان دار دنگی بود که هر ماه تولید می شد. راوس^۳ فرانسوی که افسر توپخانه بود، مسئولیت این کارخانه را برعهده داشت (Blau, 1858, p116). به واقع ناصرالدین شاه در میانه های دوره پادشاهی خود با انتخاب میرزا حسین خان سپه سالار به مقام صدارت موفق شد

1. Macina
2. Liège
3. Raus



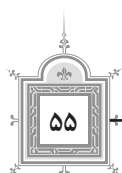
با سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف کشور اصلاحات دوره‌امیرکبیر را احیا کند. پیشرفت صنایع نظامی و اقدامات صورت گرفته در این زمینه، موردحمایت شخص ناصرالدین‌شاه بود. او در جهت پیشرفت صنعت نظامی کشور همواره دغدغه فراوانی داشت. بازدید از کارخانه اسلحه‌سازی کروپ^۱ در آلمان (برادفورد جی، ۱۳۳۸، ص ۳۴) در بروز علاقه و اشتیاق ناصرالدین‌شاه به تولید اسلحه در کشور نقشی مهم ایفا کرد. علاقه شاه به توسعه صنایع نظامی در اروپا آن‌چنان بود که نمایندگان و سفرای خود را برای تحقیق و بازدید از مجموعه کارخانه‌های صنعتی مأمور می‌کرد. عبدالرسول‌خان (؟) از جمله افرادی بود که در سال ۱۲۸۶ق/۱۸۶۹-۱۸۷۰م برای مطالعه کارخانه‌جات و امتیازات اسلحه و ارسال اطلاعات به حضور ناصرالدین‌شاه (ساکما، ۲۹۵/۲۱۱۸) به اروپا روانه شد. بدین ترتیب اطلاعاتی که شاه و فرستادگان ویژه او از صنایع نظامی اروپا ارائه می‌دادند، موجب ترغیب دولت برای ایجاد کارخانه‌های اسلحه‌سازی و دیگر مهمات جنگی در گوشه‌وکنار کشور شد. این مطلب را می‌توان در اسناد به‌جای‌مانده به‌عینه مشاهده کرد. برای نمونه فیروز میرزا نصرت‌الدوله^۲ در نامه‌ای به ناصرالدین‌شاه در سال ۱۲۸۶ق/۱۸۶۹-۱۸۷۰م، از اقدامات و تلاش‌های خود درباره تدارک کارخانه‌های باروت‌سازی و تجدید قوای نظامی برای بازدید ناصرالدین‌شاه سخن گفته و تلاش کرده‌است تا روند صنعتی شدن کشور را برای دولت نمایان کند (ساکما، ۲۹۵/۲۳۱۷) و یا نصیرالدوله^۳ در زمینه بازدید از کارخانه‌های باروت‌سازی و اسلحه‌سازی منطقه خراسان به کرات در بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۱ق/۱۸۸۳ تا ۱۸۹۴م گزارش‌هایی را به ناصرالدین‌شاه تقدیم کرده‌است. او در قسمتی از گزارش‌هایش از «منتظم‌بودن عمل‌جات و لوازم باروط و انباشته‌شدن انبارها و فشنک‌های تمیز در برابر کلنل روسی مأمور سرحدات آخال و خراسان که غفله در آن‌جا وارد شده بود و وضع را خوب و منتظم دیده بود [و] بی‌اندازه تعریف و تمجید کرده [بود]» اشاره شده‌است (ساکما، ۲۹۵/۷۹۶۳، ص ۳). به‌این ترتیب کارخانه‌های نظامی شکل گرفته با تمام نقاط ضعفی که داشتند توانستند با تولید مهمات جنگی از جمله اسلحه و فشنک، قسمتی کوچک از مشکلات نظامی و دفاعی کشور را در مقطعی از دوره پادشاهی ناصرالدین‌شاه برطرف کنند.

۴. ساخت اسلحه و فشنک در دوره مظفرالدین‌شاه

سیر تحولات کارخانه‌های اسلحه‌سازی در دوره مظفرالدین‌شاه نیز قابل‌ردیابی است. مظفرالدین‌شاه همانند پدرش به توسعه صنعت نظامی کشور علاقه‌مند بود و به همین جهت همواره برای بازدید از کارخانه‌های اسلحه‌سازی پیش‌قدم می‌شد. برای نمونه در

1. Krupp

2. فیروز میرزا نصرت‌الدوله در دوره ناصرالدین‌شاه به فرمانروایی ایالات کرمان و بلوچستان منصوب شد. او هم‌چنین عضو شورای دولتی ناصرالدین‌شاه بود و در مقطعی ریاست قورخانه و وزارت جنگ را برعهده داشت. افزون بر این، ناصرالدین‌شاه را هم در سفر به اروپا همراهی کرده‌است (فرمان‌فرما، ۱۳۶۰، ص ۱۷).
3. نصیرالدوله: از دولت‌مردان دوره ناصری که به حکومت گیلان، خراسان و تولیت آستان قدس رضوی منصوب شد (مستوفی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۳۹).



سال ۱۳۱۴ ق/ ۱۸۹۷ م «اعلی حضرت همایونی برای بازدید انبار و کارخانه جات و تکمیل صنایع به قورخانه تشریف برد و در عصر آن روز برای سان افواج پیاده و سواره و توپخانه و قزاق به میدان مشق رفت» (سپهر، ۱۳۶۸، ص ۱۱۲). شاهزادگان و مقامات حکومتی هم همانند دوره ناصرالدین شاه گزارش های خود را درباره وضعیت نظام توپخانه و مهمات جنگی به عرض مظفرالدین شاه می رساندند. روایت زیر از جمله نمونه هایی است که اوضاع کارخانه ها و نظامیان این دوره را توصیف می کند:

«افواج کارخانه توپچی و سربازی که در رأس اردوی مبارکه احضار شوند، دسته به دسته آمده چادر و ملبوس و تدارکات گرفته می روند و ان شاء الله تعالی تا سه روز دیگر همه اجزاء حاضر و مشق و تعلیم آنها شروع خواهد شد» (ساکما، 7967/295، ص 8).

هم چنین صدور «حکم اعطای نشان درجه پنج به مسیو کورا به خاطر تلاش های او در جهت تقویت کارخانه فشنگ سازی» در سال ۱۳۲۲ ق/ ۱۹۰۴-۱۹۰۵ م (استادوخ، ۱۳۲۲ ق، ک ۳، پ ۱۲، ص ۲) از اقدامات دیگر مظفرالدین شاه در زمینه توسعه صنعت نظامی است. مظفرالدین شاه در کنار حمایت از کارخانه های اسلحه سازی، در یکی از سفرهای خود به اروپا به یکی از کارخانه های اروپایی بانام شیندر^۱ اسلحه و توپ سفارش داده است. این سفارش خرید را مسیو پرني^۲ در سال ۱۳۳۶ ق/ ۱۹۱۷ م رونمایی کرد (استادوخ، ۱۳۳۶ ق، ک ۲۷، پ ۱۰، ص ۳). علاوه بر این، واردات تسلیحات نظامی در دو بخش مهمات و تفنگ در سال های ۱۳۲۰ ق/ ۱۹۰۲-۱۹۰۳ م و ۱۳۲۱ ق/ ۱۹۰۳-۱۹۰۴ م از بریتانیا به خلیج فارس قابل توجه است. دولت ایران حدود ۱/۹۸۳/۳۷۰ پوند مهمات و ۱۸/۱۶۷ پوند اسلحه از انگلستان وارد کرد (بارل، ۱۳۹۶، ج ۲، بخش اول، ص ۱۸۴). واردات این رقم تسلیحات از انگلستان علاوه بر اینکه نشانه نیاز روزافزون دولت قاجار به ابزارها و ادوات جنگی بوده است، دربردارنده اهمیت توسعه صنعت نظامی در داخل کشور از دیدگاه مظفرالدین شاه و دولتش بوده است.

امین الدوله که مدت کوتاهی در دوره مظفری به مقام صدارت رسیده بود، تلاش های متعددی را در جهت راه اندازی کارخانه های نظامی انجام داد؛ ولی اقدامات او در بخش های دیگر نظیر تولید قند و شکر و یا تولید کبریت قابل شناسایی است (مستوفی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۵). این قبیل کارخانه ها در مدت زمان کوتاهی به دلیل مهارت نداشتن مسئولان کارخانه ها به اشخاص خارجی و یا دولت مردان داخلی اجازه داده می شد (ساکما، ۲۹۵/۳۳۸۱). به نظر می رسد تلاش دولت قاجار در دوره مظفری، نگهداری و حمایت از کارخانه جات نظامی دوره های قبل بوده است. البته تأسیس کارخانه جدید اسلحه سازی

1. Shinder

2. Parni



استاد حسین اصفهانی در بازار اصفهان «که حتی تفنگ‌های ساخت آن در مقاطعی بهتر از تولیدات روسی بود» (تحویل‌دار اصفهانی، ۱۳۴۲، ص ۱۰۸)، ممکن است تنها مورد جدید کارخانه‌های نظامی عصر مظفری بوده باشد. به‌واقع حوادث و رخداد‌های این دوره، حول محور انقلاب مشروطه قرار گرفت و با دوره‌های قبل اندکی تفاوت داشت. آنچه مسلم است، کاهش واردات اسلحه در این زمان است که حتی از دوره ناصرالدین‌شاه نیز کمتر بوده است. این موضوع نشان‌دهنده حمایت نسبی دولت از تأسیسات قبلی در زمینه صنایع نظامی و دفاعی است.

۵. تولید اسلحه و فشنگ در اواخر حکومت قاجار

با پیروزی انقلاب مشروطه، صنعتی‌شدن کشور در جنبه‌های گوناگون به یکی از اهداف مهم مشروطه‌خواهان تبدیل شد. بسیاری از انقلابیون به تأسیس کارخانه‌های صنعتی در زمینه‌های مختلف معتقد بودند و تلاش می‌کردند تا به‌طریق مختلف به این امر مهم همت گمارند. روشن‌فکران از طریق روزنامه‌ها، تجار و دولت‌مردان را به بهره‌گیری از علم تجارت ترغیب می‌کردند (روزنامه حبل‌المتین، ۱۳۲۵ ق، ش ۳۲، صص ۸-۹). برای نمونه روزنامه انجمن آذربایجان در یکی از شماره‌های خود ضمن تأکید بر ضرورت افزایش کارخانه‌جات صنعتی در کشور، آن را تنها راه نجات مملکت دانسته است:

«اکنون اگر عنوان ملت‌خواهی که رایج عموم شده است واقعیت دارد و اگر این کلمه حب الوطن من الایمان که همه می‌گوییم از روی صدق است، ما راه چاره این بیکاری را نشان می‌دهیم که خیلی سهل و ساده همین‌قدر منوط به مختصر همت بزرگان بالاستطاعت است. ده نفر از معتبرین مملکت اتفاق نموده کمپانی بشوند [و] به‌عوض ملک‌داری و دادوستد غله چند دستگاه کارخانه سهل‌المأخذ از قبیل نساجی و ریسمان‌ریسی و کاغذسازی و اسلحه‌سازی و غیره را که سرمایه هنگفت نمی‌خواهد در تبریز دائر بکنند. هم رفع احتیاجات مملکتی را بنماید که پول اسلام به ممالک خارجه نرود و هم این اشخاص گردن کلفت مفت‌خوار تنبل را به کار وادارند، برای فقرا و ضعفا هم که شکسته و مستحق هستند از عایدات همان کارخانه‌ها یک دارالعهزه قرار بدهند» (روزنامه انجمن آذربایجان، ۱۳۵ (اول)، ص ۴).

بدین‌گونه روند صنعتی‌شدن کشور در اواخر حکومت قاجار بیشتر شتاب گرفت. بر مبنای نظر ترابی فارس‌انی قبل از مشروطیت تجار به‌تنهایی در ورود کارخانه و تأسیس آن کوشیدند و البته با موانع و مشکلات زیادی نیز مواجه شدند؛ ولی پس از پیروزی انقلاب مشروطه، تأسیس کارخانه‌های صنعتی عمدتاً به‌صورت شراکت انجام می‌شد.

۱. سهل‌المأخذ: آسان‌یاب



(ترابی فارسانی، ۱۳۸۴، ص ۲۳۶). شاید به دلیل آنکه احداث کارخانه‌های صنعتی به آگاهی و دانش فراوانی نیاز داشت با مشارکت گروهی خطرهای احتمالی از دست رفتن سرمایه کاهش می‌یافت. برای بهبود وضعیت آشفته ارتش و صنایع دفاعی ایران - به دلیل آشفتگی کشور در سال‌های بحرانی پس از جنگ جهانی اول - کارخانه‌های اسلحه‌سازی جدیدی در این دوره در دستور کار دولت قرار گرفت.

یکی از مهم‌ترین کارخانه‌ها در زمینه صنایع نظامی کارخانه فشنگ‌سازی اصفهان بود که با مشارکت دولت آلمان پایه‌گذاری شد. این کارخانه علاوه بر تولید فشنگ، هر ماه حدود ۲۰۰ اسلحه هم تولید می‌کرد (Abdullaev, 1963, p209). البته تاریخ دقیق تأسیس این کارخانه مشخص نیست؛ به احتمال زیاد بنای ساخت آن به سال‌های ۱۳۲۹ق/۱۹۱۱م تا ۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م برمی‌گردد که آلمان‌ها در ایران به سرمایه‌گذاری در برخی صنایع روی آورده بودند (لینن، ۱۳۶۷، ص ۱۵۶). هم‌چنین دولت ایران پیش از این نیز توسط اداره نظامیه اسلحه‌های موز و فشنگ را مستقیماً از کارخانه‌های آلمانی خریده بود (استادوخ، ۱۳۳۳ق، ک ۲۳، پ ۶، ص ۶). در سال ۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م - سال‌های ابتدایی جنگ جهانی اول - دولت ایران تصمیم گرفت با همکاری مجلس شورای ملی برای تأسیس کارخانه دیگری با هدف ساخت اسلحه و فشنگ در تهران همت گمارد (Abdullaev, 1963, p209). هرچند که از فعالیت این کارخانه در منابع و اسناد اطلاع دقیقی موجود نیست، ولی ثبت تعداد کارگران این کارخانه نشان‌دهنده وجود کارخانه تازه تأسیس در این سال است. ویلم فلور^۱ مدعی است که آخرین کارخانه نظامی احداث شده در دوره قاجار تقریباً چهار سال قبل از سقوط این سلسله، در زمان زمام‌داری رضاخان بر وزارت جنگ در سال ۱۳۴۰ق/۱۹۲۱-۱۹۲۲م ساخته شده است. اگرچه تولید اسلحه در کارخانه‌های تهران ادامه پیدا کرد، ولی دولت با هدف توسعه بیشتر صنایع نظامی در شهرهای دیگر ایران، با تصویب مجلس شورای ملی کارخانه تولید فشنگ را در تبریز پایه‌ریزی کرد (فلور، ۱۳۷۱، ص ۱۸). فعالیت این کارخانه نیز قابل‌شناسایی نیست، ولی از تعداد نسبتاً بالای کارکنان و کارگران کارخانه می‌توان چنین نتیجه گرفت که فعالیت آن مقبول بوده است. اطلاعات مربوط به شمار کارگران و کارکنان سه کارخانه اسلحه‌سازی در دوران پس از مشروطه در جدول شماره ۱ آمده است. علاوه بر این، درصد کارگران این کارخانه‌ها نسبت به تعداد کل کارگران شاغل در بخش نظامی در سال‌های پایانی حکومت قاجار هم قابل‌روئیت است (جدول شماره ۱).

1. Willem Floor



جدول ۱

مشخصات کارخانه‌های نظامی در
اواخر دوره قاجار

نام کارخانه	محل کارخانه	سال تأسیس	تعداد کارکنان	تعداد کارگران	درصد کارگران	منبع
کارخانه مهمات	اصفهان	1913/1917	-	15 آلمانی	3/1	Abdullaev, 1963, p210
کارخانه فشنگ‌سازی	تهران	1334ق/1915م	-	10	9/1	Abdullaev, 1963, p211
کارخانه فشنگ‌سازی	تبریز	1340ق/1921م	3	30	10	فلور، 1371، ص 18

تحلیل و بررسی‌های انجام‌شده از آن نشان دارد که صنایع نظامی و دفاعی ایران در دوره قاجار با تأسیس کارخانه در شهرهای مختلف تاحدودی پیشرفت نسبی را به‌همراه داشته‌است؛ به‌ویژه در دوره‌های میانه حکومت که با افزایش تولیدات داخلی روند واردات اسلحه و فشنگ از کشورهای دیگر کاهش یافته بود. درپایان برای درک عمیق‌تر از فعالیت کارخانه‌های اسلحه‌سازی و فشنگ‌سازی عصر قاجار جدول شماره ۲ ارائه می‌شود. این جدول نشان‌دهنده تعداد کارخانه‌های نظامی و گزارش فعالیت این کارخانه‌ها در تولید اسلحه و فشنگ از سال ۱۲۲۲ق/۱۸۰۷م تا پایان سال ۱۳۴۰ق/۱۹۲۱-۱۹۲۲م است (جدول شماره ۲).

جدول ۲

گزارش فعالیت کارخانه‌های تولید
اسلحه و فشنگ در عصر قاجار

ردیف	موقعیت	سال تأسیس	سرمایه‌گذار	بازدهی	منبع
1	اصفهان	۱۲۲۲ق/۱۸۰۷م	دولت	۲۰ اراده توپ؛ چندین قطعه اسلحه	فلاندن، ۱۳۲۴، ص ۱۴۹
2	تبریز	۱۲۲۴ق/۱۸۰۹-۱۸۱۰م	دولت	روزانه ۲۰ تا ۲۵۰ کیلو باروت؛ تعداد ۲۰،۰۰۰ قبضه تفنگ (!)	ادیب‌الملک، ۱۳۴۹، ص ۲۱۰؛ جمال‌زاده، ۱۳۷۶، ص ۹۶
3	تهران	۱۲۶۷ق/۱۸۵۰-۱۸۵۱م	دولت	تولید ادوات جنگی و ارسال آن به مجمع جهتی	روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۱۱ (۱۲۶۹ق)، ص ۴



ردیف	موقعیت	سال تأسیس	سرمایه گذار	بازدهی	منبع
۴	تهران	۱۲۷۶ ق/۱۸۵۹-۱۸۶۰ م	دولت	هر ماه حدود هزار قبطه تفنگ دانگی	جمالزاده، ۱۲۷۶، ص ۹۳
۵	تهران	۱۲۹۲ ق/۱۸۷۵ م	دولت	هر ماه حدود هزار قبطه تفنگ دانگی و خان دار	Blau, ۱۸۵۸, p۱۱۶
۶	خراسان	۱۸۹۶/۱۳۱	؟	تولید فشنگ و باروت مرغوب	ساکما، ۷۹۶۳/۲۹۵، ص ۳
۷	اصفهان	۱۹۰۶/۱۳۳	حسین اصفهانی	تولید اسلحه مرغوب به صورت محدود	تحویل دار اصفهانی، ۱۳۴۲، ص ۱۰۸
۸	اصفهان	۱۹۱۶/۱۳۳	آلمان	تولید فشنگ؛ هر ماه حدود ۲۰۰ اسلحه	Abdullaev, ۱۹۶۳, p۲۱۰
۹	تهران	۱۳۳۴ ق/۱۹۱۵-۱۹۱۶ م	دولت	-	Abdullaev, ۱۹۶۳, p۲۱۱
۱۰	تبریز	۱۳۴۰ ق/۱۹۲۱-۱۹۲۲ م	دولت	-	فلور، ۱۳۷۱، ص ۱۸

ادامه جدول ۲

گزارش فعالیت کارخانه های تولید
اسلحه و فشنگ در عصر قاجار

طبق جدول فوق بیشترین تعداد کارخانه اسلحه سازی در دوره ناصرالدین شاه و کمترین آن در دوره مظفرالدین شاه ساخته شده است. هم چنین فعالیت کارخانه های عصر ناصری و مظفیری به نظر مطلوب تر از دوره های قبل و حتی بعد از آن است.

نتیجه

بر طبق آنچه بیان شد می توان به نتایجی مهم دست یافت. جرقه های صنعتی شدن کشور با پایه گذاری کارخانه های نظامی در عصر قاجار و با تلاش عباس میرزا در دو شهر اصفهان و تبریز آغاز شد. در بحبوحه جنگ روسیه نخستین کارخانه توپ ریزی با کمک دولت فرانسه در اصفهان تأسیس شد. هم زمان دومین کارخانه ساخت اسلحه نیز در تبریز شکل گرفت. با وجود اصلاحات نظامی و ساخت کارخانه ها در دوره نخست حکومت قاجار، از یک سو دولت در مقاطعی مجبور شد از کشورهای دیگر اسلحه وارد کند و از سوی دیگر، این اقدامات نتوانست به پیروزی نیروهای نظامی ایران در برابر روس ها منجر شود.



به هر ترتیب آنچه در اینجا حائز اهمیت بود، آغاز تولید اسلحه، توپ و فشنگ در جهت تغییر ساختار ارتش ایران از رویه سنتی به مدرن بود. این موضوع سبب شد تا ایرانیان برای نخستین بار با فنون پیشرفته نظامی آشنا شوند و در ادامه، تجربه خود را به دوره‌های بعد منتقل کنند.

روند صنعتی شدن کشور در زمینه‌های مختلف در دوره حکومت ناصرالدین شاه بیش‌تر شتاب گرفت. با تلاش افرادی همانند امیرکبیر و میرزا حسین خان سپهسالار و شخص ناصرالدین شاه کارخانه‌های نظامی در شهرهای تبریز و تهران راه‌اندازی شد و مجدداً کار خود را شروع کرد. بازدهی کارخانه‌های نظامی در دوره ناصری قابل توجه است. در مقاطع زمانی مختلف فعالیت و توفیق کارخانه‌ها به کاهش واردات اسلحه و تکیه بیش‌تر به تولیدات داخل منجر شد. منابع و اسناد گواهی می‌دهند که کارخانه‌های نظامی این دوره بخشی از نیازهای ارتش را تأمین می‌کرده‌اند؛ ولی نباید فراموش کرد که در کنار تولید ادوات جنگی در داخل، دولت در مقاطعی هم از خارج اسلحه سفارش می‌داده‌است. در دوره مظفرالدین شاه که با گسترش تفکرات روشن‌فکری و آزادی‌خواهی همراه بود، تلاش دولت بیشتر به سمت تولید محصولات نظیر صابون، کبریت و دیگر صنایع جدید رفت. سیاست دولت در زمینه صنعت دفاعی و نظامی به حمایت از کارخانه‌های سابق منتهی شد و چنین نتیجه گرفته می‌شود که دولت به جای هزینه کردن در تأسیس کارخانه‌ای جدید، تصمیم گرفت از تولید کارخانه‌های پیشین حمایت کند. پس از پیروزی انقلاب مشروطه دولت ایران با همکاری تجار و وکلای ملت با هدف پیشبرد صنایع کشور و توسعه روزافزون آن - که از اهداف اصلی مشروطه‌خواهان بود - سعی کرد کارخانه‌های جدید تأسیس کند. اگرچه اطلاعات مربوط به فعالیت کارخانه‌های اواخر دوره قاجار دقیق و قابل دسترس نیست، ولی بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که فعالیت آن‌ها زیاد با دوره‌های قبلی تفاوت نداشته‌است. آنچه در رابطه با مجموعه کارخانه‌های نظامی دوره قاجار اهمیت دارد، تلاش‌ها و اقدامات برخی از شاهان و دولت‌مردان قاجار با هدف توسعه و بهبود صنایع نظامی کشور است که نتایج مقاله حاضر هم از پیشرفت نسبی - و نه مطلق - آن حکایت دارد.

منبع

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما):

۲۹۵/۷۹۶۷؛ ۲۹۵/۷۹۶۳؛ ۲۹۵/۴۸۶۸؛ ۲۹۵/۳۳۸۱؛ ۲۹۵/۲۳۱۷؛ ۲۹۵/۲۲۰۷؛ ۲۹۵/۲۱۱۸؛ ۲۹۵/۱۰۸۶

اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه. (استادوخ):

(۱۳۲۲ق). کارتن ۳، پرونده ۱۲، بخش ۱؛

(۱۳۳۳ق). کارتن ۲۳، پرونده ۶، بخش ۵۱؛

(۱۳۳۶ق). کارتن ۲۷، پرونده ۱۰، بخش ۳ و ۱۲.

کتاب

آدمیت، فریدون. (۱۳۵۱). *اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سیه سالار*. تهران: خوارزمی.

آدمیت، فریدون. (۱۳۶۲). *امیرکبیر و ایران*. (ج ۷). تهران: خوارزمی.

آدمیت، فریدون؛ ناطق، هما. (۱۳۵۶). *افکار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار*. تهران: آگاه.

ادیب الملک، عبدالعلی. (۱۳۴۹). *دافع الغرور*. (ایرج افشار، کوشش گر). تهران: خوارزمی.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۷۴). *چهل سال تاریخ ایران (المآثر والاثار)*. (ج ۱). (ایرج افشار، کوشش گر). تهران: اساطیر.

افضل الملک، غلام حسین. (۱۳۶۱). *افضل التواریخ*. (منصوره اتحادیه نظام مافی) و سیروس سعدوندیان، کوشش گران. تهران: تاریخ ایران.

بارل، رابرت مایکل. (۱۳۹۶). *یادداشت های سیاسی ایران ۱۲۶۰-۱۳۴۴*. (ج ۲/ بخش ۱). (محمد صفار و حسن رضایی، مترجمان). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

برادفورد جی، مارتین. (۱۳۶۸). *تاریخ روابط ایران و آلمان*. (پیمان آزاد و علی امید، مترجمان). تهران: مؤسسه پیک ترجمه و نشر.

پولاک، یاکوب ادوارد. (۱۳۶۸). *سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)*. (ج ۲). (کیکاوس جهانگیری، مترجم). تهران: خوارزمی.

تحویل دار اصفهانی، میرزا حسین خان. (۱۳۴۲). *جغرافیای اصفهان: جغرافیای طبیعی و انسانی و آمار اصناف شهر*. (منوچهر ستوده، کوشش گر). تهران: چاپخانه تهران.

ترابی فارسانی، سهیلا. (۱۳۸۴). *تجار، مشروطیت و دولت مدرن*. تهران: تاریخ ایران.

جمالزاده، محمدعلی. (۱۳۷۶). *گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران*. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.



- خورموجی، محمدجعفر. (۱۳۴۴). *حقایق الاخبار ناصری*. (ج ۲). (حسین خدیو جم، مصحح). تهران: زوار.
- دروویل، گاسپار. (۱۳۶۵). *سفر در ایران*. (ج ۳). (منوچهر اعتمادمقدم، مترجم). تهران: شباویز.
- رایت، دنیس. (۱۳۶۸). *ایرانیان در میان انگلیسی‌ها*. (ج ۲). (کریم امامی، مترجم). تهران: نشر نو.
- روش‌شوار، کنت ژولین دو. (۱۳۷۸). *خاطرات سفر ایران*. (مهران توکلی، مترجم). تهران: نی.
- سپهر، عبدالحسین خان. (۱۳۳۸). *مرآت الوقایع مظفری و یادداشت‌های ملک‌المورخین*. (عبدالحسین نوایی، مصحح). تهران: زرین.
- طالبوف، عبدالرحیم. (۱۳۱۲ق). *سفینه طالبی (کتاب احمد)*. اسلامبول: مطبعه اختر.
- علی‌بابایی، غلامرضا. (۱۳۸۲). *تاریخ ارتش ایران*. تهران: آشیان.
- عیسوی، چارلز. (۱۳۸۸). *تاریخ اقتصادی ایران*. (ج ۳). (یعقوب آزند، مترجم). تهران: گستره.
- فرمان‌فرما، فیروزمیرزا. (۱۳۶۰). *سفرنامه کرمان و بلوچستان*. (منصوره اتحادیه (نظام مافی)، کوشش گر). اصفهان: بابک.
- فشاهی، محمدرضا. (۱۳۶۰). *تکوین سرمایه‌داری در ایران*. تهران: گوتنبرگ.
- فلاندن، اوژن. (۱۳۲۴). *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران در سال‌های ۱۸۴۰-۱۸۴۱*. (ج ۲). (حسین نورصادقی، مترجم). تهران: چاپ‌خانه روزنامه نقش جهان.
- فلور، ویلم. (۱۳۷۱). *صنعتی‌شدن ایران و شورش شیخ‌احمد مدنی ۱۹۰۰-۱۹۲۵*. (ابوالقاسم سری، مترجم). تهران: توس.
- کرزن، جورج ناتانیل. (۱۳۸۰). *ایران و قضیه ایران*. (ج ۱). (ج ۵). (غلام‌علی وحید مازندرانی، مترجم). تهران: علمی و فرهنگی.
- لینن، ویلهلم. (۱۳۶۷). *ایران از نفوذ مسالمت‌آمیز تا تحت‌الحمایگی*. (مریم میراحمدی، مترجم). تهران: معین.
- مستوفی، عبدالله. (۱۳۸۴). *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*. (ج ۱ و ج ۲). (ج ۵). تهران: زوار.
- مفتون دنبلی، عبدالرزاق. (۱۳۵۱). *مآثر سلطانی: تاریخ جنگ‌های ایران و روس*. (غلام‌حسین صدری افشار، کوشش گر). تهران: ابن‌سینا.
- ممتحن‌الدوله، میرزاهدی خان شقاقی. (۱۳۵۳). *خاطرات ممتحن‌الدوله*. (حسین قلی خان شقاقی، مترجم). تهران: امیرکبیر.
- نفیسی، سعید. (۱۳۳۵). *تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر*. (ج ۱). تهران: مؤسسه مطبوعاتی شرق.

مقاله

سریکس. (۱۳۵۰). «فابویه در ایران». (محمود کی، مترجم). *مجله بررسی‌های تاریخی*، سال ششم، شماره پنجم (پیاپی ۳۶)، صص ۱۰۹-۱۲۸.

صحت‌منش، رضا. (۱۳۹۷). «نظام توپخانه در دوره قاجار». *فصل‌نامه مطالعات تاریخی جنگ*، سال دوم، شماره دوم (پیاپی ۴)، صص ۸۷-۱۱۴.

علم، محمدرضا؛ حسینی، حمزه. (۱۳۹۷). «بررسی موانع شکل‌گیری ارتش مدرن در نیمه نخست حکومت قاجار». *فصل‌نامه مطالعات تاریخی جنگ*، سال دوم، شماره دوم (پیاپی ۴)، صص ۱۱۵-۱۴۲.

نایب‌پور، محمد. (۱۳۸۵). «تحولات ارتش از عهد قاجار تا پایان سلسله پهلوی». *ماه‌نامه زمانه*، شماره ۵۲، صص ۴۷-۶۴.

روزنامه

روزنامه *انجمن آذربایجان*، ۱۳۵، (اول).

روزنامه *ایران*، ۴۸۷، (۱۲۹۹ق).

روزنامه *حبل‌المتین*، ۳۲، (۱۳۲۵ق).

روزنامه *حبل‌المتین*، ۴۰، (۱۳۱۸ق).

روزنامه *وقایع اتفاقیه*، ۱۱۱، (۱۲۶۹ق).

منابع لاتین

- Abdullaev, Z. Z. (1963). *Promyshlennosri Zarozhdenie Rabochego Klassa Irana U Kontse*. Baku: XLX- Nachale XX UU.
- Blau, Otto. (1858). *Die kommerzielle Zustände Persians*. Wien: Decker.
- Fraser, James Baillie. (1825). *Narrative of a Journey into Khorasan in the Years 1821 & 1822*. London: Delhi.
- Johnson, John (Lieut. Col). (1818). *A Journey from India to England through Persia, Georgia, Russia, Poland and Prussia in the Year 1817*. London: Longman, Hurst, Ress, Orme, and Brown.
- Wright, Denis. (1977). *The English Amongst the Persians During the Qajar Period, 1787-1921*. London: Heinemann.



English Translation of References

Documents

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran):

295/1086; 295/2118; 295/2207; 295/2317; 295/3381; 295/4868; 295/7963; 295/7967.

[Persian]

Edāre-ye Asnād va Tārix-e Diplomāsi-ye Vezārat-e Omur-e Xārejah (Estādox) (Department of Diplomatic Documents and History of the Ministry of Foreign Affairs):

(1322 AH/1904 AD). Box 3, Folder 12, Part 1.

(1333 AH/1914 AD). Box 23, Folder 6, Part 51.

(1336 AH/1917 AD). Box 27, Folder 10, Part 3 & 12. [Persian]

Books

Adamiat, Fereydoun. (1362/1983). "*Amir Kabir va Irān*" (Amir Kabir and Iran) (7th ed.). Tehran: Xārazmi. [Persian]

Adamiat, Fereidoun. (1351/1972). "*Andiše-ye taraqqi va hokumat-e qānun-e asr-e sepah-sālār*" (The idea of progress and the rule of law: The Era of Sepahsalar). Tehran: Xārazmi. [Persian]

Adamiat, Fereidoun; & Nategh, Homa. (1356/1977). "*Afkār-e ejtemā'ee, siyāsi va eqtesādi dar āsār-e montašer-našode-ye dōwrān-e Qājār*" (Social, political and economic thoughts in the unpublished works of the Qajar era). Tehran: Āgāh. [Persian]

Adib Al-Molk, Abd al-Ali. (1349/1970). "*Dāfe'-ol-qorur*" (Vanity drive). Edited by Iraj Afshar. Tehran: Xārazmi. [Persian]

Afzal Al-Molk, Gholam Hossein. (1361/1982). "*Afzal ot-tavārix*" (The best of histories). Edited by Mansoureh Ettehadieh (Nezam Mafi) & Sirous Saādvandian. Tehran: Tārix-e Irān. [Persian]

Ali Babayi, Gholamreza. (1382/2003). "*Tārix-e arteš-e Irān*" (History of the Iranian army). Tehran: Āšiyān. [Persian]



- Bradford G, Martin. (1368/1989). *“Tārix-e ravābet-e Irān va Ālmān”* (The history of relations between Iran and Germany). Translated by Peyman Azad & Ali Omid. Tehran: Mo’assese-ye Peyk-e Tarjomeh va Našr. [Persian]
- Burrell, Robert Michael. (1396/2017). *“Yāddāšt-hā-ye siyāsi-ye Irān 1260-1344”* (Iran political diaries 1881-1965) (vol. 2/part 1). Translated by Mohammad Saffar & Hasan Rezaei. Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Marāsān) (Islamic Revolution Documents Center). [Persian]
- Curzon, George Nathaniel. (1380/2001). *“Irān va qazie-ye Irān”* (Persia and the Persian question) (vol. 1) (5th ed.). Translated by Gholam Ali Vahid Mazandarani. Tehran: ‘Elmi va Farhangī. [Persian]
- Drouville, Gaspard. (1365/1986). *“Safar dar Irān”* (Voyage en Perse, fait en 1812 et 1813) [Voyage to Persia, made in 1812 and 1813] (3rd ed.). Translated by Manouchehr Etemad Moghaddam. Tehran: Šabāviz. [Persian]
- Etemad Al-Saltaneh, Mohammad Hasan Khan. (1374/1995). *“Čehel sāl tārix-e Irān: Al-Ma’āser-o val-āsār”* (Forty Years of Iran’s History) (vol. 1). Edited by Iraj Afshar. Tehran: Asātir. [Persian]
- Farmanfarma, Firouz Mirza. (1360/1981). *“Safar-nāme-ye Kermān va Balučestān”* (Travelogue of Kerman and Baluchistan). Edited by Mansoureh Ettehadieh (Nezam Mafi). Esfahān: Bābak. [Persian]
- Fashahi, Mohammad Reza. (1360/1981). *“Takvīn-e sarmāyeh-dāri dar Irān”* (La genèse du capitalisme et de la modernité en Iran) [The genesis of capitalism and modernity in Iran] (1st ed.). Tehran: Gotenberg (Gothenburg). [Persian]
- Flandin, Eugene. (1324/1945). *“Safarnāme-ye Ožen Flānden be Irān dar sāl-hā-ye 1840-1841”* (Voyage en Perse: 1840 - 1841) [Journey to Persia: 1840 - 1841] (2nd ed.). translated by Hossein Nour Sadeghi. Tehran: Čāpxāne-ye Ruznāme-ye Naqš-e Jahān. [Persian]
- Floor, Willem. (1371/1992). *“San’ati šodan-e Irān va šureš-e Šeīx Ahmad-e Madani 1900-1925”* (Industrialization in Iran and the revolt of Sheikh Ahmad Madani 1900-1925). Translated by Abu Al-Ghasem Serri. Tehran Tus. [Persian]
- Issavi, Charles Phillip. (1388/2009). *“Tārix-e eqtesādi-ye Irān: Qājārieh 1215-1332”*

- AH” (The economic history of Iran) (3rd ed.). Translated by Yaghoub Azhand. Tehran: Gostareh. [Persian]
- Jamalzadeh, Mohammad Ali. (1376/1997). “*Ganj-e Šāygān: Owzā’-e eqtesādi-ye Irān*” (The worthy treasure). Tehran: Bonyād-e Mowqufāt-e Doktor Mahmud Afšār (Foundation of Doctor Mahmoud Afshar Yazdi’s Endowments). [Persian]
- Khormoji, Mohammad Jafar. (1344/1965). “*Tārix-e Qājār: Haqāyeq ol-axbār-e Nāseri*” (Qajar history: Truthful Naseri news) (vol. 2). Edited by Hossein Khadiv Jam. Tehran: Zovvār. [Persian]
- Litten, Wilhelm. (1367/1988). “*Irān az nofuz-e mosālemat-āmir tā taht-ol-hemāyegi*” (Persien von der “pénétration pacifique” zum “Protektorat”: Urkunden und Tatsachen zur Geschichte der europäischen “pénétration pacifique” in Persien 1860-1919) [Persia from “peaceful penetration” to the “protectorate”: Documents and facts on the history of the European “peaceful penetration” in Persia, 1860-1919]. Translated by Maryam Mir Ahmadi. Tehran: Mo’een. [Persian]
- Maftoun Donbali, Abd Al-Razzagh. (1351/1972). “*Ma’āser-e soltāniyeh: Tārix-e jang-hā-ye Irān va Rus*” (The history of Iran and Russia wars). Edited by Gholam Hossein Sadri Afshar. Tehran: Ebn-e Sinā. [Persian]
- Momtāhen Al-Dowleh, Mirza Mahdi Khan Shaghaghi. (1353/1974). “*Xāterāt-e Momtāgen od-Dowleh*” (The memoirs of Momtāhen Al-Doleh: The biography of Mirza Mahdi Khan Momtāhen Al-Dowleh Shāqaqi). Edited by Hossein Gholi Khan Shāqaqi. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Mostowfi, Abdullah. (1384/2005). “*Šarh-e zendegāni-ye man: Tārix-e ejtemā’ee va edāri-ye dowre-ye Qājārieh*” (The story of my life, or the social and ministerial history of Qajar era) (vols. 1 & 2) (5th ed.). Tehran: Zovvār. [Persian]
- Nafisi, Saeed. (1335/1956). “*Tārix-e ejtemā’ee va siyāsi-ye Irān dar dowre-ye mo’āser*” (Social and political history of Iran in the contemporary period). Tehran: Mo’assese-ye Matbu’āti-ye Šarq. [Persian]
- Polak, Jakob Eduard. (1368/1989). “*Safar-nāme-ye Polāk: Irān va Irāniān*” (Persien, das land und seine bewohner; Ethnographische schilderungen) [Persia, the land and its inhabitants: Ethnographic descriptions]. Translated by Keykavous Jahan-

- giri. Tehran: Xārazmi. [Persian]
- Rochechouart, Julien de. (1378/1999). "*Xāterāt-e safar-e Irān*" (Souvenirs d'un voyage en Perse) [Memories of a trip to Persia]. Translated by Mehran Tavakkoli. Tehran: Ney. [Persian]
- Sepehr, Abd Al-Hosseini Khan. (1368/1989). "*Mer'āt-ol-vaqāye'-e Mozaffari va yāddāšt-hā-ye Malek-ol-Movarrexin*" (The history of events in Muzaffar Al-Din Shah Qajar era). Edited by Abd Al-Hosseini Navayi. Tehran: Zarrin. [Persian]
- Tahvildar Esfahani, Mirza Hossein Khan. (1342/1963). "*Joqrāfiyā-ye Esfahān: Joqrāfiyā-ye tabi'ee va ensāni va āmār-e asnāf-e šahr*" (Geography of Isfahan: Natural and human geography and statistics and guilds of the city). Tehran: Čāpxāne-ye Tehrān. [Persian]
- Talibov, Abd Al-Rahim. (1312 AH / 1894). "*Safine-ye Tālebi: Ketāb-e Ahmad*" (Ahmad's Book or the Talibian Vessel). Istanbul: Matba'e-ye Axtar. [Persian]
- Torabi Farsani, Soheila. (1384/2005). "*Tojjār, mašrutiat va dowlāt-e modern*" (Merchants, constitutionalism and the modern state). Tehran: Tārix-e Irān. [Persian]
- Wright, Denis. (1368/1989). "*Irāniān dar miān-e Engeliši-hā*" (The Persians amongst the English: Episodes in Anglo -Persian history2) (2nd ed.). Translated by Karim Emami. Tehran: Našr-e No. [Persian]

Articles

- Alam, Mohammad Reza; & Hosseini, Hamzeh. (1397/2018). "Barresi-ye mavāne'-e šeklgiri-ye arteš-e modern dar nime-ye noxost-e hokumat-e Qājār" (An analysis of the impediments to modern army formation in the first half of the Qajar dynasty). *Fasl-nāme-ye Motāle'āt-e Tārix-e Jang* (Journal of Historical Study of War), 2(2) (series no 4), pp. 87 – 114. [Persian]
- Nayebpour, Mohammad. (1385/2006). "Tahavvolāt-e arteš az 'ahd-e Qājār tā pāyān-e selsele-ye Pahlavi" (Changes in the army from the Qajar era to the end of the Pahlavi dynasty). *Māhnāme-ye Zamāneh*, 52, pp. 47 – 64. [Persian]
- Sehatmanesh, Reza. (1397/2018). "Nezām-e tupxāneh dar dowre-ye Qājār" (The use of artillery system in the Qajar dynasty). *Fasl-nāme-ye Motāle'āt-e Tārix-e Jang*

(Journal of Historical Study of War), 2(2) (series no 4), pp. 115 – 142. [Persian]
Sericks. (1350/1971). “Fābviyeh dar Irān” (Fabvier in Iran). Translated by Mahmoud
Key. *Majalle-ye Barresi-hā-ye Tārixi*, 6(5), (series no. 36), pp. 109 – 128. [Persian]

Newspapers

Ruznāme-ye Anjoman-e Āzarbāyejān, 135, (1). [Persian]
Ruznāme-ye Habl-ol-Matīn, 32, (1325 AH/1907). [Persian]
Ruznāme-ye Habl-ol-Matīn, 40, (1318 AH/1900). [Persian]
Ruznāme-ye Irān, 487, (1299 AH/1881). [Persian]
Ruznāme-ye Vaqāye'-e Ettefāqiyeh, 111, (1269 AH/1852). [Persian]

Tourism Advertising in the Second Pahlavi Period (1941-1979)

Somayeh Bakhtiari¹

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract:

Purpose: The purpose of this study is to investigate the position of tourism organization advertising in development plans (the third plan to the sixth one) and to identify the tools that the Pahlavi government employed to advertise tourism.

Method and Research Design: Research method is historical analysis; so archival records and administrative correspondence were described and analyzed.

Findings and Conclusions: The results of this study show that, despite the various tourist attractions of Iran, the political policy of the Second Pahlavi government was less focused on advertising to attract tourists till the mid-1940s. This was because the government believed that before taking any action, facilities needed to welcome tourists must be provided in the country. As a result, tourism publications and advertisements were taken into account after organizing and implementing development plans, roads expansion, tourism facilities, and training services. Tourist guidebooks, brochures in different languages, road and highways maps, posters and postcards of the country's historical monuments, together with videos and photos of the country's tourism hubs, as well as domestic and foreign exhibitions were all employed. Inviting journalists and cultural individuals from other countries added to the different ways and means of advertising the tourism industry in the Second Pahlavi period.

Keywords: Tourism, Advertising of the Tourism Organization, Tourism Advertising Means, Tourist Attraction, Second Pahlavi Period, Iran.

Citation: Bakhtiari, S. (2022). Tourism Advertising in the Second Pahlavi Period (1941-1979). *Ganjine-ye Asnad*, 32(1), 70-111 | doi: 10.30484/ganj.2022.2918

1. PhD of History of Iran in Islamic Period, Department of History, University of Isfahan, Isfahan, I. R. Iran
sbakhtiari88@yahoo.com

Copyright © 2022, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad
«125»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI):10.30484/GANJ.2022.2918

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 32, No. 1, Spring 2022 | pp: 70 - 111 (42) | Received: 28, Sep. 2020| Accepted: 4, Apr. 2021

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

تبلیغات در صنعت جهانگردی در دوره پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۵۷)

سمیه بختیاری^۱

چکیده:

هدف: بررسی جایگاه تبلیغات سازمان جهانگردی در برنامه‌های عمرانی سوم تا ششم و شناسایی ابزارهای حکومت پهلوی برای تبلیغات جهانگردی.

روش/ رویکرد پژوهش: روش این پژوهش تحلیل تاریخی با رویکرد توصیفی و تحلیلی مبتنی بر اسناد و مدارک آرشیوی و گزارش‌های دولتی است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که حکومت پهلوی تا اواسط دهه چهل شمسی، با وجود جاذبه‌های متنوع جهانگردی در ایران، خط‌مشی سیاسی حکومت، کمتر متوجه تبلیغات برای جلب جهانگرد بود؛ زیرا دولت‌ها معتقد بودند که پیش از هرگونه اقدامی، تأسیسات و امکانات پذیرایی از جهانگردان باید در کشور مهیا شود و همواره انتشارات و تبلیغات جهانگردی پس از تهیه و تنظیم و اجرای طرح‌ها و برنامه‌های وسیع توسعه راه‌ها، تأسیسات و تسهیلات جهانگردی و آموزش خدمات جهانگردی اهمیت داشت. چاپ و انتشار کتاب‌های راهنمای جهانگردان، بروشور به زبان‌های مختلف، نقشه راه‌ها و شاه‌راه‌های جهانگردی، پوسترها و کارت‌پستال‌های آثار تاریخی کشور، تهیه فیلم و عکس از قطب‌های جهانگردی کشور، شرکت در نمایشگاه‌ها و برگزاری نمایشگاه‌های داخلی و خارجی و دعوت از روزنامه‌نگاران و فرهنگیان کشورهای دیگر از جمله ابزارهای تبلیغات جهانگردی در دوره پهلوی دوم بود.

کلیدواژه‌ها: صنعت جهانگردی؛ تبلیغات؛ سازمان جلب سیاحان؛ پهلوی دوم؛ ایران.

استناد: بختیاری، سمیه. (۱۴۰۱). تبلیغات در صنعت جهانگردی در دوره پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۵۷).

گنجینه اسناد، ۳۲(۱)، ۷۰-۱۱۱ | doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲.۲۹۱۸

۱. دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، گروه تاریخ
دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
sbakhtiar88@yahoo.com



گنجینه اسناد «۱۲۵»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۲.۲۹۱۸

نمایه در ISC, SID, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال | http://ganjineh.nlai.ir

سال ۳۲، دفتر ۱، بهار ۱۴۰۱ | صص: ۷۰ - ۱۱۱ (۴۲)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱/۱۵

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

صنعت جهانگردی، یکی از مهم‌ترین پدیده‌های قرن بیستم است که در یک‌صد سال گذشته، تأثیری به‌سزا در رشد و پویایی اقتصادی و تبادلات فرهنگی کشورها داشته‌است. این صنعت که گسترده‌ترین صنعت خدماتی است، پس از جنگ جهانی دوم در سراسر جهان گسترش یافت. با تأسیس «اداره جلب سیاحان» در ۱۳۱۳/۱۹۳۴، تشویق و ترغیب جهانگردان و فراهم‌آوردن زیرساخت‌های جهانگردی و تسهیلات آن با هدف توسعه مناسب بین‌المللی، آگاهی جهان از تمدن ایران و تحولات کشور، در برنامه سیاست‌گذاری‌های دولت قرار گرفت.

تبلیغات، یکی از مؤثرترین راه‌های تحت‌الشعاع قرار دادن جهانگردان است. هر کشور، شهر یا منطقه‌ای باید بتواند در کنار ایجاد زیربنای جهانگردی و عرضه خدمات مناسب، جاذبه‌های جهانگردی و مزایای مسافرت به آن منطقه را بیان کند. اگرچه در طول حکومت پهلوی، تبلیغات جهانگردی در اولویت طرح‌های توسعه صنعت جهانگردی نبود، ولی پس از تأسیس سازمان جلب سیاحان در سال ۱۳۴۲/۱۹۶۳، بودجه، اهداف و شرح وظایفی برای تبلیغات جهانگردی منظور شد که تا پایان این دوره ادامه داشت. این حکومت برای پیشبرد اهداف سیاسی خود و استفاده از این صنعت به‌عنوان تریبونی برای بیان اقداماتش، از ابزارهای تبلیغاتی مختلفی استفاده کرد که در توسعه صنعت جهانگردی هم مؤثر بود.

این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر است:

۱. تبلیغات سازمان جهانگردی چه جایگاهی در برنامه‌های عمرانی سوم تا ششم دوره پهلوی داشت؟

۲. حکومت پهلوی برای تبلیغات جهانگردی از چه ابزارهایی استفاده کرد؟

در راستای پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها، نویسنده با مطالعه اسناد آرشیوی و گزارش‌های دولتی این دوره، به بررسی جایگاه تبلیغات جهانگردی و ابزارهای آن پرداخته‌است.

فرضیه پژوهش

تبلیغات گسترده جهانی برای جلب سیاحان تا اواسط دهه چهل شمسی در اولویت سیاستگذاری طرح‌های توسعه صنعت جهانگردی کشور نبود. این حکومت در عرصه تبلیغات جهانگردی در داخل و خارج از کشور از ابزارهایی مانند چاپ نشریات تبلیغاتی و تبلیغات در رادیو تلویزیون بهره برد.



پیشینه پژوهش

درباره تبلیغات سازمان جهانگردی در دوره پهلوی و جایگاه آن، تاکنون تحقیق و پژوهشی انجام نشده است؛ از این رو در چارچوب پژوهش‌های تاریخی، برای نخستین بار است که این موضوع بررسی می‌شود. البته گزارش‌هایی تحقیقی از سازمان برنامه و بودجه دوره پهلوی موجود است که در کنار شرح عملکرد برنامه‌های عمرانی چهارم و پنجم درباره سیاحت و جهانگردی، به‌طور مختصر به اهداف، عوامل تبلیغات جهانگردی و چگونگی تخصیص بودجه به برخی از ابزارهای تبلیغات جهانگردی پرداخته است.

۲. تحول سازمان جهانگردی ایران در دوره پهلوی

از ابتدای دوره پهلوی، ارائه تسهیلات به جهانگردان خارجی برای مسافرت به ایران مورد توجه بود. نخستین تلاش در زمینه جلب رضایت جهانگردان و فراهم آوردن تسهیلات رفاهی برای آنان، برای «حفظ شئون و حیثیت کشور در انتظار بین‌الملل» به ۱۳۰۴/۱۳۲۵ برمی‌گردد (اسنادی از صنعت جهانگردی در ایران، ۱۳۸۰، ج ۱، سند شماره ۲). در ۱۳۱۳/۱۳۳۴، هم‌زمان با اقداماتی چون تهیه عکس‌هایی از آثار تاریخی و جاذبه‌های طبیعی کشور برای انتشار و تبلیغ در روزنامه‌های خارجی و پیوستن به «قرارداد بین‌المللی اتومبیل‌رانی» همانند کشورهای اروپایی با هدف تسهیل عبور جهانگردان با اتومبیل شخصی از کشوری به کشور دیگر، نخستین «اداره تبلیغات و جلب سیاحان خارجی» در وزارت کشور تأسیس شد (اسنادی از صنعت جهانگردی در ایران، ۱۳۸۰، ج ۱، سند شماره ۴۵؛ ساکما، ۱۳۸۲/۲۴۰؛ استادوخ، ۱۳۱۳، کارتن ۶۰، پرونده ۴۱). این اداره به‌طور رسمی یک سال بعد، بانام «اداره امور جهانگردی» تمام امور مربوط به جهانگردی را برعهده گرفت. در شهریور ۱۳۲۰/۱۹۴۱، اداره امور جهانگردی به «شورای عالی جهانگردی» تبدیل شد و امور اداری آن زیر نظر «اداره سیاسی وزارت کشور» قرار گرفت. این شورا در سال ۱۳۲۸/۱۹۴۹ به تصویب هیئت وزیران رسید و فعالیت خود را آغاز کرد. هدف از تشکیل این شورا، تمرکز و توسعه و نظارت در امور جهانگردی و مسافرتی و تبلیغاتی بود (اسنادی از صنعت جهانگردی در ایران، ۱۳۸۰، ج ۱، سند شماره ۹۱). دولت در ۱۳۳۳/۱۹۵۴، به اهمیت جلب جهانگرد خارجی با هدف تحکیم مبانی حسن تفاهم میان افراد کشورهای مختلف، توجه کرد و «اداره امور جهانگردی» مجدداً در وزارت کشور تشکیل شد.

پس از گذشت سه دهه فعالیت تشکیلات نامنظم در زمینه فعالیت‌های جهانگردی، در تاریخ ۱۷ فروردین ۱۳۴۲/۶ آوریل ۱۹۶۳ سازمانی به نام «سازمان جلب سیاحان» تأسیس شد که هدف آن ایجاد هماهنگی و نظارت بر تمام فعالیت‌های جهانگردی کشور بود.

تهیه برنامه‌ای جامع با هدف تشویق جهانگردان برای مسافرت به ایران، تأسیس و تجهیز تأسیسات اقامتی و پذیرایی در شهرها و مسیر راه‌ها، اهتمام در تأسیس آموزشگاه‌های راهنمایی و پذیرایی از سیاحان، تخصیص اعتبارات لازم برای تبلیغات و اتخاذ روش صحیح در پذیرایی از مسافران و جهانگردان از جمله وظایف این سازمان بود (ساکما، ۱۳۸۷-۲۹۷). این سازمان، با تهیه و تنظیم و اجرای طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های وسیع و دامنه‌دار، اقداماتی بسیار مؤثر و زیربنایی در راستای توسعه صنعت جهانگردی کشور به عمل آورد که در جذب جهانگرد به ایران تأثیری به‌سزا داشت. آمارها حاکی از آن است که تعداد جهانگردان خارجی از حدود ۵۵ هزار و ۳۸۷ نفر در سال ۱۳۱۲ به ۳۷۳ هزار و ۵۱۵ نفر در سال ۱۳۵۲ رسیده‌است (اسنادی از صنعت جهانگردی در ایران، ۱۳۸۰، ج ۱، سند شماره ۵۱؛ سال‌نامه آماری کشور سال ۲۵۳۶ شاهنشاهی، ۲۵۳۷، ص ۵۳۹).

سازمان جلب سیاحان در ۱۳۵۳/۱۹۷۴ با وزارت اطلاعات ادغام شد و این وزارت بانام «وزارت اطلاعات و جهانگردی» کارش را شروع کرد. هدف از تشکیل این وزارت‌خانه، نظارت و هدایت امور مربوط به وسایل ارتباط جمعی در جهت تأمین مصالح ملی، شناساندن بیشتر پیشرفت‌ها و تحولات و تمدن کشور به جهان، اشاعه و تحکیم مبانی ارزش‌های ملی در شئون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بالابردن سطح دانش و بینش عمومی و آماده‌سازی جامعه ایرانی برای قبول مسئولیت‌های فردی و جمعی بیشتر و نیز توسعه صنعت جهانگردی بود (مجموعه قوانین بیست و سومین دوره قانونگذاری مجلس شورای ملی، بی تا، ج ۱۲، صص ۶۱۰۲-۶۱۰۷). امور ایرانگردی و جهانگردی توسط چهار شرکت سهامی به اسامی «شرکت سهامی تأسیسات جهانگردی ایران»، «شرکت سهامی گشت‌های ایران»، «شرکت سهامی مرکز خانه‌های ایران» و «شرکت سهامی سازمان مراکز جهانگردی برای ورزش‌های زمستانی» و تحت نظارت وزارت اطلاعات و جهانگردی اداره می‌شد (فیض‌بخش، ۲۵۳۵، ص ۱۷۳). پس از سقوط حکومت پهلوی، طبق مصوبه ۱۳۵۸/۸/۲۱ شورای انقلاب، چهار شرکت مذکور در یکدیگر ادغام شد و فعالیت خود را به شکل واحد بانام «سازمان مراکز ایرانگردی و جهانگردی» آغاز کرد.

۳. تبلیغات جهانگردی ایران در طول برنامه‌های عمرانی سوم تا پنجم

تبلیغات، تلاش سازمان‌یافته برای نظارت بر اعتقادات، دیدگاه‌ها و رفتارها با هدف اندیشه‌زایی و آگاهی‌رسانی جهت‌دار از طریق کلمات، تصاویر و نمادهای دیگر است (کاتلر، ۱۳۷۶، ص ۷۸؛ لومسدون، ۱۳۸۰، ص ۲۴۸؛ گولد و کولب، ۱۳۷۶، ص ۲۱۳). در دهه چهل شمسی، سازمان جلب سیاحان، تبلیغات جهانگردی را به مجموعه فعالیت‌هایی



اطلاق کرد که هدف آن، ایجاد تصویری واقعی از جاذبه‌های باستانی و تاریخی کشور برای جذب مسافران خارجی به سفر به ایران و برانگیختن اشتیاق اتباع کشور به سفر در داخل مملکت بود (گزارش شناخت، عملکرد، ارزشیابی سیاحت و جهانگردی در برنامه چهارم، ۱۳۵۰، صص ۴ و ۵).

برای نخستین بار در سال ۱۹۲۹/۱۳۰۸ به مقوله تبلیغات برای جلب گردشگران خارجی پرداخته شد و نخبگان حکومت درباره چگونگی بهره‌برداری از این صنعت، افزون بر ارسال گزارش‌ها و پیشنهادها، جلسات بسیاری تشکیل دادند و طرح‌های تسهیلاتی و تأسیساتی فراوانی را تصویب کردند (استادوخ، ۱۳۰۸، کارتن ۳۱، پرونده ۶۰). در دوره پهلوی اول، نمایندگان و مسئولان کشور برای حفظ وجهه اجتماعی و سیاسی مملکت در بین دیگر کشورها و جلب سیاحان به کشور، هرگونه تبلیغات سوء علیه ایران را رصد می‌کردند و از انتشار آن در دیگر کشورها مانع می‌شدند. ممانعت از فروش عکس‌های مستهجن «منافی با روحیات اخلاقی و حیثیات» کشور به مردم و جهانگردان، جلوگیری از انتشار عکس‌های خانم اسمیت در آمریکا و انگلیس به دلیل مغایرت با شئون کشور و امثال آن نشان‌دهنده عزم راسخ حکومت پهلوی در سیاستگذاری جذب جهانگرد به ایران بوده است (اسنادی از صنعت جهانگردی در ایران، ۱۳۸۰، ج ۱، اسناد شماره ۵۳ تا ۵۵).

در دهه سی شمسی مقارن با دهه پنجاه میلادی، فیلم‌های مستند و ماجراجویانه از مناظر و دیدنی‌های کشورهای قاره آسیا و آفریقا برای مردم کشورهای اروپا و آمریکا، جذابیت خاص و مخاطب زیادی داشت. در این بین، سیاحان و ماجراجویان برای جلب توجه مخاطب، از مناظری که مردم به راحتی در کارت‌پستال‌ها و مجلات به آن‌ها دسترسی نداشتند عکس و فیلم تهیه می‌کردند؛ ایران نیز در این سودای ماجراجویان گرفتار شده بود. به نظر می‌رسد پس از جریان ملی‌شدن صنعت نفت و آوازه اقدامات مصدق در کنار مناسبات شاه و مصدق و پس از آن رویداد مرداد ۱۳۳۲، مردم جهان راغب بودند که بیشتر راجع به ایران بدانند. شکوه و عظمت تمدن چند هزارساله، آثار و بناهای باشکوه تاریخی و ادبیات غنی ایران در کنار اخبار جدایی شاه و همسرش ثریا و تحلیل دلایل آن، در جراید کشورهای مختلف چاپ می‌شد و روزنامه‌نگاران راجع به نامزدهای احتمالی شاه برای ازدواج داستان‌سرایی می‌کردند. به همین دلیل کشور ایران یکی از مقصدهای ماجراجویان بود. به ندرت می‌توان در شرح سفر و گزارش‌های تصویری این سیاحان و ماجراجویان، نکات مثبتی راجع به ایران پیدا کرد. در بیشتر این گزارش‌ها به ثروت بیکران ایران به دلیل داشتن نفت و در کنار آن به فقر و تنگدستی مردم و نبود حداقل امکانات رفاهی اشاره شده است. برای نمونه، سفارت شاهنشاهی ایران در لاهه، گزارش

کرد که جهانگردی هلندی به نام «ویم دیسل»^۱ پس از شرح آب‌وهوای نامساعد، صحرای بی‌آب‌وعلف، کمبود بنزین، نبود مهمان‌خانه، فقر و تنگدستی مردم و «راه‌های ایران که از هر کجای دنیا بدتر است» به مردم مهربان، سبک‌پذیری ایرانیان، آثار تاریخی باشکوه و قالی‌های زیبا و خوش‌نقش ایران اشاره کرده و آن‌ها را ستوده‌است (اسنادی از صنعت جهانگردی در ایران، ۱۳۸۰، ج ۲، سند شماره ۱۳۴). هم‌چنین نماینده ایران در دفتر اروپایی سازمان ملل متحد در ژنو گزارش داد که سیاحی فرانسوی به نام «ژک کُنه»^۲ در فیلم مستند «دو مرد و دو اسب در آسیا»^۳ ایران را کشوری عقب‌مانده با مردمی فقیر معرفی کرده و راه‌های ایران را راهروهایی قلمداد کرده‌است که بر اثر کثرت عبور و مرور به‌خودی‌خود ایجاد شده‌اند. این فیلم، حتی آثار تاریخی اصفهان را با بزرگ‌نمایی افراد ژنده‌پوشی نشان داد که در لابه‌لای شتر و الاغ رفت‌وآمد می‌کردند (اسنادی از صنعت جهانگردی در ایران، ۱۳۸۰، ج ۲، سند شماره ۱۳۵).

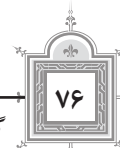
اداره اطلاعات، انتشارات و رادیو در ۱۹۵۸/۱۳۳۷، برای جلوگیری از انتشار چنین گزارش‌هایی و ممانعت از حضور نویسندگان و خبرنگاران در مناطق فقیرنشین کشور به‌ویژه پایتخت و شهرهای جهانگردی مانند اصفهان و شیراز، مسئول تهیه مقدمات اجرای برنامه تبلیغات خارجی و راهنمایی مهمانان دولت، خبرنگاران و نمایندگان مطبوعات خارجی شد. از جمله اقدامات این اداره، می‌توان به انتشار بیست نوع نشریه و راهنما و فصل‌نامه به انگلیسی و عربی، چاپ مجله «ایران امروز» به زبان انگلیسی و مجله «پیام ایران» برای جوانان خارج از کشور و پذیرایی از هیئت مطبوعاتی کشورهای مختلف اشاره کرد. براساس گزارش این اداره، هر هفته به‌طور متوسط پنج تا ده خبرنگار خارجی وارد تهران می‌شدند که جلب رضایت خاطر آن‌ها بر گزارش و مطلبی که راجع به ایران می‌نوشتند تأثیری به‌سزا داشت. از این‌رو، سفارت‌خانه‌ها موظف بودند که به‌محض دریافت درخواست ویزای خبرنگار و نویسنده‌ای، به آن اداره تلگراف بزنند و بازرسان گذرنامه در فرودگاه باید با تلفن ورود خبرنگاران و نمایندگان مطبوعات خارجی را به اداره اطلاعات خبر می‌دادند تا نماینده اداره بی‌درنگ به هتل محل اقامت آن‌ها برود (اسنادی از صنعت جهانگردی در ایران، ۱۳۸۰، ج ۲، سند شماره ۱۳۶). هدف اداره مذکور تنها پذیرایی و ارائه خدمات به خبرنگاران و نویسندگان نبود. تجربه حضور نویسندگان و خبرنگاران و ثبت مناظر و وقایعی که نباید در رسانه‌ها و مطبوعات خارجی منعکس می‌شد، چنین ارائه خدماتی را ایجاب می‌کرد. آن‌ها ضمن این خدمات، می‌توانستند به نمایندگان مطبوعات، آن تصویری از ایران را نشان بدهند که می‌خواستند. درواقع، پازل ذهنی نویسندگان و خبرنگاران درباره هر موضوعی از ایران را با قطعات مورد تأیید اداره اطلاعات شکل

1. Wim Dussel.

2. Jacques Cornet.

3. Deux hommes 20V En Asia:

منظور از دو اسب، موتور اولیه خودروی سیتروئن (ژیان) است که دو اسب بخار قدرت داشته‌است. این سیاح در سال ۱۹۵۶/۱۳۳۵ از پاریس با اتومبیل سیتروئن دواسبی از راه ترکیه و عراق به ایران سفر کرده‌است (اسنادی از صنعت جهانگردی در ایران، ۱۳۸۰، ج ۲، سند شماره ۱۳۵).



می‌بخشیدند. این گونه است که تا مدتی، کمتر گزارش‌های ضدونقیض راجع به اوضاع ایران، در جراید و مجلات و کتاب‌های خارج از کشور انتشار یافت. چنین تصور می‌شود که نویسندگان تمام نشریات در سراسر اروپا و آمریکا یک نفر بوده‌است؛ چون تمامی آن نویسندگان با زاویه دید مشخص و از قبل تلقین شده‌ای مطلب می‌نوشتند. چنین رویکردی به مراودات اجتماعی میان ایرانیان و خارجیان از دوره رضاشاه وجود داشت و اغلب یک خبررسان پلیس، خارجیان را تعقیب می‌کرد (لمتون، ۱۳۷۹، ص ۱۹۶). البته این شیوه ماندگار نبود. چون خبرنگاران و نمایندگان مطبوعات خارجی برای یافتن خبر جنجالی، سعی می‌کردند خود را از شر مأموران اداره اطلاعات رهایی بخشند. به همین دلیل، آن اداره در دو هتل بزرگ تهران، اتاق‌هایی اجاره کرده بود تا مأموران از راه دوستی و گفت‌و شنود، حرکات خبرنگاران و کم‌کم حتی سیاحان را زیر نظر بگیرند و از ارتباط «دشمنان ایران» با آن‌ها مانع شوند. این اقدامات در پوشش ممانعت از مخدوش شدن تصویر ایران و ایرانی و در قالب نشر گزارش‌های خوب از ایران برای جذب گردشگر انجام می‌شد. با این هدف، طرح آموزش و استخدام راهنمایانی به اجرا درآمد که افزون‌بر تسلط به یکی از زبان‌های خارجی، در دوره سه‌ماهه تاریخ ایران به‌ویژه تاریخ چهل سال اخیر ایران، معرفی مراکز توریستی ایران و صنایع دستی و هنر ایران هم شرکت کرده باشند (اسنادی از صنعت جهانگردی در ایران، ۱۳۸۰، ج ۲، سند شماره ۱۳۶).

در دوره برنامه عمرانی سوم (۱۳۴۱-۱۳۴۶/۱۹۶۲-۱۹۶۷)، سازمان جلب سیاحان در اقدامی مبتکرانه، با وجود کمبود اعتبار توانست با همکاری با مؤسسات خصوصی مراسم انتخاب ملکه جهانگردی ایران را اجرا کند (گزارش شناخت، عملکرد، ارزشیابی سیاحت و جهانگردی در برنامه چهارم، ۱۳۵۰، ص ۱۷). این جشن در تهران برگزار شد و خانم زیبا جهان از بین داوطلبان انتخاب شد. ملکه جهانگردی که به «سفیر گل سرخ» ملقب بود در تاریخ ۷ اردیبهشت ۱۳۴۴/ ۲۷ آوریل ۱۹۶۵ با لباس محلی و پیام دوستی مردم ایران با مردم کشورهای دیگر به شهرهای رم، نیس، ژنو، پاریس، لندن، کپنهاگ، مونیخ، نیویورک، سانفرانسیسکو، توکیو و کراچی سفر کرد و در کشورهای محل توقف، از او استقبال شد. او در هر شهر، یک نهال گل سرخ غرس کرد و به مقامات محل، گل سرخ اهدا کرد و آغاز فصل بهار و جهانگردی در ایران را اعلام کرد (استادوخ، ۱۳۴۴، کارتن ۱۲۸، پرونده ۲۰، قسمت ۱۳ و پرونده ۱۳/۲، قسمت ۲؛ اسنادی از صنعت جهانگردی در ایران، ۱۳۸۰، ج ۲، سند شماره ۱۷۸). سفیر گل سرخ و پیامش در روزنامه‌های سراسر دنیا انعکاسی گسترده داشت. هم‌چنین تمدن ایران و جاذبه‌های جهانگردی آن و اقدامات سازمان جهانگردی ایران تا مدتی در اخبار و رسانه‌های خارجی چاپ می‌شد (اخبار و گزارش‌های مهم

اقتصادی ایران، خرداد ۱۳۴۴، ص ۳). گفتنی است زیبا جهان در مسابقه بین‌المللی ملکه جهانگردی در اروگوئه نیز شرکت کرد (خاتمی، ۱۳۵۰، ص ۱۱۸).

مجمع عمومی سازمان ملل متحد سال ۱۳۴۶/۱۹۶۷ را سال بین‌المللی جهانگردی اعلام کرد (استادوخ، ۱۳۴۵، کارتن ۴۹، پرونده ۷؛ Problems of Development of Travel and Tourist Facilities in Developing Countries, 1967, 17(77), p15). در آبان این سال، جشن تاج‌گذاری شاه و همسرش برگزار شد که خبر آن در جراید معتبر سراسر دنیا انعکاس یافت و مخاطبان بسیاری را متوجه کشور ایران کرد؛ باین حال، ایران نتوانست در رویداد بین‌المللی سال جهانگردی شرکت کند و علت آن کمبود بودجه و نداشتن اعتبار به‌علت هزینه‌های جشن تاج‌گذاری بود. البته سازمان جلب سیاحان نشریاتی را در سال جهانگردی در زمینه تبلیغ جشن تاج‌گذاری در نمایشگاه مونترال کانادا منتشر کرد (استادوخ، ۱۳۴۶، کارتن ۱۹۷، پرونده ۱۴/۱۳، قسمت ۱، پرونده ۱۴/۱۳، قسمت ۲ و پرونده ۲۴/۱۳، ولی این کار با اقداماتی که کشورهای منطقه به‌ویژه ترکیه در زمینه تبلیغات جهانگردی انجام دادند قابل مقایسه نبود. براساس گزارش سفیر ایران در استانبول، سال جهانگردی در ترکیه در ۱۲ فروردین/اول آوریل، طی مراسمی خاص و به‌طور رسمی از طرف وزارت جهانگردی و اطلاعات ترکیه آغاز شد که شرح چگونگی آن در روزنامه «دیلی نیوز» -که به زبان انگلیسی بود- برای آگاهی جهانگردان خارجی چاپ شد (استادوخ، ۱۳۴۶، کارتن ۱۹۷، پرونده ۲۴/۱۳). مهم‌ترین مشارکت ایران در سال بین‌المللی جهانگردی، اهدای یک قطعه گلیم ابریشمی، به نویسنده بهترین مقاله جهانگردی مجله «اتحادیه بین‌المللی سازمان‌های رسمی جهانگردی» بود (خاتمی، ۱۳۵۰، ص ۱۱۴).

در برنامه عمرانی چهارم (۱۳۴۷-۱۳۵۱/۱۹۶۷-۱۹۷۲)، برنامه‌های تبلیغات جهانگردی با هدف تشویق جهانگردان خارجی به مسافرت به ایران و ترغیب ایرانیان به سفر در داخل کشور و حسن برخورد با جهانگردان در سال ۱۳۴۷ کلید خورد. در اوایل برنامه چهارم، هدف کلی و سیاست کشور ایجاب می‌کرد که تبلیغات دامنه‌دار در سطح جهانی برای جلب سیاحان انجام نشود؛ زیرا کشور از نظر تأسیسات جهانگردی به اندازه کافی جوابگوی جهانگردان نبود؛ ولی پس از بهبود شرایط و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و دولتی در تأسیسات و آغاز بهره‌برداری از هتل‌های بزرگ و مجلل پایتخت و دیگر شهرهای بزرگ، سازمان جلب سیاحان برای جذب گردشگران به کشور تبلیغات کرد و چند دفتر نمایندگی در شهرهای بزرگ و مطرح جهانگردی دنیا تأسیس کرد (گزارش شناخت، عملکرد، ارزشیابی سیاحت و جهانگردی در برنامه چهارم، ۱۳۵۰، ص ۲۱). مهم‌ترین اقدامات در زمینه اجرای برنامه‌های تبلیغاتی جهانگردی در طول برنامه چهارم عبارت بودند



از: چاپ بروشور به زبان‌های فارسی، انگلیسی، فرانسه و عربی؛ انتشار کتاب‌های راهنمای شهرهای ایران، پوستر، کارت پستال، تقویم، نقشه راه‌های کشور؛ درج آگهی در مجلات بین‌المللی؛ معرفی ایران به ایرانیان در برنامه‌های رادیو و تلویزیون؛ برگزاری و شرکت در نمایشگاه‌های ملی و بین‌المللی؛ تهیه سه حلقه فیلم با عناوین «ایران سرزمین آریایی‌ها» و «ایران سرزمین طبیعت زیبا» و «جهانگرد در ایران»؛ و گنجاندن درس جهانگردی در کتب درسی مقطع راهنمایی (ارزشیابی برنامه چهارم جهانگردی، ۱۳۵۰، صص ۱۹ و ۲۰).

در برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۲-۱۳۵۶/۱۹۷۳-۱۹۷۷)، هم‌هدف اصلی از اجرای برنامه تبلیغات جهانگردی، تشویق گردشگران خارجی به مسافرت به ایران و جلب سرمایه‌های خارجی برای ایجاد انواع تأسیسات پذیرایی و مؤسسات خدمات جهانگردی، تشویق ایرانیان به مسافرت در داخل کشور، حسن برخورد با جهانگردان و جلب سرمایه‌گذاری بیشتر بخش خصوصی در جهت ایجاد انواع تأسیسات پذیرایی جهانگردی بود. در راستای این اهداف فعالیت‌های زیر پیگیری شد: چاپ و نشر انواع نشریات جهانگردی لازم به زبان‌های مختلف در داخل و خارج؛ استفاده از وسایل ارتباط جمعی با هدف معرفی مراکز و تسهیلات جهانگردی؛ برگزاری و شرکت در نمایشگاه‌ها در داخل و خارج به‌ویژه در بازارهای جهانگردی بین‌المللی؛ استفاده از خدمات آژانس‌های بازاریابی جهانگردی بین‌المللی در هریک از قاره‌ها یا بازارهای جهانگردی برحسب ضرورت؛ استفاده از ویتترین‌ها، سالن‌های راه‌آهن، و فرودگاه‌ها در داخل و خارج برای معرفی ایران؛ ایجاد شعبه در مراکز و بازارهای جهانگردی خارج از کشور و کمک به عرضه صنایع دستی و سنتی ایران برای فروش به جهانگردان (جهانگردی ملی: اصول، مبانی، هدف‌های کلی برنامه‌های مشخص، خط‌مشی و سیاست‌ها، برنامه پنجم، ۱۳۵۰، ص ۱۱).

در برنامه عمرانی ششم (۱۳۵۷-۱۳۶۱/۱۹۷۸-۱۹۸۲) که فرصت اجرایی شدن را به‌دست‌نیامد، تبلیغات و بازاریابی جهانگردی اهمیتی به‌سزا داشت. مسئولان وقت، کشور را از هر لحاظ آماده رویارویی با سیل عظیم گردشگران می‌دانستند. راه‌ها و محورهای ارتباطی، راه‌آهن و خطوط هوایی، زیرساخت‌های عمرانی و تأسیساتی، تسهیلات و خدمات جهانگردی، متناسب با استانداردهای بین‌المللی توسعه می‌یافت و بافت سنتی و بومی شهرها و روستاها به‌عنوان یکی از جاذبه‌های زندگی شرقی مطرح می‌شد. گفتنی است، براساس خطوط کلی‌ای که برای چگونگی تبلیغات جهانگردی در سال‌های آتی در برنامه عمرانی ششم طراحی و تنظیم شده بود، هنوز هدف اصلی از تبلیغات در خارج از کشور بر «ارائه تصویری روشن از فرهنگ و تمدن ایران و پیشرفت‌های ایران امروز» استوار بود. سیاست بازاریابی جهانگردی گروهی، تأکید بر سیاحت جوانان و برگزاری

کنفرانس‌ها و نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های فرهنگی و هنری از دیگر اهدافی بود که در برنامه مذکور تعیین شده بود (خطوط کلی هدف‌ها، سیاست‌ها، خط‌مشی‌های برنامه عمرانی ششم، بی تا، صص ۳۸۰، ۳۸۱).

هدف از جلب سیاحان و توسعه صنعت جهانگردی، درطول دوره پهلوی تا دهه چهل شمسی، تنها استفاده از جهانگردان، به عنوان نوعی رسانه بود. رسانه‌ای که تحولات نوین کشور در زمینه زیرساخت‌های عمرانی، ساخت و تجهیز راه‌ها و تأسیسات و تسهیلات جهانگردی و امکانات رفاهی مردم را به دنیا مخابره می‌کرد.^۱ پس از آن، «گذرگاهی برای صلح» به هدف مذکور افزوده شد (Tourism, Passport to Peace, 1966, pp 27, 74)؛ این عنوانی نخستین بار در سال ۱۹۶۶/۱۳۴۵ به جهانگردی اختصاص یافت و از سال ۱۳۴۷ به بعد بر پشت جلد آمار جهانگردی کشور رخ‌نمایی می‌کرد. در سال ۱۳۵۴، دیگر صنعت جهانگردی تنها راهی برای توسعه مناسبات بین‌المللی، آشنایی مردم دیگر کشورها با ایران و عرضه تحولات نوین ایران به‌ویژه دادن گزارش انقلاب شاه و مردم نبود، بلکه مسئولان وقت در سخنرانی‌هایشان برای ملت و خبرنگاران خارجی از جاده‌سازی و هتل‌سازی برای ترویج جهانگردی و توسعه این صنعت با هدف مقابله با بحران اقتصادی خبر می‌دادند. برای نخستین بار کشور آماده پذیرفتن گردشگران خارجی بود و دیگر، راه‌های ناهموار، تأسیسات کم و بی کیفیت و یا تشریفات اداری وقت گیر و پرهزینه مانع از ورود گردشگران نمی‌شد و تبلیغات جهانگردی گسترده‌ای در سراسر جهان برای جلب جهانگردان خارجی به کشور انجام می‌شد.

۴. بودجه تبلیغات جهانگردی

پس از آن که جهانگردی به عنوان یک صنعت در جهان مطرح شد، کشورهای زیادی با هدف جذب گردشگر به کشور خود، بودجه‌ای را به تبلیغات جهانگردی اختصاص دادند. سال ۱۳۴۲/۱۹۶۳ مقاله‌ای با عنوان «فعالیت‌های سازمان‌های ملی جهانگردی در زمینه تبلیغات»^۲ در مجله «سیاحت جهان»^۳ منتشر شد. نویسنده این مقاله میزان اعتبار کشورهای مختلف در زمینه تبلیغات جهانگردی را بررسی کرد. براساس این تحقیق، ایران از ۱۳۴۰-۱۹۶۱/۱۳۴۲ هیچ بودجه‌ای برای روابط عمومی و تبلیغات جهانگردی در نظر نگرفته بود، ولی در سال ۱۹۶۳/۱۳۴۲ هم‌زمان با تأسیس سازمان جلب سیاحان و در دوره برنامه عمرانی سوم، بودجه ترکیبی ۱۸۰ هزاردلاری برای تبلیغات، آگهی‌ها و روابط عمومی ... تعیین کرد؛ این در حالی بود که کل بودجه سازمان ملی جهانگردی ایران، ۴۰۰ هزار دلار بود. بودجه تبلیغات ایران در مقایسه با ۶۳ کشور دیگر از ۲۴ کشور بیشتر بود که از

۱. به هدف از تشکیل وزارت اطلاعات و جهانگردی که در قسمت تحول سازمان جهانگردی ایران در دوره پهلوی آمده است دقت کنید: ازجمله: توسعه صنعت جهانگردی پس از نظارت و هدایت امور مربوط به وسایل ارتباط جمعی در جهت تأمین مصالح ملی؛ شناساندن بیشتر پیشرفت‌ها و تحولات و تمدن کشور به جهان؛ اشاعه و تحکیم مبانی ارزش‌های ملی در شئون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ بالابردن سطح دانش و بینش عمومی و آماده‌سازی جامعه ایرانی برای قبول مسئولیت‌های فردی و جمعی بیشتر.

۲. "The activities of National Tourist Organisations in the field of publicity".

۳. مجله سیاحت جهان (Tourisme Mondial - World Travel) که برخی از مقالات آن به زبان انگلیسی و فرانسوی و برخی تنها به زبان اسپانیایی منتشر می‌شد.



بین آن‌ها می‌توان به کشورهای فقیر کره، تایلند و افغانستان، در انزوای جهانی مانند چین و یا در وضعیت جنگ و ناامنی مانند ویتنام و سوریه اشاره کرد. ترکیه در این سال، ۱ میلیون و ۲۵۳ هزار و ۴۳۴ دلار از کل بودجه سازمان جهانگردی خود را که ۳ میلیون و ۲۹۱ هزار و ۷۸۵ دلار بود، به تبلیغات و روابط عمومی کشور خود اختصاص داده بود. از دیگر کشورهای منطقه، هند ۱ میلیون و ۳۶۵ هزار دلار از کل بودجه ۲ میلیون و ۱۶۵ هزار دلار خود را به تبلیغات اختصاص داده بود و کشور پاکستان نیز ۴۵۷ هزار دلار از بودجه ۸۰۷ هزار دلار سازمان جهانگردی خود را به تبلیغات و روابط عمومی اختصاص داده بود (The activities of National Tourist Organisations in the field of publicity, 1963, pp 13-30). با این شرح، به‌خوبی می‌توان متوجه شد که جایگاه تبلیغات جهانگردی در حکومت پهلوی در دهه چهل شمسی در چه سطحی بوده‌است.

اگرچه سازمان جلب سیاحان در سال ۱۹۶۷/۱۳۴۶ ده‌هزار دلار صرف تهیه و توزیع نشریات و پوستره‌های مخصوص تبلیغات جهانگردی در داخل و خارج از کشور کرد (افشار طوس، ۱۳۴۹، صص ۳۴-۴۴)، ولی در پایان سال چهارم برنامه عمرانی چهارم (۱۹۷۲/۱۳۵۰) سازمان برنامه‌بودجه فقط ۴۱/۳٪ از کل اعتبار فعالیت‌های تبلیغاتی سازمان جلب سیاحان را در اختیار واحد نشریات و تبلیغات قرار داد که این امر در کاهش میزان فعالیت‌های تبلیغاتی مؤثر بود (گزارش شناخت، عملکرد، ارزشیابی سیاحت و جهانگردی در برنامه چهارم، ۱۳۵۰، ص ۱۳). مقاله اسپانیایی «اخباری از سراسر جهان»^۱ ضمن ارائه خبر تشویق و حمایت حکومت ایران از سرمایه‌گذاران جهانگردی، درباره ۵۷ میلیون دلار اعتباری که ایران برای توسعه تبلیغات، بازاریابی جهانگردی و روابط عمومی برای سال ۱۳۵۶-۱۹۷۷/۱۳۵۷-۱۹۷۸ اختصاص داده بود و کاهش ۷ درصدی آن نسبت به سال مالی قبل گزارش داده‌است (NOTICIAS A TRAVÉS DEL MUNDO, 1978, p71). این میزان اعتبار باوجود کاهش نسبت به سال قبل، اهتمام حکومت پهلوی برای جلب گردشگر از طریق بازاریابی و تبلیغات جهانگردی و هم‌راستایی آن با خطوط کلی برنامه عمرانی ششم را نشان می‌دهد.

۵. ابزار تبلیغات جهانگردی

یکی از نمایندگان مجلس سنا در آبان ۱۹۶۴/۱۳۴۳ -تقریباً یک سال پس از تأسیس سازمان جلب سیاحان- در مجلس تأکید کرد، مادامی که ایران از نظر پذیرایی و ارائه خدمات به جهانگرد آمادگی نداشته باشد، نباید سازمان جلب سیاحان در زمینه تبلیغات و جلب سیاحان اقدامی بکند. از آنجاکه هتل در اصفهان کم است، امکان ذخیره اتاق در هتل‌های

1. "Noticias a Través del Mundo".

اصفهان وجود ندارد؛ بنابراین ابتدا باید تأسیسات لازم برای جهانگردان در مملکت فراهم شود و پس از آن برای جلب سیاحان، تبلیغات و بازاریابی انجام شود (مذاکرات مجلس سنا، دوره چهارم، ۲۵ آبان ۱۳۴۳). اگرچه تبلیغات جهانگردی در اولویت سیاستگذاری حکومت پهلوی نبود، ولی حکومت پهلوی برای معرفی کشور و اقداماتش در زمینه توسعه عمرانی و رفاه اجتماعی در بین سایر ملل، به ویژه کشورهای منطقه از تمامی امکانات استفاده می کرد. ابزار تبلیغات سازمان جهانگردی در دوره پهلوی، چاپ نشریات تبلیغاتی، تبلیغات مطبوعاتی، تبلیغات نمایشی، تبلیغات رادیو تلویزیونی در داخل و خارج کشور، برنامه های روابط عمومی سازمان جلب سیاحان، عملکرد تبلیغات جهانگردی دفاتر نمایندگی سازمان جلب سیاحان در خارج از کشور و عملکرد تبلیغات جهانگردی سفیران حکومت پهلوی بود که در ادامه به هریک از آنها پرداخته می شود:

۵.۱. چاپ نشریات تبلیغاتی

نشریات تبلیغاتی، از گذشته تاکنون یکی از پرطرفدارترین راه های تبلیغاتی بوده اند. چاپ کتاب راهنمای شهرها و مناطق جهانگردی، بروشور، پوستر و کارت پستال مناطق و آثار باستانی و تاریخی و تقویم های تزئین شده با تصاویر مناطق جهانگردی از جمله نشریات تبلیغاتی است که در ادامه به هریک از آنها پرداخته می شود:

۵.۲. کتاب راهنما

کتاب «راهنمای ایران» نوشته غلام حسین ابتهاج در سال ۱۳۰۹/۱۹۳۰ به زیور طبع آراسته شد. هم چنین کتاب «آثار تاریخی ایران» به زبان فرانسوی، در نمایشگاه آثار و صنایع دستی ایتالیا رونمایی شد (استادوخ، ۱۳۰۹، کارتن ۳۳، پرونده ۶۰/۴۳). به دنبال درخواست های مکرر شرکت ها و مؤسسه های جهانگردی کشورهای اروپایی، در طول دوره پهلوی اول، بارها کتاب ابتهاج تجدید چاپ شد و در کتابخانه ها، سفارت خانه ها و دیگر مراکز مرتبط با جهانگردی و جهانگردان توزیع شد. البته به دلیل بودجه کم، این کتاب رایگان نبود (استادوخ، ۱۳۰۹، کارتن ۳۳، پرونده ۶۰/۳۹ و ۶۰/۴۱؛ ۱۳۱۳، کارتن ۶۰، پرونده ۲۵ و ۳۶ و ۴۷؛ ۱۳۱۴، کارتن ۶۰، پرونده ۱۷). مؤسسه «راهنمای شناخت غذاهای فرانسه»^۱ در سال ۱۳۱۳/۱۹۳۴، نسخه ای از کتاب «راهنمای بین المللی تأسیسات جهانگردی» حاوی آدرس مهمان خانه ها و رستوران های ممالک مختلف را به سفارت ایران در فرانسه فرستاد و از ایران درخواست کرد که فهرست تأسیسات اقامتی و پذیرایی ایران را به آن مؤسسه ارسال کند تا در ویرایش بعدی در بخش ایران اضافه شود (استادوخ، ۱۳۱۳، کارتن ۶۰، پرونده ۴۴،

1. Guide Gastronomique de France.



قسمت ۲). ولی مگر ایران در آن مقطع زمانی چند هتل و مهمان‌خانه مجلل و یا رستوران باکیفیت در سراسر کشور داشت؟! پایتخت کشور در آن زمان، تنها چهار مهمان‌خانه داشت و اصفهان، یکی از مهم‌ترین قطب‌های جهانگردی کشور، یک مهمان‌خانه داشت. به نظر نمی‌رسد باتوجه به موجود نبودن پاسخی در پرونده مذکور، در رابطه با معرفی مهمان‌خانه‌ها به آن مؤسسه، اقدامی انجام شده باشد.

در سال ۱۳۳۶/۱۹۵۷ مجموعه مصور «ایران» را مجید رهنما به زبان فرانسوی و انگلیسی چاپ کرد (استادوخ، ۱۳۳۶، کارتن ۱۳، پرونده ۱۲). پس از آن کمیسیون ملی یونسکو، کتاب دیگری را به نام «ایران» منتشر کرد (استادوخ، ۱۳۳۶، کارتن ۱۳، پرونده ۱۱). هم‌چنین باتوجه به افزوده شدن خطوط هوایی ایران، اطلاعات مربوط به وضع فرودگاه‌های ایران و خطوط هوایی آن منتشر شد و در دسترس عموم قرار گرفت (استادوخ، ۱۳۳۶، کارتن ۱۵، پرونده ۴۷). در طول برنامه عمرانی چهارم، تنها کتاب راهنمای تهران، اصفهان، شمال، خراسان و خوزستان با اطلاعات دقیق و مفصل از تاریخ و جغرافیا و امکانات جهانگردی و تأسیسات مختلف مورد نیاز مسافران چاپ شد (گزارش شناخت، عملکرد، ارزشیابی سیاحت و جهانگردی در برنامه چهارم، ۱۳۵۰، صص ۷، ۱۵). از آنجاکه تهیه کتاب راهنما به علت حجم زیاد و لزوم دقت فراوان، چند ماه طول می‌کشید، اطلاعات تسهیلاتی آن کهنه می‌شد و تغییرات بسیاری در بیشتر اطلاعات آن اتفاق می‌افتاد. از این گذشته، اغلب مسافران خارجی پیش از خروج از کشورشان برای تنظیم برنامه خود، کتاب‌های راهنمای جهانگردی ایران را از ناشران کشور خودشان تهیه می‌کردند. هم‌چنین چون کتاب راهنما باید به طور رایگان در بین جهانگردان توزیع می‌شد، هزینه‌های بسیاری برای سازمان جلب سیاحان داشت. بنابر موارد مذکور در طول برنامه چهارم تنها ۲۳٪ از هدف برنامه درباره چاپ کتاب راهنما اجرا شد و سازمان در دوره برنامه عمرانی پنجم بیشتر به چاپ بروشور روی آورد.

۵.۳. بروشور

در دهه چهل شمسی، چاپ بروشور برای سازمان جلب سیاحان به دلیل اعتبار کم، مقرون به صرفه‌تر از چاپ کتاب راهنمای ایران بود. سفرای ایران در لاهه، کلن، هامبورگ و دیگر شهرهای اروپایی ضمن اعلام علاقه‌مندی جهانگردان به سفر به ایران درخواست می‌کردند که بروشورهایی به زبان انگلیسی، فرانسوی و آلمانی برای آن سفارت ارسال شود. در پی این درخواست، جزوه‌هایی به نام «القبای توریستی ایران» به آن ادارات ارسال شد (استادوخ، ۱۳۴۶، کارتن ۱۹۷، پرونده ۱۴/۱۳، قسمت ۳۰). برای معرفی و ارائه

اطلاعات درباره قطب‌ها و مناطق جهانگردی کشور مانند تهران، اصفهان، شیراز، همدان، تبریز، کرمانشاه، خوزستان، تخت جمشید، و مسیر بازرگان به تهران دو نوع بروشور تهیه می‌شد که یکی بروشور تبلیغاتی همراه با تصاویر زیبا و شرح مختصر با هدف جلب توجه و ایجاد اشتیاق در مخاطب بود و فقط در خارج از کشور توزیع می‌شد و دیگری بروشور راهنمای تسهیلاتی با توضیح کامل بود که اطلاعات ضروری کشور را در اختیار مسافر می‌گذاشت (گزارش شناخت، عملکرد، ارزشیابی سیاحت و جهانگردی در برنامه چهارم، ۱۳۵۰، ص ۱۴).

۵.۴. پوستر

در دهه چهل و پنجاه شمسی، پوستر یکی از مؤثرترین راه‌های تبلیغاتی بود و چندبار در نمایشگاه‌های بین‌المللی به پوسترهای چاپ‌شده توسط سازمان جلب سیاحان، جوایزی اهدا شد. جایزه بهترین پوستر سفر و نشان جرسی^۱ در سال ۱۳۴۵/۱۹۶۷-۱۳۴۶ از جانب اتحادیه بین‌المللی جهانگردی به ایران تعلق گرفت (The IUOTO Travel Poster Competition, 1967, p43). در طول برنامه چهارم عمرانی سی پوستر چاپ شد که تنها ۴۰٪ از هدف برنامه را پوشش می‌داد. سازمان دلیل فاصله گرفتن از هدف برنامه را کمبود اعتبار و سعی در افزایش کیفیت و کاستن از کمیت اعلام کرد (گزارش شناخت، عملکرد، ارزشیابی سیاحت و جهانگردی در برنامه چهارم، ۱۳۵۰، ص ۱۵).

۵.۵. کارت پستال

از زمانی که صنعت جهانگردی توسعه یافت، کارت پستال به عنوان جلد نامه دوستانه به کار رفت. جهانگردان پشت تصویر یکی از آثار تاریخی تقدیم‌نامه‌ای می‌نوشتند و آن را برای دوستان خود پست می‌کردند. این کارت‌ها در مراکز جهانگردی جهان، طرفداران بسیاری داشت و جهانگردان به عنوان یادگاری از یک محل، کارت پستال‌های متعددی می‌خریدند. به‌ویژه در ایران که عکس‌برداری، قوانین دست‌وپاگیر زیادی داشت، جهانگردان به خرید این کارت‌ها روی آورده بودند. از آنجاکه شیوه‌های چاپ داخلی، ظرافت و کیفیت لازم را نداشت، سازمان جلب سیاحان این کارت‌ها را به چاپ‌خانه‌های خارج از کشور سفارش می‌داد (گزارش شناخت، عملکرد، ارزشیابی سیاحت و جهانگردی در برنامه چهارم، ۱۳۵۰، ص ۱۸).

1. Jersey.



۵.۶. چاپ تقویم به زبان‌های مختلف

از سال ۱۳۴۹ به بعد تقویم‌هایی فارسی و انگلیسی با تصاویر رنگی از مناظر طبیعی ایران چاپ و در داخل و خارج از کشور توزیع می‌شد (گزارش شناخت، عملکرد، ارزشیابی سیاحت و جهانگردی در برنامه چهارم، ۱۳۵۰، ص ۱۵).

۵.۷. تبلیغات مطبوعاتی

برخی از نوشته‌جات چاپی از قبیل روزنامه‌ها و مجلات را مطبوعات می‌خوانند. از زمانی که نخستین روزنامه‌ها در ایران چاپ شد، تبلیغات بخشی از ستون روزنامه را تشکیل می‌داد. اقدامات مجریان حکومت‌ها هم در مطبوعات انعکاس می‌یافت. در آن برهه، حکومت‌های دنیا تنها از طریق مطبوعات کاغذی به راحتی می‌توانستند، اذهان مردم را به هر اقدامی ملتهب و یا بی‌توجه کنند. این عرضه اطلاعات با لایه‌ای ضخیم از اغراق، تنها خوراک ذهن مردم داخل یک کشور را تأمین نمی‌کرد، بلکه در قرن بیستم با هدف تأمین نظر مردم دنیا به اقدامات و تحولات انجام‌شده در کشورهای دیگر هم انجام می‌شد. مردم دنیا در قرن نوزدهم از شنیدن جنگ‌های ایران و روسیه در بهت و حیرت فرو رفتند و با ایران به دلیل از دست دادن بخشی از خاکش همدردی نکردند؛ ولی در قرن بیستم همدردی خود را با فلسطین علیه اسرائیل نشان دادند؛ هرچند بنابه مصلحت کشورشان، در همان پوشش احساسی باقی ماندند؛ بنابراین جایگاه تبلیغات در مطبوعات به‌ویژه در قرن بیستم که مردم تشنه خواندن بودند و اخبار را بیشتر از طریق روزنامه‌ها دنبال می‌کردند، بر همگان روشن است.

حسین علاء، سفیر ایران در پاریس در سال ۱۹۲۹/۱۳۰۸ با هدف معرفی ایران و پیشرفت‌های آن برای جذب سرمایه خارجی درصدد برآمد تا مقاله‌ای درباره اوضاع سیاسی، اقتصادی و جغرافیای ایران در روزنامه فرانسوی مهمی بنویسد تا افزون بر جلب توجه کشورهای غربی، سیاحان را هم برای دیدار از ایران تشویق کند. او از وزارت خارجه درخواست کرد با مساعدت تمامی وزارت‌خانه‌ها، اطلاعاتی از قبیل وضعیت اقتصادی کشور از نظر تجاری، صادرات و واردات، برنامه راه‌سازی ایران، خط سیر راه آهن، وضعیت بندرهای تأسیس شده، کیفیت مهمان‌خانه‌های بین‌راهی، خطوط تلگراف بی‌سیم و باسیم، چگونگی مسافرت هوایی، حمل و نقل محموله‌های تجاری و پستی، میزان جمعیت کشور، تعداد دانشگاه‌ها، مدارس، استادان، معلمان و دانشجویان و دانش‌آموزان در مقاطع تحصیلی مختلف، اصلاحات قضایی، وضعیت بهداشت عمومی و تعداد مسافرانی که در سال گذشته در ایران گردش و اقامت کرده‌اند را در اختیار سفارت پاریس قرار دهد.

(استادوخ، ۱۳۰۸، کارتن ۳۱، پرونده ۶۰). گزارشی از چاپ این مقاله در پرونده سند پیدا نشد و به نظر نمی‌رسد که چنین اطلاعاتی با این جزئیات به دست علاء رسیده باشد. گفتنی است احساس نیاز به معرفی ایران و تحولات انجام‌شده در آن در کنار تشویق جهانگردان به دیدن ایرانی که با وجود سبقت در نوسازی، در تمامی زمینه‌ها مانند مقوله آموزش هنوز کودکی نوپا بود، قابل تأمل است؛ آن‌هم در سالی که به دلیل شورش‌های منطقه جنوب کشور، زائران هندی از ورود به ایران منصرف شده بودند (استادوخ، ۱۳۰۸، کارتن ۳۱، پرونده ۶۰). در سال ۱۳۱۳/۱۹۳۴، وزیرمختار ایران در برلین «یکی از ابتدایی‌ترین و کوچک‌ترین راه‌های آشناکردن خارجی‌ان به ایران و جلب سیاحان به کشور را انتشار عکس‌هایی از مناظر طبیعی، ابنیه و آثار مهم قدیم و جدید ایران در کتب و مجلات و جراید خارجه» دانست (استادوخ، ۱۳۱۳، کارتن ۶۰، پرونده ۴۴). در این سال «رساله اقتصادی ایران» در روزنامه‌های سوریه، لبنان، ترکیه، شوروی، افغانستان، عراق و بلژیک چاپ شد. هم‌چنین نماینده اداره اطلاعات آلمان در ترکیه، اطلاعاتی درباره ایران منتشر کرد (استادوخ، ۱۳۱۳، کارتن ۱۷، پرونده ۱).

از دهه سی شمسی، مقالات بسیاری درباره ایران در مطبوعات کشورهای مختلف چاپ شد. ملی‌شدن صنعت نفت و آشنایی دنیا با دکتر محمد مصدق -نخست‌وزیر ایران- و رویدادهای پس‌از آن، یکی از دلایل توجه مطبوعات کشورهای دیگر به ایران بود. در دهه چهل شمسی این حکومت ایران بود که تلاش می‌کرد به بهانه توسعه صنعت جهانگردی کشور، توجه مطبوعات جهان را به اقداماتش جلب کند. هرکدام از مقامات که تریبونی داشتند، درباره انقلاب سفید سخن‌پراکنی می‌کردند و گزارش آن سخنرانی را در مطبوعات جهان انعکاس می‌دادند. ایرانیان مقیم خارج از کشور نیز در نشریات فرهنگی مقالاتی درباره این موضوع منتشر می‌کردند (استادوخ، ۱۳۴۳، کارتن ۱۵۹، پرونده ۱۷؛ ۱۳۴۴، کارتن ۱۲۳، پرونده ۲، قسمت ۲؛ ۱۳۴۵، کارتن ۱۷۹، پرونده ۱، قسمت ۱؛ ۱۳۴۶، کارتن ۱۶۲، پرونده ۵ و کارتن ۱۶۷، پرونده ۷). قدر مسلم، انتشار چنین موضوعاتی در قالب رنگی و پرزرق‌وبرق دموکراسی می‌توانست در جلب توجه مردم دیگر کشورها به ایران و ایجاد انگیزه برای مسافرت به ایران مؤثر باشد. البته به نظر می‌رسد هیچ‌یک از مطالب مذکور به اندازه مقاله «ده روز در کشور حافظ و سعدی و خیام» با پیام «مهمان‌نوازی ایرانیان و برادری ایران و عراق» در روزنامه «الانبار» چاپ بغداد نتوانست در جلب توجه مردم عراق و دیگر کشورهای منطقه تأثیر بگذارد (استادوخ، ۱۳۴۶، کارتن ۱۳۰، پرونده ۶۷۲). به‌طور خاص سازمان جلب سیاحان و پس‌از آن وزارت اطلاعات و جهانگردی به‌طور مرتب آگهی‌هایی را در زمینه جاذبه‌های جهانگردی ایران، در نشریه‌های اختصاصی جهانگردی

مانند مجله «فیو»^۱، «آستا»^۲، «آفریکن میدلند»^۳، «فاریست هالیدی»^۴ و آگهی‌هایی پراکنده در نشریات شرکت‌های هواپیمایی مختلف و روزنامه‌ها و مجلات «آفریقایی جوان»^۵، «نیویورک تایمز»^۶، «گزارش خاور نزدیک» و مطبوعات ایرانی که توزیع خارجی داشتند چاپ می‌کردند (گزارش شناخت، عملکرد، ارزشیابی سیاحت و جهانگردی در برنامه چهارم، ۱۳۵۰، ص ۱۰).

۵.۸. تبلیغات نمایشی

به تبلیغاتی که در قالب نمایش آثار و جاذبه‌های جهانگردی به صورت فیلم و عکس و اسلاید باشد و یا به شکل برگزاری و شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی و عرضه بخشی از آداب و رسوم و فرهنگ کشور در بستر نمایشگاه آثار و صنایع دستی و یا نصب ویتترین در نقاط پرتردد گردشگران باشد تبلیغات نمایشی می‌گویند.

۵.۹. تهیه نقشه

از ابتدای دوره پهلوی گزارش‌های بسیاری از نمایندگان کشور به وزارت امور خارجه می‌رسید که برای ارسال نقشه راه‌های کشور تقاضا داشتند. در دهه اول حکومت پهلوی، تقاضای نقشه برابر بود با تلاش بیشتر برای ساخت راه‌هایی که بتوان بر روی نقشه ترسیم کرد. هرچقدر مسافرت زمینی با بهبود صنعت حمل و نقل زمینی رونق می‌یافت، تهیه نقشه راه‌های ایران اهمیت و ضرورت بیشتری می‌یافت. در سندی علی باتمان‌قلیچ، سفیر ایران در طرابوزان تقاضا کرده‌است که نقشه راه‌های ایران و اطلاعات و عکس از دیدنی‌های ایران برای دادن به مسافران ترک و اروپایی که از طریق خشکی از مرز ترکیه وارد ایران می‌شوند ارسال شود (استادوخ، ۱۳۴۶، کارتن ۱۹۷، پرونده ۱۹/۱۳). تا دهه پنجاه پیش از هفتاد هزار نسخه نقشه راه‌ها، یک صد و چهل هزار نسخه نقشه تهران، دویست هزار نسخه نقشه خراسان، دویست هزار نسخه نقشه تبریز، چهار صد هزار نسخه نقشه همدان و کرمانشاه، صد هزار نسخه نقشه خوزستان، دویست هزار نسخه نقشه تخت جمشید و یک نقشه مفصل و جامع ایران با صد هزار نسخه تهیه شد (گزارش شناخت، عملکرد، ارزشیابی سیاحت و جهانگردی در برنامه چهارم، ۱۳۵۰، صص ۱۱-۱۳).

۵.۱۰. فیلم و اسلاید

فیلم و عکس یکی از مؤثرترین ابزارهای تبلیغاتی در قرن بیستم بود. سازمان جلب سیاحان در طی برنامه چهارم عمرانی، سه فیلم جهانگردی با عناوین «ایران، سرزمین مذاهب»،

1. Journal FYAV.
2. Asta.
3. Afrikaans Midland.
4. Holiday Freelance.
5. Young Africa.
6. New York Times.

«ایران، سرزمین طبیعت‌های زیبا» و «جهانگرد در ایران» تهیه کرد. عکاسان سازمان چندهزار عکس، اسلاید و فیلم منفی (نگاتیو) تهیه کردند. آن‌ها با مسافرت‌های مکرر به تمام نقاط ایران، گنجینه‌ای بی‌نظیر از عکس و اسلاید برای ایران فراهم آوردند که در اندازه‌های مختلف و انواع گوناگون به اقصی نقاط دنیا ارسال می‌شد (گزارش شناخت، عملکرد، ارزشیابی سیاحت و جهانگردی در برنامه چهارم، ۱۳۵۰، ص ۱۱). ایران در سال ۱۳۵۶ در جشنواره فیلم‌های ورزشی و جهانگردی یوگوسلاوی شرکت کرد (استادوخ، ۱۳۵۶، کارتن ۴۲، پرونده ۵۷۱/۹).

در دوره پهلوی مؤسسات بین‌المللی بسیاری درخواست‌های زیادی را برای اجازه عکس‌برداری و فیلم‌برداری از ایران ارائه دادند از جمله: درخواست مجوز تهیه یک‌رشته فیلم سینمایی تبلیغاتی و جهانگردی از شهرها، خیابان‌ها، مناظر دیدنی و آثار باستانی و موزه‌های ایران توسط شرکت فیلم‌برداری اسپانیایی «آتلانتیدا»^۱ با همکاری شرکت‌های فرانسوی و ایتالیایی (استادوخ، ۱۳۴۵، کارتن ۲۳۳، پرونده ۱۵/۵)؛ درخواست مؤسسه چاپ و انتشارات «دراگون»^۲ با هدف اعزام عکاس برای تهیه ۴۰۰ قطعه عکس برای انتشار در آلبوم آثار تاریخی ایران (استادوخ، ۱۳۴۶، کارتن ۱۸۹، پرونده ۴۸/۲)؛ تقاضای شرکت هواپیمایی سانیا^۳ و مؤسسه تبلیغاتی پروفیلمز^۴ در بروکسل برای تهیه عکس و فیلم به نفع ایران (استادوخ، ۱۳۴۶، کارتن ۱۹۷، پرونده ۱۴/۱۳، قسمت ۲). در سال ۱۳۵۶، هم‌زمان با سیر عمومی انقلاب اسلامی در تهران و شهرهای بزرگ، سیل خبرنگاران و فیلم‌برداران با جواز تهیه عکس و فیلم برای خبرگزاری‌ها و همچنین خبرنگارانی در قالب جهانگرد وارد کشور شدند (استادوخ، ۱۳۵۶-۱۳۵۸، کارتن ۴۴، پرونده ۵۷۱، قسمت ۳۶).

۵.۱۱. برگزاری نمایشگاه‌ها و جشن‌ها و شرکت در آن‌ها

به‌نظر می‌رسد نخستین نمایشگاهی که ایران برای معرفی صنایع دستی کشور در آن شرکت کرد نمایشگاه شیکاگو آمریکا در سال ۱۲۶۰/۱۸۸۲ بوده باشد. پس‌از آن در سال ۱۲۸۱/۱۹۰۳ «سفارت اعلی حضرت شاهنشاه ایران در واشنگتن» طی مکاتبه‌هایی با وزارت خارجه درخواست کرد که ایران همانند کشورهای آسیا و اروپا در نمایشگاه صنایع آمریکا شرکت کند. نصراله مشیرالدوله نیز برای ترغیب تجار به شرکت در این نمایشگاه و عرضه محصولاتشان، تسهیلات گمرکی در نظر گرفت. مهم‌ترین هدف ایران از شرکت در این نمایشگاه، آشنایی غرب با ایران و صنایع ایران بود. نکته مهمی که از فحوای این اسناد پیداست، این است که وجهه مملکت در بین دیگر کشورها بسیار بااهمیت بوده‌است و انجام برخی از آداب پذیرایی ایران در دیگر کشورها، مغایر با شئون ملی قلمداد شده‌است. در این

1. Atlántida.
2. Dragon.
3. Saniya.
4. Profilms.



اسناد، ضمن بیان ثروت بی اندازه ایران از نظر کیفیت کالاهای ایرانی، تأکید شده است که باید «اشخاص دخیل [در] این کار مردمان باناموس و شرف باشند که در سکسیون^۱ بعضی ترتیبات مخالف شئون دولتی و ملتی ایران ندهند. خاصه که در اکسپوزیسیون^۲ آنجا بعضی حرکات نامناسب و نالایق شده که رفع آن لازم است. ... ابداً کارهایی که مخالف شرف ایران است، مثل قهوه خانه و غیره در این سکسیون نشود» (استادوخ، ۱۳۲۰ هـ، کارت ۲۵، پرونده ۱۴). پس از آن ایران در برخی از نمایشگاهها از جمله در نمایشگاه هلند و بازار عمومی آلمان (استادوخ، ۱۳۲۰ هـ، کارت ۲۵، پرونده ۱۴۶)، نمایشگاه دائمی بین المللی اتحادیه صنایع مستظرفه و علم آثار عتیقه در واشنگتن در سال ۱۹۲۲/۱۳۰۰ (استادوخ، ۱۳۰۱، کارت ۶۱، پرونده ۱۵) و نمایشگاه صنایع تزئینی و کنفرانس بین المللی ابنیه در پاریس (استادوخ، ۱۳۰۳، کارت ۶۰، پرونده ۱) شرکت کرد. مشارکت در نمایشگاههای بین المللی و برگزاری نمایشگاه در دیگر کشورها در دوره پهلوی اول نیز وجود داشت. نخستین نمایشگاه دوره پهلوی در اصفهان، نمایشگاه صنایع دستی بود که در مرداد ۱۳۰۴/ جولای ۱۹۲۵ در چهل ستون برگزار شد (روزنامه حبل المتین کلکته، ش ۳۳۰، ۲ محرم ۱۳۴۴). در گزارشی از نیویورک تایمز در تاریخ ۲۳ مهر ۱۳۰۹/ ۱۵ اکتبر ۱۹۳۰ گزارشی مبنی بر انتقال مخفیانه گنجینه های هنر ایرانی از ایران به ارزشی معادل پنج تا ده میلیون دلار با هدف نمایش در لندن درج شده است (The New York Times, 1930).

شرکت در نمایشگاههای داخلی و خارجی نوعی تبلیغ به شمار می رود. شرکت کنندگان در نمایشگاههای ایران به طور غیرمستقیم با آثار و جاذبه های جهانگردی ایران آشنا می شوند و طرز رفتار متصدیان غرفه ایران و نوع تزئین سستی این غرفه در جلب تمایل بازدیدکنندگان به مسافرت به ایران و آشنایی بیشتر با آداب و رسوم آن نقشی مؤثر دارد. پس از پایان جنگ جهانی دوم و تنش های حاصل از آن، پدیده جهانگردی بار دیگر بازتابی بین المللی یافت. در سال ۱۹۵۰/۱۳۲۹ کمیته سیاحتی ایتالیا از ایران دعوت کرد تا در نمایشگاه جهانگردی ای که در شهر ساحلی ریمینی با هدف توسعه جهانگردی بین المللی برگزار می شد شرکت کند (استادوخ، ۱۳۲۹، کارت ۸/۲، پرونده ۴۷). ایران پس از تأسیس سازمان جلب سیاحان، در نمایشگاههای بین المللی بسیاری شرکت کرد، نمایشگاهها و کنفرانس های بسیاری در کشور ترتیب داد و میزبان مسابقات بین المللی شد و جشن های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را در کشور برگزار کرد که هریک از آنها در معرفی ایران به جهان نقشی به سزا داشت. یکی از بزرگترین نمایشگاههای خارج از ایران که در سال ۱۳۴۴، ۱۳۴۵ و ۱۳۴۸ در کشورهای اروپایی و بیشتر ایالت های آمریکا برگزار شد، نمایشگاه «هفت هزار سال تاریخ و هنر ایران» بود. بیشتر این نمایشگاهها را سفیر ایران در آن کشورها

بخش و قسمت: Section 1.
نمایشگاه: Exposition 2.

و یا یکی از اعضای خاندان پهلوی افتتاح کردند. سخنرانان این نمایشگاه‌ها، به‌طور کلی ایران‌شناسان آن کشورها بودند (روابط خارجی ایران در سال ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، صص ۱۵۴، ۱۵۵؛ استادوخ، ۱۳۴۴، کارتن ۷۹، پرونده ۲/۸ و ۱۳۴۵، کارتن ۸۳، پرونده ۲/۸).

۵.۱۲. نصب ویتترین در نقاط پرتردد گردشگران

یکی دیگر از ابزارهای تبلیغات، نصب ویتترین در نقاط پرتردد جهانگردان مانند فرودگاه‌ها و یا برپایی «لوحه‌هایی»^۱ در بزرگراه‌ها و خیابان‌های پرتردد جهانگردان است. در گزارشی ضمن اشاره به این‌که برخی از مؤسسات جهانگردی ترکیه، پاکستان و اردن لوحه‌هایی را با هدف جلب سیاحان در شاهراه‌های مکه، جده و مدینه نصب کرده‌اند و حداقل یک میلیون نفر هرسال این لوحه‌ها را می‌بینند، پیشنهاد شد که ایران نیز از وزارت خارجۀ عربستان برای نصب لوحه اجازه بگیرد. سازمان جلب سیاحان با این پیشنهاد موافقت کرد و در سال ۱۳۴۶ ویتترین فرودگاه کلن و فرودگاه بین‌المللی وین را اجاره کرد (استادوخ، ۱۳۴۶، کارتن ۱۹۷، پرونده ۱۴/۱۳، قسمت ۳).

۵.۱۳. تبلیغات رادیوتلوویزیونی در داخل کشور و خارج از کشور

رادیوتلوویزیون ملی از نیمۀ دوم حکومت محمدرضاشاه، کم‌کم جای خود را در میان خانواده‌های ایرانی پیدا کرد و از کالایی تجملی و گران که تنها شاید یک خانواده در هر محله داشت، به کالایی در دسترس طبقات متوسط جامعه تبدیل شد و تلاش حکومت، برای آموزش و پرورش جامعه از طریق این رسانه افزایش یافت. باین‌حال در سال ۱۳۴۳/۱۹۶۴، نمایندۀ مجلس سنا از برنامه‌های رادیو گلایه کرد که چرا رادیو، ایران را به مردم و دنیا نمی‌شناساند و جاذبه‌های شهرهای مختلف ایران را معرفی نمی‌کند (مذاکرات مجلس سنا، دورۀ چهارم، ۲۵ آبان ۱۳۴۳). به تدریج سازمان جلب سیاحان با هدف تحرک بخشیدن به جهانگردی داخلی از برنامه‌های رادیویی مانند برنامه زن و زندگی، برنامه جوانان، برنامه کودک و ... درخواست کرد که به‌طور مرتب در خلال این برنامه‌ها، به توصیف جاذبه‌های جهانگردی ایران و چگونگی برخورد با جهانگردان بپردازند (گزارش شناخت، عملکرد، ارزشیابی سیاحت و جهانگردی در برنامه چهارم، ۱۳۵۰، ص ۱۱؛ استادوخ، ۱۳۴۶، کارتن ۱۹۷، پرونده ۵ و کارتن ۱۹۸، پرونده ۶). هم‌چنین پخش کردن برنامه‌هایی از رادیو و تلویزیون کشورهای دیگر در رابطه با جاذبه‌های جهانگردی ایران و البته اقدامات شاه در قالب «انقلاب شاه و مردم» و «پیکار با بی‌سوادی» پیگیری شد (استادوخ، ۱۳۴۶، کارتن ۱۱۲، پرونده ۳، قسمت ۱۴ و کارتن ۱۹۷، پرونده ۳).

I. Banner



۵.۱۴. برنامه‌های روابط عمومی سازمان جلب سیاحان

پس از تأسیس سازمان جلب سیاحان، اداره‌ای با عنوان روابط عمومی شکل گرفت که براساس مفاد اساس نامه موظف بود از شخصیت‌های مهم کشورهای دیگر اعم از سران کشورها، مطبوعات، رسانه‌های جمعی و جهانگردی دعوت و پذیرایی کند و برنامه سفر کارمندان سازمان و دانشجویان ایرانی را به خارج از کشور فراهم کند. برنامه‌های روابط عمومی سازمان جلب سیاحان عبارت بود از:

۵.۱۵. دعوت و پذیرایی از سران کشورها

در طول دوره پهلوی به‌ویژه دهه چهل شمسی بسیاری از سران کشورها از ایران دیدن کردند از جمله: هیئت حسن نیت نیجریه و کامرون (استادوخ، ۱۳۴۱، کارتن ۳، پرونده ۱ قسمت ۵ و پرونده ۴، قسمت ۵)؛ پادشاه و ملکه دانمارک (استادوخ، ۱۳۴۱، کارتن ۳، پرونده ۲۲، قسمت ۵)؛ شخصیت‌های یونسف (استادوخ، ۱۳۴۱، کارتن ۷، پرونده ۴، قسمت ۸)؛ رئیس‌جمهور و وزیر خارجه پاکستان (استادوخ، ۱۳۴۵، کارتن ۷، پرونده ۳۶ و ۳۸). در رویداد تاج‌گذاری شاه پهلوی در آبان ۱۳۴۶ هم سران بسیاری از کشورها به ایران دعوت شدند (استادوخ، ۱۳۴۶، کارتن ۳۴، پرونده ۳۱). هم‌چنین در سفر شاه به لاهور و کراچی، آقامحمدیجی خان، رئیس‌جمهور پاکستان افزون بر این که «ریاست عالی جشن‌های شاهنشاهی» را پذیرفت، در پایتخت کشورش خیابانی را به نام تهران نام‌گذاری کرد که متقابلاً در تهران هم خیابانی به نام پاکستان نام‌گذاری شد (روابط خارجی ایران در سال ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ص ۴۲).

۵.۱۶. دعوت و پذیرایی از شخصیت‌های جهانگردی

اقدام دیگری که اداره روابط عمومی سازمان از بدو تأسیس سازمان جلب سیاحان به آن رسیدگی کرد، دعوت و پذیرایی از رؤسا و کارمندان عالی‌رتبه سازمان‌های جهانگردی کشورهای دیگر بود. پیش‌از آن، برخی از این شخصیت‌های جهانگردی از شهرهای جهانگردی کشور دیدن کرده بودند و با طوماری از وصف ناملايمات متحمل شده کشور را ترک کرده بودند. دو تا از این شخصیت‌ها که یک سال پیش از تأسیس سازمان از تهران و اصفهان و شیراز دیدن کرده بودند، مشاوران سازمان جهانگردی ایالات متحده آمریکا، آقای سیگلر^۱ و همسرش بودند که به مدت یک هفته از ایران دیدن کرده بودند. بازدید مشاوران سازمان جهانگردی آمریکا از ایران با هدف معرفی جاذبه‌های جهانگردی ایران در آمریکا فرصتی مغتنم برای تبلیغات و جذب گردشگر بود که باتوجه به محتوای گزارش این

1. Sigler.

مشاوران، ایران این فرصت را از دست داد. اذعان مشاور جهانگردی آمریکا به کسر بودجه دولت ایران، سرمایه‌گذاری نکردن دولت در صنعت جهانگردی و قیمت زیاد خدمات اقامتی و پذیرایی در ایران از نظر وجهه مملکت در سطح بین‌الملل و جلب سیاح مهم بود (ساکماصف، ۳۹۱۹-۲۹۳).

۵.۱۷. دعوت و پذیرایی از خبرنگاران، نویسندگان و شخصیت‌های مطبوعاتی و تبلیغاتی

یکی از اقداماتی که اداره روابط عمومی انجام داد، دعوت از کارمندان رادیو و تلویزیون‌های خارجی به ایران بود؛ هم‌چنین نمایش و اجرای برنامه‌هایی درباره ایران از رسانه‌های جمعی بود. هم‌چنین از عکاسان و خبرنگاران و مدیران جراید معروف کشورهای مختلف مانند ایتالیا و آمریکا برای انتشار اخبار ایران دعوت می‌شد (استادوخ، ۱۳۴۲، کارتن ۱۶۸، پرونده ۲، قسمت ۸؛ سال ۱۳۴۶، کارتن ۱۱۲، پرونده ۳، قسمت ۱۴ و کارتن ۱۹۷، پرونده ۳).

۵.۱۸. دعوت و پذیرایی از فرهنگیان کشورهای مختلف

دعوت از فرهنگیان کشورهای دیگر به ایران و مسافرت فرهنگیان ایران به آن کشورها، یکی از برنامه‌های روابط عمومی بود که از جمله می‌توان به مسافرت فرهنگیان کشورهای آمریکا، کانادا، تایلند، عراق، ترکیه و دیگر کشورها حتی اسرائیل به ایران اشاره کرد (استادوخ، ۱۳۴۵، کارتن ۹۹، پرونده ۳۵، قسمت ۹؛ کارتن ۱۷۶، پرونده ۱۳، قسمت ۹؛ کارتن ۱۷۷، پرونده ۳۵، قسمت ۹؛ سال ۱۳۴۶، کارتن ۱۵۱، پرونده ۱۷).

۵.۱۹. عملکرد تبلیغات جهانگردی در دفاتر نمایندگی سازمان جلب سیاحان در خارج از کشور

محمدحسن بدیع، کنسول ایران در بصره در گزارشی در فروردین ۱۳۰۹ اعلام کرد که حکومت عراق و کمپانی‌های حمل‌ونقل انگلیس، تبلیغات گسترده‌ای را برای جلب گردشگران اروپایی و آمریکایی به عراق انجام می‌دهند. این کشور چند نمایندگی در شهرهای بزرگ دنیا دایر کرده است و از طریق آن، بلیت اتومبیل و کشتی به مسافران می‌فروشد (استادوخ، ۱۳۰۹، کارتن ۳۳، پرونده ۶۰/۵، قسمت ۱). با این حال، ایران تا دهه چهل شمسی، دفتر نمایندگی امور جهانگردی در کشورهای دیگر نداشت تا برای جلب گردشگران به کشور تبلیغ کند. پس از تأسیس سازمان جلب سیاحان تا پایان دوره پهلوی، نمایندگی‌هایی در لندن، پاریس، نیویورک، بیروت، وین، فرانکفورت، لس‌آنجلس و ... تأسیس شد (ابری، ۱۳۵۱، صص ۳۱-۳۴). برخی از نمایندگی‌ها به درخواست



سفارت‌خانه‌ها مبنی بر لزوم حضور کارمندی از سازمان جلب سیاحان برای راهنمایی و تشویق جهانگردان اروپایی و آمریکایی شکل گرفت. البته اداره فرهنگی امور خارجه در گزارشی به این امر اعتراض کرد و آن را ایجاد پستی موهوم برای اشخاص دانست (استادوخ، ۱۳۴۶، کارتن ۱۹۷، پرونده ۱۴/۳، قسمت ۳). درزمینه تبلیغات جهانگردی، نمایندگی‌های سازمان در خارج اقداماتی را درزمینه تبلیغات جهانگردی به شرح زیر انجام دادند:

۱. تماس و مذاکره با مؤسسات گوناگون مسافرتی برای ترتیب مسافرت‌های گروهی جهانگردان خارجی به ایران؛
۲. دعوت از مقامات و شخصیت‌های جهانگردی به‌ویژه تورگردانان برای عقد قرارداد با ایران؛
۳. برقراری تماس دائم با مؤسسات نشریاتی جهانگردی و نشریات عمومی برای آگاهی و مبادلات جهانگردی با هدف ترغیب مردم کشورهای دیگر به مسافرت به ایران؛
۴. راهنمایی و تشویق سرمایه‌داران اروپایی به سفر و سرمایه‌گذاری در ایران؛
۵. توزیع نشریات گوناگون جهانگردی در مؤسسات مختلف خارجی اعم از دولتی و خصوصی، مسافرتی و غیرمسافرتی و مؤسسات ایرانی در خارج؛
۶. پاسخگویی شفاهی و کتبی به متقاضیان اطلاعات گوناگون درباره ایران (گزارش شناخت، عملکرد، ارزشیابی سیاحت و جهانگردی در برنامه چهارم، ۱۳۵۰، صص ۹، ۱۹، ۲۹).

۵.۲۰. عملکرد تبلیغات جهانگردی سفیران حکومت پهلوی

از ابتدای حکومت پهلوی تا سقوط آن، سفیران و کارمندان سفارت پیشنهادهایی را درزمینه چگونگی توسعه صنعت جهانگردی در کشور، به وزارت امور خارجه ارسال می‌کردند. در موارد بسیاری نیز حکومت از آن‌ها اطلاعاتی درباره آیین‌نامه‌ها و یا چگونگی توسعه جهانگردی در آن کشورها درخواست می‌کرد. چون سفارت‌خانه‌ها محل مراجعه مؤسسات جهانگردی و جهانگردان بوده‌است، اسناد بسیاری از اقدامات سفیران درزمینه ترغیب آژانس‌های مسافرتی خارجی به سفر به ایران و ارسال کتاب راهنمای سفر به ایران، بروشورهای تبلیغاتی، فیلم‌ها و عکس‌هایی از مناظر و جاذبه‌های جهانگردی ایران به سفارت‌خانه‌ها در دست است (استادوخ، ۱۳۱۴، کارتن ۶۰، پرونده ۳۴؛ استادوخ، ۱۳۴۵، کارتن ۲۳۲، پرونده ۱۵، قسمت ۱؛ استادوخ، ۱۳۴۶، کارتن ۱۹۷، پرونده ۴/۱۳؛ استادوخ، ۱۳۴۶، کارتن ۱۹۷، پرونده ۱۹/۱۳). البته شواهدی هم از گلايه سناتوری موجود است

مبنی بر این که سفارت خانه‌ها، جاذبه‌های دیدنی ایران را به مراجعه‌کنندگان معرفی نمی‌کنند و دفترچه‌های راهنمای جهانگردی کشور را در اختیار متقاضیان خارجی قرار نمی‌دهند (مذاکرات مجلس سنا، دوره چهارم، ۲۵ آبان ۱۳۴۳).

۶. نتیجه‌گیری

به مجموعه فعالیت‌هایی که هدف آن، معرفی یک منطقه به عنوان مقصد جهانگردی است، تبلیغات جهانگردی گفته می‌شود. در دوره پهلوی، تبلیغات گسترده جهانی برای جلب سیاحان انجام نمی‌شد و برای حکومت ایجاد زیرساخت‌های جهانگردی، تجهیز تأسیسات و فراهم کردن تسهیلات جهانگردی، بیشتر اهمیت داشت. به همین دلیل در برنامه‌های عمرانی سوم تا پنجم بیشتر راه‌ها و محورهای ارتباطی ساخته و تسطیح شد، خطوط ریلی و هوایی ایجاد شد و گسترش یافت، تأسیسات اقامتی و پذیرایی احداث شد و تسهیلات جهانگردی در سطح بین‌المللی فراهم شد. در نیمه برنامه عمرانی پنجم، پس از ادغام سازمان جلب سیاحان و وزارت اطلاعات، برای جلب جهانگردان خارجی و ترغیب ایرانیان به مسافرت در داخل کشور تبلیغات جهانگردی به‌طور جهانی و گسترده در سیاستگذاری حکومت پهلوی قرار گرفت.

چاپ و انتشار کتاب راهنمای جهانگردان، بروشور به زبان‌های مختلف در زمینه شناساندن مراکز جهانگردی کشور، نقشه راه‌ها و شاهراه‌های جهانگردی، پوستر و کارت پستال آثار تاریخی کشور، تهیه فیلم و عکس از قطب‌های جهانگردی کشور، شرکت در نمایشگاه‌ها و برگزاری نمایشگاه‌های داخلی و خارجی و دعوت از روزنامه‌نگاران و فرهنگیان کشورهای دیگر از جمله اقداماتی بود که برای تبلیغات جهانگردی در دوره پهلوی انجام شد. زبان و مکان تبلیغات نشریاتی، مطبوعاتی و نمایشی براساس درصد جهانگردان ورودی از مناطق مختلف متفاوت بود.

سند شماره ۱

سند شماره ۲

مکاتباتی درباره شرکت در نمایشگاه
شهر سنت لوئیس آمریکا در سال
۱۳۲۰ ق/ ۱۹۰۲



وزارت امور خارجه

رونوشت تلگراف شماره ۵۱۳ مورخ ۴/۴/۴۴ آقای شاپورسان

وزارت اطلاعات

رونوشت وزارت امور خارجه

طبق قرار قبلی جناب آقای سفیر کبیر خسروانی روز سه تیر نمایشگاه هفت هزار سال هنر ایران در کاخ هنرهای زیبای سانفرانسیسکو افتتاح کردند. جناب آقای خسروانی بانهنطق افتتاحیه پس از تشکرازیدسومین گفتند که هموطنان مان آمریکا و مخصوصاً کالیفرنیا وشهر سانفرانسیسکو آشنائی دارند وباعث افتخار من وهمة ایرانیان است که این مجموعه هنرهای ایران در معرض تماشای میلیونها نفر امریکائی قرار گرفته است. سپس پانچر شمای از هنر وتاریخ ایران باستان گفتند که این اثرها نماینده ذوق وشعف وجد واطمینان قلبی ایرانیان بزندگی ونمونه هائی ازآرامناهای جاودانه بشری است که میتوان نمونه آنها در امریکا جستجو کرد وبهمین علت است که امروز این کشور مورد چنین استقبال گرمی قرار گرفته است. جناب سفیر کبیر گفتند درخاتمه باید فاعظرنشان سازم که امروز مردم ایران تنها در اعالم پیروزیهای درخشان گذشته خود پسر نمیبرند وازا احتیاج زمان به تحولات فنی وعسنتی و اصلاحات اقتصادی واجتماعی جهت استفاده خود وتشن نسل آتیستند بخوبی آگاهند وبنا بر این تحت توجهات عالیه شاهنشاه دوراندیش خود دست با اجرای يك برنامه عظیم اصلاحات زده اند تا همانطور که پدران ما بدین خود را به تمدن جهان ادا کردند مانینتوانیم سهم خود را در بدست آوردن سیادت وخوشبختی افراد بشری ایفا نمائیم. ساعت پنج بعد از ظهر جناب آقای سفیر کبیر در میهمانی شهردار سانفرانسیسکو که بمناسبت بیستمین سال تأسیس سازمان ملل متحد داده شده بود شرکت نمودند وساعت نه بعد از ظهر در شامی که از طرف هیئت مدیره کاخ هنر سانفرانسیسکو بافتخار ایشان داده شده بود شرکت کردند.

شاپورسان

سند شماره ۳

گزارش برگزاری نمایشگاه هفت هزار سال هنر ایران در سال ۱۳۴۴/۱۹۶۵





سفارت شاهی ایران
ون

وزارت امور خارجه

موضوع: ویتـرین در فرودگاه بین المللی وین

فرودگاه بین المللی وین که از لحاظ ارتباط بین شرق و غرب اهمیت بسزایی دارد و همیشه مسافین در سالن ترانزیت آن توقف میکنند نظر این سفارت را جلب کرد که در صورت امکان در سالن ترانزیت این فرودگاه وینرفی اجازه شود که تفریحات ایران در آنها متعکس و به مسافین نشان داده شود .

با مذاکراتی که بعمل آمد با زحمت ۲۰ ورتین مجاور یک بگر را به هزار و هشتصد شلینگ در ماه اجازه نموده ایم . این ورتینها در هفته گذشته توسط یک دکوراتور بطرز زیبایی تزئین شد .

یکی از ورتینها با تمثال مبارک اعلیحضرتین و عکسهای زنگی دیگر و منظره ای از کاخ گلستان بمناسبت جشن فرخنده تاجگذاری تزئین شده است .

ورتین دوم بطرز بسیار زیبایی برای جلب توریسم و شناسائی ایران با عکسهای از فرودگاه مهرآباد و آرم شرکت هواپیمائی ایران و بروشورهای جلب سیاحت بطرز زیبایی تزئین شده است . در این ورتینها شعارهایی نظیر " ایران سرزمین تاریخ و تمدن " و " ایران کشور افشانه ای عصر ما " با حروف درشت قرار داده شده است .

دکوراتیون این ورتینها هر یکماه یکبار عوض خواهد شد .

به پیوست ۱۸ قطعه عکسهای مختلف این ویتربها جهت استحضار وزارت امور خارجه و ارسال به سازمان جلب سیاحان و شرکت هوایمانی ملی ایفاد میگردد. ۱۱۴۹/۱۰/۱۱

وزارت امور خارجه اداره امور اقتصادی
شماره ۸۵۵۴
تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۲۵
درد بدقروانی وزارت امور خارجه
شماره ۵۵۵۷
تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۲۵

سند شماره ۴

نصب ویتترین در فرودگاه وین در
سال ۱۹۶۷/۱۳۴۶



COMPARATIVE TABLE SHOWING FIGURES AND PERCENTAGES OF 1963, 1962 AND 1961 COMBINED PUBLICITY, ADVERTISING, PUBLIC RELATIONS AND INFORMATIONAL ACTIVITIES, BUDGETS IN RELATION TO TOTAL ANNUAL BUDGETS OF MEMBER ORGANISATIONS					
TABLEAU COMPARATIF DES MONTANTS ET POURCENTAGES DES BUDGETS DE PUBLICITÉ, RELATIONS PUBLIQUES ET AUTRES ACTIVITÉS DE PROPAGANDE PAR RAPPORT AUX BUDGETS GLOBAUX DES ANNÉES 1963, 1962 ET 1961 DES ORGANISMES DE TOURISME MEMBRES					
NAME OF COUNTRY		Combined budget for publicity, advertising, public relations, etc. (dollars)	Percentage of increase or decrease over previous years	Total annual budget of organisation (dollars)	Percentage (approximate) of total budget spent on publicity, advertising, public relations, etc.
PAYS		Budgets conjoints de propagande, publicité et relations publiques, etc., (en dollars)	Pourcentage d'accroissement ou décroissement au cours des années précédentes	Budget annuel total de l'organisation (en dollars)	Pourcentage (approximatif) du budget total dépensé en propagande, publicité et relations publiques, etc.
AFGHANISTAN	1963	6,000	+33 %	48,000	12 %
	1962	4,000	—20 %	47,000	9 %
	1961	5,000		47,000	10 %
ARGENTINA	1963				
	1962	220,000	—12 %	3,025,120	
	1961	250,000			
AUSTRALIA	1963	702,000	+36 %	763,000	92 %
	1962	446,000	+12 %	645,000	70 %
	1961	400,000		450,000	89 %
AUSTRIA	1963	280,770	—2 %	891,900	31 %
	1962	286,750		853,280	34 %
	1961	288,577		741,230	37 %
BELGIUM	1963	900,000	+16 %	1,951,340	46 %
	1962	760,000	+6 %	1,771,340	46 %
	1961	713,000		948,000	75 %
BULGARIA	1963	572,000	+25 %	18,040,000	
	1962	428,000	+30 %	15,203,000	
	1961	301,470			
CONGO	1963			154,000	
	1962			150,000	
	1961				
CYPRUS	1963	113,600	—15 %	470,906	24 %
	1962	140,000	+50 %	261,152	53 %
	1961	70,000		90,670	77 %
CAMBODIA	1963	124,286	+4 %	359,829	34 %
	1962	119,429	+75 %	360,000	33 %
	1961	28,752		477,142	6 %
CAMEROUN	1963				
	1962				
	1961				
CANADA	1963	3,656,300	+10 %	3,656,300 (est)	100 %
	1962	3,326,800	+39 %	3,326,800	100 %
	1961	2,389,000		3,020,000	79 %
CHINA	1963	56,125	+19 %	75,000	74 %
	1962	47,632		75,000	60 %
	1961	8,770		23,285	34 %
CZECHOSLOVAKIA	1963	580,000	+5 %	48,858,000	
	1962	550,000	+7 %	46,204,000	
	1961	511,000			
DAHOMY	1963	55,555		55,555	100 %
	1962	6,937		6,937	100 %
	1961				
DENMARK	1963	208,000	+85 %	591,000	35 %
	1962	112,000	+12 %	368,000	30 %
	1961	100,000		385,000	26 %

شکل ۱

بودجه تبلیغات در کشورهای جهان
سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۳/۱۳۶۱ تا ۱۳۶۳
(The activities of National Tourist
Organisations in the field of public-
ity, 1963, p27)



NAME OF COUNTRY		Combined budget for publicity, advertising, public relations, etc. (dollars)	Percentage of increase or decrease over previous years	Total annual budget of organisation (dollars)	Percentage (approximate) of total budget spent on publicity, advertising, public relations, etc.
PAYS		Budgets conjoints de propagande, publicité et relations publiques, etc., (en dollars)	Pourcentage d'accrois- sement ou décroissement au cours des années précédentes	Budget annuel total de l'organisation (en dollars)	Pourcentage (approximatif) du budget total dépensé en propagande, publicité et relations publiques, etc.
FINLAND	1963	400,000	+11%	700,000	57%
	1962	360,000		650,000	55%
	1961	81,000		183,000	44%
FRANCE	1963	2,960,000		3,810,000	78%
	1962	2,960,000	+14%	3,756,000	78%
	1961	2,600,000		3,400,000	76%
GERMANY	1963				
	1962	1,080,000		1,500,000	80%
	1961	437,500		1,250,000	35%
GREECE	1963	1,540,000	+13%	12,401,000	8%
	1962	1,351,000	+2%	25,335,000	4%
	1961	1,324,730		12,321,500	10%
HONG KONG	1963	330,500	+4%	487,000	68%
	1962	319,200	+27%	439,200	73%
	1961	250,000		350,000	71%
INDIA	1963	1,365,000	—9%	2,145,000	63%
	1962	1,506,000	+44%	2,354,000	63%
	1961	1,044,750		2,171,820	48%
IRAN	1963	180,000		400,000	45%
IRELAND	1963	1,015,000	+31%	3,112,000	32%
	1962	771,000	+74%	2,112,000	36%
	1961	442,000		1,691,000	26%
ISRAEL	1963	1,231,000	+16%	1,567,000	78%
	1962	974,000	+37%	1,333,000	73%
	1961	709,368		1,500,000	47%
ITALY	1963	1,748,000	+3%	2,665,000	65%
	1962	1,683,000	+75%	2,665,000	63%
	1961	956,450		2,185,484	43%
JAPAN	1963	1,357,000	+17%	1,930,000	60%
	1962	1,157,000	+33%	1,844,000	62%
	1961	872,000		1,167,000	74%
JORDAN	1963	223,500	+50%	298,120	75%
	1962	152,600		254,800	60%
	1961	151,200		221,200	68%
KOREA	1963	68,000	+58%	304,000	25%
	1962	43,000		176,000	24%
	1961				
LAOS	1963	1,234	—100%	1,765	70%
	1962	2,469		3,531	70%
	1961	2,500		3,000	83%
LEBANON	1963	691,666		1,232,769	56%
	1962			766,666	
	1961				
LUXEMBURG	1963	66,000		92,000	71%
	1962	66,000	+20%	92,000	71%
	1961	55,000			
MALAYA	1963	86,667	+3%	135,520	64%
	1962	83,364	—7%	121,411	68%
	1961	90,000		123,000	73%
MALTA	1963	172,958	—3%	225,400	76%
	1962	178,147		225,400	79%
	1961				

شکل ۲

بودجه تبلیغات در کشورهای جهان
سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۱/۱۳۶۳ تا ۱۹۶۳
(The activities of National Tourist
Organisations in the field of
publicity, 1963, p28)



NAME OF COUNTRY		Combined budget for publicity, advertising, public relations, etc. (dollars)	Percentage of increase or decrease over previous years	Total annual budget of organisation (dollars)	Percentage (approximate) of total budget spent on publicity, advertising, public relations, etc.
PAYS		Budgets conjoints de propagande, publicité et relations publiques, etc., (en dollars)	Pourcentage d'accrois- sement ou décroissement au cours des années précédentes	Budget annuel total de l'organisation (en dollars)	Pourcentage (approximatif) du budget total dépensé en propagande, publicité et relations publiques, etc.
MAURITIUS	1963	7,000		20,000	35 %
	1962	7,000	+16 %	16,000	44 %
	1961	6,000		15,000	40 %
MEXICO	1963	3,025,641	+14 %	4,483,720	67 %
	1962	2,656,234	+53 %	3,985,130	66 %
	1961	1,737,000		2,734,000	63 %
MOROCCO	1963	435,000		1,944,00	22 %
	1962			1,112,000	
	1961				
NEPAL	1963	8,974	-18 %	47,852	17 %
	1962	11,016		69,588	16 %
	1961				
NETHERLANDS	1963	342,750	+134 %	870,000	40 %
	1962	146,000	+ 2 %	450,000	32 %
	1961	143,000		442,000	32 %
NEW ZEALAND	1963	1,475,600	+ 11 %	4,303,600	34 %
	1962	1,325,200	+137 %	3,342,200	39 %
	1961	554,250		3,637,200	15 %
NORWAY	1963	115,000	+ 3 %	360,000	30 %
	1962	112,000	-31 %	340,000	33 %
	1961	163,000		320,000	51 %
PAKISTAN	1963	457,000	+47 %	807,000	57 %
	1962	310,000		469,000	66 %
	1961				
PHILIPPINES	1963	173,000	+155 %	261,000	66 %
	1962	60,500	- 15 %	217,000	27 %
	1961	69,000		206,000	33 %
POLAND	1963	342,000	+24 %	17,000,000	
	1962	425,000	+93 %	18,000,000	
	1961	220,583		15,041,667	
PORTUGAL	1963			2,554,290	
	1962			2,424,885	
	1961				
PUERTO RICO	1963	110,000	+ 54 %	490,000	22 %
	1962	75,000	-133 %	390,000	20 %
	1961	175,000		603,000	29 %
RHODESIA AND NYASALAND	1963	210,000	+21 %	269,000	78 %
	1962	173,000	+37 %	248,000	69 %
	1961	126,000		186,000	68 %
RUMANIA	1963	150,000			
	1962	100,000			
	1961				
SAN MARINO	1963	15,890	+ 7 %	208,615	7 %
	1962	14,600		159,615	9 %
	1961				
SENEGAL	1963	28,000	+180 %	132,000	21 %
	1962	10,000		48,000	21 %
	1961				
SINGAPORE	1963				
	1962	12,300	-125 %		
	1961	27,000		36,210	77 %
SOUTH AFRICA	1963	698,000	+26 %	1,160,000	60 %
	1962	552,000	+16 %	999,000	55 %
	1961	475,000		934,318	51 %

شکل ۳

بودجه تبلیغات در کشورهای جهان
سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۳/۱۳۶۱ تا ۱۳۶۳
(The activities of National Tourist
Organisations in the field of public-
ity, 1963, p29)



NAME OF COUNTRY		Combined budget for publicity, advertising, public relations, etc. (dollars)	Percentage of increase or decrease over previous years	Total annual budget of organisation (dollars)	Percentage (approximate) of total budget spent on publicity, advertising, public relations, etc.
PAYS		Budgets conjoints de propagande, publicité et relations publiques, etc., (en dollars)	Pourcentage d'accrois- sement ou décroissement au cours des années précédentes	Budget annuel total de l'organisation (en dollars)	Pourcentage (approximatif) du budget total dépensé en propagande, publicité et relations publiques, etc.
SPAIN	1963	1,083,333	+62%	2,045,191	53%
	1962	667,000			
	1961				
SUDAN	1963	20,000	+100%	24,000	83%
	1962	10,000			
	1961				
SWEDEN	1963	300,000		481,000	68%
	1962				
	1961	60,000			
SWITZERLAND	1963	2,140,000	+3%	2,365,000	90%
	1962	2,070,000			
	1961	892,782			
SYRIA	1963	100,000	-50%	176,000	57%
	1962	150,000			
	1961				
THAILAND	1963	76,700	+117%	285,800	29%
	1962	34,500			
	1961	46,400			
TURKEY	1963	1,253,434	+25%	3,291,785	38%
	1962	1,003,232			
	1961				
UNITED ARAB REPUBLIC	1963	571,500	-22%	2,358,238	24%
	1962	700,000			
	1961	700,000			
UNITED KINGDOM	1963		+6%	3,929,038	83%
	1962	3,252,113			
	1961	3,051,720			
USA	1963	2,000,000	+43%	3,350,000	59%
	1962	1,400,000			
	1961				
USSR	1963	848,000	+15%		
	1962	733,300			
	1961	730,000			
VIETNAM	1963	28,570	+12%	234,857	12%
	1962	25,750			
	1961				
YUGOSLAVIA	1963	567,832	+32%	685,333	84%
	1962	434,045			
	1961	331,600			

شکل ۴

بودجه تبلیغات در کشورهای جهان
سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۳/۱۹۶۱ تا ۱۹۶۳
(The activities of National Tourist
Organisations in the field of public-
ity, 1963, p30)



منابع فارسی

اسناد منتشر نشده

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)

۲۹۷/۵۴۱۸۷؛ ۲۴۰/۵۳۸۲

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، اسناد مرکز اصفهان (ساکماصف)

۲۹۳-۳۹۱۹

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

مذاکرات مجلس سنا، دوره چهارم، ۲۵ آبان ۱۳۴۳

اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (اسناد وزارت خارجه)

سال	کارتن	پرونده	قسمت
۱۳۲۰ ق	۲۵	۱۴	-
۱۳۲۰ ق	۲۵	۱۴۶	-
۱۳۰۱	۶۱	۱۵	-
۱۳۰۲	۶۰	۱	-
۱۳۰۸	۳۱	۶۰	-
۱۳۰۹	۳۳	۶۰،۳۹	-
۱۳۰۹	۳۳	۶۰،۴۱	-
۱۳۰۹	۳۳	۶۰،۴۳	-
۱۳۰۹	۳۳	۶۰،۵	۱
۱۳۱۳	۱۷	۱	-

سال	کارتن	پرونده	قسمت
۱۳۱۳	۶۰	۲۵	-
۱۳۱۳	۶۰	۳۶	-
۱۳۱۳	۶۰	۴۱	-
۱۳۱۳	۶۰	۴۴	۲
۱۳۱۳	۶۰	۴۷	-
۱۳۱۴	۶۰	۱۷	-
۱۳۱۴	۶۰	۳۴	-
۱۳۲۹	۸/۲	۴۷	-
۱۳۳۶	۱۳	۱۱	-
۱۳۳۶	۱۳	۱۲	-
۱۳۳۶	۱۵	۴۷	-
۱۳۴۱	۳	۱	۵
۱۳۴۱	۳	۴	۵
۱۳۴۱	۳	۲۲	۵
۱۳۴۱	۴۵	۴	۸
۱۳۴۲	۱۶۸	۲	۸
۱۳۴۳	۱۵۹	۱۷	-
۱۳۴۴	۷۹	۲/۸	-
۱۳۴۴	۱۲۳	۲	۲



سال	کارتن	پرونده	قسمت
۱۳۴۴	۱۲۸	۱۳,۲	۲
۱۳۴۴	۱۲۸	۲۰	۱۳
۱۳۴۵	۷	۳۶	-
۱۳۴۵	۷	۳۸	-
۱۳۴۵	۴۹	۷	-
۱۳۴۵	۸۳	۲/۸	-
۱۳۴۵	۹۹	۳۵	۹
۱۳۴۵	۱۷۶	۱۳	۹
۱۳۴۵	۱۷۷	۲۵	۹
۱۳۴۵	۱۷۹	۱	۱۲
۱۳۴۵	۲۲۲	۱۵	۱
۱۳۴۵	۲۲۳	۱۵/۵	-
۱۳۴۶	۳۴	۳۱	-
۱۳۴۶	۱۱۲	۳	۱۴
۱۳۴۶	۱۳۰	۶,۲	-
۱۳۴۶	۱۵۱	۱۷	-
۱۳۴۶	۱۶۲	۵	-
۱۳۴۶	۱۶۷	۷	-
۱۳۴۶	۱۸۹	۴/۲	-

سال	کارتن	پرونده	قسمت
۱۳۴۶	۱۹۷	۳	-
۱۳۴۶	۱۹۷	۵	
۱۳۴۶	۱۹۷	۱۴، ۱۳	۱
۱۳۴۶	۱۹۷	۱۴، ۱۳	۲
۱۳۴۶	۱۹۷	۱۴، ۱۳	۳
۱۳۴۶	۱۹۷	۱۴، ۱۳	۳۰
۱۳۴۶	۱۹۷	۲۴، ۱۳	-
۱۳۴۶	۱۹۷	۱۹/۱۳	-
۱۳۴۶	۱۹۷	۴/۱۳	-
۱۳۴۶	۱۹۸	۶	
۱۳۵۶	۴۲	۵۷۱/۹	-
۱۳۵۸ تا ۱۳۵۶	۴۴	۵۷۱	۳۶

اسناد منتشر شده

اسنادی از صنعت جهانگردی در ایران (۱۳۰۱-۱۳۵۷ ش). (۱۳۸۰). تهیه و تنظیم: معاونت خدمات مدیریت و اطلاع رسانی دفتر رئیس جمهور. (ایرج محمدی، کوشش گر). (ج ۱، ج ۲). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مجموعه قوانین بیست و سومین دوره قانونگذاری مجلس شورای ملی. (بی تا). گردآورنده اداره کل قوانین. (ج ۱۲). تهران: چاپخانه مجلس شورای ملی.

گزارش دولتی

«ارزشیابی برنامه چهارم جهانگردی». (دی ماه ۱۳۵۰). تهیه کننده: کمیته مشترک برنامه ریزی بخش سیاحت و جهانگردی.



«جهانگردی ملی: اصول، مبانی، هدف‌های کلی برنامه‌های مشخص، خط‌مشی و سیاست‌ها، برنامه پنجم».
(بهمن‌ماه ۱۳۵۰). مدیریت فرهنگ و هنر و جهانگردی (کمیته مشترک برنامه‌ریزی بخش جهانگردی).
«خطوط کلی هدف‌ها، سیاست‌ها، خط‌مشی‌های برنامه عمرانی ششم ۲۵۳۷-۲۵۴۱». (بی‌تا). سازمان
برنامه‌ویودجه، معاونت برنامه‌ریزی.
«گزارش شناخت، عملکرد، ارزشیابی سیاحت و جهانگردی در برنامه چهارم». (دی‌ماه ۱۳۵۰). تهیه‌کننده:
کمیته مشترک برنامه‌ریزی بخش سیاحت و جهانگردی.

کتاب

روابط خارجی ایران در سال ۱۳۴۸. (۱۳۴۹). (وزارت امور خارجه، گردآورنده). بی‌جا: چاپ کیهان.
سال‌نامه آماری کشور سال ۲۵۳۶ شاهنشاهی. (۱۳۵۷/۲۵۳۷). تهران: سازمان برنامه (مرکز آمار ایران).
فیض‌بخش، هوشنگ. (۲۵۳۵). صنعت جهانگردی در ایران و جهان. بی‌جا: مدرسه عالی خدمات
جهانگردی و اطلاعات.
کاتلر، فیلیپ. (۱۳۷۶). اصول بازاریابی. (بهمن فروزنده، مترجم). تهران: آتروپات کتاب.
گولد، جولیس؛ کولب، ویلیام. (۱۳۷۶). فرهنگ علوم اجتماعی. (گروهی از مترجمان، مترجم). تهران:
مازیار.
لمتون، آن کاترین سواپن‌فورد. (۱۳۷۹). نظریه دولت در ایران. (چنگیز پهلوان، گردآورنده و مترجم و
کوشش‌گر). تهران: گبو.
لومسدون، لس. (۱۳۸۰). بازار جهانگردی. (محمدابراهیم گوهریان، مترجم). تهران: دفتر پژوهش‌های
فرهنگی.

مقاله

«اخبار و گزارش‌های مهم اقتصادی ایران». (۱۳۴۴). مجله «بورس»، دوره اول، ش ۲۲، صص ۲-۳.

پایان‌نامه

ابری، شفیقه. (۱۳۵۱). «تحقیقی پیرامون مدیریت مهمان‌سراهای سازمان جلب سیاحان». پایان‌نامه کارشناسی
ارشد، استاد راهنما دکتر علیرضا بشارت، دانش‌گاه تهران، دانش‌کده علوم اداری و مدیریت بازرگانی.
افشار طوس، جمشید. (۱۳۴۹). «تحقیقی پیرامون طرح‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های سازمان جلب
سیاحان و تأثیر آن‌ها در توسعه سیاحت و جهانگردی و اقتصاد کشور». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد
راهنما دکتر پرویز زارعی، دانش‌گاه تهران، دانش‌کده علوم اداری و مدیریت بازرگانی، دی‌ماه ۱۳۴۹.
خاتمی، سیدصفرعلی. (۱۳۵۰). «مکانیسم توریسم و وضعیت ایران در امر جهانگردی». پایان‌نامه

کارشناسی ارشد، استاد راهنما دکتر جمشید بهنام، دانش گاه تهران: دانش کده ادبیات و علوم انسانی، رشته علوم اجتماعی.

مطبوعات

روزنامه حیل‌المتین کلکته، ش ۳۳۰، ۲ محرم ۱۳۴۴.

منابع لاتین

مقاله

- “NOTICIAS A TRAVÉS DEL MUNDO”. (1978). *World Travel (Tourisme Mondial), International Union of Official Travel Organisations*, 28(143), pp 71-72.
- “Problems of Development of Travel and Tourist Facilities in Developing Countries”. (1967). *World Travel (Tourisme Mondial), International Union of Official Travel Organisations*, 17(77), pp 15-18.
- “The activities of National Tourist Organisations in the field of publicity”. (1963). *World Travel (Tourisme Mondial), International Union of Official Travel Organisations*, 13(61), pp 13-30.
- “The IUOTO Travel Poster Competition”. (1967). *World Travel (Tourisme Mondial), International Union of Official Travel Organisations*, 17(81), P43.
- “Tourism, Passport to Peace”. (1966). *World Travel (Tourisme Mondial), International Union of Official Travel Organisations*, 16(74), pp 4-5.

مطبوعات

The New York Times, 1930, 15 Oct.

English Translation of References

Published Documents

Asnādi az san'at-e jahāngardi dar Irān (1301-1357 SH) (Documents from the tourism industry in Iran 1922 – 1979) (vols. 1& 2). (1380/2001). Prepared and arranged by Mo'avenat-e xadamāt-e modiriyat va ettelā'-resāni-ye dafter-e raees jomhur (Deputy of Management and Information Services of the President's



Office). Edited by Iraj Mohammadi. Tehran: Sāzmān-e Čāp va Entesārāt-e Vezārat-e Farhang va Eršād-e Eslāmi (Ministry of Culture and Islamic Guidance Publications). [Persian]

Majmu'e qavānin-e bišt-o-sevvomin dowre-ye qanun-gozāri-ye Majles-e Šorā-ye Melli (The set of laws of the 23rd legislative session of the National Assembly) (vol. 12). (n. d.). Collected by Edāre-ye Koll-e Qavānin (General Administration of Laws). Tehran: Čāpxāne-ye Majles-e Šorā-ye Melli (The printing house of the National Assembly). [Persian]

Governmental reports

“Arzešyābi-ye barnāme-ye čahārom-e Jahāngardi” (Evaluation of the fourth tourism program). (Dey 1350/January 1972). Prepared by Komite-ye moštarak-e barnāme-rizi-ye baxš-e siyāhat va jahāngardi (The joint planning committee of tourism sector). [Persian]

“Gozāreš-e šenāxt, ‘amalkard, arzešyābi-ye siyāhat va javāngardi dar barnāme-ye čahārom” (Report on recognition, performance, and evaluation of tourism in the fourth program). (Dey 1350/January 1972). Prepared by Komite-ye moštarak-e barnāme-rizi-ye baxš-e siyāhat va jahāngardi (The joint planning committee of tourism sector). [Persian]

“Jahāngardi-ye melli: Osul, mabāni, hadaf-hā-ye kolli-ye barnāme-hā-ye mošaxxas, xat-te mašy va siyāsat-hā, barnāme-ye panjom” (National tourism: Principles, foundations, general goals of specific programs, policy and policies, the fifth program). (Bahman 1350/February 1972). Modiriyat-e Farhang va Honar va Jahāngardi (Management of Culture, Art and Tourism) (Komite-ye moštarak-e barnāme-rizi-ye baxš-e jahāngardi) (The joint planning committee of tourism sector). [Persian]

“Xotut-e kolli-ye hadaf-hā, siyāsat-hā, xat-te mašy-hā-ye barnāme-ye ‘omrāni-ye šešom 2537-2541” (Outlines of goals and policies of the 6th construction program 1958 – 1962). (n. d.). Sāzmān-e Barnāme-ha va Budjeh, Mo'āvenat-e Barnāme-rizi (Plan and Budget Organization). [Persian]

Books

Feizbakhsh, Houshang. (2535/1956). *“San'at-e jahāngardi dar Irān va jahān”* (Tour-



- ism industry in Iran and the world). [n. p.]: Madrese-ye 'Āli-ye Xadamāt-e Jahāngardi va Ettelā'āt (Higher School of Tourism and Information Services). [Persian]
- Gould, Julius; & Kolb, William L. (1376/1997). *"Farhang-e 'olum-e ejtemā'ee"* (A dictionary of social sciences). Translated by a group of translators. Tehran: Māziyār. [Persian]
- Kotler, Philip. (1376/1997). *"Osul-e bāzāryābi"* (Marketing principles). Translated by Bahman Forouzandeh. Tehran: Ātropāt Ketāb. [Persian]
- Lambton, Ann Katharine Swynford. (1379/2000). *"Nazariye-ye dowlāt dar Irān"* (Theory of government in Iran). Gathered, edited & translated by Changiz Pahlavan. Tehran: Giv. [Persian]
- Lumsdone, Les. (1380/2001). *"Bāzār-e jahāngardi"* (Tourism market). Translated by Mohammad Ebrahim Goharian. Tehran: Daftar-e Pažuheš-hā-ye Farhangi (Iran Cultural Studies). [Persian]
- "Ravābet-e xāreji-ye Irān dar sāl-e 1338"* (Foreign relations of Iran in 1959). (1349/1970). Collected by Vezārat-e Omur-e Xārejeh (Ministry of Foreign Affairs). [n. p.]: Čāp-e Keyhān. [Persian]
- "Sālنامه-ye āmāri-ye kešvar sāl-e 2535 šāhanšāhi"* (Statistical yearbook of the country in 2536 / 1957). (1357/1978). Tehran: Sāzmān-e Barnāme (Markaz-e Āmār-e Irān) (Plan and Budget Organization, Statistical Center of Iran). [Persian]

Articles

- "Axbār va gozāreš-hā-ye mohemm-e eqtesādi-ye Irān" (Iran's important economic news and reports). (1344/1965). *Majalle-ye Burs*, 1(22), pp. 2-3. [Persian]
- "Noticias a Través del Mundo". (1978). *World Travel (Tourisme Mondial), International Union of Official Travel Organisations*, 28(143), pp. 71-72.
- "Problems of development of travel and tourist facilities in developing countries". (1967). *World Travel (Tourisme Mondial), International Union of Official Travel Organisations*, 17(77), pp. 15-18.
- "The activities of National Tourist Organizations in the field of publicity". (1963). *World Travel (Tourisme Mondial), International Union of Official Travel Organisations*, 13(61), pp. 13-30.



“The IUOTO Travel Poster Competition”. (1967). *World Travel (Tourisme Mondial), International Union of Official Travel Organisations*, 17(81), P43.

“Tourism, Passport to Peace”. (1966). *World Travel (Tourisme Mondial), International Union of Official Travel Organisations*, 16(74), pp. 4-5.

Dissertations

Abri, Shafigheh. (1351/1972). *“Tahqiqi pirāmun-e modiriyat-e mehmān-sarā-hā-ye sāzmān-e jalb-e sayyāhān”* (A research on the management of guest houses of the tourist attraction organization). [Masters’ thesis]. Supervised by Dr. Alireza Besharat. Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran), Dāneškade-ye ‘Olum-e Edāri va Modiriyat-e Bāzargāni (Faculty of Administrative Sciences and Business Management). [Persian]

Afshar Tus, Jamshid. (1349/1970). *“Tahqiqi pirāmun-e tarh-hā, barnāme-hā va fa’āliyat-hā-ye sāzmān-e jalb-e sayyāhān va ta’sir-e ānhā dar towse’e-ye siyāhat va jahāngardi va eqtesād-e kešvar”* (A research about the plans, programs and activities of the tourist attraction organization and their impact on the development of tourism and the country’s economy.). [Masters’ thesis]. Supervised by Dr. Parviz Zareei. Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran), Dāneškade-ye ‘Olum-e Edāri va Modiriyat-e Bāzargāni (Faculty of Administrative Sciences and Business Management). [Persian]

Khatami, Seyyed Safar Ali. (1350/1971). *“Mekānism-e turism va vaz’eyat-e Irān dar amr-e jahāngardi”* (The mechanism of tourism and the situation of Iran in the matter of tourism). [Masters’ thesis]. Supervised by Dr. Jamshid Behnam. Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran), Dāneškade-ye Adabiyāt va ‘Olum-e Ensāni (Faculty of Literature and Human Sciences), Rešte-ye ‘Olum-e Ejtemā’ee (Major of Social Sciences). [Persian]

Press

Ruznāme-ye Habl-ol-Matin-e Kalkateh (Habl al-Matin in Calcutta), issue number 330, 2 Moharram 1344/23 July 1925. [Persian]

The New York Times, 1930, 15 Oct.





Types and Uses of Clerics and Merchants' Endowments in Sari Region (Mazandaran) in the Qajar Period

Farshid Noroozi¹ | Jamshid Noroozi²

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract:

Purpose: The purpose of this research is to define the effect of class affiliation (clerics and merchants) on the type of Sari endowment expenditures in the Qajar period.

Method and Research Design: 352 Endowment Records of merchants and clerics were described, analyzed and compared.

Findings and Conclusion: The endowments of merchants and clerics were mainly land, houses, shops and caravanserai. Clerics mostly endowed land whereas merchants endowed shops. These endowments were used for Imam Hussein's ceremonies - the third Shiite Imam - like feeding the mourners, feeding fasting people in Ramazan, repairing and maintaining mosques and schools, alms and donations to the poor and Ibn al-Sabeel. The political and social developments of the period did not change the type of endowment expenditures. Most of the endowments belong to the time of Nasser al-Din Shah (1848 -1896). Also, most of the endowments were recorded in the lunar months of Rajab and Muharram. The endowments were entrusted to the person who endowed, his children or the clerics of the region. This indicates a kind of family system and the scholarly system in the management of endowments.

Keywords: Qajar, Sari, Clerics, Merchants, Endowments.

Citation: Noroozi, F., & Noroozi, J. (2022). Types and Uses of Clerics and Merchants' Endowments in Sari Region (Mazandaran) in the Qajar Period. *Ganjine-ye Asnad*, 32(1), 112-143. doi: 10.30484/ganj.2022.2919

1. PhD student of Iranian Islamic History, Payam Noor University, Tehran, I. R. Iran

farshidnoroozi20@gmail.com

2. Associate Professor of History, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, I. R. Iran, (Corresponding Author)

J.noroozi@alzahra.ac.ir

Copyright © 2022, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«125»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI):10.30484/GANJ.2022.2919

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 32, No. 1, Spring 2022 | pp: 112 - 143 (32) | Received: 29, Aug. 2020| Accepted: 6, Feb. 2021

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیمی

مقاله پژوهشی

نوع و نحوه مصرف موقوفات روحانیون و تجار ساری در دوره قاجار

فرشید نوروزی^۱ | جمشید نوروزی^۲

چکیده:

هدف: بررسی تأثیر وابستگی طبقاتی بر نوع و نحوه مصرف موقوفات ساری در دوره قاجار.

روش / رویکرد پژوهش: توصیفی-تحلیلی بر مبنای اسناد اداره اوقاف ساری و منابع اولیه.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: بررسی محتوای اسناد وقف‌نامه‌های روحانیون و تجار ساری در دوره قاجار نشانگر آن است که نوع موقوفات روحانیون و تجار، عمدتاً از جنس زمین، خانه، دکان و کاروان‌سرا است که وقف زمین در بین روحانیون و وقف دکان در بین تجار بیشتر رواج داشته است. نحوه مصرف موقوفات این دو طبقه به ترتیب فراوانی عبارت‌اند از: تعزیه‌داری سیدالشهداء؛ اطعام عزاداران سیدالشهداء؛ اطعام و افطار روزه‌داران؛ تعمیر و نگهداری مساجد و مدارس؛ صدقات و اعانات به فقرا و مساکین و ابن‌السبیل. تحولات سیاسی و اجتماعی این دوره سبب نشد تا نوع مصارف موقوفات روحانیون و تجار تغییر کند. بیشترین وقف‌های این دو طبقه اجتماعی در دوران حکومت ناصرالدین‌شاه ثبت شده است. از لحاظ زمان هم بیشترین وقف‌های روحانیون و تجار، در ماه‌های قمری محرم و رجب ثبت شده‌اند. تویلت موقوفات این دو طبقه برعهده خود واقفان، فرزندان واقفان و یا علمای منطقه قرار می‌گرفت که بیانگر نوعی نظام مدیریت خانوادگی و مدیریت علمایی در مدیریت موقوفات است.

کلیدواژه‌ها: قاجار؛ ساری؛ روحانیون؛ تجار؛ موقوفات.

استناد: نوروزی، فرشید، نوروزی، جمشید. (۱۴۰۱). نوع و نحوه مصرف موقوفات روحانیون و تجار ساری در دوره قاجار. *گنجینه اسناد*، ۳۲(۱)، ۱۱۲-۱۴۳ | ۱۰۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲، ۲۹۱۹ | doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲، ۲۹۱۹

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، مرکز
تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور، تهران،
ایران

farshidnorozi20@gmail.com

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات
دانشگاه الزهراء، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
J.norozi@alzahra.ac.ir



گنجینه اسناد «۱۲۵»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۲، ۲۹۱۹

نمایه در ISC, SID, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال | http://ganjineh.nlai.ir

سال ۳۲، دفتر ۱، بهار ۱۴۰۱ | صص: ۱۱۲ - ۱۴۳ (۳۲)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۸ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۸

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

وقف همواره سنتی زنده و پویا بوده است. وضعیت این سنت و چگونگی و چرایی رشد و افول آن در تاریخ ایران از سیاست‌ها و اقدامات حکام و نیز اوضاع اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران متأثر بوده است. قاجارها ضمن حفظ ویژگی‌های سنتی نهاد وقف، در راستای تحول این نهاد نیز گام‌هایی برداشتند.

وضعیت اوقاف در عهد قاجار (۱۲۱۰-۱۳۴۴ق) را به سه مقطع زمانی می‌توان تقسیم کرد: در مقطع زمانی اول (از آغاز حکومت قاجار در سال ۱۲۱۰ق تا ۱۲۷۱ق) ثبت و اداره موقوفات و تولیت آن‌ها، بیشتر تحت نظر و نفوذ روحانیون و مجتهدان انجام می‌شد. اگر ملکی وقفی در محل زندگی مجتهد یا روحانی برجسته‌ای وجود داشت، معمولاً برای اداره موقوفه، به نظر او توجه می‌شد. علاوه بر این‌ها، روحانیون و مجتهدان برجسته با مهر کردن ذیل اسناد موقوفه، صحت و اصالت آن‌ها را تأیید می‌کردند (ملکم، بی تا، ج ۲، ص ۱۶۶؛ الگار، ۱۳۵۹، ص ۲۱).

مقطع دوم، از ۱۲۷۱ق تا پیش از تصویب قانون اوقاف و معارف کشور در ۱۳۲۸ق را دربر می‌گیرد. در این دوره که مقارن با تلاش ناصرالدین شاه برای تغییر و تحول در ساختار اداری کشور بود، سعی شد که مدیریت کلی امور موقوفات به وزارت خانه‌هایی واگذار شود که با عناوینی چون «وزارت معارف و اوقاف»، «وزارت وظایف و اوقاف»، «وزارت فواید عامه»، «وزارت معارف، اوقاف و پست» ایجاد شدند (مستوفی، ۱۳۷۱، ج ۱، صص ۸۸-۸۹؛ خورموجی، ۱۳۶۳، ص ۲۴۳). در این راستا برخی امور موقوفات در اختیار متصدیان این وزارت خانه‌ها قرار گرفت که به تدوین برخی ضوابط و صدور فرمان‌هایی برای سامان‌دهی موضوعات مرتبط با اوقاف نیز می‌پرداختند (آدمیت، ۱۳۸۵، ص ۱۷۶). ولی با وجود این از میزان نقش نظارتی روحانیون بر موقوفات کاسته نشد؛ چراکه بر اساس همان ضوابطی که از سوی همین وزارت خانه‌های متولی امر موقوفات صادر شده بود، صورت حساب‌های دخل و خرج موقوفات می‌بایست پس از تأیید مجتهدان، برای وزارت «وظایف و اوقاف» ارسال شود (لمبتون، ۱۳۸۸، ص ۹۴).

مقطع سوم به سال‌های پس از برقراری حکومت مشروطیت (۱۳۲۴ق) برمی‌گردد که مجلس شورای ملی با تصویب قانون «وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه» در سال ۱۳۲۸ق، قانونمند کردن اداره موقوفات و استفاده از عواید آن را برای توسعه معارف کشور مدنظر قرارداد (ریاحی سامانی، ۱۳۷۸، ص ۳۴).

ساری^۱ (مرکز سیاسی-اداری ولایت مازندران) در دوره قاجار شامل چهار بلوک بود: ۱- کلیجان رستاق، چهار دانگه و دودانگه در سمت جنوب؛ ۲- اندرود و میاندرود و قراطغان در

۱. این شهر از جنوب به سمنان و دامغان، از شمال به دریای خزر، از شرق به اشرف و از غرب به بارفروش منتهی می‌شد.



سمت شرق؛ ۳- فرح آباد، میان رود و شرخا در سمت شمال؛ ۴- علی آباد، کیاکلا و قادی کلا در سمت غرب (میرزاابراهیم، ۱۳۵۵، صص ۱۰۰-۱۰۱). دو وجه مهم اقتصادی عصر قاجار یعنی کشاورزی و دامپروری در ساری رونق فراوانی داشت و همین امر، زمینه رونق و آبادانی آن را در عصر قاجار فراهم آورده بود (میرزاابراهیم، ۱۳۵۵، صص ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳). دلیل دیگر ترقی ساری رونق اقتصادی بود که علت آن وجود امکاناتی چون ۴ کاروان سرا و ۴۱۰ دکان در این شهر بود (ملگونف، ۱۳۷۶، ص ۲۰۱؛ رابینو، ۱۳۸۳، ص ۸۱).

ساری حاکم‌نشین قدیمی مازندران محسوب می‌شد. این شهر در مقطعی که آغامحمدخان در پی تصاحب تاج و تخت به جنگ و جدال با حریفانی چون حکام زند می‌پرداخت و قلمروش عمده‌اُستَرآباد و مازندران بود، به‌عنوان پایتخت موقت او انتخاب شده بود (ساروی، ۱۳۷۱، ص ۲۳۷). با وجود تصمیم بعدی آغامحمدخان در انتخاب تهران به‌عنوان پایتخت ثابت قاجار (۱۲۱۰ق)، ساری به‌دلایلی چون نزدیک‌بودن به خاستگاه ایل قاجار (استرآباد) و نیز باقی‌ماندنش به‌عنوان مرکز سیاسی و اداری ایالت مازندران، همچنان موردتوجه حکومت قاجار بود و روند عمران و آبادانی آن برقرار ماند (میرزاابراهیم، ۱۳۵۵، ص ۹۵؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۱۰۱۹). یکی دیگر از دلایل اهمیت ساری، سکونت حکام ولایت مازندران به‌همراه تعداد زیادی از شاهزادگان، اعیان و اشراف و مأموران دولتی در این شهر بود (افضل‌الملک، ۱۳۸۳، صص ۴۸-۴۹).

در کنار اهمیت سیاسی-منطقه‌ای و رونق اقتصادی ساری در دوران قبل از مشروطه، مقابر امام‌زادگانی چون امام‌زاده عباس (ع)، امام‌زاده یحیی (ع) و امام‌زاده زین‌العابدین (ع)، و استقرار چند مجتهد طرازِ اوّل ایالت مازندران در ساری (حاجی ملاعبدالله، حاجی میرزا محمدتقی، آقامیرزا محمدحسین و حاجی ملاتقی هزارجریبی) سبب ایجاد فضای مذهبی در منطقه شده بود (میرزاابراهیم، ۱۳۵۵، صص ۹۳، ۹۶، ۱۰۶). از نظر بافت جمعیتی و ترکیب اجتماعی، مردم ساکن در ساری، شامل طوایف مختلف و بعضاً مهاجری بودند که در بلوکات اطراف و نیز مرکز ایالت ساکن بودند (میرزاابراهیم، ۱۳۵۵، ص ۹۷).

ازجمله طبقات اجتماعی که در راستای تداوم سنت دیرینه وقف اموالی را در دوره قاجار در ساری وقف کردند، روحانیون و تجار بودند. بررسی موقوفات این دو طبقه در ساری در این دوره، از حیث نوع موقوفه و نحوه مصرف عواید، به شناخت ویژگی‌های اجتماعی، مذهبی و اقتصادی این منطقه کمک خواهد کرد.

این پژوهش، در پی پاسخگویی به این پرسش‌هاست:

۱. تجار و روحانیون ساری چه اموالی را در دوره قاجار وقف کردند؟

۲. این موقوفات چه مصارفی داشتند و تحولات سیاسی و اجتماعی رخ داده در دوره

- قاجار، چه تأثیری بر تعیین نحوه مصرف این موقوفات داشت؟
۳. تجار و روحانیون، چه کسانی را به عنوان متولی موقوفه خود انتخاب می کردند؟
۴. تشابهات و تفاوت های موقوفات تجار و روحانیون ساری در دوره قاجار از حیث نوع موقوفه و نحوه مصرف عواید آن چه بود؟
۵. چه نسبتی بین تنظیم این وقف نامه ها با ماه های قمری وجود داشته است؟

پیشینه پژوهش

پژوهش هایی که با موضوع وقف و موقوفات در دوره قاجار، انجام شده است، از حیث تبیین کلی و نسبی فضای بحث حاضر و اشاره به برخی موارد کلی مرتبط با مباحث و تحلیل های این تحقیق، خالی از اهمیت نیستند که در ادامه به برخی از آن ها اشاره می شود. نخستین مقاله «نهاد وقف و کارکرد آن در دوره ناصرالدین شاه» تألیف لیلا مرادعلیان است که در پاییز ۱۳۹۵ در فصل نامه «آرشیو ملی» چاپ شده است و نهاد وقف و کارکرد آن در دوره سلطنت ناصرالدین شاه را بررسی کرده است. مقاله دیگر «بررسی انگیزه های واقفان در شهر تهران؛ برپایه بازخوانی دو نمونه از وقف نامه های بازار دوره قاجار» تألیف محمد کشاورز است که در زمستان ۱۳۸۸ در فصل نامه «وقف میراث جاویدان» چاپ شده است و در آن انگیزه ها و اهداف وقف در دوره قاجار بررسی شده است. مقاله بعدی «بررسی مسجد-مدرسه های وقفی «جامع» و «آقاعباس» در بافت مرکزی شهر آمل» نوشته معصومه یدالله پور و شهرام یوسفی فر است که در پاییز ۱۳۸۸ در فصل نامه «گنجینه اسناد» چاپ شده است و به بررسی وقف نامه ها، وضعیت موقوفه ها، واقف و موارد مصرف درآمد موقوفه ها در مسجد جامع و مسجد آقاعباس شهر آمل پرداخته است. خلا پژوهشی درباره بررسی تأثیر وابستگی طبقاتی بر انواع و نحوه مصرف موقوفات ساری در دوره قاجار نگارندگان را بر آن داشت تا پژوهشی مستقل در این زمینه انجام دهند.

۲. تحلیل آماری اسناد موقوفات ساری در دوره قاجار

بررسی ۳۵۲ سند وقفی ساری در عهد قاجار نشان می دهد که ۵۱ وقف یعنی ۱۴/۵ درصد از موقوفات پیش از حکومت ناصرالدین شاه (۱۲۱۰-۱۲۶۴ق) و ۱۶۰ وقف یعنی ۴۵/۵ درصد از موقوفات در دوران حکومت ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق) و ۱۴۱ وقف یعنی ۴۰ درصد از موقوفات بعد از حکومت ناصرالدین شاه (۱۳۱۴-۱۳۴۴ق) ثبت شده است. ۲۷۸ موقوفه یعنی ۷۹ درصد از موقوفات مربوط به مردان و ۷۴ موقوفه یعنی ۲۱ درصد از موقوفات مربوط به زنان است. ۶۹ درصد از نیات واقفان به امور مذهبی، ۱۶ درصد به امور



خیریه و ۱۵ درصد به امور اجتماعی اختصاص دارد. ۵۹ درصد نوع مال وقف شده زمین، ۱۹ درصد منزل مسکونی، ۱۸ درصد دکان، ۲ درصد کاروان سرا و ۲ درصد حمام است.

جدول شماره ۱: تعداد کل موقوفات ساری در دوره قاجار		
ردیف	دوره	تعداد موقوفات
۱	پیش از حکومت ناصرالدین شاه (۱۲۱۰-۱۲۶۴ ق)	۵۱
۲	دوران حکومت ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ق)	۱۶۰
۳	بعد از حکومت ناصرالدین شاه (۱۳۱۴-۱۳۴۴ ق)	۱۴۱

جدول ۱

تعداد کل موقوفات ساری در دوره قاجار

جدول شماره ۲: تعداد موقوفات ساری در دوره قاجار براساس جنسیت واقف		
موقوفات مردان	موقوفات زنان	جمع کل
۲۷۸	۷۴	۳۵۲

جدول ۲

تعداد موقوفات ساری در دوره قاجار براساس جنسیت واقف

جدول شماره ۳: نوع نیت واقفان موقوفات ساری در دوره قاجار			
منهبی	خیریه	اجتماعی	جمع کل
۳۲۱	۷۲	۷۰	۴۶۳

جدول ۳

نوع نیت واقفان موقوفات ساری در دوره قاجار

جدول شماره ۴: نوع مال وقف شده در دوره قاجار در ساری					
زمین	منزل مسکونی	دکان (مغازه)	کاروان سرا	حمام	جمع کل
۲۳۰	۷۵	۶۹	۷	۷	۳۸۸

جدول ۴

نوع مال وقف شده در دوره قاجار در ساری

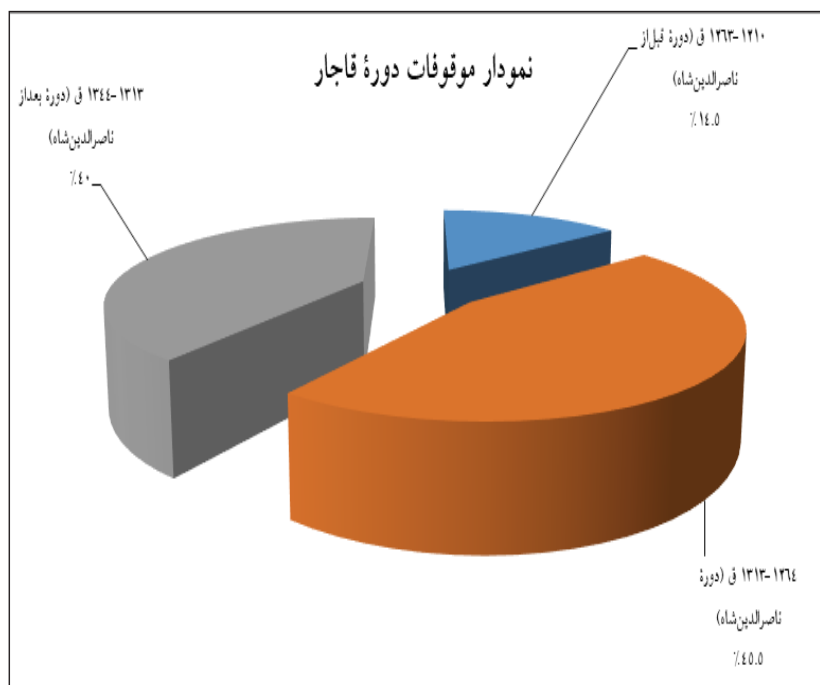
افزایش موقوفات در دوران حکومت طولانی ناصرالدین شاه دو دلیل داشت: نخست اینکه به علت بهبود اوضاع اقتصادی ایران در این دوره، سطح عمومی ثروت و درآمد سرانه مردم ایران و نیز سطح رفاه جامعه افزایش پیدا کرد و دوم اینکه ثبت، مدیریت و حفظ موقوفات در قالب نظام دیوان سالاری جدید این دوره نظم و نسقی مناسب پیدا کرد و احتمال از بین رفتن موقوفات کاهش یافت؛ در نتیجه رغبت مردم برای وقف اموالشان بیشتر شد. روند افزایش موقوفات در دوران بعد از حکومت ناصرالدین شاه اگرچه شبیهی ملایم تر

۱. در تعدادی از موقوفات شهر ساری بیش از یک نیت وجود دارد؛ بنابراین تعداد نیت موقوفات ساری بیشتر از تعداد موقوفات این شهر است.
۲. در تعدادی از موقوفات شهر ساری بیش از یک مال وقف شده است؛ بنابراین تعداد اموال وقف شده برای موقوفات ساری بیشتر از تعداد موقوفات این شهر است.



داشته‌است، ولی در حالت کلی نشان می‌دهد که در دوران حکومت مشروطیت هم، سنت وقف در جامعه ایران عصر قاجار جریان داشته‌است و وقوع انقلاب مشروطیت و ترویج اندیشه‌ها و مظاهر تمدن نوین اروپایی در ایران این دوران از توجه مردم به سنت قدیمی وقف نکاسته‌است. رونق نسبی وقف در این دوران، احتمالاً به مواردی چون تدوین قانون اوقاف در مجلس دوم شورای ملی و تشکیل وزارت «معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه» در سال ۱۳۲۸ ق برمی‌گردد.

خصوصیت مذهبی جامعه ایرانی، تأثیرگذاری افکار و اندیشه‌های مذهبی بر عملکرد طبقات متمول ایرانی، وجود حکومت استبدادی و ترس مالکان و ثروتمندان از نبود امنیت در حوزه مالکیت، تأثیرپذیری جامعه ایرانی از طبقه‌های مرجعی چون حکام و روحانیون و تجار در موضوع وقف، رونق اقتصادی و افزایش سطح درآمدها، حاکمیت نظم و امنیت از عوامل سنتی تداوم وقف در ایران بوده‌اند. علاوه بر این عوامل سنتی دلایل نوینی هم بر تداوم سنت وقف در دوره قاجار تأثیرگذار بودند. تلاش حکومت برای نظام‌مندی موقوفات در قالب دیوان‌سالاری نوین (وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه) به صورت ویژه در دوره ناصرالدین‌شاه، و تدوین قانون اوقاف در دوران حکومت مشروطه از دلایل نوین توسعه وقف در دوره قاجار بودند.



نمودار ۱

نمودار موقوفات دوره قاجار



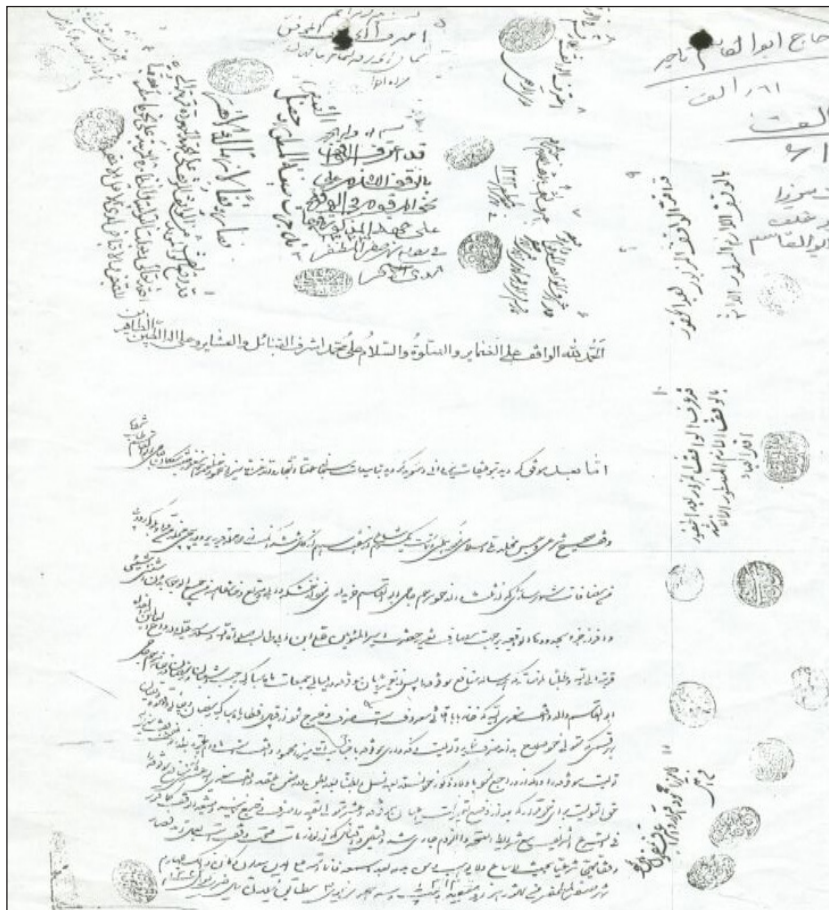
۳. ساختار و سبک نگارش اسناد وقف نامه‌ها

ساختار وقف نامه‌های دوره قاجار شامل بخش‌های زیر بوده است: ۱- بسمله؛ ۲- دیباچه؛ ۳- مشخصات کامل واقف؛ ۴- شرط تحقق وقف (قصد قربت)؛ ۵- اظهار صیغه؛ ۶- بیان کلیات (جهت مصرف)؛ ۷- مختصات و حدود اربعه موقوفه (رقبات)؛ ۸- مخارج (وظایف متولی)؛ ۹- متولی فعلی و سیستم انتخاب متولیان بعدی؛ ۱۰- متولی در صورت انقراض نسل؛ ۱۱- الفاظ تشریفاتی دال بر وقوع عقد و قبض و قبول متولی؛ ۱۲- خاتمه؛ ۱۳- تاریخ تحریر (رضایی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۹).

ترتیب این ساختار در وقف نامه‌های مختلف:

اسناد موقوفات دوره قاجار با «تمحیدیه‌ای» حاوی جملاتی در ناپایداری دنیا و فانی بودن انسان آغاز می‌شود. این جملات، دربردارنده ابیاتی فارسی و عربی و حاوی تلمیحاتی به آیات و احادیث است. بسته به قلم نگارنده وقف نامه، این قسمت مختصر یا مطوّل است. پس از تمحیدیه، فرد واقف و سایر ارکان موقوفه شامل صیغه وقف، مصارف، رقبات، مخارج و متولی موقوفه معرفی می‌شود. هم‌چنین، محل موقوفه به دقت معین و حدود آن مشخص می‌شود. در این اسناد، موارد مصرف درآمد موقوفه و شرایطی که واقف در نظر گرفته است، دقیقاً قید می‌شود. بعد از مشخص کردن متولی و در مواردی ناظر موقوفه، عباراتی آمده است در لعن و نفرین کسی که برخلاف شرایط تعیین شده در وقف نامه عمل کند. معمولاً، در آخر وقف نامه، آیه شریفه «فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ»^۱ تحریر می‌شد تا کسی به خود اجازه ندهد در وقف نامه و رقبات آن و مصارف مقرر تصرف کند. در اسناد وقف نامه، عباراتی نیز آورده می‌شد مبنی بر این که واقف از مالکیت موقوفه دست کشیده و آن را به تصرف وقف داده است. در حاشیه سند وقف نامه، مهر برخی از روحانیون و شهود دیگر زده می‌شد. مطابق مندرجات این اسناد، میزانی از درآمد حاصل از موقوفه قبل از آنکه صرف مقصود تعیین شده از سوی واقف شود، برای مصارف دیگری مثل حق التولیه، حق النظاره و حفظ عین موقوفه (تأمین مخارج ضروری بنا و تعمیرات لازم آن) کسر می‌شد.

۱. پس هر کس آن [وصیت] را بعد از شنیدنش تغییر دهد، گناهش تنها بر [کردن] کسانی است که آن را تغییر می‌دهند (آیه ۱۸۱ سوره بقره).



تصویر ۱

سند موقوفه حاج ابوالقاسم تاجر

۴. اهمیت و ارزش تاریخی مندرجات اسناد موقوفات

از توضیحات مرتبط با نوع موقوفات واقفان روحانی که در اسناد وقف‌نامه‌ها درج شده‌است، می‌توان به اطلاعاتی ارزنده چون نام‌های تاریخی محلات، بازارها، روستاها، کاروان‌سراها و رباط‌ها دست یافت. برای نمونه، در ضمن توضیح نوع موقوفه در سند وقف‌نامه ملا عبدالله کلاه‌دوز آمده‌است: «تمامت شش‌دانگ خان‌سرای^۱ مسکونه خود که واقع است در محله درب‌خانه من محلات شهر ساری از اعیان و اراضی و اشجار و ممر و مدخل و جدران و کل مایه‌تعلق‌بها و تمامت سه دانگ از شش‌دانگ یک باب دکان واقع در بازار کلاه‌دوز و چارسوق شهر ساری» (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۶/۲۱). از خلال توضیح سند فوق، به این اطلاعات دست می‌یابیم که در شهر ساری در عهد قاجار، محله‌ای به نام درب‌خانه و بازاری به نام کلاه‌دوز وجود داشته‌است.

۱. خان در این جا به معنی خانه است.

در نمونه‌ای دیگر، در توضیحات متن سند واقفی به نام ملاآخوندبای ساروی، به خیابانی به نام نادر و محله‌ای به نام میرمشهد در شهر ساری آن روزگار اشاره شده است: «شش دانگ یک باب سراخانه در محله میرمشهد، هشت عشر و نیم از شش دانگ تعداد چهار باب داکین در خیابان نادر شهر ساری» (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۴/الف). هم‌چنین درباره نام روستاهای ساری در عهد قاجار، در سند وقف‌نامه حاجی ملاعبدالله بن ملا مؤمن کیاسری آمده است: «همگی و تمامت سه دانگ مشاع از کل شش دانگ قریه ازنی چهار دانگه کیاسر» (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۲۱/الف). افزون‌براین، در سند واقفی به نام حاجی ملاآقابابا تلارمی، به روستایی دیگر به نام تلارم اشاره شده است: «ثلث کل اراضی خشکه‌زار قریه تلارم فریم، الا ثمن [یک‌هشتم] از ثلث، و همگی مزارع مفصله از قریه تلارم و از غیر تلارم» (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۲۳/الف).

علاوه‌براین‌ها، از شرح متن برخی اسناد موقوفات واقفان درباره نوع موقوفه، به اطلاعاتی درباره چگونگی معماری خانه‌ها و هم‌چنین نوع محصولات کشاورزی ساری در عهد قاجار دست می‌یابیم. برای نمونه، در متن سند واقف آقاشیخ محمد ابن ملامرالله ساروی و به‌هنگام توضیح نوع موقوفه که یک خان‌سرای در محله درب‌خانه شهر ساری بوده، آمده است که این خانه شامل یک ایوان، یک اطاق، راهرو، حوض، مطبخ و غیره است: «همگی و تمامی شش دانگ خان‌سرای، مشتمل بر یک ایوان و یک اطاق و راهرو و حوض و مقابل آن، مطبخ و کل مایتعلق بها ...» (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۸/م). هم‌چنین در متن سند وقف‌نامه شیخ‌رضا نوری‌الاصل ساروی مسکن، ضمن توصیف نوع موقوفه، به شرح کاملی از یک خانه در ساری آن زمان پرداخته شده است: «تمامت شش دانگ باغ مشجره مثمره ملکی متصرفی خود را که واقع و کائن است در محله اجابین من محلات شهر ساری متصل به باغ‌شاه کهنه شهر ساری و مستغنی از تحدید و توصیف است و به انضمام یک دست عمارت سفال‌پوش جدیدالبناء سه‌قسمتی در وسط باغ از عرصه و اعیانی و مایتعلق‌بها از اشجار مثمره و غیر مثمره و انهار مجری‌المیاء و جدران و کل مایتعلق‌بها من غیر استثناء شیء من الثری الی الثریا و به انضمام دو باب دکان متصل به خود باغ مذکور که یکی مسکونه استاد اصغر صباغ و یک باب دیگر مسکونه خدابخش از عرصه و اعیانی هر دو باب دکان و مایتعلق‌بهما بلا استثناء شیء و افراز جزء» (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۱/ر). حتی در برخی وقف‌نامه‌ها، به نوع کاربری زمین هم اشاره شده است؛ مانند وقف‌نامه آخوند ملاحبیب‌الله که ضمن معرفی نوع موقوفه، ذکر شده است که کاربری این موقوفه، شالیزاری و کشت برنج است (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۳۶/ح).

در توضیح نوع موقوفات تاجران واقف نیز می‌توان به اطلاعات مفیدی درباره مشاغل و بازارها و کاروان‌سراها، آب‌انبارها، تکایا و مساجد و محلات شهر ساری در این دوره تاریخی دست یافت. برای نمونه محمدصادق تاجر ساروی در توضیح نوع موقوفه‌اش از مشاغلی چون کلاه‌دوزی و رسته‌بازار (راسته‌بازار) مربوط به این شغل نیز نام می‌برد: «شش‌دانگ یک باب دکان مسکونه میرزاهادی کلاه‌دوز واقع در راسته‌بازار کلاه‌دوزی» (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۲۱/م) یا حاج‌احمد تاجر روغن‌فروش ساروی الاصل در شرح نوع موقوفه در سند وقف‌نامه از کاروان‌سرایی به‌نام وزیر و دکاکین مرتبط با آن و نوع قرارگیری این دکاکین و بازاری به‌نام پنجشنبه‌بازار و دروازه‌ای به‌نام دروازه استرآباد در شهر ساری نام می‌برد: «زمین دروازه استرآباد جهت بنا [ء] مسجد، سه دانگ یک باب دکان، ده سیر از هریک از چهار باب دکان معروف به دکاکین آقامیرزامهدی، یک باب تخت در پنجشنبه‌بازار، ده سیر مشاع از یک دانگ و نیم مشاع کاروان‌سرای وزیر با توابع، ده سیر مشاع از یک دانگ و نیم مشاع از سیزده باب دکاکین جنب کاروان‌سرای وزیر» (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۳/الف).

۵. بررسی مقایسه‌ای آمار موقوفات روحانیون و تجار ساری در دوره قاجار

از ۳۵۲ عدد وقف‌نامه ساری در دوره قاجار که در دسترس نگارندگان است، ۴۳ موقوفه (۱۲ درصد) مربوط به روحانیون و ۲۶ موقوفه (۷ درصد) مربوط به تجار است. از ۴۳ موقوفه روحانیون ساری ۴ موقوفه (۹ درصد) مربوط به سال‌های ۱۲۱۰-۱۲۶۳ق (دوره قبل از ناصرالدین‌شاه)، ۲۵ موقوفه (۵۸ درصد) مربوط به سال‌های ۱۲۶۴-۱۳۱۴ق (دوره ناصرالدین‌شاه)، و ۱۴ موقوفه (۳۳ درصد) متعلق به سال‌های ۱۳۱۵-۱۳۴۲ق (دوره بعد از ناصرالدین‌شاه) است. از ۲۶ موقوفه تجار ساری در دوره قاجار ۳ موقوفه (۱۱/۵ درصد) مربوط به سال‌های ۱۲۱۰-۱۲۶۳ق (دوره قبل از ناصرالدین‌شاه)، ۹ موقوفه (۳۴/۵ درصد) مربوط به سال‌های ۱۲۶۴-۱۳۱۴ق (دوره ناصرالدین‌شاه) و ۱۴ موقوفه (۵۴ درصد) متعلق به سال‌های ۱۳۱۵-۱۳۴۲ق (دوره بعد از ناصرالدین‌شاه) است (نک: نمودارهای شماره ۲، ۳، ۴).

جدول شماره ۵: تعداد کل موقوفات دوره قاجار در ساری				
ردیف	دوره زمانی	تعداد کل موقوفات	تعداد موقوفات روحانیون	تعداد موقوفات تجار
۱	دوره قاجار	۳۵۲	۴۳	۲۶

۱- وسیله‌ای برای فروش انواع میوه و سبزی

جدول ۵

تعداد کل موقوفات دوره قاجار در ساری

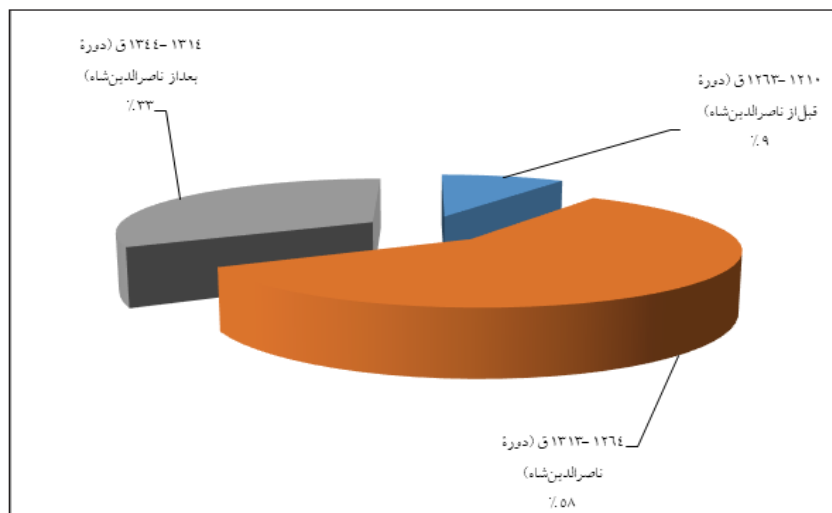


جدول ۶

تعداد موقوفات روحانیون و تجار
ساری در دوره قاجار

ردیف	دوره زمانی	تعداد موقوفات روحانیون	تعداد موقوفات تجار
۱	سالهای ۱۲۱۰-۱۲۶۳ ق (دوره قبل از ناصرالدین شاه)	۴	۳
۲	سالهای ۱۲۶۴-۱۳۱۴ ق (دوره ناصرالدین شاه)	۲۵	۹
۳	سالهای ۱۳۱۵-۱۳۴۲ ق (دوره بعد از ناصرالدین شاه)	۱۴	۱۴

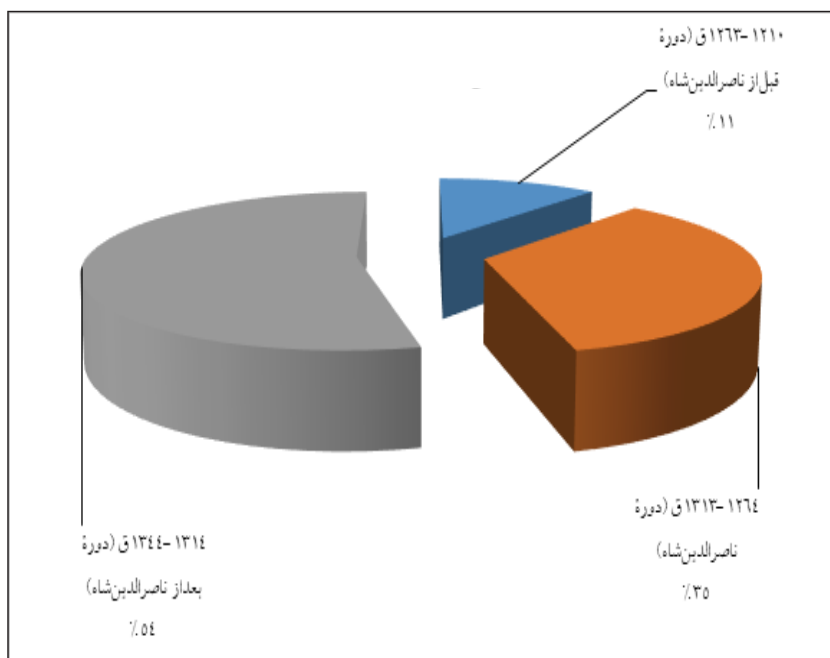
نتایج آماری فوق، فرایند توسعه و رشد موقوفات در عصر ناصرالدین شاه را تأیید می‌کند؛ چراکه در واقع ۵۸ درصد از موقوفات روحانیون و ۳۵ درصد از موقوفات تجار ساری در دوره قاجار، در دوران حکومت این پادشاه قاجار ثبت شده است. همان‌گونه که پیش از این نیز مطرح شد، شکل‌گیری ساختار اداری نظارت بر موقوفات در دل دیوان‌سالاری دوره ناصرالدین شاه و نیز فراهم شدن امنیت و رونق نسبی اقتصاد ایران در عهد ناصرالدین شاه، تمایل تجار و روحانیون ساری را برای انجام امور خیریه و عام‌المنفعه افزون‌تر کرده بود؛ ولی موقوفات این دو طبقه بعد از دوره ناصرالدین شاه یعنی بین سال‌های ۱۳۱۳-۱۳۴۴ ق، تفاوتی معنادار دارد. ۳۳ درصد از موقوفات روحانیون و ۵۴ درصد از موقوفات تجار، مربوط به این دوران است. این آمار نشان می‌دهد که موقوفات روحانیون نسبت به دوره ناصرالدین شاه، کاهش ۲۵ درصدی داشته است؛ در مقابل، موقوفات تجار، افزایش ۱۹ درصدی داشته است.



مؤدار ۲

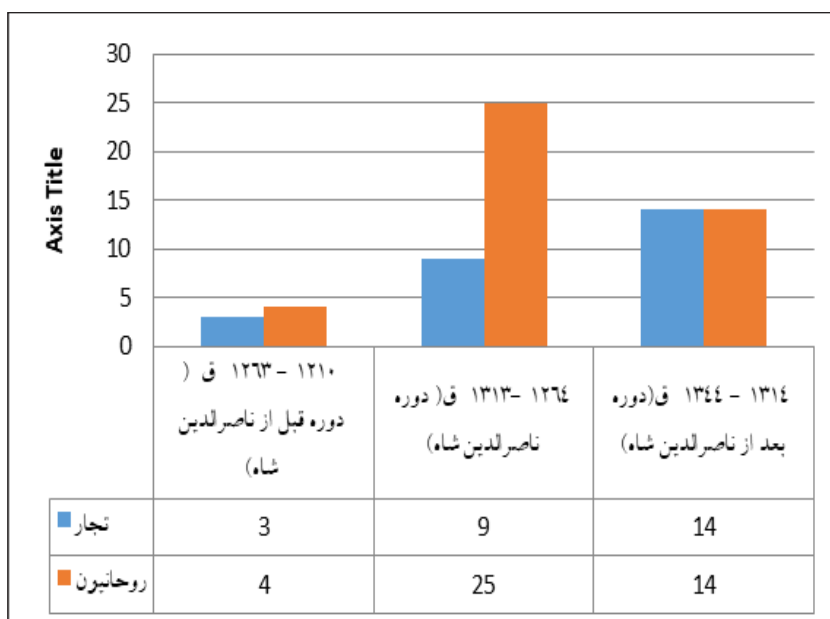
مؤدار اسناد وقفی روحانیون ساری
در دوره قاجار





نمودار ۳

نمودار اسناد وقفی تجار ساری در دوره قاجار



نمودار ۴

نمودار مقایسه ای اسناد وقفی روحانیون و تجار ساری در دوره قاجار

۶. مقایسه مصارف و نوع موقوفات روحانیون و تجار ساری در دوره قاجار

۶.۱. مقایسه مصارف موقوفات روحانیون و تجار

مصارف موقوفات روحانیون و تجار ساری در دوره قاجار را می توان به سه دسته کلی مذهبی، اجتماعی، و خیریه تقسیم کرد.^۱ از ۶۰ نوع مصرفی که واقفان روحانی ساری در وقف نامه های خود گنجانده اند، ۴۱ نوع مصرف (۶۸ درصد مصارف) مربوط به امور مذهبی است؛ ۱۲ مصرف (۲۰ درصد مصارف) مربوط به امور خیریه؛ و ۷ مصرف (۱۲ درصد مصارف) مربوط به امور اجتماعی است. از ۳۲ نوع مصرفی که تجار واقف ساری برای موقوفات خود تعیین کرده اند، تعداد ۲۲ نوع مصرف (۶۹ درصد مصارف)، مربوط به امور مذهبی، ۶ مصرف (۱۹ درصد مصارف) مربوط به امور خیریه و ۴ مصرف (۱۲ درصد مصارف) مربوط به امور اجتماعی است.

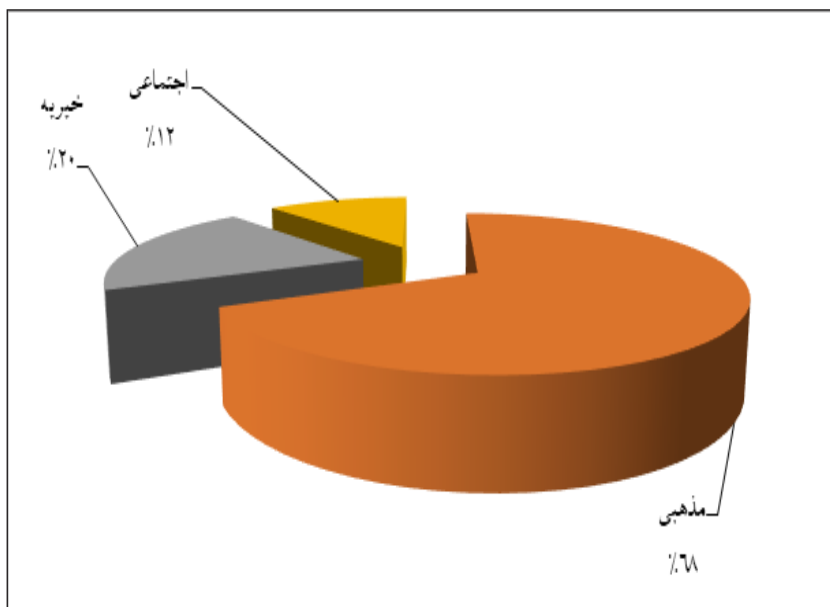
جدول شماره ۷: مصارف موقوفات روحانیون و تجار ساری در دوره قاجار				
ردیف	طبقه	مصارف مذهبی	مصارف خیریه	مصارف اجتماعی
۱	روحانیون	۴۱	۱۲	۷
۲	تجار	۲۲	۶	۴

جدول ۷

مصارف موقوفات روحانیون و تجار
ساری در دوره قاجار

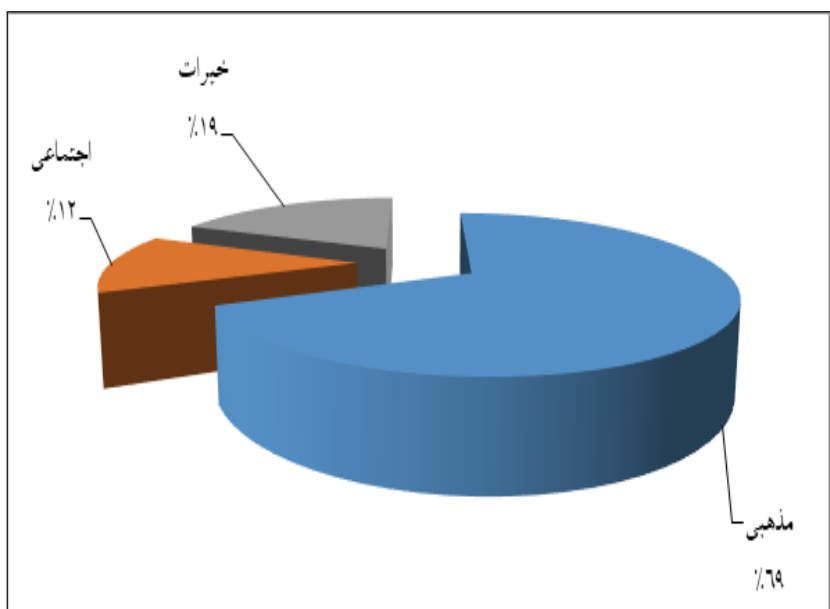
بافت سنتی جامعه ایران در دوره قاجار، به عنوان مانعی در راه تحول در مصارف موقوفات تجار و روحانیون ساری عمل کرد و موج نوگرایی و ورود افکار جدید و ایجاد نظام مشروطیت، در مصارف وقف تجار و روحانیون تفاوتی با گذشته ایجاد نکرد و واقفان به امور فرهنگی و آموزشی که با تحولات دنیای آن روز هماهنگی داشته باشد، توجهی نکردند و به جای آن مصارف موقوفات خود را به برگزاری مجالس روضه خوانی و تعزیه داری اختصاص دادند. حتی تجار هم که به دلیل نوع شغل و کارشان و ارتباط با تجار دیگر کشورها به ویژه منطقه آسیای مرکزی و قفقاز تحت حاکمیت روسیه تزاری، با تحولات فکری و اجتماعی آن منطقه آشنا بودند، مصارف موقوفاتشان در راستای تحولات جهان آن روز نبود. این امر، نشان از آن دارد که بافت سنتی جامعه ایرانی در آن روزگار، تجار را وامی داشته است تا براساس سنتها و آداب و رسوم حاکم بر جامعه ایرانی عمل کنند و چندان از آن جو غالب اجتماعی فراتر نروند (نک: نمودارهای شماره ۵، ۶، ۷).

۱. تقسیم مصارف موقوفات به این سه دسته کلی و نیز تعیین مصادیق هر دسته، براساس تقسیم بندی لحاظ شده در سامانه کامپیوتری موقوفات کشور انجام شده است.



نمودار ۵

نمودار مصارف موقوفات روحانیون

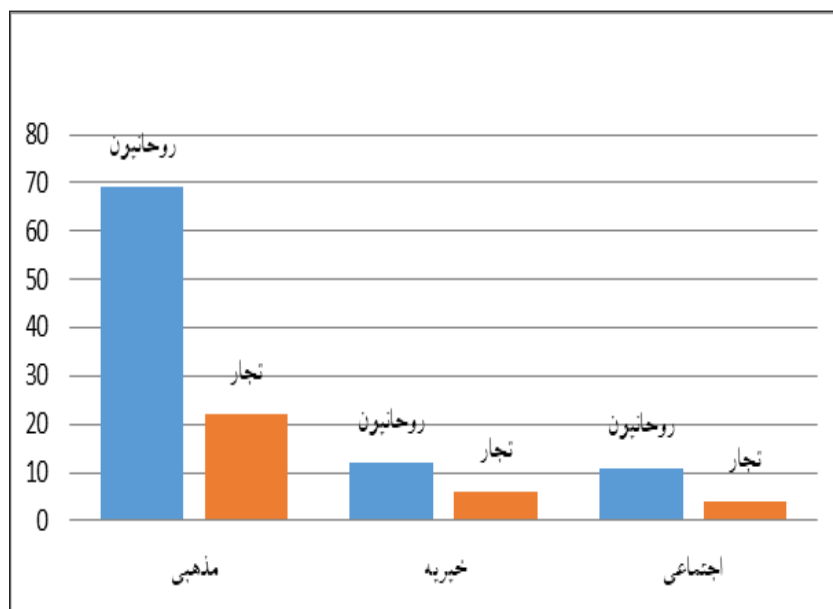


نمودار ۶

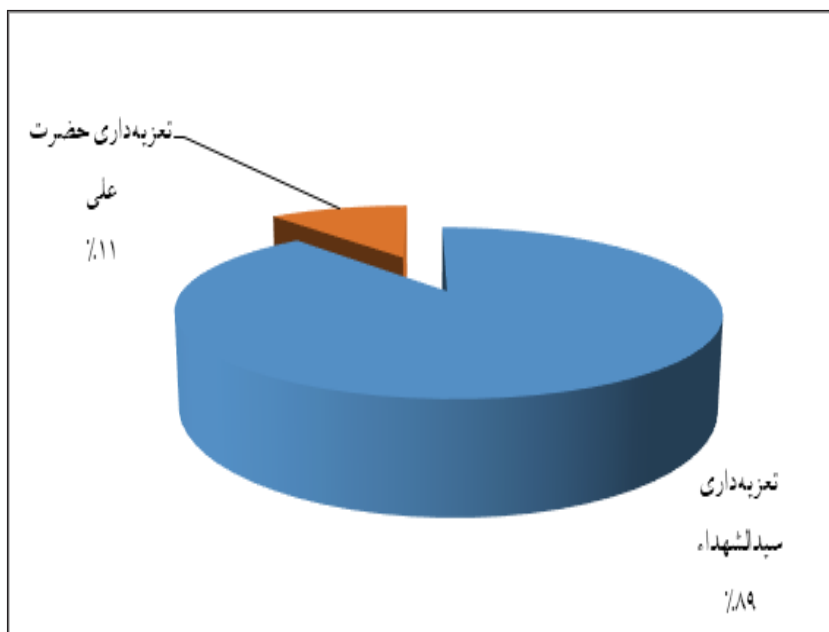
نمودار مصارف کلی تجار

نمودار ۷

نمودار مقایسه‌ای مصارف موقوفات

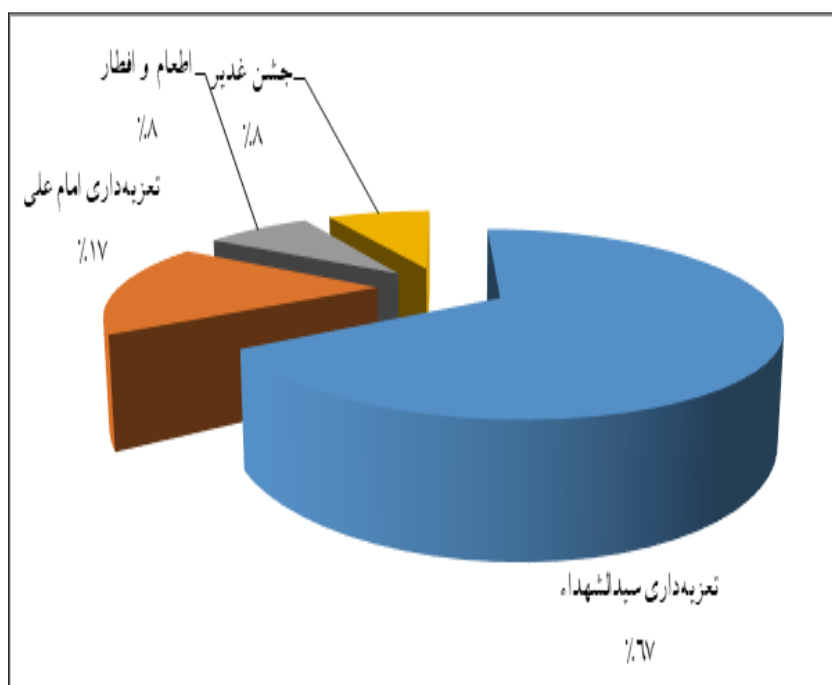


مصارف مذهبی موقوفات روحانیون و تجار شامل: تعزیه‌داری سیدالشهدای و اطعام عزاداران آن حضرت، تعزیه‌داری حضرت علی (ع) و اطعام در ماه مبارک رمضان است. روحانیون واقف ۸۹ درصد مقصود موقوفاتشان را برای تعزیه‌داری سیدالشهدا و اطعام عزاداران آن حضرت در نظر گرفته‌اند و تجار نیز ۶۷ درصد از مقصود موقوفاتشان را به این امر اختصاص داده‌اند. تعزیه‌داری حضرت علی ۱۱ درصد از موقوفات روحانیون و ۱۷ درصد از موقوفات تجار را به خود اختصاص داده‌است (نک: نمودار ۸، ۹). اختصاص درصد زیادی از مقصود مذهبی موقوفات روحانیون به تعزیه‌داری حضرت سیدالشهدا، از یک‌سو نشان‌دهنده عمق ارادت و دل‌بستگی مردم این منطقه به حضرت اباعبدالله‌الحسین (ع) است و از سوی دیگر، مبین تلاش واقفان برای زنده‌نگه‌داشتن یاد و خاطره امام سوم شیعیان است. افزون‌براین، اهتمام به این قبیل امور، تا حدی متأثر از فضای مذهبی زمانه و نیز سیاست و عملکرد حکومت وقت و عوامل حکومتی در ایالات هم بوده‌است. گرچه ارادت به حضرت سیدالشهدا در ایران، از زمان حکومت صفویان گسترش یافته بود، ولی این امر در زمان قاجار بیشتر شدت یافت. حتی برخی شاهان قاجار، شخصاً بانی و مشوق برگزاری مراسم مربوط به تعزیه‌داری آن امام همام و یارانش بودند و مکان‌هایی را نیز برای این منظور احداث کردند (فلاندن، ۱۳۲۴، ص ۱۱۸؛ دوسرسی، ۱۳۶۲، ص ۱۵۷).



نمودار ۸

نمودار مصارف مذهبی موقوفات
روحانیون



نمودار ۹

نمودار مصارف مذهبی تجار



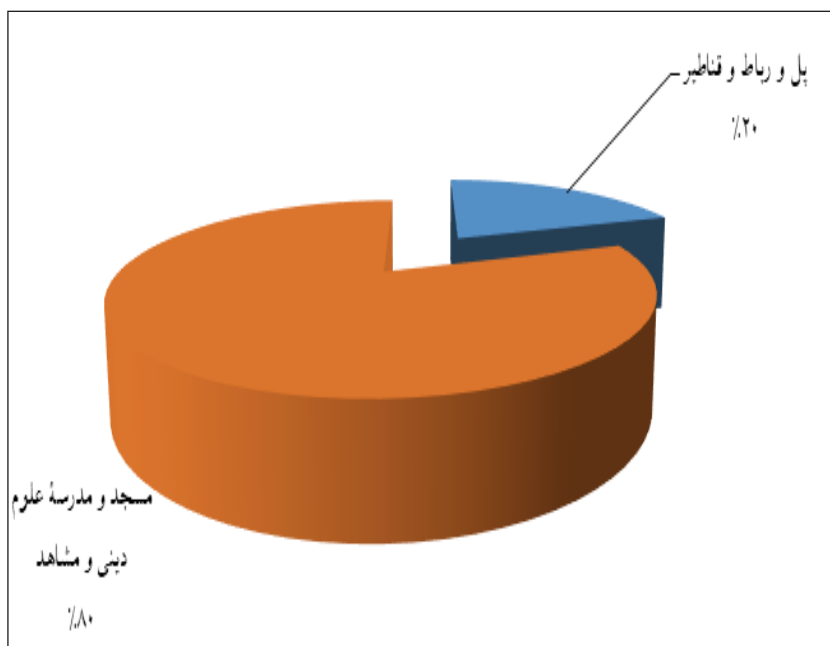
در حیطه مصارف اجتماعی موقوفات روحانیون هدف‌هایی چون ساخت، تعمیر و نگهداری مساجد، مدارس علوم دینی، مشاهد^۱، قناتیر^۲، پل‌ها و رباط‌ها^۳ قرار دارد. در این میان هدف تعمیر و نگهداری مساجد و مدارس علوم دینی با ۸۰ درصد، بیشترین فراوانی را دارد و مابقی نیت واقفان روحانی به احداث پل، «رباط» و «قناتیر» با فراوانی ۲۰ درصد اختصاص یافته‌است. تجار نیز ۵۰ درصد از نیت اجتماعی خود را به تعمیر، نگهداری و بازسازی مساجد و ۲۵ درصد را به تعمیر و نگهداری مدارس علوم دینی و ۲۵ درصد دیگر را به تعمیر و نگهداری آب‌انبار اختصاص داده‌اند (نک: نمودار شماره ۱۰، ۱۱). درصد زیاد نیت وقفی مرتبط با تعمیر و نگهداری مساجد و مدارس دینی، نشان‌دهنده توجه ویژه روحانیون و تجار به تأسیس و فعالیت مساجد به عنوان پایگاه‌های اصلی فعالیت‌های مذهبی و نیز حفظ و رونق اماکن آموزش علوم دینی در منطقه است. در دوران قاجار، مدرسه‌سازی و مسجدسازی زیاد رونق داشته‌است. اروپاییانی که در این دوره از ایران دیدن کرده‌اند، از املاک فراوان وقفی برای مساجد و مدارس سخن گفته‌اند؛ از جمله، هانری رنه دالمانی^۴ که در اواخر دوره سلطنت ناصرالدین شاه از ایران دیدن کرده‌است، می‌نویسد: «اراضی موقوفه زیاد است و اتصالاً شماره آن‌ها رو به فزونی می‌رود؛ زیرا که اشخاص مؤمن ثروتمند همواره املاکی را وقف مساجد و مدارس و بقاع متبرکه می‌نمایند» (دالمانی، ۱۳۳۵، ص ۷۲).

در این دوره، مراکز مذهبی-آموزشی یا مساجد-مدارس در یکجا ساخته می‌شدند و موقوفاتی برای تأمین مالی آن‌ها در نظر گرفته می‌شد. این شیوه ساخت بناهای مذهبی-آموزشی و تعیین منابع مالی برای آن‌ها در قالب موقوفات، در سراسر ایران دوره قاجار فراوان رواج داشت و در ساری دوره قاجار نیز مساجد-مدارس متعددی بنا شد و موقوفاتی هم برای آن‌ها تعیین شد. برای نمونه، فردی به نام حاجی درویش‌علی در سال ۱۲۶۱ق، مسجد-مدرسه‌ای را در شهر ساری بنا کرد و شش‌دنگ یک باب سراخانه، یک باب دکان متصل به یکی از حجرات روبه‌روی حمام بزرگ، جمیع دکاکین جنب حمام، و شش‌دنگ حمام بزرگ روبه‌روی مدرسه را وقف آن کرد (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۵/۳). محمدقلی میرزا ملک‌آرا حاکم مازندران تمامی املاک و قراء و حمام و دکاکین ساری و استرآباد و حومه را به این شرح وقف مسجد-مدرسه نواب علیه کرد: ۱- قریه بینجلو؛ ۲- حمام؛ ۳- دکاکین؛ ۴- قریه شرف‌الدین محله؛ ۵- قریه ملیک؛ ۶- دکاکین جنب آب‌انبار درب مسجد جامع؛ ۷- قریه سرطاق (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۲/م).

۱. قبور مطهر و منور
۲. قنطره / qantare / پل. قناتیر: پل‌ها
۳. رباط منحصر به ساختمان‌های کنار راه و به‌ویژه بیرون از شهر و آبادی اطلاق می‌شود.
رباط علاوه بر حوض و آب‌انبار دارای اتاق‌های متعددی است که گرداگرد حیاطی را فراگرفته‌اند و مسافران می‌توانند یک یا چند شب را در آن‌ها بپایانند.

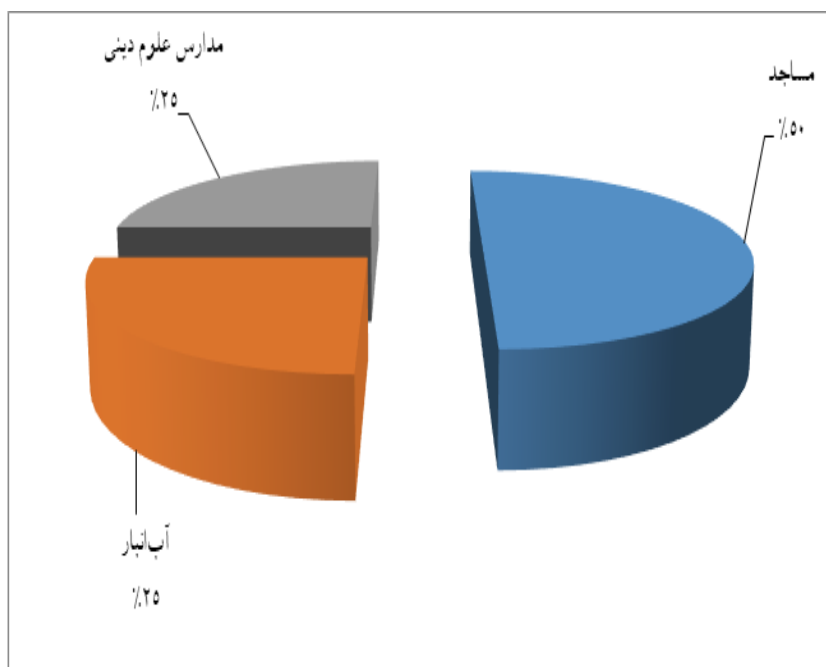
4. D'Allemagne, Henry-René





مُودار ۱۰

مُودار مصارف اجتماعی
موقوفات روحانیون



مُودار ۱۱

مُودار مصارف اجتماعی
موقوفات تجار

دسته سوم مصارف موقوفات روحانیون و تجار، امور خیریه است شامل موارد زیر: مطلق خیرات؛ احسان بر ضعفا و ایتام و ابن السبیل و فقرای بلد؛ دستگیری ضعفا و فقرا و عجزه^۱ و مساکین و ابناء السبیل^۲ و دفن اموات عموم مردم و غیره؛ اعانت زوار روضات متبرکه ائمه معصومین؛ امداد طلاب و محصلین و وقف کتب علوم دینی؛ اطعام و انفاق به سادات امدی العزوالاحترام^۳. روحانیون در مصارف خیریه موقوفاتشان مصادیق زیر را تعیین کرده‌اند: «مطلق خیرات و صدقات و اعانت فقرا» (اداره اوقاف ساری، اسناد کلاسه ۱/۱۹؛ ۱/۱۹)؛ «مطلق خیرات از اعانت زوار و طلاب و فقرا و ضعفا و عجزه و مساکین» (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۸/۸)؛ «مطلق خیرات و مبرات، هرچه را که سبیل خیر صدق می‌کند از قبیل اعانت زوار روضات متبرکه ائمه معصومین و امداد طلاب و محصلین و دستگیری ضعفا و فقرا و عجزه و مساکین و ابناء السبیل و دفن اموات و غیر این»؛ «آنچه را که سبیل خیر و طاعت صدق نماید ذکر أم لم یذكر» (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۸/۸)؛ «اعانت فقرا و تجهیز موتی^۴ و اعانت ابناء السبیل» (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۱۵/ح)؛ «اعانت فقرا، ایتام، ابناء السبیل، عجائز^۵» (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۳/۳). روحانیون واقف در این مقصودها رویکردی خویشاوندمحور، محله‌محور و یا شهرمحور نداشته‌اند.

تجار در تعیین مصارف خیریه موقوفات خود، علاوه بر مصادیقی که همانند روحانیون برمی‌گزیدند، در مواردی رویکرد خیریه موقوفاتشان را در جهت کمک به سادات، هم‌محله‌ای‌ها، هم‌شهری‌ها و خویشاوندانشان سمت‌وسو می‌دادند. برای نمونه در سندی وقفی این چنین آمده‌است: «قسمت دوم، برای روز عید غدیر جهت آقایان عظام و سادات؛ قسمت سوم، برای کفن و دفن اموات؛ قسمت چهارم، جهت لباس عیدی از برای فقرا از ارحام واقف؛ قسمت پنجم، جهت عید سلطانی برای سادات و آقایان عظام اهل محله و ساری؛ قسمت ششم، جهت طلاب و آقایان کربلا و نجف که اهل ولایت باشند مخصوصاً سادات؛ و قسمت هفتم، نان یا برنج برای فقرا از ارحام واقف در ماه مبارک رمضان» (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۲۲/الف).

۶.۲. مقایسه نوع اموال وقفی روحانیون و تجار

موقوفات روحانیون ساری در عهد قاجار از حیث اموال عبارت‌اند از: زمین ۲۱ مورد (۴۹ درصد)، منزل مسکونی ۱۱ مورد (۲۵ درصد)، دکان ۶ مورد (۱۴ درصد) و باغ ۵ مورد (۱۲ درصد). درصد اموال وقفی تجار با توجه به ویژگی‌های طبقه اجتماعی آن‌ها، با درصد اموال وقفی روحانیون متفاوت است و عبارت است از: زمین ۱۰ مورد (۳۲

۱. ناتوانان و ضعیفان؛ جمع عاجز.

۲. جمع ابن السبیل و به معنی راهگزیان. مردم کاروانی که در زادبوم خویش توانگر و

اکنون در سفر بی‌برگ و درویش مانده‌اند.

۳. امدی: بزرگترین و اعلا و ابعد در عزت و مرتبه و بزرگی

۴. موتی /mo[w]tā/ جمع میت.

۵. ناتوانان و ضعیفان؛ پیرزنان.



درصد)، منزل مسکونی ۲ مورد (۶ درصد)، دکان ۱۲ مورد (۳۸/۵ درصد)، کاروان سرا ۴ مورد (۱۳ درصد)، باغ ۳ مورد (۱۰ درصد).

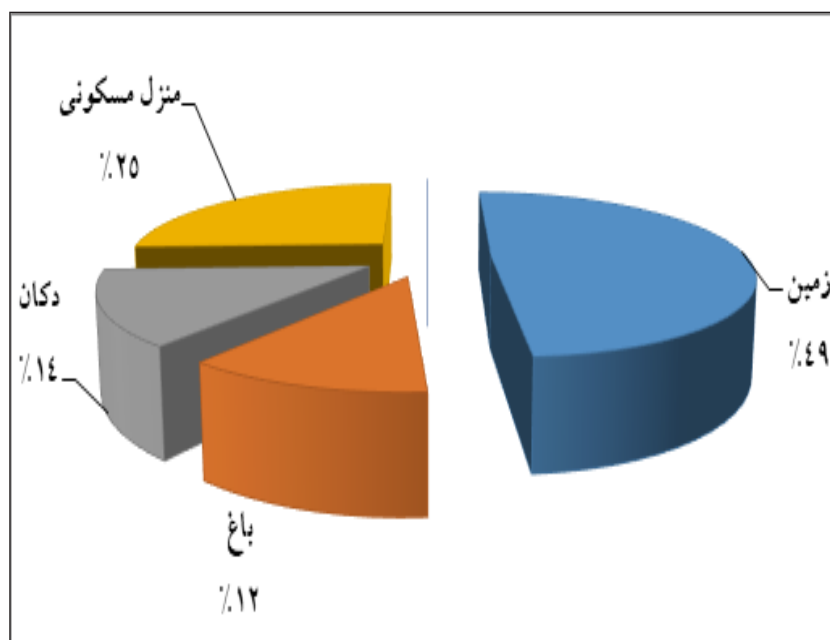
جدول شماره ۸: نوع و تعداد اموال وقفی روحانیون و تجار ساری در دوره قاجار							
ردیف	طبقه	زمین	منزل مسکونی	دکان (مغازه)	کاروان سرا	باغ	جمع کل
۱	روحانیون	۲۱	۱۱	۶	۰	۵	۴۳
۲	تجار	۱۰	۲	۱۲	۴	۳	۳۱

جدول ۸

نوع و تعداد اموال وقفی روحانیون و تجار ساری در دوره قاجار

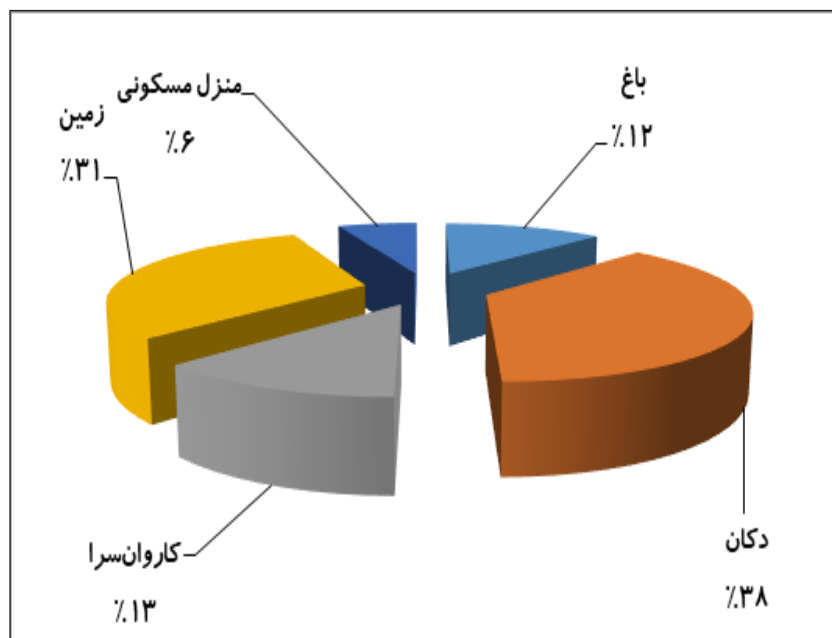
این اطلاعات نشان می دهد که درصد اموال وقفی واقفان، باتوجه به نوع کار و حرفه آنان، متفاوت بوده است؛ یعنی بیشترین درصد اموال وقفی تجار را باتوجه به نوع شغلشان دکان (مغازه) تشکیل می دهد؛ درمقابل، روحانیون نیز باتوجه به حرفه شان که عمدتاً جزو زمین داران محسوب می شده اند، بیشترین درصد اموال وقفی شان را زمین تشکیل می دهد (نک: نمودارهای شماره ۱۲، ۱۳، ۱۴).

۱. بعضی از واقفان در یک وقف نامه بیش از یک مال را وقف کرده اند؛ بنابراین تعداد اموال وقفی بیشتر از تعداد موقوفات است.



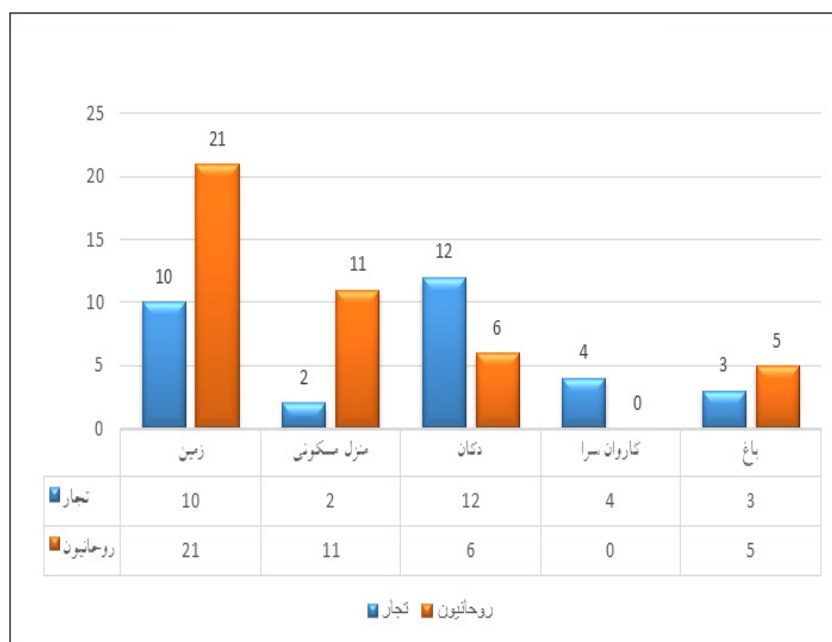
نمودار ۱۲

اموال وقفی روحانیون



نمودار ۱۳

اموال وقفی تجار

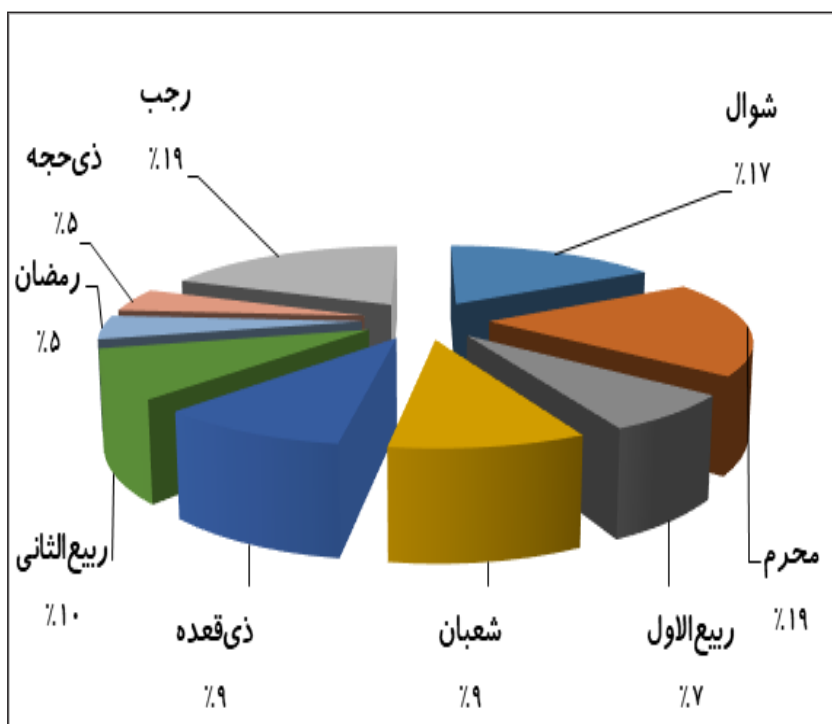


نمودار ۱۴

نمودار مقایسه ای اموال وقفی
روحانیون و تجار ساری در دوره قاجار

۶.۳. مقایسه ماه‌های قمری ثبت وقف روحانیون و تجار

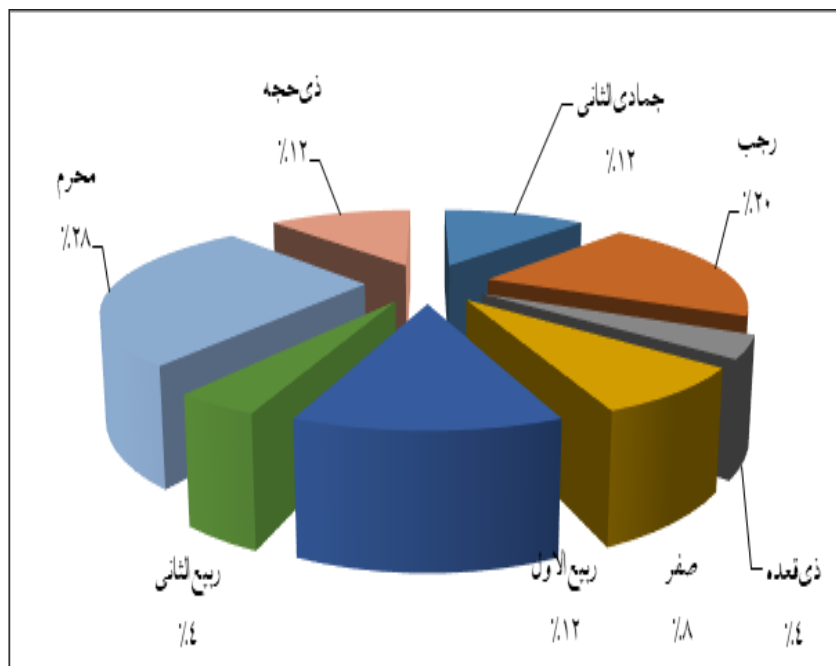
بیشترین وقف‌های روحانیون در ماه‌های محرم و رجب هر کدام با ۸ مورد (۱۹ درصد) بوده‌است؛ سپس بیشترین وقف در ماه شوال با ۷ مورد (۱۷ درصد) ثبت شده‌است. هم‌چنین، ماه‌های ذی‌حجه و رمضان هر کدام با ۲ مورد (۵ درصد) جزو ماه‌هایی هستند که کمترین وقف‌های روحانیون در آن‌ها ثبت شده‌است. بیشترین وقف‌های تجار نیز همانند روحانیون، در ماه‌های محرم با ۷ مورد (۲۸ درصد)، و رجب با ۵ مورد (۲۰ درصد) ثبت شده‌است و صفر با ۲ مورد (۸ درصد) و ذی‌قعدة و ربیع‌الثانی هر کدام با ۱ مورد (۴ درصد) ماه‌هایی هستند که کمترین وقف تجار در آن‌ها انجام شده‌است. وجود مناسبت‌هایی چون شهادت امام سوم شیعیان حضرت اباعبدالله‌الحسین (ع) در ماه محرم و عید میلاد امام اول شیعیان و بعثت پیامبر اسلام در ماه رجب احتمالاً موجب افزایش تمایل روحانیون و تجار برای ایجاد وقف در این ماه‌های قمری شده‌است (نک: نمودارهای شماره ۱۵، ۱۶، ۱۷).



نمودار ۱۵

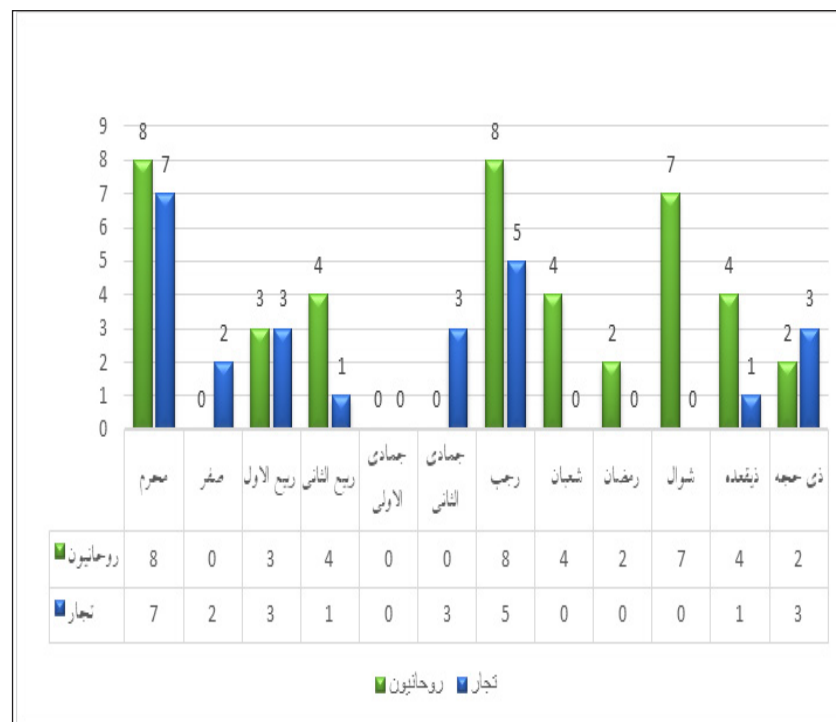
ماه‌های قمری ثبت وقف روحانیون





نمودار ۱۶

ماه های قمری ثبت وقف تجاری



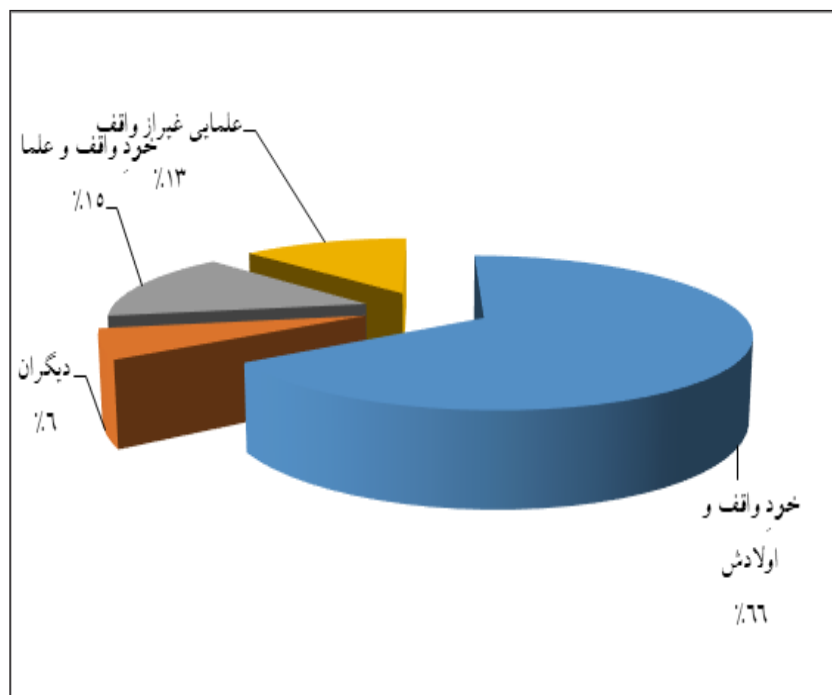
نمودار ۱۷

نمودار مقایسه ای ماه های قمری
ثبت وقف

۶.۴. مقایسه تولیت موقوفات روحانیون و تجار

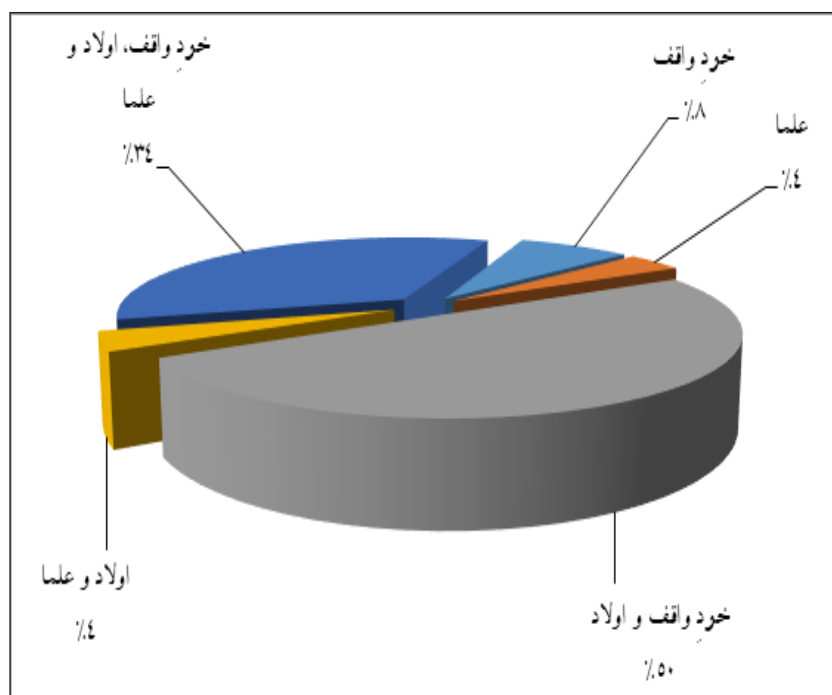
مدیریت (تولیت) موقوفات روحانیون ساری در دوره قاجار، به این صورت بوده است که در ۶۶ درصد از موقوفات، تولیت به واقف و اولادش واگذار شده و در ۱۵ درصد از موقوفات تولیت به خود واقف و علما سپرده شده است. در ۱۳ درصد از موقوفات علمایی غیر از واقف به تنهایی به عنوان متولی انتخاب شده اند و تنها مدیریت ۲ درصد از موقوفات روحانیون، به دیگران واگذار شده است. تجار در ۸ درصد از موقوفاتشان، تولیت را برای خودشان در نظر گرفته اند؛ آن‌ها در ۵۰ درصد از موقوفات، ابتدا تولیت را به خودشان و سپس به اولادشان سپرده اند؛ هم‌چنین در ۳۴ درصد از موقوفات، تولیت را به خودشان و اولادشان و سپس علما واگذار کرده اند؛ در ۴ درصد از موقوفات نیز، تولیت را به اولادشان و علما داده اند؛ و در ۴ درصد دیگر، تولیت را به تنهایی به علما واگذار کرده اند (اداره اوقاف ساری، اسناد کلاسه الف/۴؛ م/۸؛ ع/۲۰؛ چ/۱؛ ن/۲۰).

باتوجه به این که در اکثر موارد، واقف خود تولیت موقوفه را برعهده می‌گرفت و این تولیت بعد از او به فرزندانش منتقل می‌شد، نوعی شیوه اداره فردی و خانوادگی در زمینه موقوفات رواج داشت. در متن اسناد وقفی، با در نظر گرفتن احتمال مرگ واقف و یا انقراض نسل او یا فرزندانش، تلاش شده است تا موقوفه بدون متولی یا ناظر باقی نماند. در این راستا، در بسیاری از اسناد ذکر شده است که در صورت انقراض احتمالی نسل فرد واقف، تولیت موقوفه برعهده چه کسی خواهد بود. مدیریت خانوادگی و غیرمتمرکز و منفرد موقوفات در این دوره، نشانه نبود ساختارهای اداری مناسب در حکومت برای اداره موقوفات بوده است؛ بنابراین واقفان که عمده سعی و مساعی‌شان بر حفظ و نگهداری موقوفه‌شان بوده است، بیشتر به شیوه اداره فردی و خانوادگی اوقاف روی آورده اند (نک: نمودارهای شماره ۱۸، ۱۹، ۲۰).



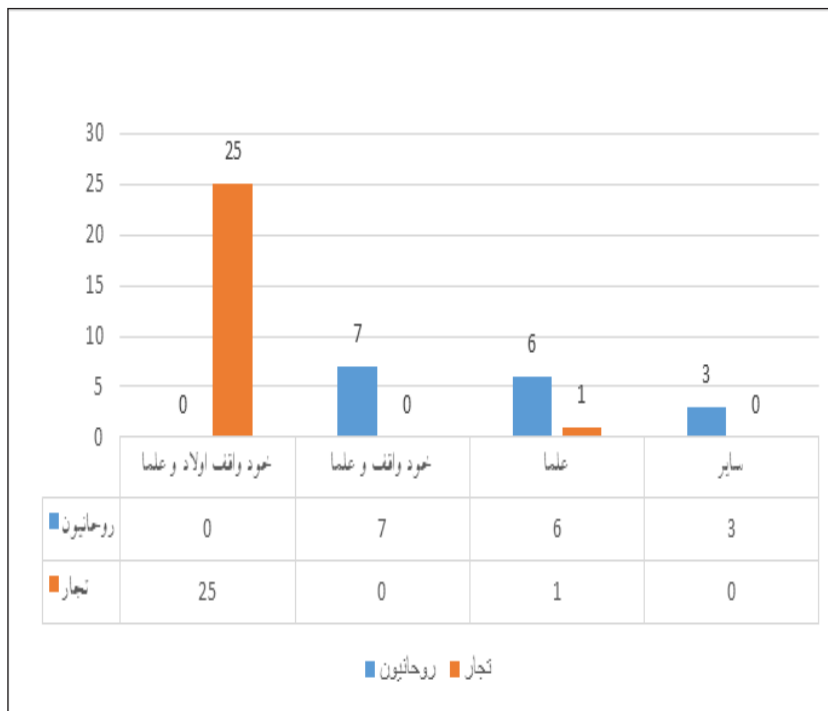
نمودار ۱۸

نمودار تولیت موقوفات روحانیون
ساری در دوره قاجار



نمودار ۱۹

نمودار تولیت موقوفات تجار ساری در
دوره قاجار



مقدار ۲۰

مقدار مقایسه ای متولیان موقوفات

نتیجه‌گیری

وقف به‌عنوان نهادی سنتی همواره از فضای سیاسی، اقتصادی و مذهبی ادوار مختلف تاریخ ایران متأثر بوده‌است. در دوره قاجار و تا پیش از سلطنت ناصرالدین‌شاه طبقاتی چون شاه‌زادگان، زمین‌داران، درباریان، صاحب‌منصبان و مقامات، روحانیون و تجار که به‌طور سنتی جزء واقفان ادوار مختلف تاریخ ایران بودند، به‌دلیل فقدان فضای آرام سیاسی و بستر مناسب اقتصادی چندان به سنت وقف توجه نداشتند؛ ولی ثبات سیاسی و رونق اقتصادی دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه اسباب توسعه و رشد نهاد وقف را فراهم کرد. رشد نهاد وقف در دوران بعد از حکومت ناصرالدین‌شاه تا پایان حکومت قاجار نیز با روند کاهشی ملایمی ادامه یافت.

روحانیون و تجار ساری در دوره قاجار متأثر از فضای سیاسی، مذهبی و اجتماعی زیست‌بومشان و نیز اندیشه‌های حاکم بر ذهن طبقه اجتماعی‌شان موقوفات متعددی را با انواع و مصارف خاص خودشان ایجاد کردند. شرایط طبقاتی سبب شد که نوع اموال موقوفه روحانیون عمدتاً از جنس زمین و اموال موقوفات تجار بیشتر از جنس دکان باشد. در تعیین مصارف موقوفات، وابستگی طبقاتی تأثیری معنادار نداشته‌است و مصارف



موقوفات روحانیون و تجار مشابه بود و از اندیشه‌های جدید ترقی خواهانه این دوره تأثیر نپذیرفت. تعداد موقوفات هر دو طبقه روحانیون و تجار در دوره ناصرالدین شاه افزایش پیدا کرد؛ ولی با شکل‌گیری حکومت مشروطه تعداد موقوفات روحانیون کاهش پیدا کرد و تعداد موقوفات تجار افزایش پیدا کرد. واقفان این دو طبقه متأثر از فضای مذهبی این دوره بیشترین وقف‌های خود را در ماه‌های قمری محرم و رجب ثبت کرده‌اند. شکل‌نگرفتن ساختار دیوان‌سالاری در این دوره سبب شد که واقفان هر دو طبقه موقوفاتشان را یا به‌صورت نظام خانوادگی و یا به‌صورت نظام علمایی اداره کنند.

منبع

اسناد

اسناد اداره اوقاف شهرستان ساری

اسناد کلاسه استفاده‌شده در مقاله:

۳/الف؛ ۴/الف؛ ۲۱/الف؛ ۲۲/الف؛ ۲۳/الف؛ ۱/چ؛ ۱۵/ح؛ ۳۶/ح؛ ۵/د؛ ۱/ر؛ ۳/ر؛ ۱۹/ر؛ ۸/ع؛ ۲۰/ع؛ ۲۱/ع؛ ۲/م؛ ۸/م؛ ۲۱/م؛ ۲۰/ن.

اسناد کلاسه مطالعه‌شده برای مقاله:

۲/الف؛ ۱۴/الف؛ ۲۷/الف؛ ۵۵/الف؛ ۳/پ؛ ۳/ح؛ ۵/ح؛ ۹/ح؛ ۲۱/ح؛ ۲۹/ح؛ ۴۳/ح؛ ۱۵/خ؛ ۱۰/د؛ ۱/ذ؛ ۵/ر؛ ۶/ر؛ ۷/ر؛ ۱۶/ر؛ ۱۴/ظ؛ ۵/ع؛ ۹/ع؛ ۵۱/ع؛ ۵۲/ع؛ ۱۳/ک؛ ۳/م؛ ۵/م؛ ۱۲/م؛ ۱۹/م؛ ۴۴/م؛ ۴۹/م؛ ۵۰/م؛ ۹۵/م؛ ۱۰۵/م؛ ۱۳۹/م؛ ۵/ن؛ ۲۲/ن؛ ۲۳/ن؛ ۳/ی.

کتاب

آدمیت، فریدون. (۱۳۸۵). *اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپه سالار*. تهران: خوارزمی.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۸). *مرآت‌البلدان*. (ج ۲). تهران: دانشگاه تهران.

افضل الملک، غلام‌حسین. (۱۳۸۳). *سفر مازندران و وقایع مشروطه*. بی‌جا.

الگار، حامد. (۱۳۵۹). *نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت*. (ج ۲). تهران: توس.

خورموجی، محمدجعفر. (۱۳۳۳). *حقایق‌الخبار ناصری*. (ج ۲). تهران: نی.

دالمانی، هانری-رنه. (۱۳۳۵). *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*. (علی محمد فره‌وشی، مترجم). تهران: ابن سینا؛

امیرکبیر.

دوسرسی، کنت. (۱۳۳۲). *ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰ م*. (احسان اشراقی، مترجم). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

رایینو، یاسنت لویی. (۱۳۸۳). *مازندران و استرآباد*. (غلام‌علی وحید مازندرانی، مترجم). تهران:

علمی و فرهنگی.

رضایی، امید. (۱۳۹۰). *درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ریاحی سامانی، نادر. (۱۳۷۸). *وقف و سیر تحولات قانون‌گذاری در موقوفات*. (ج ۱). شیراز: نوید شیراز.

ساروی، محمد فتح‌الله بن محمد تقی. (۱۳۷۱). *تاریخ محمدی (احسن التواریخ)*. (غلام‌رضا طباطبایی مجد، مصحح). تهران: امیرکبیر.

فلاندن، اوژن. (۱۳۲۴). *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*. (ج ۳). (حسین نورصادقی، مترجم). اصفهان: اشراقی.

مستوفی، عبدالله. (۱۳۷۱). *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*. (ج ۱). تهران: زوآر.

ملکم، سرجان. (بی‌تا). *تاریخ ایران*. (ج ۲). کتاب‌فروشی سعدی.

ملگونف، گریگوری. (۱۳۷۶). *کرانه‌های جنوبی دریای خزر یا سفرنامه نواحی شمال ایران*. (امیرهوشنگ امینی، مترجم). تهران: کتاب‌سرا.

میرزاابراهیم. (۱۳۵۵). *سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان*. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

مقاله

کشاورز، محمد. (۱۳۸۸). «بررسی انگیزه‌های واقفان در شهر تهران؛ برپایه بازخوانی دو نمونه از وقف‌نامه‌های بازار دوره قاجار». فصل‌نامه *وقف میراث جاویدان*، سال ۱۷، ش ۶۸، صص ۱۰۹-۱۰.

لمبتون، آن. ک. س. (۱۳۸۸). «وقف در ایران». (احمد نوایی، مترجم). *مشکوئه*، دوره ۲۸، شماره ۱، (پیاپی ۱۰۲)، صص ۷۷-۹۵.

مرادعلیان، لیلا. (۱۳۹۵). «نهاد وقف و کارکرد آن در دوره ناصرالدین‌شاه». فصل‌نامه *آرشیو ملی*، سال ۲، ش ۳، (پیاپی ۷)، صص ۷۴-۱۰۱.

یدالله‌پور، معصومه؛ یوسفی‌فر، شهرام. (۱۳۸۸). «بررسی مسجد-مدرسه‌های وقفی «جامع» و «آقاعباس» در بافت مرکزی شهر آمل». فصل‌نامه *گنجینه اسناد*، سال ۱۹، ش ۳، (پیاپی ۷۵)، صص ۲۵-۵۲.

English Translation of References

Documents

Asnād-e Edāre-ye Owqāf-e Šahrestān-e Sāri (The documents of the Endowment Office of Sary City)

The classified documents used in the article

الف/ 4؛ الف/ 21؛ الف/ 22؛ الف/ 23؛ الف/ 1؛ چ/ 15؛ ح/ 36؛ د/ 3؛ ر/ 1؛ ر/ 3؛ ر/ 19؛ ر/ 8؛ ع/ 20؛ ع/ 3؛
[Persian] 21/ع؛ 2/م؛ 8/م؛ 21/م؛ 20/ن



The classified documents studied to write the article

الف؛ الف/14؛ الف/27؛ الف/55؛ پ/3؛ ح/5؛ ح/9؛ ح/21؛ ح/29؛ ح/43؛ خ/15؛ د/10؛ ذ/2؛
ر/5؛ ر/6؛ ر/7؛ ر/16؛ ر/14؛ ظ/5؛ ع/9؛ ع/51؛ ع/52؛ ک/13؛ م/3؛ م/5؛ م/12؛ م/19؛ م/44؛ م/49؛
ی/50؛ م/95؛ م/50؛ م/105؛ م/139؛ م/5؛ ن/22؛ ن/23؛ ن/3؛ [Persian]

Books

- Adamiyat, Fereidoun. (1385/2006). "*Andiše-ye taraqqi va hokumat-e qānun-e asr-e sepah-sālār*" (The idea of progress and the rule of law: The Era of Sepahsalar). Tehran: Xārazmi. [Persian]
- Afzal Al-Molk, Gholam Hossein. (1383/2004). "*Safar-e Māzandarān va vaqāye'-e mašruteh*" (The travelogue of Mazandaran and the constitutional revolution events). [n. p.]: n. p. [Persian]
- Algar, Hamed. (1359/1980). "*Naqš-e rowhāniyat-e pišro dar jonbeš-e mašrutiyat*" (The role of leading clergy in the constitutional movement) (2nd ed.). Tehran: Tus. [Persian]
- D'Allemagne, Henry Rene. (1335/1956). "*Safarnāme-ye az Xorāsān tā Baxtiāri*" (Du Khorassan au pays des Backhtiaris: Trois mois de voyage en Perse, 1911-1290) [From Khorassan to the land of the Backhtiaris: A three-month journey in Persia, 1911-1290]. Translated by Ali Mohammad Faravashi. Tehran: Ebn-e Sinā. [Persian]
- De Sercey, Conte. (1362/1983). "Irān dar 1839-1840 AD" (Une ambassade extraordinaire: la Perse en 1839-1840) [An extraordinary embassy: Persia in 1839-1840]. Translated by Ehsan Eshraghi. Tehran: Markaz-e Našr-e Dānešgāhi (Iran University Press). [Persian]
- Etemad Al-Saltaneh, Mohammad Hasan Khan. (1368/1989). "*Merāt-ol-boldān*" (The mirror of cities) (Vol. 2). Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). [Persian]
- Flandin, Eugene. (1356/1977). "*Safarnāme-ye Ožen Flandén be Irān*" (Voyage en Perse 1840 – 1841) [Travel to Iran 1840 – 1841] (3rd ed.). Translated by Hossein Nour Sadeghi. Esfahān: Ešrāqi. [Persian]



- Khormoji, Mohammad Jafar. (1363/1984). *“Haqāyeq ol-axbār-e Nāseri”* (Qajar history: Truthful Naseri news) (2nd ed.). Tehran: Ney. [Persian]
- Malcolm, Sir John. (n. d.). *“Tārix-e Irān”* (History of Iran) (vol. 2). Ketābforuši-ye Saḍi. [Persian]
- Melgunov, Grigoriy Valerianovich. (1376/1997). *“Karāne-hā-ye jonubi-ye daryā-ye Xazar yā safarnāme-ye navāhi-ye šomāl-e Irān”* (Das sudliche ufer des kaspischen Meeres, oder die Nordprovinzen Persiens) [The southern shore of the Caspian Sea, or the northern provinces of Persia]. Translated by Amir Houshang Amini. Tehran: Ketābsarā. [Persian]
- Mirza Ebrahim. (1355/1976). *“Safarnāme-ye Astarābād va Māzandarān va Gilān”* (The travelogue of Astrabad, Mazandaran and Gilan). Tehran: Bonyād-e Farhang-e Irān. [Persian]
- Mostowfi, Abdullah. (1371/1992). *“Šarh-e zendegāni-ye man: Tārix-e ejtemā’ee va edāri-ye dowre-ye Qājārieh”* (The story of my life, or the social and ministerial history of Qajar era) (vol. 1). Tehran: Zovvār. [Persian]
- Rabino, Hyacinth Louis. (1383/2004). *“Māzandarān va Astar Ābād”* (Mazandaran and Astrarabad). Translated by Gholam Ali Vahid Mazandarani. Tehran: ‘Elmi Farhangi. [Persian]
- Rezai, Omid. (1390/2011). *“Darāmadi bar asnād-e šar’ee-ye dowre-ye Qājār”* (Introduction to Shari’a documents from Qajar Iran). Tehran: Pažuhešgāh-e ‘Olum-e Ensāni va Motāle’āt-e Farhangi (Institute for Humanities and Cultural Studies). [Persian]
- Riahi Samani, Nader. (1378/1999). *“Vaḡf va seyr-e tahavvolāt-e qanun-gozāri dar mowqūfāt”* (Endowment and the evolution of legislation in endowments) (1st ed.). Širāz: Navid-e Širāz. [Persian]
- Saravi, Mohammad Fathollah Ibn Mohammad Taghi. (1371/1992). *“Tārix-e Mohammadi: Ahsan-ot-tavāriḡ”* (Tarikh Mohammadi Ahsan Al-Tawarikh). Edited by Gholamreza Tabatabaei Majd. Tehran: Amir Kabir. [Persian]

Articles

- Keshavarz, Mohammad. (1388/2009). "Barresi-ye angize-hā-ye vāqefān dar šahr-e Tehrān; bar pāye-ye bāzxāni-ye do nemuneh az vaqf-nāme-hā-ye bāzār-e dowre-ye Qājār" (Investigating the motivations of waqifs in Tehran: Based on the re-reading of two samples of the Qajar period bazaar endowments). *Fasl-nāme-ye Vaqf-e Mirās-e Jāvidān*, 17(68), pp. 100 – 109. [Persian]
- Lambton, Ann Katharine Swynford. (1388/2009). "Vaqf dar Irān" (Waqf in Iran). Translated by Ahmad Navayi. *Meshkāt*, 28(1), (series no. 102), pp. 77 – 95. [Persian]
- Moradalian, Leila. (1395/2016). "Nahād-e vaqf va kār-kard-e ān dar dowre-ye Nāser-ed-din Šāh" (The institution of waqf and its function during the period of Naser al-Din Shah). *Fasl-nāme-ye Āršiv-e Melli* (National Archives Quarterly), 3(2), (series no. 7), pp. 74 – 101. [Persian]
- Yadollahpoor, Masoumeh; & Yousefifar, Shahram. (1388/2009). "Barresi-ye masjed-madrese-hā-ye vaqfi-ye "Jāme" va "Āqā Abbās" dar bāft-e markazi-ye šahr-e Āmol" (Conditions for the permanence of endowments in the chaotic situation of Iran's urban society (A study on two endowed mosque-schools in the center of Amol city)). *Fasl-nāme-ye Ganjine-ye Asnād*, 19(3), (series no. 75), pp. 25 – 52. [Persian]



Empowering Archivists: Effects of Using Multimedia on the English Reading Skills, Vocabulary Knowledge, and Self-regulation among Iranian Archivists

Zahra Zarghami¹ | Roya Khoii² | Mozhgan Rashtchi³

Abstract:

Purpose: The purpose of this research is to investigate the effects of using multimedia as a technology-based instructional tool on the reading skills and vocabulary knowledge of Iranian archivists, and their self-regulated learning behavior in an ESP course for Archival Science.

Method and Research Design: The research was conducted following a mixed method design. Forty-eight archivists of the National Library and Archives of Iran (NLAI), divided into two control and experimental groups based on the convenience sampling, participated in this study. Data was collected through a self-regulated questionnaire, vocabulary and reading comprehension pretests and post-tests in the quantitative phase, and stimulated recall sessions in the qualitative phase. The two methods of task-based versus task-based+multimedia were applied to compare the effects of multimedia use in a 10-sessions ESP course.

Findings and conclusion: Using multimedia could considerably improve reading comprehension and vocabulary knowledge. Also, it could increase archivists' self-regulation abilities. Among the eight critical factors affecting self-regulated learning, task-strategy was used the most, whereas self-reinforcement was used the least. The study concluded that using teaching methods and applying instructional tools that can satisfy ESP learners' specific educational needs in their workplace, and activate their self-regulated learning behavior in ESP courses, would improve language learning and skills development.

Keywords: Education for Archivists; English for Specific Purpose for Archives; Multimedia; Reading Comprehension; Vocabulary Knowledge; Self-regulated Learning.

Citation: Zarghami, Z., Khoii, R., & Mojgan, R. (2022). Empowering Archivists: Effects of Using Multimedia on the English Reading Skills, Vocabulary Knowledge, and Self-regulation among Iranian Archivists. *Ganjine-ye Asnad*, 32(1), 144-182 | doi: 10.30484/ganj.2022.2920

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. PhD students of Teaching English as a Foreign Language, English Language Teaching Department, Faculty of Foreign Languages, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, I.R. Iran
zarghami_z@yahoo.com
 2. Associate Professor, English Language Teaching Department, Faculty of Foreign Languages, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, I.R. Iran, (Corresponding Author)
r_khoii@iau-tnb.ac.ir
 3. Associate Professor, English Language Teaching Department, Faculty of Foreign Languages, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, I.R. Iran
mojgan.rashtchi@gmail.com
- Copyright © 2022, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.



Ganjine-Ye Asnad

«125»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI):10.30484/GANJ.2022.2920

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 32, No. 1, Spring 2022 | pp: 144 - 182 (39) | Received: 19, Dec. 2021 | Accepted: 5, Mar. 2022

Archival research



فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

آموزش «انگلیسی برای اهداف ویژه»: گامی برای توانمندسازی آرشیوداران: بررسی تأثیر استفاده از برنامه‌های چندرسانه‌ای بر مهارت خواندن، دانش واژگان، و رفتارهای خودتنظیمی آرشیوداران ایرانی^۱

زهره ضرغامی^۲ | رؤیا رشتچی^۳ | مژگان رشتچی^۴

چکیده:

هدف: بررسی تأثیر به کارگیری برنامه‌های چندرسانه‌ای بر توانایی خواندن و دانش واژگان آرشیوداران ایرانی و یادگیری خودتنظیمی آن‌ها در دوره آموزش «انگلیسی برای اهداف ویژه» آرشیو.

روش/ رویکرد پژوهش: این پژوهش با استفاده از روش تحقیق ترکیبی انجام شد و داده‌ها در بخش کمی از طریق پرسش‌نامه خودتنظیمی، پیش‌آزمون‌ها و پس‌آزمون‌های درک مطلب و واژگان و در بخش کیفی از طریق برگزاری جلسات یادآوری خودالقای گردآوری شدند. چهل و هشت آرشیودار ایرانی شاغل در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در این پژوهش شرکت کردند و با استفاده از نمونه برداری کافی، به دو گروه کنترل و آزمایشی تقسیم شدند. دو روش تکلیف محور و تکلیف محور+چندرسانه‌ای به مدت ده جلسه به کار گرفته شد تا اثرات استفاده از رویکرد چندرسانه‌ای بررسی شود.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: نتایج حاصل نشان داد که استفاده از رویکرد چندرسانه‌ای به طور قابل ملاحظه‌ای باعث پیشرفت توانایی خواندن و یادگیری واژگان، و همچنین افزایش خودتنظیمی شرکت کنندگان شده است. بررسی هشت فاکتور مؤثر بر خودتنظیمی مشخص کرد که «راهبردهای تکلیف» پرکاربردترین و «خود-تقویتی» کم‌کاربردترین رفتارهای خودتنظیمی در میان شرکت کنندگان بوده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که به کارگیری روش‌های تدریس و ابزارهای آموزشی که می‌توانند پاسخگوی نیازهای ویژه زبان آموزان در محیط کار باشند و باعث فعال سازی رفتارهای خودتنظیمی شوند به پیشرفت یادگیری و مهارت آموزی زبان انگلیسی منجر خواهند شد.

کلیدواژه‌ها: آموزش آرشیوداران؛ انگلیسی با اهداف ویژه برای آرشیو؛ برنامه‌های چندرسانه‌ای؛ درک مطلب؛ دانش واژگان؛ رفتارهای خودتنظیمی.

استناد: ضرغامی، زهره، رشتچی، رؤیا، رشتچی، مژگان. (۱۴۰۱). آموزش «انگلیسی برای اهداف ویژه»: گامی برای توانمندسازی آرشیوداران: بررسی تأثیر استفاده از برنامه‌های چندرسانه‌ای بر مهارت خواندن، دانش واژگان، و رفتارهای خودتنظیمی آرشیوداران ایرانی. گنجینه اسناد، ۳۲(۱)، ۱۴۴-۱۸۲ | ۱۰۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲، ۲۹۲۰ | doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲، ۲۹۲۰

گنجینه اسناد «۱۲۵»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیک): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۲، ۲۹۲۰

نمایه در ISC, SID, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال | http://ganjineh.nlai.ir

سال ۳۲، دفتر ۱، بهار ۱۴۰۱ | صص: ۱۴۴ - ۱۸۲ (۳۹)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۲۸ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴

تحقیقات آرشیوی

۱. این مقاله از پایان نامه دکترا با عنوان زیر استخراج شده است:

“Effects of Using Multimedia on Iranian Archivists’ Reading Skill, Vocabulary Knowledge, Self-regulation, and Lived Experience with an Emphasis on Cognitive Load Theory: An ESP Mixed Methods Study”

«تأثیر استفاده از برنامه‌های چندرسانه‌ای بر مهارت خواندن، دانش واژگان، رفتارهای خودتنظیمی و تجربه زیستی آرشیوداران ایرانی با تأکید بر نظریه بار شناختی: تحقیق ترکیبی در حیطه انگلیسی برای اهداف ویژه»
۲. دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران

zarghami_z@yahoo.com

۳. دانشیار، گروه آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

r_khoii@iau-tnb.ac.ir

۴. دانشیار، گروه آموزش زبان انگلیسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
mojgan.rashtchi@gmail.com



۱. مقدمه

آموزش «انگلیسی برای اهداف ویژه (ESP)»^۱ یکی از رویکردهای آموزش زبان انگلیسی است که در آن، محتوا و اهداف دوره آموزشی براساس نیازهای خاص زبان‌آموزان هدف تعریف می‌شود. یکی از مشخصه‌های مهم دوره‌های ESP این است که ماهیت محتوای آموزشی، زبان مورد نیاز برای ارائه محتوا، زبان‌آموزان، منابع آموزشی، رویکردهای تدریس و سنجش یادگیری، و محیط آموزشی در هر زمینه شغلی منحصر به فرد است. فراگیری زبان انگلیسی شغل ویژه و ادغام دانش حرفه‌ای با رویه‌های کاری در محیط‌های خاص، اهمیت زیادی دارد؛ ولی چالش عمده در این حوزه، ایجاد سازگاری بین تمام این عوامل در دوره‌ای مشخص است و این چالش باعث شده است تا مدرسان، تدوین‌کنندگان سرفصل‌های درسی، و مدیران آموزشی به استفاده از فناوری، از جمله استفاده از رویکرد چندرسانه‌ای، در چنین کلاس‌هایی روی بیاورند.

در میان انبوهی از دوره‌های مختلف، دوره تخصصی آموزش «زبان انگلیسی برای آرشیو» مستلزم توجه خاص است. این دوره که مستقیماً با علم آرشیو در ارتباط است، زیربنای فعالیت‌های آرشیو داران آرشیو ملی و سایر سازمان‌ها و نهادهای آرشیوی ایران را تشکیل می‌دهد. با توجه به اینکه بسیاری از منابع مرتبط با آرشیو به زبان انگلیسی نوشته شده‌اند و با در نظر داشتن روابط جهانی گسترده میان آرشیو داران در سراسر دنیا برای ارتقای این رشته حرفه‌ای، نیاز به دانستن زبان انگلیسی در میان آرشیو داران، مخصوصاً در کشورهایی همانند ایران که آموزش و یادگیری زبان انگلیسی در این حوزه مغفول واقع شده است، اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند.

به علت نبود مقطع کارشناسی رشته مطالعات آرشیوی در ایران و ورود علاقه‌مندان به این رشته از مقطع کارشناسی ارشد، درس زبان تخصصی آرشیو در سرفصل دروس این رشته تعریف نشده است؛ در نتیجه دانشجویان این رشته که عمدتاً شاغلان آینده آرشیوها را تشکیل می‌دهند هیچ فرصتی ندارند تا زبان تخصصی آرشیو را در محیط دانشگاهی فراگیرند. علاوه بر این، بسیاری از شاغلان حال حاضر سازمان اسناد ملی، مدرک تخصصی مطالعات آرشیوی ندارند و دانش آموخته رشته‌های تاریخ، علم اطلاعات و دانش‌شناسی (کتابداری)، علوم اجتماعی، و رشته‌های مشابه‌اند؛ در نتیجه، هیچ‌کدام از آنان، واحد زبان تخصصی آرشیو را در دانشگاه نگذرانده‌اند و توانایی‌شان در خواندن متون تخصصی آرشیو به زبان انگلیسی یا برقراری ارتباط با همکاران غیر ایرانی در سطح قابل قبولی نیست؛ بنابراین ایجاد زمینه یادگیری به شیوه خودتنظیمی می‌تواند گامی بزرگ و مؤثر در آموزش کاربران زبان تخصصی آرشیو باشد. مشارکت زبان‌آموزان در فرایند کنترل و هدایت افکار،

1. English for Specific Purposes (ESP)



احساسات، و فعالیت‌های خود حین یادگیری و هم‌چنین پایش فرایند دستیابی به اهداف می‌تواند در آموزش و یادگیری زبان تخصصی آرشیو نقشی مهم ایفا کند.

بنابراین پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که استفاده از رویکرد چندرسانه‌ای در دوره تکلیف‌محور انگلیسی با اهداف ویژه برای آرشیو تا چه میزان بر دانش واژگان، مهارت خواندن، و رفتارهای خودتنظیمی آرشیو‌داران ایرانی تأثیر می‌گذارد؟

مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که پژوهش درباره زبان تخصصی آرشیو در میان پژوهش‌های حوزه ESP مغفول واقع شده‌است. در یکی از معدود پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه، رشتچی، ضرغامی، و افشار (۲۰۲۱)^۱ به پژوهش درباره تدوین محتوای آموزشی برای دوره‌های ESP در آرشیو پرداخته‌اند. این پژوهش‌گران پس از تحلیل نیازها، محتوایی متن‌برای یک دوره آموزشی انگلیسی برای آرشیو طراحی کردند و از آن برای تدریس گروهی از آرشیو‌داران ایرانی شاغل در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران استفاده کردند. پژوهش‌های دیگری که در حوزه ESP انجام شده، عمدتاً در محیط‌های فراگیری انگلیسی به‌عنوان زبان دوم/ زبان خارجه^۲ انجام شده‌است که در آن فراگیران به یادگیری زبان در حوزه عمومی یا ESP در رشته‌های دیگری به‌غیر از علم آرشیو مشغول بوده‌اند.^۳ برای نمونه، بونسیگنوری (۲۰۱۸)^۴ تأثیر استفاده از فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی چندمحتوایی را بر فراگیران ESP در حوزه‌های حقوق، سیاست، اقتصاد، گردشگری، و داروسازی و نحوه استفاده از این نوع محتوا را در تدریس انگلیسی در چنین دوره‌هایی بررسی کرده‌است. براساس بررسی‌های انجام‌شده، پژوهش‌گر به این نتیجه رسیده‌است که به‌کارگیری منابع چندرسانه‌ای در محیط‌های ESP بسیار مفید است؛ زیرا استفاده از این نوع محتوا، اهمیت معناسازی در فرایند یادگیری زبان را نشان می‌دهد و حیطه گسترده‌ای از فعالیت‌های هدف را معرفی می‌کند که می‌تواند بر پیشرفت مهارت‌های اصلی زبان‌آموزان تأثیر گذار باشند.

بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه چندرسانه‌ای، در زمینه پیشرفت مهارت‌های گفتاری و شنیداری و دستور زبان بوده‌است.^۵ البته با وجود نتایج مثبت به‌دست‌آمده از مطالعات انجام‌شده در زمینه بررسی تأثیر استفاده از یادگیری چندرسانه‌ای در حوزه آموزش زبان، نظرات پژوهش‌گران درباره این موضوع تا حدی باهم متفاوت است. برای مثال، شو (۲۰۱۷)^۶ با استفاده از پرسش‌نامه پیمایشی به بررسی تأثیر رویکرد چندرسانه‌ای بر یادگیری زبان پرداخته و نتیجه‌گیری کرده‌است که استفاده از این رویکرد در کلاس‌های زبان می‌تواند به مشکلات زیر منجر شود: انحراف در شناخت؛ استفاده کورکورانه از محتوای چندرسانه‌ای در کلاس؛ کاهش مهارت‌های مدرس؛ کاهش بازده آموزشی به دلیل پایین بودن کیفیت نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای؛ مکانیکی شدن فرایند تدریس؛ و نبود تعامل کافی در کلاس (صص ۱۸۹-۱۹۱).

1. Rashtchi, Zarghami, & Afshar (2021)

2. Alam, 2017; Amineh, Benachaiba, & Guemide, 2012; Halwani, 2017; Shao, 2012; Soleimani, Rohani Ravari & Jafarigohar, 2018

۳. برای مثال: دندانی‌پزشکی: Lloret, ۲۰۱۶؛ پزشکی & Tahririan, Khalili, ۲۰۱۵؛ حوزه فنی: Shevchenko, ۲۰۱۷

4. Bonsignori (2018)

۵. مهارت گفتاری: Ratnawati & Faridah, ۲۰۱۷؛ مهارت شنیداری: Sura, ۲۰۱۳؛ دستور زبان: Aslani & Heidari Tabrizi, 2016؛ Taghavi Takyar & Jalali, 2016

6. Xu (2017)



بیشتر پژوهش‌های مرتبط با رفتار خودتنظیمی نیز در محیط‌های آموزش زبان دوم/ زبان خارجه انجام شده است.^۱ نکته دیگری که درباره پژوهش‌های این حوزه باید در نظر گرفت، نتایج متفاوت حاصل از پژوهش‌های انجام شده درباره ارتباط بین رفتارهای خودتنظیمی و آموزش زبان رایانه محور است. لانژه و کاستلی^۲ (۲۰۱۹) تأثیر تنوع رسانه بر ارتباط بین تلاش خودتنظیمی و بار وابسته^۳ را با تحلیل پاسخ‌های ۲۳۳۳ دانشجوی اهل کره جنوبی که در کلاس‌های برخط شرکت کرده بودند، بررسی کرده‌اند. نتایج مطالعات آن‌ها نشان می‌دهد که تنوع رسانه بر راهبردهای یادگیری خودتنظیمی و بار شناختی تأثیر منفی دارد؛ زیرا براساس یافته‌های این پژوهش، با افزایش تنوع رسانه‌ها، میزان ارتباط بین تلاش خودتنظیمی و بار وابسته کاهش پیدا می‌کند. برخلاف این پژوهش، جانسون و دیویس (۲۰۱۴)^۴ که در مقاله‌ای مروری، مفهوم خودتنظیمی در محیط‌های آموزشی دیجیتال را معرفی کرده‌اند شواهدی فراوان از پژوهش‌هایی را ارائه داده‌اند که از تأثیر مثبت فناوری بر یادگیری خودتنظیمی پشتیبانی می‌کنند.

درعین حال باید به این نکته توجه داشت که بررسی نتایج حاصل از پژوهش‌های انجام شده در حوزه ESP نشان می‌دهد که مهارت خواندن و دانش واژگان از مهم‌ترین مهارت‌های این حوزه در نظر گرفته می‌شوند و پژوهش‌گران بسیاری این موضوع را از جنبه‌های مختلف و در محیط‌های آموزشی متفاوت بررسی کرده‌اند. تائو و دونگ (۲۰۱۸)^۵ بیشترین و کمترین عواملی را که باعث مشکلات دانشجویان ESP در حوزه درک مطلب می‌شود در یکی از دانشگاه‌های ویتنام بررسی کرده‌اند. شرکت‌کنندگان، ۹۰ دانشجوی رشته زبان انگلیسی بودند که از آن‌ها خواسته شد تا به پرسش‌نامه‌ای پاسخ دهند. هم‌چنین سه مدرس ESP با بیش از پنج سال سابقه تدریس در مصاحبه‌ای نیمه ساختاریافته شرکت کردند. تحلیل داده‌های کیفی و کمی نشان داد که واژگان ناشناخته و نداشتن دانش پیش‌زمینه از حوزه‌های موضوعی، دو عامل اصلی مشکلات دانشجویان حین خواندن و درک مطلب در دوره‌های ESP هستند. از طرف دیگر، پوشش متن، ساختار سازمانی، و دستور زبان، کمترین مشکلات را برای دانشجویان ایجاد کرده بودند.

شو (۲۰۱۸)^۶ در کلاسی با حضور زبان‌آموزان چینی، ویژگی‌های واژگان ESP، ارتباط بین طراحی فعالیت‌های تقویتی واژگان در ESP، و تأثیر تمرین ورود مدخل‌های مجلات را بررسی کرد. شرکت‌کنندگان در این پژوهش، ۲۰۰ دانشجوی رشته حسابداری با سطح زبانی مشابه بودند که به صورت تصادفی به دو گروه مشابه تقسیم شدند. هر گروه نوع متفاوتی از آموزش را دریافت کرد: درک مطلب + تمرین‌های واژگان عمومی یا درک مطلب + فعالیت‌های تقویت واژگان. نتایج پس‌آزمون واژگان نشان داد گروهی که با متون

1. Antonietti, Colombo, & Di Nuzzo, 2015; Çelik, Arkin, & Sabirler, 2012; Rahimi & Askari Bigdeli, 2014
2. Lange & Costley (2019)
3. Germane load
4. Johnson & Davies (2014)
5. Thao and Duong (2018)
6. Xu (2018)



و فعالیت‌های مرتبط با مدخل‌های مجلات کار کردند و برای دیدن عبارت‌های تخصصی مرتبط با شغل خود در این متون بیشتر فرصت داشتند، در فعالیت‌های خواندن، مقایسه، و ترجمه، عملکرد بسیار بهتری نشان دادند. این پژوهش گر نتیجه‌گیری کرد که فعالیت‌های تقویتی مرتبط با عبارت‌های تخصصی، بر یادگیری زبان‌آموزان ESP تأثیری مثبت دارد. پژوهش حاضر به‌طور خاص بر دوره انگلیسی با اهداف ویژه برای آرشو متمرکز است و وجه تمایز آن با پژوهش‌های مذکور این است که تا زمان انجام این پژوهش، هیچ مطالعه‌ای مشخصاً به بررسی تأثیر برگزاری دوره‌های ESP بر یادگیری زبان انگلیسی و مهارت‌آموزی آرشو داران پرداخته بود. علاوه بر آن، در میان پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه ESP، نبود پژوهش‌هایی که به‌طور خاص به بررسی تأثیر استفاده از رویکرد چندرسانه‌ای بر رفتارهای خودتنظیمی در کلاس‌های ESP پرداخته باشند مشهود است؛ بنابراین، در پژوهش حاضر، تأثیر به‌کارگیری رویکرد چندرسانه‌ای بر یادگیری واژگان و مهارت خواندن (دو مهارت اصلی زبان‌آموزی و رفتارهای خودتنظیمی) به‌عنوان یکی از مؤثرترین خصیصه‌های رفتاری زبان‌آموزان در محیط ESP بررسی شد تا نتایج حاصل با نتایج به‌دست‌آمده از محیط‌های زبان دوم/ زبان خارجه مقایسه شود.

پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد ترکیبی انجام شد. پس از گردآوری داده‌های کمی، داده‌های کیفی گردآوری شد و براین اساس، نتایج حاصل از داده‌های کمی و کیفی تحلیل و تفسیر شد. پس از تعیین همگنی دانش زبانی، شرکت‌کنندگان به‌صورت تصادفی به دو گروه آزمایشی و کنترل تقسیم شدند. از آنجا که نمونه‌برداری تصادفی امکان‌پذیر نبود، در بخش کمی پژوهش از طرح شبه‌آزمایشی پیش‌آزمون-پس‌آزمون نامتوازن استفاده شد. در این بخش، داده‌های مدنظر با برگزاری پیش‌آزمون و پس‌آزمون خواندن و واژگان و به‌کارگیری پرسش‌نامه خودتنظیمی، گردآوری شد.

بخش کیفی با استفاده از «رویکرد استفسار خویش‌نگرانه»^۱ انجام شد تا تأثیر استفاده از روش چندرسانه‌ای بر رفتار خودتنظیمی شرکت‌کنندگان در گروه آزمایشی بررسی شود. در این مرحله، پژوهش‌گران با برگزاری «جلسات یادآوری خودالقای»^۲، داده‌های موردنیاز را گردآوری کردند. در این روش، از شرکت‌کنندگان خواسته شد تا بعد از انجام تکالیف یا عملیات ذهنی، افکار خود را به‌شکل خویش‌نگرانه به زبان بیاورند. استفاده از این روش پژوهش‌گران را قادر ساخت تا در زمینه فرایندهای شناخت فکری، داده‌های کیفی‌ای را که شرکت‌کنندگان در پژوهش در طول فرایند یادگیری چندرسانه‌ای تجربه کرده بودند استخراج کنند.

1. Introspective inquiry approach
2. Stimulated recall sessions

۲. روش تحقیق شرکت‌کنندگان:

شرکت‌کنندگان در این پژوهش، ۴۸ نفر از آرشیداران ایرانی^۱ شاغل در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران بودند. تقریباً تمام این افراد بین ۳۰ تا ۴۵ سال^۲ سن داشتند و از نظر تحصیلی دارای مدرک کارشناسی تا دکترا^۳ بودند. تقریباً تمام شرکت‌کنندگان، هم از نظر زبان عمومی و هم از نظر زبان تخصصی آرشید، در سطح متوسط قرار داشتند. پیشینه تحصیلی^۴ این افراد و سابقه کاری^۵ آنها متفاوت بود. هیچ‌کدام از آنها پیش از شرکت در این دوره زبان تخصصی، از حضور در کلاس‌های زبان تخصصی آرشید در دانشگاه یا محل کار خود تجربه‌ای نداشتند. همه شرکت‌کنندگان^۶ در دوره‌ای ضمن خدمت حضور پیدا کرده بودند که در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران برگزار می‌شد. این شرکت‌کنندگان اعضای دو کلاس را تشکیل می‌دادند که براساس روش نمونه‌برداری کافی، به گروه آزمایشی و کنترل تقسیم شدند.

فرایند گردآوری داده‌ها:

این پژوهش در دوره زمانی چهارماهه برگزار شد. در مرحله پیش‌مداخله، آزمون همگنی در فاصله زمانی یک ماه پیش از شروع مداخله برگزار شد. پیش‌آزمون واژگان و درک مطلب به فاصله دو روز از هم و در فاصله زمانی دوهفته‌ای پیش از شروع مداخله برگزار شدند. هم‌چنین، اولین مرحله از تکمیل پرسش‌نامه خودتنظیمی در فاصله زمانی یک هفته پیش از شروع مرحله مداخله انجام شد. طول دوره مداخله، شش هفته شامل ده جلسه کلاس ۹۰ تا ۱۲۰ دقیقه‌ای، دو بار در هفته برای هر گروه بود. مرحله پس‌مداخله با برگزاری پس‌آزمون واژگان و درک مطلب به فاصله دو روز، یک هفته پس از پایان مداخله آغاز شد. در همین بازه زمانی از شرکت‌کنندگان خواسته شد تا برای دومین بار پرسش‌نامه خودتنظیمی را تکمیل کنند. جلسات بازاندیشی القایی ده روز پس از اتمام مرحله مداخله شروع و در بازه زمانی دوهفته‌ای برگزار شد. برای انجام این پژوهش، پژوهش‌گران مراحل زیر را دنبال کردند:

«مرحله پیش‌مداخله»^۷:

در آغاز مطالعه، از شرکت‌کنندگان خواسته شد تا در آزمون PET^۸ شرکت کنند تا از همگنی آنها از نظر سطح زبانی اطمینان حاصل شود. پس از اطمینان از همگنی آنها، شرکت‌کنندگان به شکل تصادفی به دو کلاس تقسیم شدند و این دو کلاس به شکل

۱. جنسیت: ۱۴ آقا و ۳۴ خانم
۲. حدود سنی: ۳۵-۴۰ (۳)، ۴۰-۴۵ (۱۸)، ۴۰-۴۵ (۱۹)، بالاتر از ۴۵ (۸)
۳. تحصیلات دانشگاهی: دانشجوی کارشناسی ارشد (۳)، کارشناسی ارشد (۳۱)، دانشجوی دکترا (۴)، دکترا (۱۰)
۴. رشته تحصیلی: تاریخ (۱۶)، علم اطلاعات (۱۳)، مطالعات آرشیدی (۲)، غیره (۱۷)
۵. تجربه کاری: ۱۰۰-۱۰۵ (۱۲)، ۱۵۰-۱۵۵ (۱۳)
۶. پژوهش‌کده اسناد (۸)، ارزشیابی و فراهم‌آوری (۶)، تنظیم و توصیف (۱۶)، اطلاع‌رسانی (۱۰)، حفاظت و نگهداری (۲)، سایر (۶)

7. Pre-treatment phase
8. Preliminary English Test



تصادفی به گروه آزمایشی و گروه کنترل تقسیم شدند. در آغاز جلسات مداخله، مدرس دوره در هر گروه به تشریح اهداف دوره، توصیف روش‌های آموزش، و ارائه توضیحات لازم درباره الزامات مرتبط با کسب امتیاز لازم برای گذراندن دوره پرداخت. در جلسه مقدماتی برای گروه آزمایشی، سعی شد تا شرکت‌کنندگان در این گروه، آموزش‌های لازم برای استفاده از پلتفرم آموزش الکترونیکی را دریافت کنند. در این جلسه سعی شد تا مراحل گام به گام استفاده از پلتفرم آموزشی با شرکت‌کنندگان حاضر مرور شود. علاوه بر آن، راهنمای تصویری استفاده از پلتفرم نیز در اختیار شرکت‌کنندگان قرار داده شد.

پیش از شروع دوره، شرکت‌کنندگان در هر دو گروه به آزمون «مقیاس دانش واژگان» (VKS)^۱ پاسخ دادند که شامل ۴۰ سؤال واژگان بود. براساس نتایج حاصل از این آزمون، پژوهش‌گران ۲۰ واژه کاملاً ناآشنا را برای مداخله برگزیدند (پیوست الف). منطق استفاده از VKS، به حداقل رساندن احتمال حدس زدن معنای واژگان از طریق گزینه‌های ارائه شده در آزمون‌های چندگزینه‌ای بود. آزمون VKS استفاده شده در این پژوهش، براساس آزمون طراحی شده توسط وِش و پریبخت (۱۹۹۶)^۲ بود که در آن از پاسخ‌دهندگان خواسته می‌شد تا نظرشان را درباره معنی هر واژه، براساس مقیاس پنج‌تایی ارائه شده پس از هر واژه مشخص کنند (پیوست ب).

در گام بعد از شرکت‌کنندگان خواسته شد تا به پیش‌آزمون طراحی شده برای سنجش توانایی خواندن پاسخ دهند. این آزمون که توسط پژوهش‌گران آماده شده بود، مشتمل بر چهار متن بود و شرکت‌کنندگان باید بعد از خواندن هر متن به پنج پرسش درک مطلب مرتبط با همان متن پاسخ می‌دادند. متن‌ها از کتاب «دانش‌نامه علم آرشو»^۳ نوشته دیوراتی و فرانکس (۲۰۱۵)^۴ انتخاب شده بود و اصلاحات لازم در آن‌ها انجام شده بود^۵ تا سطح دشواری متن‌ها با سطح زبانی شرکت‌کنندگان مطابقت داشته باشد. در مجموع به ۲۰ پرسش پاسخ داده می‌شد. میانگین Flesch-Kincaid readability tests برای این آزمون ۱۶,۵۵ بود. میزان پایایی این آزمون ۰,۷۰ بود. برای حل مسائل مربوط به روایی محتوایی، جدول مشخصه‌های متن و پرسش‌ها آماده شد و یک متخصص آزمون‌سازی و یک متخصص موضوعی آن‌ها را بررسی کردند. این افراد، روایی محتوایی پیش‌آزمون را تأیید کردند. نمونه‌ای از متن‌های ارائه شده در این آزمون در پیوست پ ارائه شده است.

هم‌چنین از شرکت‌کنندگان در گروه آزمایشی خواسته شد تا پرسش‌نامه یادگیری خودتنظیمی را تکمیل کنند و ظرف یک هفته بازگردانند. در این مطالعه از پرسش‌نامه طراحی شده توسط برنارد، لن، توو، پی‌تن، و لای (۲۰۰۹)^۶ استفاده شد. این پرسش‌نامه حاوی ۲۴ پرسش بر مبنای مقیاس لیکرت پنج‌تایی است. ارزش پاسخ‌ها از کاملاً موافقم (۵)

1. Vocabulary Knowledge Scale
2. Wesche & Paribakht (1996)
3. Encyclopedia of Archival Science
4. Duranti & Franks (2015)
۵. برای مثال: جایگزینی کلمات دشوار با معادل‌های ساده‌تر و با تناوب استفاده بیشتر؛ و جایگزینی جملات حاوی ساختار دستوری پیچیده با جملات ساده‌تر.
6. Barnard, Lan, To, Paton, & Lai (2009)



تا کاملاً مخالفم (۱) متغیر بودند. نمره بالاتر در این مقیاس، نشان‌دهنده خودتنظیمی بیشتر در میان شرکت‌کنندگان بود. بیست و چهار پرسش این پرسش‌نامه، شش سازه اصلی خودتنظیمی را به شرح زیر پوشش می‌دهند: الف) ساختار محیطی؛ ب) هدف‌گذاری؛ پ) مدیریت زمان؛ ت) درخواست کمک؛ ث) راهبردهای تکلیف؛ ج) خودارزیابی. به دلیل پایین بودن سطح زبانی شرکت‌کنندگان، استفاده از نسخه انگلیسی این پرسش‌نامه می‌توانست به سوء برداشت از پرسش‌ها منجر شود و در نتیجه روایی و پایایی نتایج را به خطر اندازد؛ به همین دلیل، پرسش‌نامه به فارسی ترجمه شد و مجدداً به انگلیسی بازترجمه شد تا موضوع روایی به دقت بررسی شود و از پایایی نسخه ترجمه‌شده اطمینان حاصل شود.

مرحله مداخله:

در این پژوهش دو مداخله مختلف به کار گرفته شد. در گروه کنترل، روش تکلیف‌محور رودررو و در گروه آزمایشی، روش تکلیف‌محور با استفاده از رویکرد چندرسانه‌ای استفاده شد. مدرس یکسانی به هر دو گروه درس می‌داد و منابع آموزشی استفاده‌شده در هر دو گروه نیز یکسان بود. طرح خلاصه مطالب مطرح‌شده در کلاس در پیوست ت ارائه شده است. هر دو گروه هفته‌ای دو بار در کلاس‌هایی به مدت ۹۰ تا ۱۲۰ دقیقه شرکت کردند. تکالیف و تمرین‌ها از وبگاه‌های آموزشی زیر انتخاب شد: English Made¹، learnenglish britishcouncil² و English360³. مدرس کلاس برای کمک به تسهیل شناخت و یادگیری واژگان تخصصی توسط زبان‌آموزان در دوره ESP مدنظر به‌طور متناوب از زبان فارسی به عنوان ابزاری مهم استفاده می‌کرد تا انگیزه فراگیران را برای دنبال کردن مطالب کلاس افزایش دهد.

مدرس منابع آموزشی را در گروه آزمایشی با استفاده از رویکرد چندرسانه‌ای تدریس می‌کرد و پیشرفت یادگیری را در پلتفرم آموزشی برخط پایش می‌کرد. این پلتفرم به شکل خودکار، حضور زبان‌آموزان را بررسی می‌کرد، امکان بارگذاری تکالیف را فراهم می‌کرد، و هم‌چنین رویدادهای مرتبط با دوره آموزشی را براساس جدول زمانی ازپیش تعیین‌شده، به آن‌ها یادآوری می‌کرد. هم‌چنین امکان ثبت و مشاهده عملکرد زبان‌آموزان و ارائه بازخورد درباره تکالیف آن‌ها برای مدرس فراهم بود.

مدرس این گروه نسخه متنی منابع آموزشی را به زبان‌آموزان ارائه می‌داد و نسخه الکترونیکی را همراه با تصاویر، فایل‌های صوتی و ویدیویی مرتبط با درس، در پلتفرم برخط، بارگذاری می‌کرد تا شناخت زبان‌آموزان از محتوا و یادگیری آن‌ها را تسهیل کند. هم‌چنین، محتوای مدنظر روی صفحه‌نمایش کلاس نمایش داده می‌شد و زبان‌آموزان به

1. <https://www.englishmadeeasy.net>
2. <https://learnenglish.britishcouncil.org>
3. www.english360.com



بحث و تبادل نظر درباره محتوای هر درس دعوت می‌شدند. سپس، فایل‌های صوتی یا ویدئویی به نمایش درمی‌آمد تا در کنار داده‌های متنی، زبان‌آموزان در معرض داده‌های صوتی و تصویری مرتبط با موضوع درس نیز قرار داشته باشند.

بعد از آن، مدرس میزان یادگیری زبان‌آموزان را با ترغیب آن‌ها به مشارکت در انجام کارهای دریافتی مانند مقایسه، انتخاب، مرتب‌سازی، پرکردن جاهای خالی، تحلیل ویژگی‌های معنایی و کارهای مولد مانند فعالیت‌های تکمیلی و تولیدی، بررسی می‌کرد. در مرحله آخر، فایل‌های صوتی یا ویدئویی برای بار دوم نمایش داده می‌شد تا توجه زبان‌آموزان به واژگان، کاربرد و تلفظ آن‌ها جلب شود و احتمال یادگیری محتوا افزایش یابد. تکلیف و تمرین‌های انجام‌شده در این مرحله به نحوی طراحی شده بودند که زبان‌آموزان فعالیت‌های حل مسئله را انجام دهند و سپس داده‌های حاصل را با فرایندهای کاری روزانه خود مقایسه کنند و با ایجاد پیوند بین دانسته‌هایشان و موارد یادگرفته‌شده در کلاس، یادگیری و به‌کارگیری محتوا در گفتار و نوشتارشان افزایش پیدا کند. مداخله در این گروه، به حضور در کلاس و انجام فعالیت‌های کلاسی محدود نبود و زبان‌آموزان خارج از ساعت کلاس در پلتفرم برخط به محتوای آموزشی و فایل‌های مرتبط دسترسی داشتند و می‌توانستند در زمان و مکان مطلوب خود به یادگیری ادامه دهند.

مداخله در گروه کنترل شامل مراحل پیش‌تکلیف، چرخه تکلیف، و پس‌تکلیف بود. گروه کنترل کار خود را با طوفان فکری درباره موضوع درس از طریق مطرح کردن پرسش‌های باز توسط مدرس شروع می‌کرد. بعد از همه زبان‌آموزان خواسته می‌شد تا در بحث کلاسی شرکت کنند و مدرس آن‌ها را تشویق می‌کرد تا پاسخ‌های خود را با دیگران به اشتراک بگذارند و از ایده‌ها و نظرات آن‌ها استفاده کنند تا درک خود از موضوع را شکل دهند یا تغییرات لازم را در آن ایجاد کنند. علاوه بر آن، مدرس تمام عبارت‌ها و ایده‌های مرتبطی را که زبان‌آموزان مطرح کرده بودند روی تابلو می‌نوشت و بعد با استفاده از نقشه معنایی نظرات را سازمان‌دهی می‌کرد و آن‌ها را در گروه‌های معنادار طبقه‌بندی می‌کرد تا امکان ایجاد پیوند بین مفاهیم را برای زبان‌آموزان فراهم آورد.

اولین گام در چرخه تکلیف، «مذاکره معنایی»^۱ بود. زبان‌آموزان به دو گروه تقسیم می‌شدند؛ به گروه اول تعدادی واژه هدف ارائه می‌شد و به گروه دیگر تعاریف این واژه‌ها داده می‌شد. دو گروه باید با پرسش و پاسخ، واژه‌ها را با معنای آن‌ها هماهنگ می‌کردند. سپس، از آن‌ها خواسته می‌شد تا در «فعالیت‌های شکاف اطلاعاتی»^۲ شرکت کنند؛ بدین ترتیب که گروه اول، جملات انگلیسی را در اختیار داشتند و توضیح جملات در دست گروه دوم بود. لازم بود که دو گروه اطلاعات را با یکدیگر تبادل کنند و توضیح مناسب برای هر جمله را پیدا کنند.

1. Negotiation of meaning
2. Information-gap tasks

مدرس در گام بعد هر کدام از واژه‌ها را به شکل جداگانه روی تخته می‌نوشت و از زبان‌آموزان می‌خواست تا معنای آن واژه را براساس فعالیتی که انجام داده‌اند بیان کنند. بعد از معرفی معنای هر واژه در بافت تخصصی آن و انجام تمرین‌های مرتبط با تلفظ واژه‌ها، مدرس تمرکز درس را به سمت خواندن متون تخصصی تغییر می‌داد. مجدداً، هر جمله به شکل جداگانه روی تخته نوشته می‌شد و از زبان‌آموزان خواسته می‌شد تا با استفاده از دانش کسب‌شده در «فعالیت شکاف اطلاعاتی»، ابتدا به صورت کلمه به کلمه و سپس به صورت کلی، معنا و توضیح جمله را بیان کنند. در آخر، مدرس تمام توضیحات لازم را تکرار می‌کرد تا زبان‌آموزان برای یادداشت‌برداری از نکات فرصت کافی داشته باشند.

مرحله آخر، یعنی مرحله پس‌تکلیف، تمرین‌های پرسش و پاسخ را شامل می‌شد. توضیحات بیشتر از طریق ارائه مثال‌های مرتبط از کار روزانه زبان‌آموزان به آن‌ها ارائه می‌شد تا معنای مفاهیم کلیدی برای آن‌ها به خوبی روشن شود و امکان سازمان‌دهی اطلاعات به شکل معنادار برای آن‌ها فراهم آید. هم‌چنین، از زبان‌آموزان خواسته می‌شد تا فعالیت‌هایی مانند مقایسه، انتخاب، مرتب‌سازی، پرکردن جاهای خالی، حذف، و تکمیل کردن را به عنوان تمرین در منزل انجام دهند. مهم‌ترین هدف این فعالیت‌ها، ارائه داده‌های معتبر به زبان‌آموزان، مشارکت دادن آن‌ها در انجام تکالیف حل مسئله و مذاکره معنایی، و ایجاد پیوند بین فعالیت‌های کلاسی و کارهای تخصصی و شغلی مرتبط بود.

مرحله پس‌مداخله:

در انتهای دوره مداخله، آزمون VKS یکسان با پیش‌آزمون برگزار شد تا تغییرات احتمالی در دانش واژگان شرکت‌کنندگان بررسی شود. هم‌چنین، پس‌آزمون درک مطلب مشابه با پیش‌آزمون (با پایایی ۰,۷۱ و میانگین Flesch-Kincaid readability quotient معادل با ۱۶,۶۵) برگزار شد تا توانایی خواندن زبان‌آموزان در انتهای دوره مداخله سنجیده شود. هم‌چنین، شرکت‌کنندگان گروه آزمایشی برای بار دوم پرسش‌نامه یادگیری خودتنظیمی را تکمیل کردند تا هرگونه تغییر در رفتار خودتنظیمی آن‌ها در نتیجه مداخله صورت گرفته، مشخص شود. در انتهای دوره، تمام شرکت‌کنندگان گروه آزمایشی در جلسات بازاندیشی خودالقایی شرکت کردند. به این ترتیب، پژوهش‌گران اطلاعاتی عمقی از تأثیر مداخله مدنظر بر روی رفتارهای خودتنظیمی آنان به دست آوردند.

۳. تحلیل داده‌های کمی

تحلیل داده‌های آزمون همگنی:

دو ارزیاب، بخش‌های شنیداری و درک مطلب این آزمون را به شکل عینی و بخش‌های نوشتاری و گفتاری آن را به شکل ذهنی تصحیح کردند. آمار توصیفی آزمون PET در حالت کلی محاسبه شد ($M = 54.29, SD = 1.84$). نسبت چولگی $۱,۳۸$ ($۰,۴۷ / ۰,۳۴$) نشان می‌دهد که توزیع نمره‌ها به صورت نرمال بوده است. شرکت‌کنندگانی که در محدوده $SD \pm 1.5$ از میانگین نمره قرار داشتند برای شرکت در این پژوهش انتخاب شدند. از آنجاکه هیچ نقطه دورافتاده‌ای شناسایی نشد، تمام ۴۸ شرکت‌کننده در این آزمون به صورت تصادفی به دو گروه تقسیم شدند. از میان این افراد، ۲۵ نفر در گروه کنترل و ۲۳ نفر در گروه آزمایشی جای گرفتند. آمار توصیفی آزمون همگنی برای گروه آزمایشی ($M = 55.17, SD = 13.30$) و برای گروه کنترل ($M = 53.48, SD = 12.94$) محاسبه شد. با تقسیم کردن آمار چولگی بر خطای معیار برای هر گروه مشخص شد که فرضیه نرمال بودن در توزیع گروه‌ها رعایت شده است: $۱,۴۲$ ($۰,۶۶ / ۰,۴۶$) برای گروه کنترل و $۰,۶۳$ ($۰,۳۰ / ۰,۴۸$) برای گروه آزمایشی که هر دو در محدوده $\pm 1,۹۶$ قرار داشتند.

برای بررسی همگنی دو گروه از نظر سطح زبانی، آزمون t مستقل انجام شد (جدول ۱). با $(F(2, 46) = 0.08, p = 0.77 > 0.05$ (two-tailed)، نتیجه گرفته شد که در آزمون همگنی هیچ تفاوت آماری معناداری بین میانگین دو گروه وجود ندارد؛ بنابراین، هر دو گروه از نظر سطح زبانی همگن بودند و پیش از شروع مداخله، به جامعه آماری مشابهی تعلق داشتند.

	Levene's Test for Equality of Variances		t-test for Equality of Means				
	F	Sig.	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	Std. Error Difference
Equal variances assumed	0.08	0.77	-0.65	46	0.515	-2.48	3.77
Equal variances not assumed			-0.65	45.65	0.515	-2.48	3.78

جدول ۱

آزمون t مستقل برای PET



تحلیل داده‌های پیش‌آزمون VKS:

در ابتدای پژوهش، آزمون VKS طراحی شده توسط پژوهش‌گران برگزار شد که شامل ۴۰ واژه بود تا ۲۰ واژه کاملاً ناشناخته برای شرکت‌کنندگان برای مداخله انتخاب شود. براساس مقیاس نمره‌دهی آزمون VKS، پژوهش‌گران برای گزینه‌های ۱ و ۲ به ترتیب نمره ۱ و ۲ را لحاظ کردند که نشانگر ناآگاهی یا شناخت پاسخ‌دهنده از آن واژه بود. سپس، ۲۰ واژه از میان واژه‌هایی که نمره‌های بین ۴۸ تا ۹۶ را کسب کرده بودند به عنوان واژه‌های هدف برای این پژوهش انتخاب شدند. لازم به یادآوری است که کل ۴۰ واژه و ۲۰ واژه هدف به صورت جداگانه برای هر شرکت‌کننده، نمره‌دهی شد. آمار توصیفی مربوط به این دو آزمون برای حالت کل واژه‌ها ($M=61.24, SD=7.70$) در گروه کنترل و ($M=66.52, SD=$) ۹.۹۶ در گروه آزمایشی و واژه‌های هدف ($M=24.56, SD=3.65$) برای گروه کنترل و ($M=$) ۲۶.۰۸ ($SD=4.01$) برای گروه آزمایشی محاسبه شد.

نتایج تحلیل چولگی پیش‌آزمون کل واژه‌ها برای دو گروه کنترل و آزمایشی معادل با ۰.۱۷ (-۰.۰۸ / ۰.۴۶) و -۰.۶۰ (-۰.۲۹ / ۰.۴۸) بود. از آنجاکه تمام مقادیر در محدوده بین ± 1.96 قرار دارند، فرضیه نرمال بودن تأیید شد. علاوه بر این، نتایج تحلیل چولگی برای واژه‌های هدف به ترتیب برای گروه‌های کنترل و آزمایش معادل با -۰.۵ (-۰.۲۳ / ۰.۴۶) و ۰.۴۳ (۰.۲۱ / ۰.۴۸) بود که دال بر نرمال بودن توزیع نمرات بین هر گروه است.

با $F(46)=0.00, p=0.96$ (two-tailed) برای کل واژه‌ها و $F(46)=0.10, p=0.75$ (two-tailed) برای واژه‌های هدف، مشخص شد که واریانس هر دو گروه در هر دو شرایط در پیش‌آزمون، مشابه بوده است. علاوه بر این، با $t(46)=-1.45, p=0.15>0.05$ (two-tailed) برای کل واژه‌ها و $t(46)=-1.38, p=0.17>0.05$ (two-tailed) برای واژه‌های هدف (جدول ۲)، نتیجه گرفته شد که در هر دو شرایط هیچ تفاوت آماری معناداری بین میانگین‌های دو گروه در پیش‌آزمون وجود ندارد.

		Levene's Test for Equality of Variances		t-test for Equality of Means						
		F	Sig.	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	Std. Error Difference	Confidence 95% Interval of the Difference	
									Lower	Upper
Whole-Items	Equal variances assumed	0.00	0.96	-1.45	46	0.15	-3.32	2.28	-7.93	1.27
	Equal variances not assumed			-1.45	45.12	0.15	-3.32	2.29	-7.94	1.29
Target-Items	Equal variances assumed	0.10	0.75	-1.38	46	0.17	-1.52	1.10	-3.75	0.69
	Equal variances not assumed			-1.37	44.58	0.17	-1.52	1.11	-3.76	0.70

جدول ۲

آزمون t مستقل برای کل واژه‌ها و
واژه‌های هدف در پیش‌آزمون VKS

در انتهای دوره مداخله، آزمون VKS یکسان با پیش‌آزمون برگزار شد تا تغییرات روی داده در میزان دانش واژگان شرکت‌کنندگان دو گروه مشخص شود. آمار توصیفی نمرات پس‌آزمون برای کل واژه‌ها در گروه کنترل ($M=122.92$, $SD=15.72$) و در گروه آزمایشی ($M=133.65$, $SD=17.09$) و برای واژه‌های هدف در گروه کنترل ($M=57.64$, $SD=7.75$) و در گروه آزمایشی ($M=62.60$, $SD=8.12$) محاسبه شد. علاوه بر این، پایایی پس‌آزمون که از طریق فرمول کرونباخ آلفا محاسبه شده بود برای هر دو حالت برابر با ۰٫۸۹ بود که مطلوب است.

میانگین گروه آزمایشی برای کل واژه‌ها ($M=133.65$, $SD=3.5$)

بالاتر از میانگین گروه کنترل برای کل واژه‌ها ($M = 122.92$, $SD = 3.14$) بود. به همین شکل میانگین گروه آزمایشی برای واژه‌های هدف هم ($M = 57.64$, $SD = 7.75$) بود. البته برای مشخص کردن هرگونه تفاوت معنادار بین دو گروه، به انجام تحلیل‌های بیشتری نیاز بود؛ بنابراین، آزمون t مستقل انجام شد تا میانگین دو گروه در پس‌آزمون باهم مقایسه شود (جدول ۳).

		Levene's Test for Equality of Variances		t-test for Equality of Means						
		F	Sig.	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	Std. Error Difference	Confidence 95% Interval of the Difference	
									Lower	Upper
Whole- Items	Equal variances assumed	0.00	0.94	-2.26	46	0.02	-10.73	4.7	-20.26	-1.19
	Equal variances not assumed			-2.25	44.73	0.02	-10.73	4.7	-20.30	-1.15
Target- Items	Equal variances assumed	0.00	0.98	-2.16	46	0.03	-4.96	2.29	-9.58	-0.35
	Equal variances not assumed			-2.16	45.22	0.03	-4.96	2.29	-9.59	-0.34

جدول ۳

آزمون t مستقل برای کل واژه‌ها و
واژه‌های هدف در پیش‌آزمون VKS



همان‌طور که در جدول ۳ آمده است با $(F(46)=0.00, p=0.94)$ (two-tailed) برای کل واژه‌ها و $(F(46)=0.00, p=0.98)$ (two-tailed) برای واژه‌های هدف، مشخص شد که واریانس دو گروه در پس‌آزمون VKS مشابه بوده است. نتایج آزمون t برای کل واژه‌ها $t(46)=-2.26$ و برای واژه‌های هدف $t(46)=-2.16, p=0.03<0.05$ (two-tailed) نیز نشان‌دهنده تفاوت معنادار آماری بین میانگین یادگیری واژگان شرکت‌کنندگان در دو شرایط یادگیری مختلف است. بزرگی تفاوت در میانگین‌ها در هر دو شرایط مداخله برای کل واژه‌ها و برای واژه‌های هدف (mean difference = -4.96, 95% CI: -9.59 to -0.35) متوسط بود ($\eta^2 \approx 0.10$)؛ بنابراین، مداخله (تکلیف‌محور+چندرسانه‌ای) به زبان‌آموزان در حوزه ESP کمک کرده است تا دانش واژگان خود را افزایش دهند.

تحلیل داده‌های پیش‌آزمون درک مطلب: برای بررسی این موضوع که آیا پیش از شروع مداخله تفاوت آماری معناداری بین دو گروه وجود دارد یا نه، آزمون t مستقل انجام شد. آمار توصیفی دو گروه در پیش‌آزمون درک مطلب ($M=8.80, SD=3.50$) در گروه کنترل و ($M=9.39, SD=3.31$) در گروه آزمایشی محاسبه شد.

نتایج تحلیل چولگی به‌ترتیب برای گروه کنترل و آزمایشی معادل با -1.13 ($-0.52 / 0.46$) و 0.95 ($0.48 / 0.46$) بود. از آنجاکه مقادیر حاصل در محدوده بین ± 1.96 قرار داشتند، فرض نرمال بودن تأیید شد. با $(F(46)=0.04, p=0.84)$ (two-tailed) مشخص شد که واریانس دو گروه در پیش‌آزمون مشابه است. علاوه بر این، همان‌طور که جدول ۴ نشان می‌دهد، با $t(46)=-0.60, p=0.55>0.05$ (two-tailed) نتیجه گرفته شد که هیچ تفاوت آماری معناداری بین میانگین دو گروه در پیش‌آزمون درک مطلب وجود ندارد.

	Levene's Test for Equality of Variances		t-test for Equality of Means					Confidence 95% Interval of the Difference	
	F	Sig.	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	Std. Error Difference		
	Lower	Upper							
Equal variances assumed	0.04	0.84	-0.60	46	0.55	-0.59	0.98	-2.57	1.39
Equal variances not assumed	-	-	-0.60	45.95	0.55	-0.59	0.98	-2.57	1.38

جدول ۴

آزمون t مستقل برای پیش‌آزمون درک مطلب



مقایسه پیش آزمون/ پس آزمون درک مطلب برای دو گروه:

پس از به کارگیری مداخله‌های مختلف برای دو گروه، پس آزمون درک مطلب برگزار شد. برای بررسی این موضوع که آیا روش‌های به کار رفته برای دو گروه به تأثیر معنادار در هر گروه منجر شده است یا نه، نمرات شرکت کنندگان در هر گروه در پیش آزمون و پس آزمون از طریق دو آزمون t جفتی (جدول‌های ۵ و ۶) باهم مقایسه شد.

همان‌طور که آمار توصیفی آزمون اول نشان می‌دهد (جدول ۵)، میانگین نمرات گروه کنترل در پس آزمون ($M=13.80, SD=3$) بالاتر از میانگین نمرات آن‌ها در پیش آزمون ($M=8.80, SD=3.5$) بوده است. با $t(24)=-20.41, p=0.00<.05$ مشخص شد که عملکرد این گروه در پس آزمون با عملکرد آن‌ها در پیش آزمون تفاوتی معنادار داشته است. مقدار به دست آمده ($\eta^2 \approx .89$) نشانگر عدد تأثیر زیاد است.

				Confidence 95% Interval of the Difference				
	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean	Lower	Upper	t	df	Sig. (2-tailed)
Pretest-Posttest	-5	1.22	0.24	-5.50	-4.49	-20.41	24	0.00

جدول ۵

آزمون t جفتی برای مقایسه پیش آزمون و پس آزمون گروه کنترل

آمار توصیفی به دست آمده از مقایسه پیش آزمون ($M=9.39, SD=2.31$) و پس آزمون ($M=15.52, SD=2.55$) برای گروه آزمایشی نیز محاسبه شد (آزمون دوم). همان‌طور که در جدول ۶ مشخص است، میانگین این گروه در پس آزمون افزایش یافته است. آزمون t جفتی، وجود تفاوتی معنادار را بین نمرات پیش آزمون و پس آزمون گروه آزمایشی بررسی کرد. نتیجه $t(46)=-21.12, p=0.00<.05$ تفاوت معناداری در میزان یادگیری این گروه در پس آزمون را نشان داد. عدد حاصل ($\eta^2 \approx .91$) نشانگر اندازه تأثیر زیاد است.



جدول ۶

آزمون t جفتی برای مقایسه پیش آزمون
و پس آزمون گروه آزمایشی

	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean	Confidence 95% Interval of the Difference		t	df	Sig. (2-tailed)
				Lower	Upper			
Pretest- Posttest	-6.13	1.39	0.29	-6.73	-5.52	-21.12	22	0.00

تحلیل داده‌های پس آزمون درک مطلب:

همان‌طور که مشخص است، توانایی خواندن دو گروه بدون در نظر گرفتن مداخله انجام شده، تغییری مثبت در پس آزمون را نشان می‌دهد. برای مشخص کردن اینکه کدام یک از مداخله‌های انجام شده تأثیر بیشتری در بهبود توانایی درک مطلب شرکت‌کنندگان داشته‌اند، آزمون t مستقل انجام شد. آمارهای توصیفی مربوط به این آزمون محاسبه شد که میانگین گروه آزمایشی در پس آزمون ($M=15.52, SD=2.55$) بالاتر از میانگین گروه کنترل ($M=13.80, SD=3$) بود.

برای تعیین وجود تفاوت معنادار بین میانگین دو گروه، آزمون دیگری انجام شد. همان‌طور که در جدول ۷ آمده است، با $F(46)=0.66, p=0.41$ (two-tailed) مشخص شد که واریانس دو گروه در پس آزمون درک مطلب، مشابه بوده است. نتایج آزمون $t(46)=2.13, p=0.03<0.05$ (two-tailed) نشان داد که تفاوت معناداری بین میانگین دو گروه شرکت‌کننده وجود داشته است. بزرگی تفاوت در میانگین‌ها (تفاوت میانگین معادل با) $(\eta^2 \approx 0.8)$ (mean difference = -1.72, 95% CI: -3.34 to -0.09) متوسط بود. بنابراین، مشخص شد که مداخله (تکلیف محور+چند رسانه‌ای) به بهبود درک مطلب شرکت‌کنندگان کمک کرده است.

	Levene's Test for Equality of Variances		t-test for Equality of Means						
	F	Sig.	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	Std. Error Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
								Lower	Upper
Equal variances assumed	0.66	0.41	-2.13	46	0.03	-1.72	0.80	-3.34	0.09
Equal variances not assumed			-2.14	45.74	0.03	-1.72	0.80	-3.33	-10

جدول ۷

آزمون t مستقل برای مقایسه
پس آزمون دو گروه

تحلیل داده‌های پرسش‌نامه یادگیری خودتنظیمی:

برای بررسی تأثیر استفاده از رویکرد چندرسانه‌ای بر خودتنظیمی زبان‌آموزان ESP، از شرکت‌کنندگان گروه آزمایشی خواسته شد تا یک‌بار در ابتدا و یک‌بار در انتهای دوره آموزشی، پرسش‌نامه یادگیری خودتنظیمی را تکمیل کنند. بالاترین نمره‌ای که هر شرکت‌کننده می‌توانست از این پرسش‌نامه کسب کند برابر با ۱۴۰ و پایین‌ترین نمره ۲۴ بود. آمار توصیفی مربوط به دو بار تکمیل پرسش‌نامه ($M=63.21$, $SD=7.00$) برای اولین تکمیل و ($M=86.86$, $SD=11.92$) برای دومین تکمیل محاسبه شد.

با تقسیم عدد چولگی بر خطای معیار آن مشخص شد که فرض نرمال بودن در توزیع نمرات اولین تکمیل پرسش‌نامه رعایت شده است ($-1.96 < 1.37 < 1.96$). پایایی پرسش‌نامه که از طریق فرمول کرونباخ آلفا محاسبه شد ۰٫۷۹ است. همان‌طور که مشخص است میانگین نمرات گروه آزمایشی در دومین تکمیل پرسش‌نامه بالاتر از میانگین نمرات این گروه در اولین تکمیل پرسش‌نامه است. برای بررسی معنادار بودن تفاوت بین دو میانگین، آزمون t جفتی انجام شد.



جدول ۸

آزمون t جفتی برای مقایسه میانگین
اولین و دومین تکمیل پرسشنامه

	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean	95% Confidence Interval of the Difference		t	df	Sig. (2-tailed)
				Lower	Upper			
First-Second Administration	23.65	6.8	1.4	20.70	26.59	16.64	22	0.00

با $t(22) = 16.64, p = 0.00 < .05$ مشخص شد که تفاوت بین میانگین اولین و دومین تکمیل پرسشنامه در گروه آزمایشی معنادار است. عدد $\eta^2 \approx .86$ نشان دهنده اندازه تأثیر زیاد است.

۴. تحلیل داده‌های کیفی

تحلیل داده‌های جلسات بازاندیشی خودالقایی: پرسش‌های جلسات بازاندیشی خودالقایی به شکلی طراحی شده بودند که به پژوهش‌گران کمک می‌کردند تا هنگامی که شرکت‌کنندگان درباره تجربیات خود درباره یادگیری از طریق رویکرد چندرسانه‌ای صحبت می‌کنند، اطلاعاتی عمیق و دقیق از رفتار خودتنظیمی آنان به دست آورند. بدین منظور، شرکت‌کنندگان گروه آزمایشی در این جلسات شرکت کردند. تمام جلسات ضبط شد. پژوهش‌گران داده‌های صوتی را بلافاصله بعد از هر جلسه پیاده‌سازی کردند و سپس آن‌ها را در فایل ورد تایپ کردند. این کار به سازمان‌دهی، کدگذاری، و تحلیل سریع‌تر و آسان‌تر داده‌ها کمک بزرگی کرد. برای شناخت بهتر و جامع‌تر از الگوهای پدیدار شده در پاسخ‌ها، جواب‌های تمام شرکت‌کنندگان به یک پرسش مشخص در زیر همان پرسش آورده شد. برای اطمینان از محرمانگی داده‌ها، تمام شرکت‌کنندگان با کدهای P1 و P2 و ... و P23 مشخص شدند.

برای تحلیل داده‌ها از فرایند کدگذاری ازپیش تعریف شده استفاده شد. در مرحله اول، شش کد «هدف‌گذاری»، «ساختاردهی محیطی»، «راهبردهای تکلیف»، «مدیریت زمان»، «درخواست کمک»، و «خودارزیابی» که در پرسش‌نامه یادگیری خودتنظیمی

برخط (Barnard et.al, 2009) مشخص شده بودند و دو کد پدیدار شده حین تحلیل داده‌ها (جست‌وجوی اطلاعات و خودتقویتی)، به‌عنوان کدهای اصلی تحلیل داده‌ها مشخص شدند. در گام بعد برای مشخص کردن معانی کدها از تعاریف ارائه‌شده توسط زیمرمن و مارتین-پونز (۱۹۸۶)^۱ استفاده شد.

سپس کدهای تعریف‌شده ذیل تم‌های فرعی و تم‌های اصلی تقسیم‌بندی شدند. براساس این تقسیم‌بندی سه کد «ساختاردهی محیطی»، «مدیریت زمان» و «خودتقویتی»، بدون تم فرعی، مستقیماً زیر تم اصلی «تنظیم تلاش (ER)»^۲ جای گرفتند. از پنج کد باقی‌مانده، کد «هدف‌گذاری» ذیل تم فرعی «پیش‌تفکر»، کدهای «راهبردهای تکلیف»، «درخواست کمک»، و «جست‌وجوی اطلاعات» ذیل تم فرعی «عملکرد» و کد «خودارزیابی» ذیل تم فرعی «پایش» جای گرفتند و این سه تم فرعی با تم اصلی «خودتنظیمی فراشناختی (MSR)»^۳ مرتبط شدند. در مرحله بعد، پژوهش‌گران، داده‌های پیاده‌سازی‌شده را خط‌به‌خط بررسی کردند و عبارت‌های مرتبط با هر تم اصلی و تم فرعی را مشخص کردند و ذیل کدهای مشخص‌شده قرار دادند. سپس تناوب تکرار هر کد محاسبه شد. با در نظر گرفتن هر کد به‌عنوان یک رفتار خودتنظیمی یادگیری، پاسخ‌های شرکت‌کنندگان به ۱۱ پرسش مطرح در جلسات بازاندیشی خودالقایی در جدولی (جدول ۹) ارائه شد که تأثیر مداخله مدنظر بر رفتارهای خودتنظیمی گروه آزمایشی را نشان می‌دهد. اطلاعات خلاصه مرتبط با تقسیم‌بندی کدها، تم‌های فرعی و تم‌های اصلی، و فراوانی کدها در جدول ۹ آمده‌است.

1. Zimmerman & Martinez-Pons (1986)
2. Effort Regulation
3. Meta-cognitive Self-Regulation

تم اصلی	تم فرعی	کد	فراوانی
تنظیم تلاش (ER)		ساختاردهی محیطی	۴۶
		مدیریت زمان	۴۱
		خودتقویتی	۳
خودتنظیمی فراشناختی (MSR)	پیش‌تفکر	هدف‌گذاری	۱۰۹
	عملکرد	راهبردهای تکلیف	۴۶۶
		درخواست کمک	۸۶
		جست‌وجوی اطلاعات	۶۵
	پایش	خودارزیابی	۲۸

جدول ۹

طبقه‌بندی تم‌های اصلی، تم‌های فرعی، و کدها



همان‌طور که از ارزیابی نتایج مشخص است، راهبردهای تکلیف با فراوانی ۴۶۶ بار، بالاترین نقش را در خودتنظیمی شرکت‌کنندگان داشته‌است که این می‌تواند در نتیجه آموزش آشکار راهبردهای یادگیری و انجام تکلیف در کلاس توسط مدرس باشد. بعد از راهبردهای تکلیف، هدف‌گذاری (۱۰۹)، درخواست کمک (۸۶)، جست‌وجوی اطلاعات (۶۵)، ساختاردهی محیطی (۴۶)، مدیریت زمان (۴۱)، و خودارزیابی (۲۸)، در رده‌های بعدی فراوانی قرار دارند. کمترین فراوانی در کدهای مرتبط با رفتارهای خودتنظیمی مربوط به خودتقویتی با ۳ بار تکرار است که می‌توان آن را به سن شرکت‌کنندگان و مشغله فکری آن‌ها نسبت داد.

۵. نتیجه‌گیری

برخلاف یافته‌های حاصل از پژوهش شو (۲۰۱۷)، نتایج حاصل از پژوهش حاضر بر تأثیر مثبت استفاده از رویکرد چندرسانه‌ای در مقابل استفاده از رویکرد تکلیف‌محور بر توانایی خواندن و یادگیری واژگان آرشیداران ایرانی دلالت دارد. این نتیجه، با تکیه بر سه فرضیه معرفی شده توسط میر و مورنو (۲۰۰۳)^۱ در رابطه با نظریه شناختی یادگیری چندرسانه‌ای، قابل توضیح است. طبق فرضیه اول (فرضیه دوکانالگی)^۲، کانال‌های دیداری و شنیداری در حافظه کاری از یکدیگر مجزا هستند. وقتی این دو کانال هم‌زمان با یکدیگر به کار گرفته شوند، یادگیری افزایش پیدا می‌کند. در روش تکلیف‌محور با استفاده از تدریس با استفاده از تابلو، کتاب‌ها، و متون چاپی، صرفاً از پیام‌های دیداری برای انتقال مفاهیم و توضیح دادن ایده‌ها استفاده می‌شود و در نتیجه فقط کانال دیداری حافظه کاری در فرایند یادگیری دخالت دارد. ولی استفاده از برنامه‌های چندرسانه‌ای مزیت ویژه‌ای در محیط‌های آموزشی ESP دارد؛ چون در رویکرد چندرسانه‌ای، تدریس مطالب با استفاده از کلمات، تصاویر، و اصوات به شکل هم‌زمان انجام می‌شود. ارائه مطالب درسی با ترکیب هم‌زمان داده‌های متنی، ویدئویی، و صوتی، به‌ویژه برای مطالب مرتبط با دوره‌های ESP که ترکیبی از دانش زبانی و دانش موضوعی را شامل می‌شود و یادگیری را دشوارتر می‌کند، می‌تواند باعث فعال‌سازی هم‌زمان هر دو کانال دیداری و شنیداری شود. استفاده هم‌زمان از هر دو کانال هم، می‌تواند ظرفیت یادگیری و انتقال مفاهیم به حافظه بلندمدت را به حداکثر برساند.

فرضیه دوم (فرضیه ظرفیت محدود)^۳، که براساس «نظریه پردازش اطلاعات»^۴ میلر (۱۹۵۶)^۵ مبتنی است اذعان می‌دارد که کانال‌های دیداری و شنیداری هرکدام جداگانه ظرفیت محدودی دارند و اطلاعات محدودی را برای مدت‌زمان اندکی در خود نگه می‌دارند؛ ولی استفاده از رویکرد چندرسانه‌ای باعث می‌شود تا فرایند یادگیری با استفاده

1. Mayer & Moreno (2003)
2. Dual Channel Assumption
3. Limited Capacity Assumption
4. Information Processing Theory
5. Miller (1956)

از هر دو کانال انجام شود و بنابراین فرایندهای درک مفاهیم، ایجاد شناخت، ساختاردهی دانش، پردازش اطلاعات، و به خاطر سپردن آن‌ها بین دو کانال تقسیم شود و با ایجاد توازن کاری بین آن‌ها، بازده یادگیری افزایش پیدا کند. استفاده از این روش در محیط‌های ESP که در آن زبان‌آموزان به دلیل مشغله‌های کاری فراوان و زمان کم، درگیری‌های فکری فراوانی دارند و به همین دلیل ظرفیت یادگیری محدودتری از سایر زبان‌آموزان دارند با به کارگیری هر دو کانال سبب فعال‌سازی فرایندهای مناسب شناختی در آن‌ها می‌شود و یادگیری آن‌ها را افزایش می‌دهد.

و درنهایت، فرضیه سوم (فرضیه پردازش فعال)^۱ که بر «نظریه ساختارگرایی یادگیری»^۲ مبتنی است، یادگیری را به عنوان فرایند فعال جمع‌آوری، سازمان‌دهی، و ادغام اطلاعات جدید تعریف می‌کند. براین اساس می‌توان گفت رویکرد چندرسانه‌ای روشی مناسب برای یادگیری از طریق توضیح، کشف و شهود، و کسب تجربه به صورت هم‌زمان است. این رویکرد با در نظر گرفتن نیازهای ویژه زبان‌آموزان در محیط‌های ESP، زبان‌آموزی را به فرایندی هدف‌محور، مشارکتی و منعطف از نظر زمان و مکان، و پاسخگو در برابر سبک‌های یادگیری مختلف تبدیل می‌کند و همکاری میان مدرس و زبان‌آموزان را افزایش می‌دهد. این رویکرد با تبدیل زبان‌آموزی به فرایندی دوستانه و لذت‌بخش، به ویژه برای زبان‌آموزان ESP - با ویژگی‌های سنی و دانشی و تجربی ویژه - باعث می‌شود تا از ترس زبان‌آموزان از کاستی‌ها و نقص‌ها یا شکست‌های احتمالی در کلاس درس کاسته شود و مشارکت آن‌ها در فرایند یادگیری افزایش یابد.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که استفاده از رویکرد چندرسانه‌ای تأثیر بسیار خوبی در افزایش توانایی خواندن و یادگیری واژگان شرکت‌کنندگان در دوره‌های ESP دارد. درحالی‌که درک مطلب یکی از چهار مهارت اصلی در توانش زبانی در نظر گرفته می‌شود، دانش واژگان را باید یکی از مؤثرترین فاکتورهای این مهارت در نظر گرفت. ارتباط بین درک مطلب و واژگان ارتباطی کاملاً دوطرفه است و هر نوع پیشرفت در مهارت خواندن باعث افزایش دانش واژگان خواهد شد و برعکس هر نوع ارتقای دانش واژگان باعث کسب مهارت بیشتر در درک مطلب خواهد شد. اهمیت این ارتباط باعث مشخص شدن نقش مهمی می‌شود که درک مطلب و دانش واژگان در دوره‌های ESP ایفا می‌کنند؛ زیرا یکی از ویژگی‌های مهم این دوره‌ها، حجم زیاد تکالیف مبتنی بر خواندن متون و تعداد بسیار زیاد واژگان تخصصی است که باید فراگرفته شوند. زبان‌آموزان محیط‌های ESP باید حجم زیادی از متون تخصصی حاوی تعداد بسیار زیادی از واژگان تخصصی آن رشته را به انگلیسی بخوانند؛ درحالی‌که تاو و تام (۲۰۱۸) وجود تعداد زیادی از واژگان ناشناخته

1. Active Processing Assumption
2. Constructivist Theory of Learning



و نداشتن دانش پیش‌زمینه از حوزه‌های موضوعی را از مهم‌ترین مشکلاتی می‌دانند که زبان‌آموزان در حوزه درک مطلب با آن مواجه هستند. در همین راستا یافته‌های پژوهش حاضر بر کمک به زبان‌آموزان ESP برای تبدیل شدن آن‌ها به خوانندگان حرفه‌ای متون تخصصی و غلبه بر دشواری‌های فراگیری واژگان و عبارت‌های تخصصی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف دوره‌های ESP تأکید می‌کند.

نتایج حاصل از پژوهش حاضر بر استفاده از واژگان تخصصی در بافت و متن مناسب برای درک مطلب در دوره‌های ESP تأکید می‌کند؛ زیرا این دوره‌ها مستلزم ادغام یادگیری انگلیسی و دانش موضوعی به‌شکل هم‌زمان است و این ادغام به پیشرفت مهارت‌های حرفه‌ای و تجهیز زبان‌آموزان به مهارت‌های انجام عملکردهای شغلی مرتبط می‌انجامد (Liuolienė & Metiūnienė, 2013). هم‌چنین یافته‌های پژوهش حاضر لزوم استفاده از فعالیت‌های کمکی مرتبط با واژگان تخصصی را برای افزایش یادگیری نشان می‌دهد که پیش از این توسط خو (۲۰۱۸)^۱ ب ر آن تأکید شده بود و هم‌راستا با گفته‌های بونسینگنوری (۲۰۱۸) تأیید می‌کند که استفاده از محتوای چندرسانه‌ای در زبان‌آموزی -به‌ویژه در دوره‌های ESP- می‌تواند با معنابخشیدن به فعالیت‌های آموزشی و ایجاد ارتباط قابل‌درک بین آموزه‌های کلاسی و فعالیت‌های حقیقی موردانتظار از زبان‌آموزان در محیط کار بر یادگیری آن‌ها تأثیرگذار باشد. همان‌طور که ینگ (۲۰۱۶)^۲ گفته‌است، هدف دوره‌های ESP آماده‌سازی زبان‌آموزان برای مقابله با چالش‌ها و نیازهای دنیای واقعی و برآورده‌ساختن نیازها و علایق زبان‌آموزان در یک حیطه شغلی خاص است. درنتیجه، در طراحی این دوره‌ها باید دو نکته را به‌دقت در نظر داشت: ۱- هدف دوره‌های ESP باید آموزش یادگیری زبان تخصصی با استفاده از دانش موضوعی باشد نه آموزش زبان عمومی؛ و ۲- تعیین روش‌ها، محتوا، اهداف، و مهارت‌های هر دوره باید براساس نیازها و خواسته‌های زبان‌آموزان هدف انجام شود نه براساس معیارهای آموزش عمومی.

رفتارهای خودتنظیمی نقش مهمی در کلاس‌های آموزش زبان فناوری‌محور ایفا می‌کنند؛ زیرا فرایندهای خودهدایتی و خودپایشی را در زبان‌آموزان فعال می‌کنند و باعث افزایش استفاده از توانایی‌های ذهنی و مهارت‌های فردی در ارتقای یادگیری و عملکرد می‌شوند. پژوهش‌هایی که پیش‌ازاین به بررسی تأثیر استفاده از آموزش‌های فناوری‌محور (برای مثال استفاده از پلتفرم‌های آموزشی برخط، برنامه‌های رایانه‌ای، یا رویکرد چندرسانه‌ای) بر رفتارهای خودتنظیمی زبان‌آموزی پرداخته‌اند عمدتاً در محیط‌های زبان دوم/ زبان خارجه انجام شده‌اند که به‌لحاظ ویژگی‌های خاص محیط آموزشی، زبان‌آموزان، و محتوای درسی، با محیط‌های ESP بسیار متفاوت هستند. یکی از اهداف پژوهش حاضر،

1. Xu (2018)

2. Yang (2016)

سنجش تأثیر استفاده از برنامه‌های چندرسانه‌ای بر رفتارهای خودتنظیمی زبان‌آموزان در محیط ESP برای آرشیو بود که در برنامه درسی دانشگاهی کشور یا آموزش‌های ضمن خدمت کارمندان جایگاهی نداشت و شرکت‌کنندگان در این دوره به آموزش زبان تخصصی در خارج یا داخل محیط کار خود دسترسی نداشتند.

تحلیل داده‌های کمی نشان داد که استفاده از برنامه‌های چندرسانه‌ای تأثیر مثبتی بر افزایش استفاده از رفتارهای خودتنظیمی شرکت‌کنندگان در فرایند یادگیری زبان تخصصی آرشیو دارد. این یافته‌ها بر نیاز به توجه دقیق‌تر به موضوع استفاده از روش‌های فناوری محور برای تدریس زبان در محیط‌های ESP و نقش فعال‌سازی رفتارهای خودتنظیمی در این نوع محیط‌های آموزشی تأکید دارد که در آن شرکت‌کنندگان به دوره‌های آموزشی مستمر دسترسی ندارند و زمان کافی هم برای اختصاص دادن به یادگیری زبان در خارج از محیط کاری در اختیار ندارند. آشنا کردن این دسته از زبان‌آموزان با رفتارهای خودتنظیمی می‌تواند باعث بالارفتن بازدهی یادگیری آن‌ها شود. با در نظر گرفتن شواهد مثبت ارائه شده در پژوهش جانسون و دیویس (۲۰۱۴) درباره رابطه بین رفتارهای خودتنظیمی در محیط‌های آموزشی دیجیتال، یافته‌های پژوهش حاضر نیز تأثیر مثبت تقویت رفتارهای خودتنظیمی در بالابردن بازده یادگیری زبان در محیط‌های ESP را نشان می‌دهد.

تحلیل داده‌های کیفی مشخص کرد که استفاده از برنامه‌های چندرسانه‌ای در پلتفرم آموزشی بر خط می‌تواند باعث فعال‌سازی هشت فاکتور مهم در یادگیری خودتنظیمی زبان‌آموزان شود و این فاکتورها به نوبه خود می‌توانند بر افزایش یادگیری زبان تخصصی آرشیو و مهارت‌آموزی شرکت‌کنندگان تأثیر فراوانی بگذارند. البته میزان استفاده از این فاکتورها در شرکت‌کنندگان به طور چشم‌گیری در دو حوزه «تنظیم تلاش» و «خودتنظیمی فراشناختی» تفاوت داشت و نشان‌دهنده استفاده بسیار بیشتر شرکت‌کنندگان از راهبردهای فراشناختی در فرایند یادگیری به‌ویژه در مرحله عملکرد بود که به طور خاص مستلزم به کارگیری راهبردهای شناختی در انجام کار است. مروری بر نتایج حاصل از پژوهش‌های انجام شده در این حوزه نشان می‌دهد که به کارگیری فرایندهای شناختی و فراشناختی خودتنظیمی می‌تواند تأثیر زیادی بر زبان‌آموزی (Anderson, 2003; Abu-Shamais, 2003) به‌ویژه در درک مطلب (Eslami Rasekh & Ranjbary, 2003) و یادگیری واژگان (Anderson, 2003) داشته باشد. در بسیاری از محیط‌های ESP، به‌ویژه محیط زبان تخصصی برای آرشیو، عمده نیاز آموزشی در درک مطلب و یادگیری واژگان در زبان‌آموزان است. یافته‌های پژوهش حاضر هم بر نیاز به آموزش زبان‌آموزان و ایجاد شناخت کافی از مهارت‌های خودتنظیمی شناختی و فراشناختی برای آنان تأکید می‌کند.

یافته‌های این پژوهش می‌تواند دریچه‌های مفیدی را به روی کسانی باز کند که در حوزه ESP به‌ویژه انگلیسی برای آرشیو کار می‌کنند و اهمیت استفاده از رویکرد چندرسانه‌ای را در غنی‌سازی روش‌های آموزش، تقویت مهارت‌آموزی، و افزایش رفتارهای خودتنظیمی میان آرشیوداران روشن سازد. هم‌چنین مدرسان دوره‌های آموزشی می‌توانند از نتایج حاصل از این مطالعه که در پژوهش‌های نظری و عملی در حوزه ESP ریشه دارد برای انتخاب منابع آموزشی کاربردی و به‌کارگیری روش‌های تدریس مناسب استفاده کنند. بدین‌ترتیب، مدرسان قادر خواهند بود تا محتوای آموزشی مناسبی را به زبان‌آموزان ارائه دهند که امکان پاسخگویی به نیازهای ویژه آنان را دارد.

اهمیت نتایج حاصل از پژوهش حاضر برای مدیران آموزشی و تصمیم‌گیرنده در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در ظرفیت آن برای کمک به تعریف خط‌مشی‌های آموزشی برای دوره‌های ESP در این سازمان، درنظرگرفتن مسائل مرتبط با انتخاب و استفاده از محتوای آموزشی، روش تدریس، و برنامه‌ریزی‌های درسی مرتبط با این دوره‌ها است. به‌دلیل نبود دوره‌های آموزش زبان انگلیسی ویژه آرشیو در بافت آموزشی کشور، تدوین‌کنندگان سرفصل‌های درسی می‌توانند از تلاش انجام‌شده در این پژوهش برای سازمان‌دهی به وضعیت نامشخص و مغفول این رشته بهره ببرند و به تعاریف آشکاری از اهداف آموزشی مرتبط با این حوزه دست یابند.

سیاست‌گذاران و مدیران ارشد سازمان اسناد و کتابخانه ملی نیز می‌توانند از نتایج این مطالعه بهره‌مند شوند؛ زیرا برنامه‌های ESP ویژه آرشیو هیچ جایگاه مشخصی در آموزش‌های ضمن خدمت این سازمان ندارد. با علم به این حقیقت که زبان انگلیسی هم‌اکنون مهم‌ترین ابزار برقراری ارتباطات بین‌المللی است، نتایج این پژوهش بر ضرورت نیاز به افزایش ظرفیت دانش شاغلان در سازمان اسناد و کتابخانه ملی از نظر مهارت‌های مرتبط با زبان انگلیسی و ارتقای توانش زبانی آرشیوداران در محیط حرفه‌ای آن‌ها تأکید دارد. این آگاهی می‌تواند نقطه شروع مناسبی برای ایجاد دوره‌های انگلیسی برای آرشیو و آموزش آرشیوداران حرفه‌ای باشد تا بتوانند به‌عنوان متخصصان این حرفه در صحنه‌های ملی و بین‌المللی نقش‌آفرینی کنند.

از آنجاکه بخش عمده‌ای از منابع دانش، استانداردها، دستورالعمل‌ها، و مدارک تدوین‌شده توسط مراجع ذی‌صلاح آرشیوی به زبان انگلیسی تدوین شده‌اند، افزایش دانش و توانش زبانی آرشیوداران ایرانی در حوزه زبان تخصصی آرشیو می‌تواند آن‌ها را به متخصصانی تبدیل کند که می‌توانند نقشی مهم در ارتقای استانداردهای کاری در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و سایر نهادهای آرشیوی داشته باشند. علاوه‌براین، یافته‌های

پژوهش حاضر می‌تواند برای کارمندانی اهمیت داشته باشد که زمان و انگیزه کافی برای شرکت در کلاس‌های زبان خارج از محیط کار خود را ندارند. اگر سازمان نتواند یا نخواهد دوره‌های ESP مناسبی را برای کارمندان ارائه دهد که به توانمندی آن‌ها در محیط کاری منجر شود، کارمندان از دانش روز دنیا عقب می‌مانند و شانسشان برای انجام پژوهش‌ها و کارهای حرفه‌ای در شبکه متخصصان آرشیوی کاهش می‌یابد. گذشته‌ازاین، آرشیوداران قادر نخواهند بود تا دانش و تجربه خود را با همکارانشان در سایر کشورها به اشتراک بگذارند. آموزش ESP در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و سایر نهادهای آرشیوی، ابزاری مفید برای آرشیوداران خواهد بود تا حیطه ارتباطات بین‌المللی خود را گسترده‌تر کنند، تعاملات اجتماعی و حرفه‌ای خود را افزایش دهند، و به شکل مؤثر در همایش‌ها و نشست‌های حرفه‌ای بین‌المللی حضور داشته باشند.

منبع

- Abu-Shamais, Wafa Khaleel. (2003). "Language learning strategy use in Palestine". *Teaching English as a Second Language- Electronic Journal (TESL-EJ)*, 7(2), pp 31-45.
- Alam, Sohaib. (2017). "Using Drama for Teaching Language in ESL Classrooms Integrating Multimedia Tools: Issues and Challenges". *The Creative Launcher*, 2(5), pp 479-486.
- Amineh, Bouzar Mohammed; Benachaiba, Chellali; Guemide, Boutkhil. (2012). "Using Multimedia to Motivate Students in EFL Classrooms: A Case Study of English Master's Students at Jijel University, Algeria". *Malaysian Journal of Distance Education*, 14(2), pp 63-81.
- Anderson, Neil. J. (2003). "Metacognitive reading strategies increase L2 performance". *The Language Teacher*, 27(7), pp 20-22.
- Antonietti, Alessandro; Colombo, Barbara; Di Nuzzo, Chiara. (2015). "Metacognition in self-regulated multimedia learning: integrating behavioural, psychophysiological and introspective measures". *Learning, Media and Technology*, 40(2), pp 187-209. <https://doi.org/10.1080/17439884.2014.933112>
- Aslani, Mehrdad; Heidari Tabrizi, Hossein. (2015). "Teaching Grammar to Iranian EFL Learners through Blended Learning Using Multimedia Software". *Journal of Ap-*



- plied Linguistics and Language Research*, 2(8), pp 76-87.
- Barnard, Lucy; Lan, William Y; To, Yen M; Paton, Valerie Osland; Lai, Shu-Ling. (2009). "Measuring self-regulation in online and blended learning environments". *The Internet and Higher Education*, 12(1), pp 1-6. <https://doi.org/10.1016/j.ihe-duc.2008.10.005>
- Bonsignori, Veronica. (2018). "Using films and TV series for ESP teaching: A multi-modal perspective". *System*, 77, pp 58-69. <https://doi.org/10.1016/j.system.2018.01.005>
- Çelik, Serkan; Arkin, Erkan; Sabriler, Derya. (2012). "EFL learners' use of ICT for self-regulated learning". *The Journal of Language and Linguistic Studies*, 8(2), pp 98-118.
- Creswell, John W. (2007). *Qualitative inquiry research design*. California: SAGE.
- Creswell, John W. (2014). *Research design: qualitative, quantitative, and mixed methods approaches*. California: SAGE.
- Dornyei, Zoltan. (2007). *Research Methods in Applied Linguistics*. Oxford: Oxford University Press.
- Duranti, LUCIANA; Franks, PATRICIA C. (2015). *Encyclopedia of Archival Science*. Maryland: Rowman & Littlefield.
- Eslami Rasekh, Zohreh; Ranjbary, R. (2003). "Metacognitive strategy training for vocabulary learning". *TESL-EJ*, 7, pp 1-17.
- Halwani, Noha. (2017). "Visual Aids and Multimedia in Second Language Acquisition". *English Language Teaching*, 10(6), pp 53-59. <https://doi.org/10.5539/elt.v10n6p53>
- Johnson, Genevieve M; Davies, Sharon M. (2014). "Self-Regulated Learning in Digital Environments: Theory, Research, Praxis". *British Journal of Research*, 1(2), pp 68-80.
- Khalili, Sadegh; Tahririan, Mohammad Hassan; Bagheri, Setareh. (2015). "Vocabulary Instruction through Blended Learning and Multimedia Software in Iranian ESP Classes". *Journal of English Language Teaching and Learning*, 7(16), pp 37-54.
- Lange, Christopher; Costley, Jamie. (2019). "The negative impact of media diversity

- on self-regulated learning strategies and cognitive load". *Issues in Educational Research*, 29(1), pp 158-179.
- Lin, Ch. Y. (2016). "Taiwanese College Students' Perceptions of Integrating Multi-media into ESP Courses". *Studies in English Language Teaching*, 4(3), pp 351-359.
- Liuolienė, Alvyda; Metiūnienė, Regina. (2013). "Creativity in building ESP vocabulary in the context of ICT". *Coactivity: Philology, Educology*, 21(1), pp 45-53. <https://doi.org/10.3846/CPE.2013.05>
- Lloret, Miguel; Agulare, Estela; Lloret, Alejandro. (2009). "Self-regulated learning using multimedia programs in dentistry postgraduate students: A multimethod approach". *International Electronic Journal of Elementary Education*, 2(1), pp 101-121.
- Mayer, Richard E; Moreno, Roxana. (2003). "Nine ways to reduce cognitive load in multimedia learning". *Educational Psychologist*, 38(1), pp 42-52. https://doi.org/10.1207/S15326985EP3801_6
- Miller, George A. (1956). "The magical number seven, plus or minus two: Some limits on our capacity for processing information". *Psychology Review*, 63(2), pp 81-97.
- Rahimi, Ali; Askari Bigdeli, Rouhollah. (2014). "ICT and EFL Students' Self-Regulation Mastery: Educational Meat or Poison?". *AsiaCALL Online Journal*, Vol. 8 No. 1 (2014): Special Issue - Proceedings of the 12th International Conference of the Asia Association of Computer-Assisted Language-Learning.
- Ratnawati, Ratnawati; Faridah, Didih. (2017). "Engaging Multimedia into Speaking Class Practices: Toward Student's Achievement and Motivation". *Script Journal: Journal of Linguistic and English Teaching*, 2(2), pp 167-176. <https://doi.org/10.24903/sj.v2i2.135>
- Rashtchi, Mojgan; Zarghami, Zahra; Afshar, Sina. (2021). "Materials Development for an Archival Science Course in Iran: An ESP Mixed Methods Study". *International Journal of Applied Linguistics English Literature*, 10(2), pp 1-17, <http://dx.doi.org/10.7575/aiac.ijalel.v.10n.2p.1>
- Shao, Jing. (2012). "A Study of Multimedia Application-based Vocabulary Acquisition".



- English Language Teaching*, 5(10), pp 202-207.
- Shevchenko, Mariana. (2017). "Multimedia as an ESP Teaching Aid at Technical Universities". *Science Rise: Pedagogical Education*, 4(12), pp 4-8.
- Soleimani, Hasan; Rohani Ravari, Maryam; Jafarigohar, Manoochehr. (2018). "Computer, Information, and Multimedia Literacy among EFL Teachers: Construction and Validation of a Scale". *Iranian Distance Education (IDEJ)*, 1(1), pp 43-54.
- Sura, N. A. (2013). "ESP Listening Comprehension for IT-Students as a Language Skill". *Middle-East Journal of Scientific Research (Socio-Economic Sciences and Humanities)*, 13, pp 16-21.
- Taghavi Takyar, Seyedeh Fatemeh; Jalali, Mehri. (2016). "The Effect of Multimedia-Based Instruction on Improving Iranian EFL Learners' Grammar Knowledge and their Attitudes". *The Journal of Applied Linguistics*, 9(19), pp 161-177.
- Thao, Tran Quoc; Duong, Tham My. (2018). "The Difficulties in ESP Reading Comprehension Encountered by English-Majored Students". *VNU Journal of Foreign Studies*, 34(2), pp 151-161.
- Wesche, Marjorie; Paribakht, T. Sima. (1996). "Assessing Second Language Vocabulary Knowledge: Depth Versus Breadth". *Canadian Modern Language Review*, 53(1), pp 13-39. <https://doi.org/10.3138/CMLR.53.1.13>
- Xu, Liju. (2018). "Learning and Retaining Technical Vocabulary with Enhancement Activities in an ESP Course". *English Language Teaching*, 11(10), pp 145-151. <https://doi.org/10.5539/elt.v11n10p145>
- Xu, Xianhong. (2017). "Study on Effective Using of Multimedia Teaching System and Enhancing Teaching Effect". *iJET*, 12(6), pp 187-195.
- Yang, Wen-hsien. (2016). "ESP vs. CLIL: A coin of two sides or a continuum of two extremes?". *ESP Today*, 4(1), pp 43-68.
- Zimmerman, Barry J; Martinez-Pons, Manuel. (1986). "Development of a Structured Interview for Assessing Student Use of Self-Regulated Learning Strategies". *American Educational Research Journal*, 23(4), pp 614-628.

English Translation of References

Books

- Creswell, John W. (2007). *Qualitative inquiry research design*. California: SAGE.
- Creswell, John W. (2014). *Research design: qualitative, quantitative, and mixed methods approaches*. California: SAGE.
- Dornyei, Zoltan. (2007). *Research Methods in Applied Linguistics*. Oxford: Oxford University Press.
- Duranti, LUCIANA; & Franks, PATRICIA C. (2015). *Encyclopedia of Archival Science*. Maryland: Rowman & Littlefield.

Articles

- Abu-Shamais, & Wafa Khaleel. (2003). "Language learning strategy use in Palestine". *Teaching English as a Second Language- Electronic Journal (TESL-EJ)*, 7(2), pp. 31-45.
- Alam, Sohaib. (2017). "Using Drama for Teaching Language in ESL Classrooms Integrating Multimedia Tools: Issues and Challenges". *The Creative Launcher*, 2(5), pp. 479-486.
- Amineh, Bouzar Mohammed; Benachaiba, Chellali; & Guemide, Boutkhil. (2012). "Using multimedia to motivate students in EFL classrooms: A case study of English master's students at Jijel University, Algeria". *Malaysian Journal of Distance Education*, 14(2), pp. 63-81.
- Anderson, Neil. J. (2003). "Metacognitive reading strategies increase L2 performance". *The Language Teacher*, 27(7), pp. 20-22.
- Antonietti, Alessandro; Colombo, Barbara; & Di Nuzzo, Chiara. (2015). "Metacognition in self-regulated multimedia learning: integrating behavioral, psychophysiological and introspective measures". *Learning, Media and Technology*, 40(2), pp. 187-209. Retrieved from <https://doi.org/10.1080/17439884.2014.933112>.
- Aslani, Mehrdad; & Heidari Tabrizi, Hossein. (2015). "Teaching grammar to Iranian EFL learners through blended learning using multimedia software". *Journal of Applied Linguistics and Language Research*, 2(8), pp. 76-87.



- Barnard, Lucy; Lan, William Y; To, Yen M; Paton, Valerie Osland; & Lai, Shu-Ling. (2009). "Measuring self-regulation in online and blended learning environments". *The Internet and Higher Education*, 12(1), pp. 1-6. Retrieved from <https://doi.org/10.1016/j.iheduc.2008.10.005>.
- Bonsignori, Veronica. (2018). "Using films and TV series for ESP teaching: A multi-modal perspective". *System*, 77, pp. 58-69. Retrieved from <https://doi.org/10.1016/j.system.2018.01.005>.
- Çelik, Serkan; Arkin, Erkan; & Sabriler, Derya. (2012). "EFL learners' use of ICT for self-regulated learning". *The Journal of Language and Linguistic Studies*, 8(2), pp. 98-118.
- Eslami Rasekh, Zohreh; & Ranjbary, R. (2003). "Metacognitive strategy training for vocabulary learning". *TESL-EJ*, 7, pp. 1-17.
- Halwani, Noha. (2017). "Visual Aids and Multimedia in Second Language Acquisition". *English Language Teaching*, 10(6), pp. 53-59. Retrieved from <https://doi.org/10.5539/elt.v10n6p53>.
- Johnson, Genevieve M; & Davies, Sharon M. (2014). "Self-regulated learning in digital environments: Theory, research, praxis". *British Journal of Research*, 1(2), pp. 68-80.
- Khalili, Sadegh; Tahririan, Mohammad Hassan; & Bagheri, Setareh. (2015). "Vocabulary instruction through blended learning and multimedia software in Iranian ESP classes". *Journal of English Language Teaching and Learning*, 7(16), pp. 37-54.
- Lange, Christopher; & Costley, Jamie. (2019). "The negative impact of media diversity on self-regulated learning strategies and cognitive load". *Issues in Educational Research*, 29(1), pp. 158-179.
- Lin, Ch. Y. (2016). "Taiwanese college students' perceptions of integrating multimedia into ESP courses". *Studies in English Language Teaching*, 4(3), pp. 351-359.
- Liulienė, Alvyda; & Metiūnienė, Regina. (2013). "Creativity in building ESP vocabulary in the context of ICT". *Coactivity: Philology, Educology*, 21(1), pp. 45-53.

- Retrieved from <https://doi.org/10.3846/CPE.2013.05>.
- Lloret, Miguel; Agulare, Estela; & Lloret, Alejandro. (2009). "Self-regulated learning using multimedia programs in dentistry postgraduate students: A multimethod approach". *International Electronic Journal of Elementary Education*, 2(1), pp. 101-121.
- Mayer, Richard E; & Moreno, Roxana. (2003). "Nine ways to reduce cognitive load in multimedia learning". *Educational Psychologist*, 38(1), pp. 42-52. Retrieved from https://doi.org/10.1207/S15326985EP3801_6.
- Miller, George A. (1956). "The magical number seven, plus or minus two: Some limits on our capacity for processing information". *Psychology Review*, 63(2), pp. 81-97.
- Rahimi, Ali; & Askari Bigdeli, Rouhollah. (2014). "ICT and EFL students' self-regulation mastery: Educational meat or poison?". In *AsiaCALL Online Journal*, Vol. 8 No. 1 (2014): Special Issue - Proceedings of the 12th International Conference of the Asia Association of Computer-Assisted Language-Learning.
- Ratnawati, Ratnawati; & Faridah, Didih. (2017). "Engaging multimedia into speaking class practices: Toward student's achievement and motivation". *Script Journal: Journal of Linguistic and English Teaching*, 2(2), pp. 167-176. Retrieved from <https://doi.org/10.24903/sj.v2i2.135>.
- Rashtchi, Mojgan; Zarghami, Zahra; & Afshar, Sina. (2021). "Materials development for an archival science course in Iran: An ESP mixed methods study". *International Journal of Applied Linguistics English Literature*, 10(2), pp. 1-17. Retrieved from <http://dx.doi.org/10.7575/aiac.ijalel.v.10n.2p.1>.
- Shao, Jing. (2012). "A study of multimedia application-based vocabulary acquisition". *English Language Teaching*, 5(10), pp. 202-207.
- Shevchenko, Mariana. (2017). "Multimedia as an ESP teaching aid at technical universities". *Science Rise: Pedagogical Education*, 4(12), pp. 4-8.
- Soleimani, Hasan; Rohani Ravari, Maryam; & Jafarigohar, Manoochehr. (2018). "Computer, information, and multimedia literacy among EFL teachers: construction and validation of a scale". *Iranian Distance Education (IDEJ)*, 1(1), pp. 43-54.
- Sura, N. A. (2013). "ESP listening comprehension for IT-students as a language skill".

- Middle-East Journal of Scientific Research (Socio-Economic Sciences and Humanities), 13, pp. 16-21.
- Taghavi Takyar, Seyedeh Fatemeh; & Jalali, Mehri. (2016). "The effect of multimedia-based instruction on improving Iranian EFL learners' grammar knowledge and their attitudes". *The Journal of Applied Linguistics*, 9(19), pp. 161-177.
- Thao, Tran Quoc; & Duong, Tham My. (2018). "The difficulties in ESP reading comprehension encountered by English-majored students". *VNU Journal of Foreign Studies*, 34(2), pp. 151-161.
- Wesche, Marjorie; Paribakht, T. Sima. (1996). "Assessing second language vocabulary knowledge: Depth versus breadth". *Canadian Modern Language Review*, 53(1), pp. 13-39. Retrieved from <https://doi.org/10.3138/CMLR.53.1.13>.
- Xu, Liju. (2018). "Learning and retaining technical vocabulary with enhancement activities in an ESP course". *English Language Teaching*, 11(10), pp. 145-151. Retrieved from <https://doi.org/10.5539/elt.v11n10p145>.
- Xu, Xianhong. (2017). "Study on effective using of multimedia teaching system and enhancing teaching effect". *iJET*, 12(6), pp. 187-195.
- Yang, Wen-hsien. (2016). "ESP vs. CLIL: A coin of two sides or a continuum of two extremes?". *ESP Today*, 4(1), pp. 43-68.
- Zimmerman, Barry J; & Martinez-Pons, Manuel. (1986). "Development of a structured interview for assessing student use of self-regulated learning strategies". *American Educational Research Journal*, 23(4), pp. 614-628.

پیوست الف

واژه‌های اولیه و واژه‌های هدف در آزمون مقیاس دانش واژگان

۴۰ واژه کلی

Access	Capture	Storage	Recordkeeping
Appraisal	Acquisition	Provenance	Destruction
Arrangement	Preservation	Migration	Integrity
Context	Digitalization	Retention	Original order
Description	Classification	Disposal	Communication
Evidence	Medium	Conservation	Schedule
File	Paper	Custody	Item
Format	Container	Inventory	Research room
Identifier	Manuscript	Document	Fonds
Repository	Exhibition	Transfer	Series

۲۰ واژه هدف

Appraisal	Retention
Arrangement	Disposal
Repository	Conservation
Capture	Custody
Acquisition	Inventory
Preservation	Recordkeeping
Classification	Destruction
Medium	Integrity
Provenance	Original order
Migration	Schedule

پیوست ب آزمون مقیاس دانش واژگان

Course: English for Archival Science	
First Name:	Last Name:
Vocabulary Test There are five statements for each word. Read them carefully and choose the best statement or statements. If you do section 5, please also do section 4. Example: Record 1. I don't remember having seen this word before. 2. I have seen this word before, but I don't know what it means. 3. I have seen this word before, and I think it means (L1 translation) 4. I know this word. It means ... سند ... (L1 translation) 5. I can use this word in a sentence, e.g: <i>Archives are responsible to collect records.</i> (if you do this section, please also do section 4).	
در زیر هر کلمه، پنج جمله آمده است. با دقت این جمله‌ها را بخوانید و بهترین پاسخ‌ها را انتخاب کنید. اگر به پرسش ۵ پاسخ می‌دهید، حتماً به پرسش ۴ نیز پاسخ دهید. مثال: Record: ۱- یادم نمی‌آید که این کلمه را قبلاً دیده باشم. ۲- قبلاً این کلمه را دیده‌ام اما معنی آن را نمی‌دانم. ۳- این کلمه را دیده‌ام و فکر می‌کنم که معنی آن است. ۴- معنی این کلمه را می‌دانم. معنی آن است. ۵- می‌توانم این کلمه را در یک جمله انگلیسی به کار ببرم. برای مثال: 	

پیوست پ نمونه‌ای از متن آزمون درک مطلب

Course: English for Archival Science	
First Name:	Last Name:
Time: -	
Reading Comprehension	
Read the passages and choose the one best answer, (a), (b), (c), or (d) for each question. Mark your choice on the answer sheet.	

Passage

Computerization was introduced into the workplace as a means to calculate data on a larger scale in a shorter time than human beings could achieve. Data were compiled into hierarchical database structures to enable aggregation, analysis, and selective extraction for presentation in documents. These developments opened the door to an extension of information relationships and to the presentation of data content such that documents could be updated with current data and made available simultaneously to a distributed workforce. With the recognition of the need to distinguish between documents in progress and those which are in the process of being completed, document management systems (DMS) emerged to control and monitor access to content so that completed documents suitable to inform action could be identified and disseminated across a distributed network. Evolving repeatedly, incorporating technological advances, the electronic document management system (EDMS) controlled and tracked the acquisition, creation, modification, and dissemination of digital and digitalized documents. An EDMS enables collaborative development of documents, reducing costs, time, and risks associated with services or product delivery while improving consistency and accountability. Historically, in EDMS, the focus on document creation, use, and dissemination did not extend to disposition.

The electronic records management systems (ERMS) emerged as distinct from EDMS in the 1990s to encompass intellectual management of paper-based and other physical records. The ERMS was designed to manage physical entities, records in analog form with the application for establishing and managing the relationship between logical entities and their physical manifestations in records stored in physical locations. With time and an increased need to manage electronic records, the meaning of the term has been applied to cover the management process of electronic records, non-electronic records, or both.

An Electronic Document and Records Management System (EDRMS) is part of an evolving class of computer application oriented toward the management of records in the digital environment. EDRMS represents the contributed attributes of an EDMS and ERMS. EDRMS is commonly understood to describe an automated tool to control and track the creation, use, modification, management, and disposal of both physical and electronically created documents and records, encompassing a workflow capability that extends functionality toward content management (CM).



1. The best title for this passage would be
 - a. 'The Definition of EDRMS'
 - b. 'The Functionalities of EDRMS'
 - c. 'The Applications of EDRMS'
 - d. 'The Evolution of the EDRMS'

2. The main purpose of document management systems (DMS) is
 - a. to identify and disseminate the content of completed documents
 - b. to disseminate any type of documents suitable to inform action
 - c. to identify and disseminate the content of any type of documents
 - d. to disseminate any type of documents across a distributed network

3. is the only phase of document management that is not covered by EDMS.
 - a. Creation
 - b. Disposition
 - c. Dissemination
 - d. Use

4. It can be inferred from the passage that the electronic records management systems (ERMS)
 - a. apply to the management of paper-based and other physical records
 - b. are in essence similar to electronic document management systems (EDMS)
 - c. encompasses the management of electronic records, non-electronic records, or both
 - d. make a relationship between logical entities and physical ones (analog records)

5. Which of the following statements is **NOT** correct about EDRMS?
EDRMS is a computer application
 - a. applicable to both physical and electronic created documents
 - b. encompassing both EDMS and ERMS capabilities
 - c. embedding the capabilities of content management systems
 - d. applicable to records/documents just in the digital environment

پیوست سرفصل مطالب ارائه شده در کلاس

جلسه	موضوع	تعداد کلمات/عبارت‌های تخصصی جدید	تعداد واژگان هدف
۱#	معرفی آرشیو	۱۵	۲
۲#	چرا آرشیوها مهم هستند؟	۱۵	۲
۳#	آرشیو‌داران چه می‌کنند؟	۱۵	۲
۴#	انواع اسناد	۱۵	۲
۵#	فراهم‌آوری و ارزشیابی اسناد	۱۵	۲
۶#	تنظیم و توصیف اسناد	۱۵	۲
۷#	حفاظت و نگهداری از منابع آرشیوی	۱۵	۲
۸#	نمایشگاه منابع آرشیوی	۱۵	۲
۹#	ریسک‌های عمده در آرشیوها	۱۵	۲
۱۰#	مدیریت اسناد و آرشیوها	۱۵	۲



Identification and Introduction of the Seals of the Qajar Chancellors

Reza Farasati¹ | Mohammad Khandan² | Mohammadreza Vasfi³

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract:

Purpose: Seals are important tools for experts to describe archives and for researchers to describe and recognize old records. The purpose of this research is to produce a reference source for the seals of the Qajar Chancellors.

Method and Research Design: Library research and a checklist used to investigate the edicts in the Qajar records of Contemporary Historical Research Institute and other archives.

Finding and conclusion: The texts of the seals were derived from the verses of the Qur'an, dhikr, prayer, nickname, title, and personal name from the beginning of the Qajar period to the middle of the Nasserite period. From the presidency of Mirza Agha Khan Nouri, the word "Chancellor" began to appear in the text. Atabak Azam and Vazir Azam - both have the same meaning- became popular in the seals in the Mozaffari period. In the seals of the Mohammad Ali Shah period, the words Atabak Azam and Sadra Azam were observed. From the Nasserite period, the symbol of lion and sun appeared in some seals. The shapes of the seals were various - rectangle, square, oval, octagon, and pear - and the script of most of them was Nasta'liq. The languages of the texts were Arabic, Persian / Arabic, and Persian. 54 seals of 24 chancellors were described and explained thoroughly in this research, which can be a reference for archivists and researchers to recognize the seals of dignitaries of the Qajar.

Keywords: Sigillography; Qajar Period; Chancellors; Historical Records.

Citation: Farasati, R., Khandan, M., & Vasfi, M. (2022). Identification and Introduction of the Seals of the Qajar Chancellors. *Ganjine-ye Asnad*, 32(1), 184-225 | doi: 10.30484/ganj.2022.2921

1. PhD Student of Information Science and Knowledge, Kish International Campus, University of Tehran, Tehran, I.R. Iran
r.farasati94@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Information Science and Knowledge, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, I.R. Iran,
(Corresponding Author)
khandan@ut.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Information Science and Knowledge, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, I.R. Iran
mvasfi@ut.ac.ir

Copyright © 2022, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad
«125»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI):10.30484/GANJ.2022.2921

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 32, No. 1, Spring 2022 | pp: 184 - 225 (42) | Received: 18, Oct. 2021 | Accepted: 11, Mar. 2022

Archival research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرش‌یوی

مقاله پژوهشی

در راستای توصیف اسناد تاریخی: شناسایی و معرفی مهرهای صدراعظم‌های قاجار

رضا فراس‌تی^۱ | محمد خندان^۲ | محمدرضا وصفی^۳

چکیده:

مهرها ابزاری برای متخصصان آرشیوها و محققان در توصیف و شناخت اسناد قدیمی هستند.

هدف: تولید منبعی مستند و مرجع از مهر صدراعظم‌های قاجار در دورهٔ صدارت.

روش/ رویکرد پژوهش: روش پژوهش کتابخانه‌ای است و ابزار جمع‌آوری اطلاعات سیاهه واری است. جامعهٔ مورد مطالعه فرمان‌های پژوهشکدهٔ تاریخ معاصر و سایر مراکز اسنادی است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: متن مهر صدراعظم‌های دورهٔ قاجار از ابتدای این دوره تا اواسط دورهٔ ناصری از آیات قرآن، اذکار، دعاها، کنیه‌ها، عناوین، القاب و نام‌ها گرفته شده بود. از صدارت میرزا آقاخان نوری واژهٔ صدراعظم در مهرها راه یافت. دو واژهٔ هم‌معنی اتابک اعظم و وزیر اعظم در دورهٔ مظفری در مهرها باب شد. در مهرهای دورهٔ محمدعلی‌شاه، واژه‌های اتابک اعظم و صدراعظم پیدا شد. در این تحقیق از ۲۴ صدراعظم ۵۴ نقش مهر با مستندات، توضیح شکل، علائم، مناسبت تاریخ حک، نوع خط و زبان به‌دست آمد. از دورهٔ ناصری علامت شیروخورشید در برخی از مهرها ظاهر شد. شکل مهرها مستطیل، مربع، بیضی، هشت‌گوش و گلابی بود و خط اغلب آن‌ها نستعلیق و زبان مهرها عربی، فارسی/عربی و فارسی بود. در این تحقیق از ۲۴ صدراعظم ۵۴ نقش مهر با مستندات، توضیح شکل، علائم، مناسبت تاریخ حک، نوع خط و زبان به‌دست آمد و با این تحقیق بخشی از کمبود منبع مرجع در شناخت مهرهای رجال پوشش داده شد.

کلیدواژه‌ها: مهرشناسی؛ دورهٔ قاجار؛ صدراعظم‌ها؛ اسناد تاریخی.

استناد: فراس‌تی، رضا، خندان، محمد، وصفی، محمدرضا. (۱۴۰۱). در راستای توصیف اسناد تاریخی: شناسایی و معرفی

مهرهای صدراعظم‌های قاجار. *گنجینهٔ اسناد*، ۳۲(۱)، ۱۸۴-۲۲۵ | doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲.۲۹۲۱

۱. دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش
شناسی، پردیس کیش دانشگاه تهران، تهران،
ایران

r.farasati94@gmail.com

۲. استادیار علم اطلاعات و دانش شناسی
دانشکدهٔ مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران،
(نویسندهٔ مسئول)

khandan@ut.ac.ir

۳. استادیار علم اطلاعات و دانش شناسی
دانشکدهٔ مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران
mvafsi@ut.ac.ir



گنجینهٔ اسناد «۱۲۵»

فصلنامهٔ علمی | سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی ج.ا.ایران - پژوهشکدهٔ اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیک): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانهٔ برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۲.۲۹۲۱

نمایه در ISC, SID, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال | http://ganjineh.nlai.ir

سال ۳۲، دفتر ۱، بهار ۱۴۰۱ | صص: ۱۸۴ - ۲۲۵ (۴۲)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۲۶ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۰

تحقیقات آرشیوی

۱. مقدمه و بیان موضوع

منابعی که مهرها در آنها معرفی شده‌اند، عموماً موضوعی‌اند و جزء مراجع و ابزاری هستند که در شناخت و اهمیت اسناد برای کارشناسان توصیف و محققان کاربرد می‌یابند. بسته به نوع اسناد و اطلاعات در دسترس، تاکنون نقش مهرهای شاهان، شاهزادگان، خواتین درباری، تعدادی از رجال، مهرهای موجود در بقاع متبرکه و یا نزد موزه‌ها چاپ شده‌است. برای تسریع در ابزارسازی، توجه به طبقه‌بندی اسناد تاریخی لازم است. مثلاً در معرفی مهر علما و روحانیون تقدم در بررسی اسناد شرعی است، ولی مهر رجال سیاسی را اغلب در اسناد دیوانی می‌توان یافت.

اثر مهر صدراعظم‌های قاجار اغلب در اسناد دیوانی و به‌ویژه در ظهر فرمان‌ها وجود دارد. این اسناد در آرشیوهای کشور فراوان‌اند و تعدادی از آنها نیز چاپ شده‌اند؛ ولی مهرهای آنها به دلیل کمبود اطلاعات به صورت مستند، جامع و یکجا شناسایی و معرفی نشده‌اند. از این رو موضوع پژوهش حاضر شناسایی و معرفی نقش مهر صدراعظم‌های قاجار است. برای پرداختن به این موضوع پرسش‌هایی بدین ترتیب مطرح است:

۱. نقش، شکل و علائم مهر صدراعظم‌های قاجار چگونه بوده‌است؟

۲. مناسبت تاریخ حک چه بوده‌است؟

۳. خط و زبان مهرها چه بوده‌اند؟

هدف این تحقیق تولید منبعی مستند و مرجع از مهر صدراعظم‌های قاجار در دوره صدارت است.

پیشینه

۱. طاهری شهاب (۱۳۴۴) درباره صدور فقط به متن دو مهر بدون تاریخ حک یکی متعلق به میرزا آقاخان نوری و دیگری میرزا حسین خان سپهسالار به نقل از نسخه خطی **گُرّاسه المعی** اشاره دارد و تصویری از مهرها را ارائه نداده‌است.

۲. فراستی (۱۳۸۰) با استفاده از اطلاعات ظهر سند، ضمن ارائه تصویر با ذکر شکل، به متن مهری از سلطان عبدالمجید میرزا عین الدوله اشاره کرده‌است.

۳. کریم‌زاده تبریزی (۱۳۸۵) ضمن ارائه تصویر با ذکر شکل و نوع خط، به دو نقش مهر از میرزاتقی خان امیرکبیر، دو مهر از میرزا آقاخان نوری، یک مهر از میرزایوسف خان مستوفی الممالک، پنج مهر از میرزا علی اصغر خان امین السلطان، و یک مهر بدون تصویر هم از امین السلطان پرداخته‌است. او به مهری از امین السلطان به تاریخ حک ۱۳۱۰ در ظهر سندی به تاریخ ۱۳۰۴، اشاره دارد. به دلیل آنکه تاریخ سند بر تاریخ حک مهر مقدم



است، آن خوانش صحیح نیست.

۴. جدی (۱۳۹۰) تصویر نقش چهار مهر را با ذکر شکل و نوع خط از میرزا محمدخان سپهسالار و میرزا حسین خان سپهسالار آورده است.
۵. جدی (۱۳۹۲) تصاویر شش مهر را از میرزا آقاخان نوری، میرزا علی اصغر خان امین السلطان و نیز احمدخان مشیرالسلطنه آورده است.
- در منابع چاپی با حذف موارد تکراری و خوانش‌های نادرست، به‌طور پراکنده بیست مهر مربوط به هشت صدراعظم قاجار معرفی شده‌اند.

روش تحقیق:

کتابخانه‌ای (بررسی متون و اسناد تاریخی) است و ابزار جمع‌آوری اطلاعات سیاهه واریسی است.

روش اجرایی تحقیق:

ابتدا فرمان‌های شاهان قاجار موجود در پژوهش‌کده تاریخ معاصر (مؤسسه سابق مطالعات تاریخ معاصر ایران) به‌دلیل امکان دسترسی به تصاویر اسناد و یا اصل آن‌ها برای نگارنده، برای تولید اطلاعات پایه بررسی شد. سپس از بانک اطلاعاتی «اسناد چاپ‌شده در کتاب‌ها و مجلات» پژوهش‌کده فوق بهره‌برداری شد و آنگاه اطلاعات به‌دست‌آمده از سایر مراکز یا منابع به اطلاعات پایه اضافه شد.

شایان‌ذکر است که برای ارائه اطلاعات مستند، مهرها به‌ترتیب دوره پادشاهی و تاریخ حک آورده شده‌اند.

جامعه مورد مطالعه:

فرمان‌های پژوهش‌کده تاریخ معاصر برای تولید اطلاعات پایه، و اسناد قابل دسترس سایر مراکز اسنادی.

در مجموع هشت‌صد فرمان از پژوهش‌کده تاریخ معاصر بررسی شد. حدود دویست فرمان هم از معاونت اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی و شعبه تبریز، مرکز اسناد آستان قدس رضوی، مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک، بخش خطی دانشگاه تهران، کتابخانه کاظمینی یزد و نیز منابع چاپی به‌دست آمد که اطلاعات آن‌ها اغلب تکراری بود و اندک یافته‌های جدید این اسناد به اطلاعات پایه منضم شد.

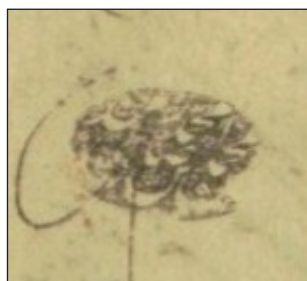
۲. مهرهای صدراعظم‌ها

۲.۱. دوره آقامحمدخان (۱۱۹۳ تا ۱۲۱۲ ق)

در این دوره چهار نفر صدراعظم بوده‌اند که پنج نقش مهر از آن‌ها به دست آمد:

۲.۱.۱. محمد رضا بن محمد مهدی

تاکنون اسناد به دست آمده از دوره آقامحمدخان، از ۱۱۹۹ ق به بعد است. محمد رضا بن محمد مهدی از شعبان ۱۱۹۹ تا محرم ۱۲۰۰ ق به تناوب زمام امور را در دست داشته و در جایگاه صدراعظم اسناد را مهر و ثبت می‌کرده است. شکل مهر او بیضی (تصویر ۱)، و نقش آن «عبد محمد رضا بن محمد مهدی» به خط نستعلیق و زبان عربی است (مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک، ۱۶-۰۰۰۱۸).



تصویر ۱

مهر محمد رضا بن محمد مهدی

شکل مهر دیگر او مربع (تصویر ۲)، با نقش «عبد محمد رضا بن محمد مهدی» به خط نستعلیق و زبان عربی در شوال ۱۲۱۱، مشاهده شد (ساکما، ۱۶۷۳۱-۲۹۶). به نظر این تاریخ، زمانی است که شاه به قصد تسخیر شوشی با حاج ابراهیم کلانتر عازم بوده است و زمام امور به محمد رضا بن محمد مهدی سپرده شده بوده است.

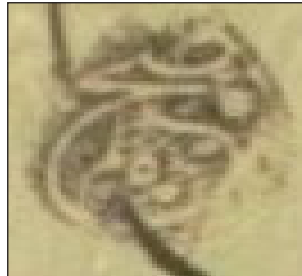


تصویر ۲

مهر محمد رضا بن محمد مهدی

۲.۱.۲. محمدکاظم

اثر مهر گلابی شکل او (تصویر ۳)، با نقش «صح محمدکاظم» به خط نستعلیق و زبان عربی در ذی حجه ۱۱۹۹ ق، مشاهده شد (سعیدی، ۱۳۹۳، ص ۴۸۰).



تصویر ۳

مهر محمدکاظم

۲.۱.۳. میرزاشفیعی مازندرانی

«گفته می شود هنگامی که آقامحمدخان در اطراف بارفروش به جمع آوری قوا مشغول بود، شب هنگام به خانه حاجی خان جان حاکم قریه بندپی - فرود می آید. در آن خانه قرارداد مودتی بین حاکم بندپی و آقامحمدخان به امضا می رسد. این قرارداد را میرزاشفیعی به رشته تحریر درمی آورد و آقامحمدخان سیاق نوشتار میرزاشفیعی را می پسندد و خواستار آشنایی با کاتب قرارداد می شود. میرزاشفیعی را که تنها ملای ده و از نزدیکان حاکم بندپی بود نزد آقامحمدخان می آورند و چون آقامحمدخان در ابتدای کار تحکیم قدرت خود، به مکاتبه و نامه نگاری احتیاج داشت، از حاکم بندپی تقاضا می کند تا میرزاشفیعی تنها به مدت چند ماه در خدمت آقامحمدخان قرار گیرد. این خواسته آقامحمدخان اجابت می شود و ترقی میرزاشفیعی از این لحظه آغاز و ...» (افشاری، ۱۳۷۲، ص ۳۲).

اعتمادالسلطنه درباره میرزاشفیعی چنین نوشته است:

«در اوان سلطنت شاه شهید - آقامحمدخان قاجار - گاهی به وزارت پرداخته و گاهی در صحرای استعفا رحل اقامت انداخته است.» «... لکن به یک حساب می توان او را صدر اول و صدر اعلی قرار داد؛ [چنان که] در متون تواریخ مشهود می شود که در بدو سلطنت شاه شهید آقامحمدخان، سر رشته امور وزارت به دست میرزاشفیعی بود و حاجی ابراهیم خان شیرازی هم به تصریح مورخین با او در امورات وزارت بلاشترک مداخله می نمود» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۹، صص ۴۴ و ۶۷).

نادرمیرزا قاجار (۱۳۶۰، صص ۲۷۱ و ۲۷۲) نیز صدارت میرزاشفیعی را تأیید کرده است. در ظهر تعدادی از رقم های آقامحمدخان از سال ۱۲۰۱ تا ۱۲۰۹ قمری - قبل از

صدارت میرزا ابراهیم خان کلانتر - در محل مهر صدراعظم، مهر میرزا شفیع وجود دارد. مهر مستطیل شکل او (تصویر ۴) با نقش «لااله الا الله الملك الحق المبين عبده محمد شفیع» به خط نستعلیق و زبان عربی در ۱۴ صفر ۱۲۰۱ ق دیده شد (مؤسسه کتاب‌خانه و موزه ملی ملک، ۱۹-۰۰۰-۱۶).



تصویر ۴

مهر میرزا شفیع مازندرانی

نقش مهر چهارگوش صدر [اعظم] که در پشت فرمان‌ها دیده شده است این است: «لااله الا الله الملك الحق المبين محمد شفیع» و مهر بادامی کوچک او با نقش «عبده محمد شفیع» در پشت برات دیده شده است (اعتماد السلطنه، ۱۳۴۹، ص ۶۸).

۲.۱.۴. حاجی محمد ابراهیم خان شیرازی

اعتماد السلطنه درباره حاجی محمد ابراهیم خان چنین آورده است: «در دوره آقامحمدخان - شاه شهید - بعد از بیگلربیگی و حکومت فارس به وزارت خاصه شاه شهید سرافراز آمد، لقب اعتمادالدوله یافت» و «در سنه یک‌هزار و دوست و نه هجری به وزارت و وکالت خاصه سلطانی اختصاص یافت و به رسم سلاطین صفوی به اعتمادالدوله ملقب شد» (اعتماد السلطنه، ۱۳۴۹، صص ۱۴ و ۲۱). او در شعبان ۱۲۰۹ ق صدراعظم شد. مهر مربع شکل او (تصویر ۵) با نقش «سلام علی ابراهیم» به خط نسخ و زبان عربی در شعبان ۱۲۰۹ ق، دیده شد (سعیدی، ۱۳۹۳، ص ۴۸۸).



تصویر ۵

مهر حاجی محمد ابراهیم شیرازی



۲.۲. دوره فتح‌علی‌شاه (۱۲۱۲ تا ۱۲۵۰ ق)

در این دوره پنج نفر صدراعظم شدند و هفت نقش مهر از آن‌ها به دست آمد. عبدالله‌خان امین‌الدوله دو بار به این سمت منصوب شد.

۲.۲.۱. حاجی محمد ابراهیم خان شیرازی

او از آغاز سلطنت فتح‌علی‌شاه (۱۲۱۲ ق) در امتداد صدارت قبلی‌اش، تا غرة ذی‌حجه ۱۲۱۵ ق هم‌چنان بر سر قدرت ماند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۹، ص ۵۰). در این دوره شکل مهر او مستطیل (تصویر ۶) و نقش آن «لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده محمد ابراهيم ۱۲۱۲» به خط نستعلیق و زبان عربی بود (متما، ۵۸۷۳/۲ پ).



تصویر ۶

مهر حاجی محمد ابراهیم شیرازی

۲.۲.۲. میرزا شفیع مازندرانی

پس از برکناری و قتل حاجی ابراهیم خان کلاتر، میرزا شفیع از ذی‌حجه ۱۲۱۵ تا ۱۹ رمضان ۱۲۳۴ ق (زمان فوتش) صدراعظم بود. «او اول کسی است که لفظاً و معنأً به صدراعظم ملقب شده است. اگرچه حاجی ابراهیم خان قبل از او شغل صدارت داشته [است]، لیکن او را [حاجی ابراهیم خان را] به لقب اعتمادالدوله می‌خواندند. این لفظ مرکب و این لقب صدراعظم بدو اختصاص میرزا شفیع بوده است...» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۹، صص ۵۰ و ۶۷).

میرزا شفیع در دوره فتح‌علی‌شاه دو نقش مهر داشت: مهر مستطیل شکل او (تصویر ۷) با نقش «ومن يتوكل على الله عبده محمد شفیع» به خط نستعلیق و زبان عربی در شوال ۱۲۱۷ ق، دیده شد (متما، ۷۰۹۳/۲ پ).



تصویر ۷

مهر میرزا شفیع مازندرانی

مهر مستطیل دیگری از او (تصویر ۸) با نقش «لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده محمد شفيع ۱۲۱۸» به خط نستعلیق و زبان عربی دیده شد (متما، ۷۰۹۷/۲ پ). نقش مهر مذکور با مهر قبلی‌اش در دوره آقامحمدخان یکی است؛ ولی مسلماً این مهر، دوباره در تاریخ ۱۲۱۸ ق ساخته شده است. مناسبت این مهر چنین است که در سال ۱۲۱۸ ق میرزاشفیع به امر شاه به قصد دفع فتنه سردار روس سیسیانوف (ایشپخدر) همراه عباس میرزا نایب السلطنه به آذربایجان رفت.



تصویر ۸

مهر میرزا شفیع مازندرانی

۲.۲.۳. حاجی محمدحسین خان صدر اصفهانی

او پس از فوت میرزاشفیع (در ۱۹ رمضان ۱۲۳۴ ق) تا ۱۳ صفر ۱۲۳۹ ق (زمان فوت خودش) صدارت کرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۹، ص ۸۷).

در سال ۱۲۲۱ ق فتح‌علی شاه ارکان دولت را مرکب از چهار وزیر قرار داد: صدراعظم، مستوفی‌الممالک، منشی‌الممالک، و وزیر لشکر. فتح‌علی شاه در این سال حاجی محمدحسین خان را که بیگلربیگی و حاکم اصفهان بود به تهران فراخواند و پس از دادن لقب امین‌الدوله به او، او را وزیر ثانی و مستوفی‌الممالک کرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۹، ص ۷۶).

اسناد انگشت‌شماری از دوره صدارت حاجی محمدحسین خان به دست آمد. سندی در کتاب‌خانه کاظمینی یزد وجود دارد که ظهر آن فاقد مهر صدر مذکور است. تعدادی سند مربوط به دوره قاجار از بخش خطی کتاب‌خانه ملی به معاونت اسناد منتقل شده است که از میان آن‌ها دو سند مربوط به دوره صدارت حاجی محمدحسین خان بدون تصویر و خوانش ظهر چاپ شده‌اند (رضوانی و سعیدی، ۱۳۷۵، صص ۸ و ۹). فهرست اطلاعات یکی از این سندها در بانک اطلاعات معاونت مذکور دیده شد که در آن مشخصات مهر حاجی محمدحسین خان نوشته شده بود ولی تصویر سند آن آماده ارائه نبود. از این رو حدس زده می‌شود که صدر مذکور طی مدت مستوفی‌الممالکی و حتی زمان صدراعظمی از مهری مستطیل شکل (تصویر ۹) با نقش «لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده محمدحسین



۱۲۲۱» به خط نستعلیق و زبان عربی استفاده می کرده است (متما، ۵۷۸۹/۲ پ). تاریخ حک مهر ناخواناست، ولی به نظر ۱۲۲۱ است.



تصویر ۹

مهر حاجی محمد حسین خان صدر اصفهانی

«... از ابتدای فوت حاجی میرزا محمد حسین خان صدر تا طلوع قائم مقام که ایام فترت صدور بود، بعضی اشخاص دیگر به طور تزلزل کار صدارت می کردند و بی اختیار، امور دولتی به دست ایشان بود؛ لیکن کار چندان نضج نگرفت که رسماً صدارت آن‌ها را اعلان کنند. در واقع کار صدارت به طور ملوک الطوایفی بود و این‌ها مثل اوصیایی بودند که کار صدارت را پیش می بردند» (اعتماد السلطنه، ۱۳۴۹، ص ۱۰۴).

۲.۲.۴. عبدالله خان امین الدوله

عبدالله خان پسر حاجی محمد حسین صدر اصفهانی در سال ۱۲۲۸ قمری وزیر استیفا شد و به امین الدوله ملقب شد. او به مدت یک سال پس از فوت پدر از ۱۲۳۹ تا ۱۲۴۰ ق کار صدارت را پیش می برد؛ سپس برکنار شد. شکل مهر او طی مدت مستوفی الممالکی و حتی زمان صدراعظمی مستطیل (تصویر ۱۰)، با نقش «لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده عبدالله ۱۲۲۸» به خط نستعلیق و زبان عربی بود (متما، ۶۰۱۱/۲ پ). تاریخ حک مهر مصادف است با سالی که او مستوفی الممالک شد و به امین الدوله ملقب شد.



تصویر ۱۰

مهر میرزا عبدالله خان امین الدوله



۲.۲.۵. الله یار خان آصف الدوله

آصف الدوله از ۱۲۴۰ ق تا زمان برکناری (۱۲۴۳ ق) کار صدارت را پیش می‌برد. شکل مهر او مستطیل (تصویر ۱۱)، نقش آن «لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده الله یار ۱۲۴۰» به خط نستعلیق و زبان عربی بود (متما، ۶-۶-۱۲۸ گ). سال ۱۲۴۰ ق با انتصاب او به صدراعظمی مصادف است.



تصویر ۱۱

مهر آصف الدوله

۲.۲.۶. عبدالله خان امین الدوله

امین الدوله برای بار دوم از ۱۲۴۳ ق (بعد از انعقاد قرارداد ترکمانچای) تا ۱۲۵۰ ق (فوت فتح‌علی‌شاه) صدراعظم شد. شکل مهر او مستطیل (تصویر ۱۲)، نقش آن «لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده الله ۱۲۲۸» به خط نستعلیق و زبان عربی بود که در ظهر فرمانی به تاریخ رمضان ۱۲۴۸، دیده شد (متما، ۵۸۰۷/۲ پ). تاریخ حک مهر مربوط به زمانی است که به امین الدوله ملقب شد. اگرچه نقش مهر دو دوره صدارت او یکی است، ولی این دو مهر از نظر شکل با یکدیگر تفاوت جزئی دارند.



تصویر ۱۲

مهر میرزا عبدالله خان امین الدوله

۲.۳. دوره محمد شاه (۱۲۵۰ تا ۱۲۶۴ ق)

در این دوره دو نفر صدراعظم بودند. برای یافتن مهرهای آنها ۶۰ فرمان و ملفوفه فرمان دیده شد. در ظهر هیچ‌یک از آنها اثری از مهر صدور یافت نشد؛ به عبارتی محل مهر



صدور خالی بود. شاید دلیل آن در نوشته اعتمادالسلطنه (۱۳۴۹، ص ۲۵۱) باشد: «حتماً شرط نیست که هرکس صدارت دارد مخصوصاً به لفظ صدراعظم خوانده شود؛ چنانکه قائم مقام و حاجی میرزا آقاسی هم مخاطب به این لفظ نشده [بودند]، لکن در نهایت اقتدار صدارت داشتند.»

۲.۳.۱. میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی

او از آغاز سلطنت محمدشاه از رجب ۱۲۵۰ تا آخر صفر ۱۲۵۱ به کار صدارت مشغول بود.

۲.۳.۲. حاجی میرزا آقاسی

او از ربیع الاول ۱۲۵۱ تا ۶ شوال ۱۲۶۴ ق (فوت محمدشاه) به امر صدارت پرداخت. «در آخر صفر ۱۲۵۱ وزارت حاجی میرزا آقاسی اعلان شد و از ۱۲۵۲ شروع به کار صدارت کرد؛ «در واقع وزارت حاجی از ۱۲۵۲ بوده [است]» (اعتمادالسلطنه ۱۳۴۹، صص ۱۵۹ و ۱۸۱).

در کتاب «دانش نامه مهر و حکاکی» (جدی، ۱۳۹۲، ص ۴۴۶) مهری بیضی (تصویر ۱۳) با نقش «آقاسی» آمده است. اثر مهر مذکور در نسخه خطی ۵۶۶۴ مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک دیده شد. رقم یکان تاریخ حک مهر ناخواناست و بقیه ۱۲۳؟ است. این نسخه حاوی ۲۳۷ برگ سند در ۴۸۳ صفحه مکاتبات حاج میرزا آقاسی از ۱۲۵۲ تا ۱۲۶۴ ق با رئیس گمرک و مباشر شیلات گیلان است.



تصویر ۱۳

مهر حاجی میرزا آقاسی

۲.۴. دوره ناصرالدین شاه (۱۲۶۴ تا ۱۳۱۳ ق)

منصب صدارت عظمی در این دوره استمرار نداشت؛ به طوری که شش نفر به تناوب صدارت داشتند که از آن‌ها بیست و شش نقش مهر به دست آمد:



۲.۴.۱. میرزاتقی‌خان امیرکبیر

او از آغاز سلطنت ناصرالدین‌شاه (۱۲۶۴ق) تا ۱۹ محرم ۱۲۶۸ق صدر اعظم بود؛ آنگاه برکنار شد. تاکنون دو مهر از او به دست آمده است:

مهر بیضی‌شکل او (تصویر ۱۴) با نقش «عبدہ الراجی محمدتقی ۱۲۴۹» به خط نستعلیق و زبان عربی در ظهر فرمانی به تاریخ ۳ جمادی‌الثانی ۱۲۶۷ق، مشاهده شد (متما، ۵۸۲۱/۲پ). تاریخ حک مهر مربوط به قبل از صدارت او است و مناسبتی برای او در سال ۱۲۴۹ به دست نیامد.

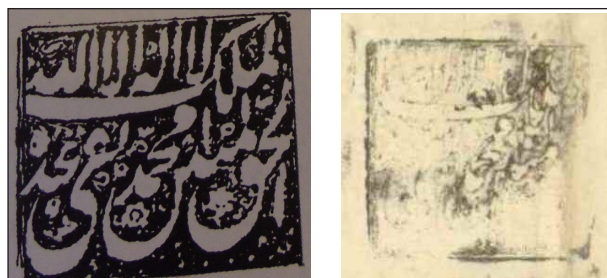


تصویر ۱۴

مهر امیرکبیر

مهر مستطیل او (تصویر ۱۵ الف) با نقش «لا اله الا الله الملك الحق المبين عبدہ محمدتقی ۱۲۵۳» به خط نستعلیق و زبان عربی در ظهر فرمانی به تاریخ شعبان ۱۲۶۵ق، دیده شد (متما، ۵۸۹۲/۲پ).

تاریخ حک این مهر ناخواناست؛ به طوری که عدد دهگان آن به خوبی دیده نمی‌شود. بر فرض اگر تاریخ حک مهر ۱۲۵۳ باشد، سال همراهی میرزاتقی‌خان با ناصرالدین‌میرزا ولیعهد در سفر به تفلیس و ایروان است (بامداد، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۲۱۰). تصویر اصلاح شده مهر مذکور (تصویر ۱۵ ب) از کتاب کریم‌زاده تبریزی گرفته شده است.



تصویر ۱۵

مهر امیرکبیر

کریم‌زاده تبریزی (۱۳۸۵، ص ۳۵۲) از نقش سه مهر متعلق به امیرکبیر یاد کرده‌است. سومین مهر معرفی شده در کتاب مذکور با نقش «محمدتقی ۱۲۴۵» متعلق به محمدتقی منشی‌الممالک است نه امیرکبیر. مهر یادشده در ظهر فرمان‌های محمدشاه در محل مهر منشی‌الممالک به فراوانی و به‌خوبی قابل‌رؤیت است (اسناد متما و نیز فراستی، ۱۳۷۲).

۲.۴.۲. میرزا آقاخان نوری

او از ۶ صفر ۱۲۶۸ ق تا زمان عزلش در ۲۰ محرم ۱۲۷۵ ق صدراعظم بود (افشاری، ۱۳۷۲، ص ۱۶۹). از او چهار مهر از این مدت به‌ترتیب زیر به‌دست آمد: مهر مربع (تصویر ۱۶) با نقش «عبدالله آقاخان ابن اسدالله ۱۲۴۸» به‌خط نستعلیق و زبان عربی. این مهر مربوط به قبل از صدارت میرزا آقاخان است و در ظهر فرمان‌های متعدد از دوره محمدشاه به‌عنوان وزیر عساکر منصوره از جمله سندی به‌تاریخ ذی‌قعدة ۱۲۵۵ ق، دیده شد (متما، ۶۰۱۲/۲ پ). میرزا آقاخان در آغاز صدارت از آن مهر استفاده می‌کرده‌است؛ به‌طوری‌که اثرش در ظهر فرمانی به‌تاریخ ۷ صفر ۱۲۶۸ ق، مشاهده شد (متما، ۵۹۷۳/۲ پ). مناسبتی برای تاریخ حک مهر در سال ۱۲۴۸ به‌دست نیامد.



تصویر ۱۶

مهر میرزا آقاخان نوری

مهری بیضی‌شکل (تصویر ۱۷) با نقش «عبدالله آقاخان ابن اسدالله ۱۲۴۹» به‌خط نستعلیق و زبان عربی در ظهر فرمانی به‌تاریخ شوال ۱۲۶۸ ق، دیده شد (متما، ۵۹۳۳/۲ پ). برای این مهر که به قبل از صدارت مربوط است مناسبتی در سال ۱۲۴۹ به‌دست نیامد.



تصویر ۱۷

مهر میرزا آقاخان نوری

مهری هشت‌گوش (تصویر ۱۸) با علامت شیر خوابیده و خورشید و نقش «صدر اعظم دولت علیه ایران المستعین الراجی اعتمادالدوله میرزا آقاخان ۱۲۶۸» به خط نستعلیق و زبان فارسی و عربی (متما، ۱/۱۳۵۵ق).



تصویر ۱۸

مهر میرزا آقاخان نوری

مهری بیضی‌شکل (تصویر ۱۹) با علامت شیر خوابیده و خورشید، با نقش «صدر اعظم دولت علیه ایران اعتمادالدوله میرزا آقاخان ۱۲۶۸» به خط نستعلیق و زبان فارسی (متما، ۲/۶۱۵۸پ).



تصویر ۱۹

مهر میرزا آقاخان نوری

بعد از عزل میرزا آقاخان نوری در سال ۱۲۷۵ق، به مدت یک سال شورای وزرای ۶ نفره و بعد مجلس شورای دولتی با حضور ۱۰ تن از رجال تا صدارت میرزا محمدخان سپه‌سالار در سال ۱۲۸۱ق، امور را تصدی می‌کردند.

۲.۴.۳. میرزا محمدخان قاجار

او از ۲۴ شوال ۱۲۸۱ق تا صفر ۱۲۸۳ق صدر اعظم بود (افشاری، ۱۳۷۲، ص ۱۸۷). از او پنج نقش مهر زیر به دست آمد: مهری بادامی‌شکل (تصویر ۲۰) با نقش «انا عبد من عبید محمد ۱۲۷۶» به خط نستعلیق و زبان عربی که در ظهر فرمان‌ها از جمله به تاریخ شوال ۱۲۸۲ق و صفر ۱۲۸۳ق استفاده شده است (متما، ۲/۶۳۲۷پ؛ ۲/۷۵۲۵پ). او در سال ۱۲۷۶ق عضو شورای دولتی (مجلس شورای وزرا) بوده است.



تصویر ۲۰

مهر میرزا محمدخان قاجار



مهری مربع شکل (تصویر ۲۱) با نقش «افوض امری الی الله عبده محمد ۱۲۷۹» به خط نستعلیق و زبان عربی در ظهر فرمان‌های مربوط به دورهٔ صدارت به تاریخ ذی حجهٔ ۱۲۸۱ ق و رمضان ۱۲۸۲ ق، مشاهده شد (متما، ۵۷۵۳/۲ پ؛ ۷۰۲۵/۲ پ). مناسبتی برای میرزا محمدخان در سال ۱۲۷۹ به دست نیامد.

تصویر ۲۱

مهر میرزا محمدخان قاجار



مهری بیضی شکل (تصویر ۲۲) با نقش «محمدابن امیر ۱۲۸۲» به خط نستعلیق و زبان عربی (جدی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۰). تاریخ حک این مهر مربوط به زمان صدارت میرزا محمدخان است، ولی در اسناد بررسی شده اثری از آن یافت نشد.

تصویر ۲۲

مهر میرزا محمدخان قاجار



مهری مربع شکل (تصویر ۲۳) به طرح طغرا با نقش «محمد ابن امیر ۱۲۸۲» به خط نستعلیق و زبان عربی (جدی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۷). تاریخ حک این مهر مربوط به زمان صدارت میرزا محمد خان است، ولی در اسناد بررسی شده اثری از آن یافت نشد.



تصویر ۲۳

مهر میرزا محمد خان قاجار

مهری بیضی شکل (تصویر ۲۴) با نقش «انا عبد من عبید محمد ۱۲۸۳» به خط نستعلیق و زبان عربی (جدی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۹). تاریخ حک این مهر مربوط به زمان صدارت میرزا محمد خان است، ولی در اسناد بررسی شده اثری از آن یافت نشد.



تصویر ۲۴

مهر میرزا محمد خان قاجار

از برکناری میرزا محمد خان سپه سالار (۱۲۸۳ق) تا صدارت میرزا حسین خان سپه سالار، دوباره وظایف صدراعظم بین چند نفر تقسیم شد.

۲.۲.۴. حاجی میرزا حسین خان سپه سالار

سپه سالار از ۲۹ شعبان ۱۲۸۸ق تا ۱۲۹۰ق صدراعظم بود. از او طی این مدت سه مهر زیر به دست آمد:

مهری هشت گوش (تصویر ۲۵) با علامت شیر ایستاده، شمشیر و خورشید و با نقش «صدراعظم دولت علیه ایران مشیرالدوله میرزا حسین خان ۱۲۸۸» به خط نستعلیق و زبان فارسی. بخش میانی این مهر ناخواناست و به نظر چهار کلمه «اله»، «قدیم»، «عزیز»، «کریم» در آن وجود دارند (متما، ۶۰۲۲/۲ پ).



تصویر ۲۵

مهر میرزا حسین خان سپهسالار



مهری بیضی شکل (تصویر ۲۶) با علامت شیر ایستاده، شمشیر و خورشید و نقش «صدر اعظم دولت علیه ایران مشیرالدوله میرزا حسین خان ۱۲۸۸» به خط نستعلیق و زبان فارسی (متما، ۵۸۳۸/۲ پ).

تصویر ۲۶

مهر میرزا حسین خان سپهسالار



مهری بیضی شکل (تصویر ۲۷) با نقش «صدر اعظم ۱۲۸۸» به خط نستعلیق و زبان فارسی (جدی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۳). تاریخ حک این مهر مربوط به زمان صدارت حاجی میرزا حسین خان است، ولی در اسناد بررسی شده اثری از آن یافت نشد.

تصویر ۲۷

مهر میرزا حسین خان سپهسالار



بعد از عزل سپهسالار در سال ۱۲۹۰ ق، شاه از انتخاب صدراعظم جدید خودداری کرد و کارها بین وزرای شش گانه تقسیم شد. در سال ۱۲۹۴ ق مهام و امور دولتی بین دو نفر تقسیم شد. مستوفی الممالک به سمت وزیر کشور و حاج میرزا حسین خان سپهسالار به وزارت امور لشکر منصوب شدند (بامداد، ۱۳۵۰، ج ۴، ص ۲۶۲). شاه پس از مراجعت از سفر دوم فرنگ (۱۲۹۵ ق)، کامران میرزا را هم به این جمع اضافه کرد.

اعتماد السلطنه (۱۳۴۹، ص ۲۸۶) درباره سپهسالار پس از بازگشت شاه از سفر دوم فرنگ، نوشته است: «اگرچه در این سنوات نه او و نه دیگری صدارت نداشتند و به صدراعظم مخاطب نبودند و وی به امور لشکری و بعضی کارهای داخله می پرداخت، ولی باز رتبه صدارت داشت و هرچه می خواست به جا می آورد ... و میرزا یوسف مستوفی الممالک به واسطه سلامت نفسی که [سپهسالار] داشت بر او فائق نمی آمد و سپهسالار تا ۱۲۹۷ به همین اقتدار بود.»

۲.۴.۵. میرزا یوسف خان مستوفی الممالک

اعتماد السلطنه (۱۳۴۹، ص ۲۸۷) ذیل وقایع سنه ۱۲۹۷ (پس از عزل میرزا حسین خان سپهسالار از امور کشوری و لشکری) نوشته است: «مستوفی الممالک ... اقتدارش بیشتر از پیشتر شد [و] ترتیب مهام مملکت آذربایجان هم ضمیمه مشاغل او گردید [و] بالاستقلال وزارت داخله یافت و نهایت اقتدار را داشت؛ در واقع از این تاریخ باطناً صدارت می کرد. عزل و نصب جمهور و رتق و فتق امور و سؤال و جواب حکام و امتیاز دادن به خدمت گزاران کلاً و طراً^۱ با او بود؛ ولی تمکین نمی کرد که او را لقب صدراعظم دهند.»

میرزا یوسف خان از ۲۹ شعبان ۱۳۰۱ ق تا ۳ رجب ۱۳۰۳ ق که فوت شد، رسماً صدراعظم بود. در اسناد بررسی شده، پنج مهر زیر از او به دست آمد که دو تای آنها مربوط به زمانی است که او امور صدارت را غیر رسمی انجام می داده است.

مهری بیضی شکل (تصویر ۲۸)، «با نقش یوسف بن حسن» به خط نستعلیق و زبان عربی (متما، ۱/۲، ۷۷۱ پ). اثر این مهر از صفر ۱۲۹۸ ق، در ظهر فرمانها دیده شد.

۱. طراً / torran / به کل؛ همگی



تصویر ۲۸

مهر میرزا یوسف مستوفی الممالک



مهری بیضی شکل (تصویر ۲۹)، با نقش «افوض امری الی الله یوسف» به خط نستعلیق و زبان عربی. تاریخ حک مهر خوانا نیست. اثر این مهر در ظهر فرمانی به تاریخ جمادی الاول ۱۳۰۱ ق، دیده شد (متما، ۵۸۰۵/۲ پ).



تصویر ۲۹

مهر میرزا یوسف مستوفی المالك

مهری مربع شکل (تصویر ۳۰)، با نقش «صدراعظم یوسف ابن حسن ۱۳۰۱» به خط نستعلیق، و زبان فارسی و عربی در ظهر فرمانی به تاریخ شوال ۱۳۰۱ ق، مشاهده شد (متما، ۵۷۶۲/۲ پ).



تصویر ۳۰

مهر میرزا یوسف مستوفی المالك

مهری بیضی شکل (تصویر ۳۱)، با نقش «صدراعظم ۱۳۰۱» به خط نستعلیق و زبان فارسی در ظهر فرمانی به تاریخ جمادی الثانی ۱۳۰۲ ق، مشاهده شد (متما، ۵۸۴۷/۲ پ). ذکر تاریخ سند به این دلیل است که در خوانش تاریخ حک، با مهر سال ۱۳۱۰ امین السلطان اشتباه نشود.



تصویر ۳۱

مهر میرزا یوسف مستوفی المالك

مهری بیضی شکل (تصویر ۳۲)، با نقش «هو صدراعظم ۱۳۰۱» به خط نستعلیق و زبان فارسی در ظهر فرمانی به تاریخ شوال ۱۳۰۲ ق، رؤیت شد (متما، ۷۲۵۰/۲ پ). تاریخ حک مهر به سختی خوانده می شود.



تصویر ۳۲

مهر میرزا یوسف مستوفی الممالک

۲.۴.۶. میرزا علی اصغر خان امین السلطان

پس از درگذشت میرزا یوسف خان مستوفی الممالک در سال ۱۳۰۳ ق، امین السلطان با سمت وزارت دربار به مدت دو سال بر همه امور نظارت داشت تا شاه رسماً او را در ۱۳۰۵ ق وزیر اعظم کرد (افشاری، ۱۳۷۲، ص ۲۲۷). او در رجب ۱۳۱۰ ق عنوان صدراعظمی یافت. طی این مدت از او هفت نقش مهر زیر به دست آمد:

مهری بیضی شکل (تصویر ۳۳)، با نقش «امین السلطان ۱۳۰۰» به خط نستعلیق و زبان فارسی در سندی به تاریخ شوال ۱۳۰۳ ق، دیده شد (متما، ۱۰۱۹۰۴ ق). آقا علی اصغر در سال ۱۳۰۰ قمری به امین السلطان ملقب شد.



تصویر ۳۳

مهر امین السلطان

مهری بیضی شکل (تصویر ۳۴)، با نقش «امین السلطان ۱۳۰۰» به خط نستعلیق و زبان فارسی در ظهر فرمانی به تاریخ رجب ۱۳۰۴ ق، دیده شد (متما، ۱۰۶۹۳۳/۲ ق).



تصویر ۳۴

مهر امین السلطان



مهری بیضی شکل (تصویر ۳۵)، با نقش «امین السلطان ۱۳۰۴» به خط نستعلیق و زبان فارسی (جدی، ۱۳۹۲، ص ۲۹۱).

تصویر ۳۵

مهر امین السلطان



مهری بیضی شکل (تصویر ۳۶)، با نقش «امین السلطان ۱۳۰۵» به خط نستعلیق و زبان فارسی در سندی به تاریخ ربیع الثانی ۱۳۰۶ ق، دیده شد (متما، ۱۰/۲-۱-۱۳۷۲ د).

تصویر ۳۶

مهر امین السلطان



مهری هشت گوش (تصویر ۳۷)، با علامت شیر ایستاده، شمشیر و خورشید و نقش «امین السلطان ۱۳۰۶» به خط نستعلیق و زبان فارسی (جدی، ۱۳۹۲، ص ۴۵۹).



تصویر ۳۷

مهر امین‌السلطان

مهری بیضی شکل (تصویر ۳۸)، با نقش «صدر اعظم ۱۳۱۰» به خط نستعلیق و زبان فارسی در ظهر فرمانی به تاریخ شعبان ۱۳۱۱ ق، مشاهده شد (متما، ۷۱۰۴/۲ پ).



تصویر ۳۸

مهر امین‌السلطان

مهری بیضی شکل (تصویر ۳۹)، با نقش «صدر اعظم ۱۳۱۰» به خط نستعلیق و زبان فارسی در سندی به تاریخ ربیع‌الثانی ۱۳۱۱ ق، دیده شد (متما، ۲۴۸۵۱ ق). شایان ذکر است که مهرهای دو تصویر ۳۸ و ۳۹ با یکدیگر متفاوت‌اند.



تصویر ۳۹

مهر امین‌السلطان

۲.۵. دوره مظفرالدین شاه (۱۳۱۳ تا ۱۳۲۴ ق)

در این دوره چهار نفر صدراعظم شدند. امین السلطان دو بار به این سمت منصوب شد. سیزده نقش مهر از صدور این دوره به دست آمد.

۲.۵.۱. میرزا علی اصغر خان امین السلطان

پس از قتل ناصرالدین شاه، امین السلطان از طرف مظفرالدین شاه به صدراعظمی انتخاب و در جمادی الاول ۱۳۱۴ ق برکنار شد. او در این دوره با مهری بیضی شکل (تصویر ۳۸)، با نقش «صدراعظم ۱۳۱۰» به خط نستعلیق و زبان فارسی - که در انتهای دوره ناصری از آن استفاده می‌کرد - اسناد را مهر می‌کرد. اثر آن مهر در ظهر سندی به تاریخ ربیع الاول ۱۳۱۴ ق، مشاهده شد (متما، ۵۸۶۹/۲ پ).

پس از عزل امین السلطان مدتی مخبرالدوله و فرمان‌فرما به صورت غیررسمی به کار صدارت مشغول بودند.

اثر مهر بیضی شکل مخبرالدوله (تصویر ۴۰)، با نقش «وزیر داخله مخبرالدوله» به خط نستعلیق و زبان فارسی در ظهر سندی به تاریخ رجب ۱۳۱۴ ق، دیده شد (متما، ۷۲۳۵/۲ پ).



تصویر ۴۰

مهر مخبرالدوله

اثر مهر بیضی شکل عبدالحسین میرزا (تصویر ۴۱)، با نقش «فرمان‌فرما سالار لشکر ۱۳۱۴» به خط نستعلیق و زبان فارسی در ظهر فرمانی به تاریخ رمضان ۱۳۱۴ ق، ملاحظه شد (متما، ۷۵۶۷/۲ پ). فرمان‌فرما در سال ۱۳۱۴ ق به وزارت جنگ منصوب شد (بامداد

۱۳۵۰، ج ۲، ص ۵۱).



تصویر ۴۱

مهر فرمان‌فرما



۲.۵.۲. میرزا علی‌خان امین‌الدوله

امین‌الدوله در رمضان ۱۳۱۴ ق وزیر اعظم شد. پنج ماه بعد (سال ۱۳۱۵ ق) صدراعظم شد و تا شانزدهم صفر ۱۳۱۶ ق و به‌روایتی تا ۱۵ محرم در این سمت به انجام وظیفه مشغول بود (افشاری، ۱۳۷۲، ص ۲۵۵). از او طی مدت صدارت دو مهر زیر به‌دست آمد:

مهری بیضی‌شکل (تصویر ۴۲)، با نقش «یا علی الاعلی ۱۳۱۵» به‌خط نستعلیق و زبان عربی در ظهر فرمانی به‌تاریخ محرم ۱۳۱۵ ق، ملاحظه شد (متما، ۷۷۳۴/۲ پ).



تصویر ۴۲

مهر امین‌الدوله

مهری بیضی‌شکل (تصویر ۴۳)، با نقش «صدراعظم ۱۳۱۵» به‌خط نستعلیق و زبان فارسی در ظهر فرمانی به‌تاریخ شعبان ۱۳۱۵ ق، دیده شد (متما، ۶۰۷۶/۲ پ).



تصویر ۴۳

مهر امین‌الدوله

پس از برکناری امین‌الدوله شورای وزرا تشکیل شد و مدتی حاج‌محسن‌خان مشیرالدوله ریاست آن را به‌عهده داشت.

در ظهر فرمانی به‌تاریخ ربیع‌الثانی ۱۳۱۶ ق، مهر بیضی‌شکل او با نقش «مشیرالدوله» به‌خط نستعلیق و زبان فارسی رؤیت شد؛ ولی تاریخ حک آن ناخواناست (متما، ۷۲۴۴/۲ پ).

۲.۵.۳. میرزا علی اصغر خان امین السلطان

امین السلطان مجدداً در ۱۳۱۶ ق صدر اعظم شد و در جمادی الثانی ۱۳۲۱ ق برکنار شد. طی این مدت از او چهار نقش مهر زیر به دست آمد:

مهری بیضی شکل (تصویر ۴۴) با نقش «امین السلطان ۱۳۱۶» به خط نستعلیق و زبان فارسی (کریم زاده تبریزی، ۱۳۸۵، ص ۳۶۳). کریم زاده از مهری سه رویه (سه وجهی) نام برده است که هر وجه آن بیضی شکل بوده است و شکل کلی این مهر سه رویه مخروطی شکل بوده است. نقش یک رو «علی اصغر ۱۳۱۶»، نقش روی دوم «امین السلطان ۱۳۱۶» و نقش روی سوم «صدر اعظم ۱۳۱۶» بوده است.



تصویر ۴۴

مهر امین السلطان

مهری بیضی شکل (تصویر ۴۵)، با نقش «صدر اعظم ۱۳۱۶» به خط نستعلیق و زبان فارسی (متما، ۵۹۶۱/۲ پ).



تصویر ۴۵

مهر امین السلطان

مهری بیضی شکل (تصویر ۴۶)، با نقش «اتابک اعظم ۱۳۱۸» به خط نستعلیق و زبان فارسی در ظهر فرمانی به تاریخ شوال ۱۳۱۸ ق، دیده شد (متما، ۵۷۶۹/۲ پ). مظفرالدین شاه پس از بازگشت از سفر اروپا در شعبان ۱۳۱۸ ق امین السلطان را به اتابک اعظم ملقب کرد.



تصویر ۴۶

مهر امین السلطان

مهری بیضی شکل (تصویر ۴۷)، با نقش «هو اتابک اعظم ۱۳۱۸» به خط نستعلیق و زبان فارسی (متما، ۶۸۵۲/۲ پ).



تصویر ۴۷

مهر امین السلطان

کریم زاده تبریزی (۱۳۸۵، ص ۳۶۳) به مهری چهار گوش با نقش شیرو خورشید و نقش اتابک اعظم ۱۳۱۸ - دیده شده در ذیل؟ فرمانی - اشاره دارد؛ ولی بیشتر درباره آن توضیح نداده است.

۲.۵.۴. سلطان عبدالمجید میرزا عین الدوله

عین الدوله در ۲۲ جمادی الثانی ۱۳۲۱ ق ابتدا وزیر داخله و پس از چند ماه وزیر اعظم و در ۲ جمادی الثانی ۱۳۲۲ ق صدراعظم شد. از او طی مدت صدارت سه مهر زیر به دست آمد: مهری بیضی شکل (تصویر ۴۸) با نقش «وزیر اعظم ۱۳۲۱» به خط نستعلیق و زبان فارسی در ظهر فرمانی به تاریخ ذی قعدة ۱۳۲۱ ق، مشاهده شد (متما، ۶۷۸۱/۲ پ).



تصویر ۴۸

مهر عین الدوله



مهری بیضی شکل (تصویر ۴۹)، با نقش «صدراعظم عبدالمجید ۱۳۲۲» به خط نستعلیق و زبان فارسی که اصل آن در نمایشگاه مهرهای دوران قاجار (عسگری طاری، ۱۳۹۵) دیده شد.



تصویر ۴۹

مهر امین الدوله

مهری بیضی شکل (تصویر ۵۰)، با نقش «سلطان عبدالمجید» به خط نستعلیق و زبان فارسی در ظهر فرمانی به تاریخ رجب ۱۳۲۳ق، ملاحظه شد (متما، ۱۳۶۷/۲پ).



تصویر ۵۰

مهر امین الدوله

سلطان عبدالمجید میرزا در ۲ جمادی الثانی ۱۳۲۴ق استعفا داد و میرزا نصرالله خان مشیرالدوله به صدارت رسید.

۲.۵.۵. میرزا نصرالله خان مشیرالدوله

مشیرالدوله از ۲ جمادی الثانی ۱۳۲۴ق تا ۶ صفر ۱۳۲۵ق صدراعظم بود. به عبارتی صدارت او در دوره محمدعلی شاه نیز تا مدتی تداوم یافت. مهر او بیضی شکل (تصویر ۵۱) با نقش «مشیرالدوله ۱۳۱۷» به خط نستعلیق و زبان فارسی بود.



تصویر ۵۱

مهر مشیرالدوله

در سال ۱۳۱۷ میرزا نصرالله خان، هم وزیر خارجه شد و هم به مشیرالدوله ملقب شد (بامداد، ۱۳۵۰، ج ۴، ص ۳۵۶)؛ از این رو مهر فوق مربوط به قبل از صدارت اوست. در فرمان‌های بررسی شده، مشیرالدوله در طی دوره صدارتش از مهر مذکور استفاده می کرده است. اثر این مهر در ظهر سندی با مهر محمدعلی شاه به تاریخ رجب ۱۳۲۴ ق، مشاهده شد (ساکما، ۱۳۵۳/۱۰/۲۴). شایان ذکر است که در رجب ۱۳۲۴ هنوز مظفرالدین شاه زنده بود.

۲.۶. دوره محمدعلی شاه (۱۳۲۴ تا ۱۳۲۷ ق)

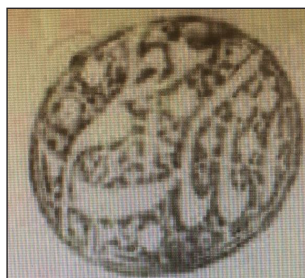
سه نفری که در دوره محمدعلی شاه از مهر صدراعظم و اتابک اعظم استفاده می کردند عبارت اند از:

۲.۶.۱. میرزا نصرالله خان مشیرالدوله

همان طور که پیشتر هم ذکر شد، صدارت مشیرالدوله از انتهای دوره مظفری، تا اواخر محرم ۱۳۲۵ ق (اوایل دوره محمدعلی شاه) تداوم یافت و مهر او به همان سبک دوره مظفری (تصویر ۵۱) بود که اثر آن در ظهر فرمانی به تاریخ ذی قعدة ۱۳۲۴ ق، مشاهده شد (ساکما، ۱۳۵۹/۲/۹۹۷).

۲.۶.۲. میرزا علی اصغر خان امین السلطان

او در دوره محمدعلی شاه از مهری بیضی شکل (تصویر ۵۲)، با نقش «اتابک اعظم» به خط نستعلیق و زبان فارسی استفاده می کرد. تاریخ حک این مهر ناخواناست. آن مهر در ظهر فرمانی به تاریخ رجب ۱۳۲۵ ق، مشاهده شد (متما، ۱۳۵۵/۲ پ). امین السلطان از ۲۰ ربیع الاول تا ۲۱ رجب ۱۳۲۵ ق رئیس الوزرا بود.



تصویر ۵۲

مهر امین السلطان



۲.۶.۳. میرزا احمدخان مشیرالسلطنه

میرزا احمدخان از ۷ جمادی الاول ۱۳۲۶ ق تا ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۲۷ ق رئیس الوزرا بود. طی این مدت از او دو نقش مهر زیر به دست آمد:

مهری بیضی شکل (تصویر ۵۳)، با نقش «صدراعظم ۱۳۲۶» به خط نستعلیق و زبان فارسی در اسنادی به تاریخ ذی حجه ۱۳۲۶ ق و ربیع الاول ۱۳۲۷ ق، مشاهده شد (متما، ۶۰۸۷/۲ پ؛ ۷۷۴۱/۲ پ).



تصویر ۵۳

مهر مشیرالسلطنه

مهری مربع شکل (تصویر ۵۴ الف)، با علامت شیر خوابیده و خورشید و نقش «صدراعظم ۱۳۲۷» به خط نستعلیق و زبان فارسی که اصل آن در نمایشگاه مهرهای دوران قاجار (عسگری طاری، ۱۳۹۵) دیده شد. به نظر این مهر متعلق به احمدخان مشیرالسلطنه است. تصویر مهر مذکور در کتاب جدی (۱۳۹۲، ص ۴۵۹) نیز مشاهده شد (تصویر ۵۴ ب).



تصویر ۵۴

مهر مشیرالسلطنه

۳. واژه صدراعظم در ادبیات پس از مشروطه

بعد از مشروطه، در منابع زیر به مدتی کوتاه از عنوان صدراعظم و سپس رئیس الوزرا نام برده شده است:

۱- در اصل ۳۳ قانون اساسی از کلمه صدراعظم استفاده شده و چنین آمده است: «قوانین جدیدی که محل حاجت باشد در وزارتخانه‌های مسئول انشاء و تنقیح یافته به توسط وزراء مسئول یا از طرف صدراعظم به مجلس شورای ملی اظهار خواهد شد و

پس از تصویب به صحنه همایونی موشح گشته به موقع اجرا گذاشته می شود» (فرهنگ قهرمانی، ۱۳۵۶، ص ۱۳۵).

۲- در موارد زیر در مذاکرات مجلس شورای ملی از میرزا نصرالله خان مشیرالدوله به عنوان صدراعظم نام برده شده است و بعد از او برای دیگران لفظ رئیس الوزرا به کار رفته است. اگر چه به طعنه مطلبی را درباره میرزا علی اصغر خان امین السلطان گفته اند:

سال ۱۳۲۴ قمری نمایندگان مجلس شورای ملی کمافی السابق برای مشیرالدوله رسماً واژه صدراعظم را به کار می بردند. چنانکه در جلسه ۲۷ رمضان ۱۳۲۴ ق راجع به مشیرالدوله نوشته شده است: «صدراعظم اسباب زحمت برای خودش فراهم می کند ... مقام منیع صدارت عظمی!» (میرزا صالح، ۱۳۸۳، ص ۵۳).

۶ صفر ۱۳۲۵ ق هنگام معرفی کابینه میرزا علی خان افخم، صدیق حضرت سؤال می کند که «در همه جا معمول است یک نفر رئیس که میانه خود وزرا و شاه واسطه باشد هست؛ حال در میانه این وزرا آن یک نفر کیست؟» (میرزا صالح، ۱۳۸۳، ص ۱۸۰).

هنگام معرفی کابینه ناصرالملک در ۱۸ رمضان ۱۳۲۵ ق از زبان او نوشته شده است: «... و پس از معرفی اجازه می خواهم که معنی رئیس الوزرایی را تشریح نمایم. رئیس الوزرا یعنی رئیس مجلس وزرا. ترتیب مشروطیت این است که هر یک از وزرا در امر وزارت خانه خود استقلال دارند و مسئول هستند، ولی در امور پولیسی مملکت همه باهم شریک اند و مسئول اند به ضمانت متفق» (میرزا صالح، ۱۳۸۳، ص ۶۱).

۳- در متن اسناد به جای مانده از آغاز دوره محمدعلی شاه تا خلع او از سلطنت، واژه های صدراعظم، وزیر اعظم، و اتابک اعظم دیده می شوند (اسناد متماد).

۴. یافته های تحقیق براساس پرسش های پژوهش عبارت اند از:

۴.۱. نقش مهرها

طبق جدول شماره ۱ نقش مهرهای زیر از صدراعظم های دوره قاجار مشاهده شد:

از دوره آقامحمدخان: آیه قرآن (سلام علی ابراهیم)^۱، دعا (لااله الا الله الملك الحق المبين)^۲، بندگی با نام و نسب (عبد محمد رضا بن محمد مهدی) و نام (... محمد)؛ از دوره فتح علی شاه: آیه قرآن (من يتوكل على الله)^۳، دعا (لااله الا الله الملك الحق المبين)؛ از دوره ناصرالدین شاه: آیه قرآن (افوض امری الى الله)^۴، دعا (لااله الا الله الملك الحق المبين)، بندگی + نام (عبده الراجی محمد تقی)، بندگی + نام و نسب (عبد آقاخان ابن اسدالله)، کلمه صدراعظم، نام و نسب (یوسف بن حسن)، لقب (امین السلطان) و روایت (انا عبد من عبید محمد)^۵؛ از دوره مظفرالدین شاه: دعا (یا علی الاعلی)، کلمات صدراعظم، اتابک اعظم،

۱. سورة صافات آیه ۱۰۹: (دروود بر ابراهیم).
۲. ذکر روز پنجشنبه: (هیچ خدایی جز خدای یگانه شایسته پرستش نیست. خدایی که مالک آسمانها و زمین است. خدایی که وجودش ثابت و پایدار و روشن و آشکار است) (پایگاه soalcity.ir).
۳. سورة طلاق آیه ۳: (و هرکس بر خدا توکل کند).
۴. سورة غافر آیه ۴۴: (کارهایم را به او واگذار می کنم تا مرا از هر بدی مصون بدارد).
۵. روایت منتسب به حضرت علی (ع) (pasokh.Org).



وزیر اعظم، لقب (مشیرالدوله) و نام (سلطان عبدالمجید)؛ و از دوره محمدعلی شاه: کلمات
اتابک اعظم و صدراعظم، و لقب (مشیرالدوله).

دوره	آیه قرآن	دعا	بندگی با نام	نسب	بندگی با نام و نسب	صدراعظم	اتابک اعظم	وزیر اعظم	نام و نسب	لقب	لقب و سمت	روایت	تذکره	مهر
آقامحمدخان	۱	۱	-	۲	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	۵
فتح‌علی‌شاه	۱	۶	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۷
محمدشاه													۱	۱
ناصرالدین‌شاه	۲	۱	۱	۲	۱۰	-	-	-	۳	۵		۲	-	۲۶
مظفرالدین‌شاه	-	۱	-	-	۳	۲	۱	-	-	۳	۱	-	۱	۱۲
محمدعلی‌شاه	-	-	-	-	۲	۱	-	-	-	-	-	-	-	۳
جمع	۴	۹	۱	۴	۱۵	۳	۱	۱	۳	۸	۱	۲	۳	۵۴

جدول ۱

نقش مهرها

فراوانی نقش مهرها عبارت‌اند از: کلمه صدراعظم در ۱۵ مهر (۲۷/۷۵ درصد) در دوران ناصرالدین‌شاه، مظفرالدین‌شاه و محمدعلی‌شاه؛ دعا در ۹ مهر (۶۵/۱۶ درصد) در دوران آقامحمدخان، فتح‌علی‌شاه، ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه؛ لقب در ۸ مهر (۸/۱۴ درصد) در دوران ناصری و مظفری؛ آیه قرآن در ۴ مهر (۷/۴ درصد) در دوران آقامحمدخان، فتح‌علی‌شاه و ناصرالدین‌شاه؛ کلمه بندگی با نام و نسب در ۴ مهر (۷/۴ درصد) در دوران آقامحمدخان و ناصرالدین‌شاه؛ کلمه اتابک اعظم در ۳ مهر (۵/۵۵ درصد) در دوران مظفرالدین‌شاه و محمدعلی‌شاه؛ نام و نسب در ۳ مهر (۵/۵۵ درصد) در دوره ناصری؛ روایت در ۲ مهر (۳/۷ درصد) در دوره ناصری؛ نام در ۳ مهر (۵/۵۵ درصد) در دوران آقامحمدخان، محمدشاه و مظفری؛ کلمه بندگی با نام در یک مهر (۱/۸۵ درصد) در دوره ناصرالدین‌شاه؛ کلمه وزیر اعظم در یک مهر (۱/۸۵ درصد) در دوره مظفری؛ لقب و سمت در یک مهر (۱/۸۵ درصد) در دوره مظفری.

درمجموع از آغاز قاجار تا اواسط دوره ناصری دعای «لااله الاالله الملك الحق المبين»، و آیات قرآن «سلام علی ابراهیم»، «ومن یتوکل علی الله»، «افوض امری الی الله» بیشتر در مهرها دیده شد و از زمان میرزاآقاخان نوری به بعد واژه صدراعظم در مهرها راه یافت؛ به طوری که اغلب صدور مهری با عنوان صدراعظم داشتند. آن مهر زمانی ساخته و استفاده می‌شد که شخص به طور رسمی صدراعظم بود. چنانچه فرد به کار صدراعظمی می‌پرداخت ولی به طور رسمی صدراعظم نبود یا وزیر اعظم بود عنوان مهرش صدراعظم

نبود. در نقش مهرها، مطالبی به غیر از عنوان صدراعظم هم وجود داشته است؛ مانند ایران، دعا، لقب و نام شخص. دو واژه هم معنی اتابک اعظم و وزیر اعظم در دوره مظفری در مهرها باب شد. در مهرهای دوره محمدعلی شاه، واژه های اتابک اعظم و صدراعظم مشاهده شد.

از طرفی بعضی از صدور مثل عبدالله خان امین الدوله یا میرزا علی اصغر خان اتابک چندبار به صدارت رسیدند و با استفاده از مهر دوره قبلی خود اسناد را مهر می کردند. مهر برخی دیگر هم با همان نقش قبلی ولی با اندکی تفاوت در اجزا ساخته می شد (مثل مهر عبدالله خان امین الدوله). بعضی در زمان صدارت از مهر سمتی دیگر که مربوط به دوره صدارت نبود استفاده می کردند؛ مانند میرزا تقی خان امیر کبیر، میرزا آقاخان نوری، محمدخان سپهسالار و میرزا نصرالله خان مشیرالدوله. براساس مهرهای ظهر اسناد، قبل از تاج گذاری آقامحمدخان زمام امور در دست محمدرضا بن محمد مهدی بوده است و پس از انقلاب مشروطه تا آخر دوره صدارت میرزا احمدخان مشیرالسلطنه منصب و عنوان رسمی اتابک اعظم و صدراعظم وجود داشته است.

۴.۲. شکل:

طبق جدول شماره ۲ به طور کلی صدور این دوره از مهرهای مستطیل، مربع، هشت گوش، بیضی و گلابی استفاده می کرده اند. در دوره آقامحمدخان شکل مهرها بیضی، مربع، گلابی و مستطیل بود. در دوره فتح علی شاه، شکل مهرها مستطیل بود و صدور تنها از یک مهر استفاده می کردند. از دوره ناصری به بعد صدور با چندین مهر در اشکال و اندازه های متفاوت اسناد را مهر می کردند. به طوری که از این به بعد مهرهای مستطیل، هشت گوش، مربع و بیضی بزرگ و متوسط هم رواج داشت. اشکال هشت گوش و بیضی بزرگ خاص میرزا آقاخان و میرزا حسین خان سپهسالار و بیضی متوسط مربوط به محمدخان سپهسالار بود. شکل مهرهای صدور دوره مظفرالدین شاه بیضی و دوره محمدعلی شاه، بیضی و مربع بودند.

مهر بیضی در همه ادوار به غیر از دوره فتح علی شاه رواج داشت. از ۳۴ مهر بیضی (۶۲/۹ درصد از کل مهرها)، بیشترین در دوره ناصرالدین شاه ۱۸ مهر (۳/۳۳ درصد) و بعد مظفرالدین شاه با ۱۲ مهر (۲۲/۲ درصد) مشاهده شد. مهر مستطیل با تعداد ۹ مهر (۱۶/۶۵ درصد از کل مهرها)، در دوران آقامحمدخان، فتح علی شاه و ناصرالدین شاه مشاهده شد. مهر مربع با تعداد ۷ مهر (۱۲/۹۵ درصد از کل مهرها)، در دوران آقامحمدخان، ناصرالدین شاه و محمدعلی شاه مشاهده شد. مهر هشت گوش با ۳ مهر (۵/۵۵ درصد از کل مهرها)، فقط



در دوره ناصری در صدارت میرزا آقاخان نوری و میرزا حسین خان مشیرالدوله مشاهده شد. مهر گلابی با یک مهر (۱/۸۵ درصد از کل مهرها)، فقط در دوره آقامحمدخان مشاهده شد.

دوره	مستطیل	مربع	هشت‌گوش	بیضی	گلابی	جمع
آقامحمدخان	۱	۲	-	۱	۱	۵
فتح‌علی‌شاه	۷	-	-	-	-	۷
محمدشاه				۱		۱
ناصرالدین‌شاه	۱	۴	۳	۱۸	-	۲۶
مظفرالدین‌شاه	-	-	-	۱۲	-	۱۲
محمدعلی‌شاه	-	۱	-	۲	-	۳
جمع	۹	۷	۳	۳۴	۱	۵۴

جدول ۲

شکل مهرها

۴.۳. علائم مهرها

از دوره ناصرالدین‌شاه تا محمدعلی‌شاه در تعدادی از مهرها از شیر ایستاده، شمشیر و خورشید یا شیر خوابیده و خورشید استفاده شده است. قائم مقامی (۱۳۴۸، ص ۲۵۹) در تطور علامت شیروخورشید مطلبی دارد و از کلیات آن چنین برمی آید که هرگاه در کشور آرامش برقرار بوده، علامت رسمی مهرها شیر خوابیده و خورشید بوده است و در زمان شلوغی کشور علامت رسمی مهرها شیر ایستاده، شمشیر و خورشید بوده است.

۴.۴. تاریخ حک مهرها:

مهرهایی که تاریخ آن‌ها واضح بود نوشته شد. بعضی از تاریخ مهرها به علت قدمت و شرایط سند خوانا نبود؛ از این رو به طور قطع نمی توان گفت که همه مهرهایی که تاریخ حک آن‌ها یافت نشدند و خوانش نشدند، بدون تاریخ بوده اند. تاریخ حک مهرهای به دست آمده حاکی از آن است که مهرها به مناسبت‌های مختلف ساخته شده اند. البته در پاره‌ای موارد صدراعظم‌ها از مهر زمان غیر از صدارت در اسناد استفاده می کرده اند. مثل یکی از مهرهای میرزاتقی خان امیرکبیر که در سال ۱۲۴۹ ق ساخته شده و در زمان صدارت از آن بهره‌برداری شده است.

۴.۵. خط مهرها:

تعداد ۵۳ مهر (۹۸/۰۵ درصد) به خط نستعلیق و تنها یک مهر (۱/۸۵ درصد) به خط نسخ به دست آمد.

۴.۶. زبان مهرها:

دوره	عربی	فارسی/عربی	فارسی	جمع
آقامحمدخان	۵	-	-	۵
فتح‌علی‌شاه	۷	-	-	۷
محمدشاه			۱	۱
ناصرالدین‌شاه	۱۱	۲	۱۳	۲۶
مظفرالدین‌شاه	۱	-	۱۱	۱۲
محمدعلی‌شاه	-	-	۳	۳
جمع	۲۴	۲	۲۸	۵۴

جدول ۳

زبان مهرها

نگارنده با بررسی آثار محققان در زمینه مهرشناسی، مطلبی راجع به زبان در مهرها نیافت و به نظر برای اولین بار این موضوع بنابه ضرورت تحقیق حاضر در جدول شماره ۳ مطرح می‌شود.

زبان مهرها در دوره پادشاهان قاجار عبارت‌اند از:

از دوران آقامحمدخان و فتح‌علی‌شاه ۱۲ مهر (۲۲/۲ درصد) به زبان عربی؛ از دوره محمدشاه یک مهر (۸۵/۱ درصد) به زبان فارسی؛ از دوره ناصرالدین‌شاه علاوه بر ۱۱ مهر (۲۰/۳۵ درصد) به زبان عربی، از صدارت میرزاآقاخان نوری ۲ مهر (۳/۷ درصد) به زبان فارسی و عربی و نیز از صدارت میرزا حسین‌خان مشیرالدوله ۱۳ مهر (۲۴/۰۵ درصد) به زبان فارسی؛ از دوره مظفرالدین‌شاه یک مهر (۱/۸۵ درصد) به زبان عربی و ۱۲ مهر (۲۲/۲ درصد) به زبان فارسی و از دوره محمدعلی‌شاه ۳ مهر (۵/۵۵ درصد) به زبان فارسی به دست آمد.

در مجموع ۲۸ مهر (۵۱/۸ درصد) به زبان فارسی؛ ۲۴ مهر (۴۴/۴ درصد) به زبان عربی؛ و ۲ مهر (۳/۷ درصد) به زبان فارسی و عربی مشاهده شد.



۵. نتیجه گیری

۱- هدف این پژوهش براساس مهرهای ظهر اسناد، تولید منبعی مرجع برای استفاده محققان و توصیف اسناد بود. چنانچه اشخاصی را که در دوره آقامحمدخان زمام امور در دستشان بوده است در جایگاه صدراعظم بدانیم و نیز با احتساب سه نفری که از مهر صدراعظم و اتابک اعظم در دوره محمدعلی شاه استفاده می کرده اند، از ۲۴ صدراعظم دوره قاجار - به غیر از قائم مقام در دوره محمدشاه - ۵۴ نقش مهر با مستندات، توضیح شکل، علائم، مناسبت تاریخ حک، نوع خط و زبان به دست آمد؛ ۴۵ نقش از بررسی اسناد و ۹ نقش از بررسی منابع چاپی.

شایان ذکر است که در پیشینه پژوهش، در پنج منبع به صورت پراکنده، بیست مهر از هشت صدراعظم معرفی شده بود که به تناوب در آنها نقش، شکل، نوع خط و تصویر آمده بود.

۲- این پژوهش بخشی از کمبود منبع مرجع برای شناخت مهرهای رجال را پوشش داد.

محدودیت های تحقیق

۱- در آرشیوها به طور معمول مهرهای ظهر اسناد در توصیف آورده نمی شوند. از این رو باید اصل سند یا تصویر کامل آن دیده می شد. اصل سند به دلیل اهمیت حفظ و نگهداری در اختیار پژوهش گر گذاشته نمی شد و چون تصویربرداری رایانه ای از اسناد (اسکن) نیز در بعضی از آرشیوها هنوز به روز نیست، بنابراین مراجعه به سایت ها و یا بانک های اطلاعاتی آنها نتیجه ای مطلوب دربر نداشت.

۲- بعضاً تصاویر مهرها در ظهر اسناد یا در منابع چاپی به درستی خوانش نشده است؛ از این رو گاهی در اعتبار اطلاعات شک وجود دارد.

پیشنهاد

چنانچه مراکز آرشیوی در توصیف اسناد، عنصر مهر را در نظر بگیرند، قدر مسلم تحقیقات مهرشناسی توسعه خواهد یافت و در وقت و هزینه انجام این گونه تحقیقات صرفه جویی خواهد شد.

فرهنگ قهرمانی، عطاءالله. (۱۳۵۶). *قانون اساسی: اصلاحات و سیر تکامل آن*. [بی جا].
قاجار، نادر میرزا. (۱۳۶۰). *تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز*. تهران: اقبال.
کریم زاده تبریزی، محمدعلی. (۱۳۸۵). *مهرها، طغراها و فرمان‌های پادشاهان ایران: از شاه اسمعیل صفوی تا احمدشاه قاجار*. لندن: محمدعلی کریم زاده تبریزی.
میرزاصالح، غلام حسین. (۱۳۸۳). *مذاکرات مجلس اول ۱۳۲۶-۱۳۲۴: توسعه سیاسی ایران در ورطه سیاست بین الملل*. تهران: مازیار.

مقاله

سعیدی، حوریه. (۱۳۹۳). «فرمان‌های آقامحمدخان قاجار، وجوه مشترک و متمایز آن با دیگر فرمان‌های دوره قاجار». چاپ شده در کتاب: *مزدک‌نامه (۷): یادبود هفتمین سال درگذشت مهندس مزدک کیان‌فر*. (به درخواست جمشید کیان‌فر و پروین استخری). تهران: پروین استخری.
طاهری شهاب، سیدمحمد. (۱۳۴۴). «سجع مهر سلاطین و شاهزادگان و صدور ایران». *وحید*، سال ۲، شماره ۸، (پیاپی ۲۰)، صص ۴۱-۴۹.
فراستی، رضا. (۱۳۸۰). «مهرهای شاهان قاجاریه». فصل‌نامه *تاریخ معاصر ایران*، شماره ۱۷، صص ۱۶۳-۲۰۶.
قائم‌مقامی، جهانگیر. (۱۳۴۸). «پژوهشی درباره تطور شیروخورشید». *بررسی‌های تاریخی*، سال ۴، شماره ۱، صص ۲۵۹-۲۸۲.
قرآن کریم: سوره صافات آیه ۱۰۹؛ سوره طلاق آیه ۳؛ سوره غافر آیه ۴۴.

منابع اینترنتی

<http://www.pasokh.org>

soalcity.ir

سایر

عسگری طاری، محمدرضا. (۱۳۹۵). «نمایش مجموعه خصوصی محمدرضا عسگری طاری، مهرهای دوران قاجار». مجموعه فرهنگی تاریخی نیاوران، گوشک احمدشاه قاجار، ۱۲ تا ۲۲ بهمن.



English Translation of References

Documents

Mo'assese-ye Ketābxāne va Muze-ye Melli-ye Malek (Malek National Library & Museum Institution): 16-00018; 16-00019. [Persian]

Mo'assese-ye Motāle'āt-e Tārix-e Mo'āser-e Irān (Motmā) (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies) (www.IIchs.org):

پ/5753/2; پ/5762/2; پ/5769/2; پ/5789/2; پ/5805/2; پ/5807/2; پ/5821/2; پ/5838/2;
پ/5847/2; پ/5869/2; پ/5873/2; پ/5892/2; پ/5933/2; پ/5961/2; پ/5973/2; پ/6011/2;
پ/6012/2; پ/6022/2; پ/6076/2; پ/6087/2; پ/6158/2; پ/6327/2; پ/6781/2; پ/6852/2;
پ/6855/2; پ/7025/2; پ/7093/2; پ/7097/2; پ/7104/2; پ/7167/2; پ/7235/2; پ/7244/2;
پ/7250/2; پ/7525/2; پ/7568/2; پ/7711/2; پ/7734/2; پ/7741/2; پ/101904/1; ق/16933/2; ق/6-6-128 گ
[Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran): 240/107535; 296-16731; 997/259. [Persian]

Manuscripts

“Mokātebāt-e Hāj Mirzā Āqāsi az 1252 tā 1264 qamari bā raees-e gomrok va mobāšer-e šilāt-e Gilān” (Correspondence of Haj Mirza Aghasi from 1252 to 1264 A.H. / 1836 – 1847 with the head of customs and the manager of Gilan fisheries). (Manuscript number 5664 available at Mo'assese-ye Ketābxāne va Muze-ye Melli-ye Malek (Malek National Library & Museum Institution)). [Persian]

Books

Afshari, Parviz. (1372/1993). *“Sadr-e a'zam-hā-ye selsele—ye Qājārieh”* (Chancellors of the Qajar dynasty). Tehran: Mo'assese-ye Čāp va Enteshārāt-e Vezārat-e Omur-e Xārejeh (Printing and Publishing Institute of the Ministry of Foreign Affairs). [Persian]

Bamdad, Mahdi. (1350/1971). *“Šarh-e hāl-e rejāl-e Irān dar qarn-e 12, 13 va 14 Hejri”* (Dictionary of national biography of Iran) (vols. 1, 2, & 4). Tehran: Zovvār. [Persian]



- Etemad Al-Saltaneh, Mohammad Hassan Khan. (1349/1970). "*Sadr-ot-tavāriḥ: Šarh-e hāl-e sadr-e a'zam-hā-ye pādešāhān-e Qājār (Az Hāj Ebrāhīm Xān-e Kalāntar tā Mirzā Ali Asqar Xān-e Amin-os-Soltān)*" (Biographies of the chancellors of the Qajar kings (from Haj Ibrahim Kalantar to Mirza Ali Asghar Khan Amin al-Sultan)). Tehran: Vahid. [Persian]
- Farasati, Reza. (1372/1993). "*Farmān-hā va raqam-hā-ye dowre-ye Qājārieh (Jeld-e avval: 1211-1264)*" (Decrees and figures of the Qajar era (Volume 1: 1211-1264 A. H. / 1796 – 1847)). Tehran: Mo'assese-ye Pažuheš va Motāl'eāt-e Farhangi (Institute for Humanities and Cultural Studies). [Persian]
- Farhang Ghahremani, Ata Allah. (1356/1977). "*Qānun-e asāsi: Estelāhāt va seyr-e takāmol-e ān*" (Constitution: Its reforms and evolution). [n. p.]: n. p. [Persian]
- Ghajar, Nader Mirza. (1360/1981). "*Tāriḥ va joqrāfi-ye dār-os-saltane-ye Tabriz*" (History and geography of Dar Al-Sultanate Tabriz). Tehran: Eqbāl. [Persian]
- Jeddi, Mohammad Javad. (1392/2013). "*Dāneš-nāme-ye mohr va hakkāki dar Irān*" (Encyclopedia of seals and engravings in Iran). Tehran: Mo'assese-ye Ta'lif, Tarjomeh va Našr-e Āsār-e Honari-ye Matn: Ketābxāneh, Muzeh va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament). [Persian]
- Jeddi, Mohammad Javad. (1392/2013). "*Mohr-hā-ye saltanati dar majmu'e-ye muze-ye Kāx-e Goleštān*" (Royal seals in Golestan palace museum collection: A fully descriptive and illustrated catalogue). Translated by Mohammad Taghi Faramarzi. Tehran: Ketābxāneh, Muzeh va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament). [Persian]
- Karimzadeh Tabrizi, Mohammad Ali. (1385/2006). "*Mohr-hā, Toqrā-hā va farmān-hā-ye pādešāhān-e Irān: Az Šāh Esmāe'el Safavi tā Ahmad Šāh-e Qājār*" (Seals, Toghrahs and decrees of the kings of Iran: from Shah Ismail Safavi to Ahmad Shah Qajar). London: Self-published by Mohammad Ali Karimzadeh Tabrizi. [Persian]
- Mirzasaleh, Gholamhossein. (1383/2004). "*Mozākerāt-e majles-e avval 1324-1326: Towse'e-ye siyāsi-ye Irān dar varte-ye siyāsāt-e beyn-ol-melal*" (Negotiations of the first parliament 1324 – 1326 / 1965 – 1947: Iran's political development in



the abyss of international politics). Tehran: Māziyār. [Persian]

Rezvani, Mohammad Esmaeel; & Saeedi, Houriyeh. (1375/1996). “*Gozide-ye farmān-hā (Mowjud dar Ketābxāne-ye Melli)*” (A selection of decrees available in the National Library of Iran). Tehran: Ketābxāne-ye Melli-ye Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān (National Library of Iran). [Persian]

Articles

Farasati, Reza. (1380/2001). “Mohr-hā-ye šāhān-e Qājāriyeh” (Seals of Qajar kings). *Fasl-nāme-ye Tārix-e Mo’āser-e Irān* (Iranian Contemporary History), 17, pp. 163-206. [Persian]

Ghaem Maghami, Jahangir. (1348/1969). “Pažuheši darbāre-ye tatavvor-e šir va xoršid” (A research on the evolution of the Lion and Sun emblem). *Barresi-hā-ye Tāixi*, 4(1), pp. 259-282. [Persian]

Holy Quran; “*Sure-ye Sāfat*” (Surah As-Saffat), verse 109; “*Sure-ye Talāq*” (Surah At-Talaq), verse 3; “*Sure-ye Qāfer*” (Surah Ghafir), verse 44. [Persian]

Saeedi, Houriyeh. (1393/2014). “Farmān-hā-ye Āqā Mohammad Xān-e Qājār, vojūh-e moštarak va motemāyez-e ān bādigar farmān-hā-ye dowre-ye Qājār” (Edicts of Agha Mohammad Khan Qajar, their common and distinctive aspects with other edicts of the Qajar period). In “*Mazdak-nāmeḥ (7): Yādbud-e Haftomin sāl-e dargozašt-e Mohandes Mazdak Kiāfar*” (Mazdak Nameh (7): (Commemoration of the seventh year of the death of Engineer Mazdak Kianfar)). Requested by Jamshid Kianfar & Parvin Estakhri. Tehran: Parvin Estakhri. [Persian]

Taheri Shahab, Seyyed Mohammad. (1344/1965). “Saj’-e mohr-e salātin va šāhzādegān va sodur-e Irān” (Seals of the sultans, princes and chancellors of Iran). *Vahid*, 2(8), (serial number 20), pp. 41-49. [Persian]

Online sources

<http://www.pasokh.org> [Persian]

soalcity.ir [Persian]



Other

Asgari Tari, Mohammad Reza. (1395/2016). “*Namāyeš-e majmu’e-ye xosusi-ye Mohammad Reza Asgari Tari, Mohr-hā-ye dōwrān-e Qājār*” (Exhibition of the private collection of Mohammad Reza Asgari Tari: seals of the Qajar era). Majmu’e-ye Farhangi Tārixi-ye Niyāvarān (Niavaran Palace Complex), Kušk-e Ahmad Šāh-e Qājār (Ahmad Shahi Pavilion). Held from 12 to 22 Bahman 1395 / 1 to 11 February 2016). [Persian]



Designing Records Acquisition Process in the National Archives of Iran on the Basis of Comprehensive Records Management System

Reza ShahrabiFarahani¹ | Fahimeh Babalhavaeji² | Nadjla Hariri³ | Fatemeh Nooshinfard⁴

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

I

1. PhD Student of Information Science and Knowledge, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, I.R. Iran
Shahrabi@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Information Science and Knowledge, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, I.R. Iran. (Corresponding Author)

f.babalhavaeji@gmail.com

3. Professor, Department of Knowledge and Information Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
nadjlahariri@gmail.com

4. Associate Professor, Department of Information Science and Knowledge, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, I.R. Iran

f.nooshinfard@gmail.com

Copyright © 2022, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Abstract:

Purpose: The purpose is to identify the current status of the records acquisition process in the National Archives of Iran and its challenges, and design optimal processes on the basis of comprehensive records management system.

Method and Research Design: Both qualitative and analytical surveys were used as the research method. The research was accomplished in two stages. In the first stage, five expert archivists of the National Archives of Iran were interviewed and in the second stage, 21 Employees of the National Archives of Iran filled out a questionnaire.

Finding and conclusion: Based on the respondents' point of view, the designed optimal processes in the records acquisition section covered all current processes, and no significant differences were found.

Keywords: Records Acquisition, Organization Process, Records Appraisal, Records Management System, National Archives of Iran.

Citation: ShahrabiFarahani, R., Babalhavaeji, F., Hariri, N., & Nooshinfard, F. (2022). Designing Records Acquisition Process in the National Archives of Iran on the Basis of Comprehensive Records Management System. *Ganjine-ye Asnad*, 32(1), 226-245 | doi: 10.30484/ganj.2022.2922

Ganjine-Ye Asnad

«125»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI):10.30484/GANJ.2022.2922

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 32, No. 1, Spring 2022 | pp: 226 - 245 (20) | Received: 9, May. 2021 | Accepted: 4, Jul. 2021

Archival research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

طراحی فرایند فراهم‌آوری اسناد در معاونت اسناد ملی ایران (آرشیو ملی ایران) با کمک سامانه جامع مدیریت اسناد

رضا شهرابی فراهانی^۱ | فهیمه باب‌الحوائجی^۲ | نجلا حریری^۳ | فاطمه نوشین‌فرد^۴

چکیده:

هدف: شناسایی وضعیت موجود فرایند فراهم‌آوری اسناد در آرشیو ملی ایران، چالش‌های آن و طراحی فرایندهای ایدئال برای این حوزه باتوجه‌به الزامات و قوانین موجود و با کمک سامانه جامع مدیریت اسناد.

روش، رویکرد پژوهش: روش پژوهش به‌صورت ترکیبی شامل روش کیفی و پیمایشی‌تحلیلی است. جامعه پژوهش در بخش نخست شامل ۵ نفر از خبرگان و مجربان حوزه اسناد آرشیو ملی بودند که به‌صورت هدف‌مند و با معیار انتخاب شدند و در بخش بعدی شامل ۲۱ نفر از شاغلان حوزه آرشیو ملی بودند که به‌صورت سرشمار انتخاب شدند. ابزار پژوهش در بخش نخست پژوهش مصاحبه با خبرگان آرشیو ملی و در بخش دوم توزیع پرسش‌نامه بین شاغلان حوزه آرشیو ملی بود.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: باتوجه‌به پاسخ متخصصان آرشیو مشخص شد که فرایندهای ایدئال طراحی شده در حوزه فراهم‌آوری اسناد درصورت راه‌اندازی سامانه جامع مدیریت اسناد - که طبق همین فرایندها طراحی می‌شود - پوشش‌دهنده فعالیت‌های جاری این بخش‌ها هست و با وضعیت موجود تفاوتی معنادار ندارد و بنابراین فرایندهای ایدئال طراحی شده تأیید می‌شود.

کلیدواژه‌ها: فراهم‌آوری اسناد؛ ارزش‌یابی اسناد؛ فرایندهای سازمانی؛ سامانه جامع مدیریت اسناد؛ آرشیو ملی.

استناد: شهرابی، رضا، باب‌الحوائجی، فهیمه، حریری، نجلا، نوشین‌فرد، فاطمه. (۱۴۰۱). طراحی فرایند فراهم‌آوری اسناد در معاونت اسناد ملی ایران (آرشیو ملی ایران) با کمک سامانه جامع مدیریت اسناد. *گنجینه اسناد*، ۳۲ (۱): ۲۴۵-۲۴۸
doi: ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲,۲۹۲۲

۱. دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
Shahrabi@gmail.com
۲. دانشیار علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
f.babalhavaeji@gmail.com
۳. استاد علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
nadjlahariri@gmail.com
۴. دانشیار علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
f.nooshinfard@gmail.com



گنجینه اسناد «۱۲۵»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۲,۲۹۲۲

نمایه در ISC, SID, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۲، دفتر ۱، بهار ۱۴۰۱ | صص: ۲۴۵ - ۲۴۸ (۲۰)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱۹ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۱۳

تحقیقات آرشیوی

۱. مقدمه

اسناد ملی با دربرداشتن بخش عظیمی از جزئیات تاریخی به منزله شناسنامه و هویت ملی است؛ بنابراین باید به دقت نگهداری شود تا به بهترین نحو ممکن از آن استفاده شود. آرشیوها پیشینه‌هایی گذشته‌نگر درباره افراد، سازمان‌ها و دولت‌ها هستند و حاوی اطلاعاتی بارز و ماندگارند. پیشینه‌های آرشیوی چه به صورت کاغذی و چه به فرمت الکترونیکی، محمل‌های اطلاعاتی حاصل از فعالیت‌های افراد و سازمان‌ها است و پژوهش‌گران از این منابع به دلیل داشتن ارزش تاریخی، اداری و حقوقی استفاده می‌کنند. مهم‌ترین آرشیوی که در هر کشور وجود دارد و به عنوان یکی از مراکز مهم در جهت کمک به پژوهش محققان فعالیت می‌کند، آرشیو ملی است. آرشیوهای ملی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری صحیح براساس سوابق و شواهد تاریخی، به دولت‌ها کمک می‌کنند (کیانی هفت‌لنگ، ۱۳۸۸).

در حال حاضر سامانه جامع برای مدیریت فرایندهای سازمانی اسناد و گردش اسناد از مبادی ورودی تا مخازن آرشیو ملی ایران وجود ندارد؛ بنابراین چالش‌های بسیاری در این سازمان ایجاد شده است. برای پیاده‌سازی سامانه جامع مدیریت اسناد در آرشیو ملی، در گام نخست لازم است تا فرایندهای بخش‌های مختلف آرشیو ملی بررسی شود و وضعیت موجود آن‌ها شناسایی شود، چالش‌های آن‌ها تعیین شود و در ادامه فرایندهای ایدئالی که لازم است در داخل سامانه جامع مدیریت اسناد پیاده‌سازی شود تا گردش کار بخش‌های مختلف آرشیو را پوشش دهد، طراحی شود.

از آنجاکه یکی از مهم‌ترین وظایف آرشیو ملی در راستای انجام وظایف سازمانی‌اش، ارزش‌یابی و فراهم‌آوری اسناد است، موضوع پژوهش حاضر بررسی وضعیت موجود فرایندهای فراهم‌آوری اسناد در آرشیو ملی ایران، شناسایی چالش‌های آن و طراحی فرایندهای ایدئال برای پیاده‌سازی در داخل سامانه جامع مدیریت اسناد در آرشیو ملی تعیین شد.

لازم به ذکر است در حال حاضر سامانه جامع برای مدیریت اسناد در آرشیو ملی وجود ندارد و از آنجاکه از مقدمات ضروری طراحی سامانه جامع مدیریت اسناد، طراحی فرایندهای سازمانی و به‌روزر کردن آن‌ها با توجه به عملیاتی شدن سامانه است، بنابراین اهمیت موضوع پژوهش حاضر که در واقع یکی از پیش‌نیازهای راه‌اندازی سیستم جامع مدیریت اسناد را مرتفع می‌کند مشخص می‌شود.



۲. روش پژوهش

این پژوهش به شکل ترکیبی با روش کیفی و روش پیمایشی تحلیلی انجام شده است. جامعه پژوهش در بخش نخست شامل ۵ نفر از خبرگان و مجریان حوزه اسناد آرشیو ملی بود که به صورت هدفمند و با معیار انتخاب شدند و در بخش بعدی شامل ۲۱ نفر از شاغلان حوزه آرشیو ملی بود که به صورت سرشمار انتخاب شدند.

در فاز اول پژوهش با ۵ نفر از نخبگان آرشیو ملی مصاحبه شد. این نخبگان همگی از مدیران فعلی یا قدیم آرشیو ملی در بخش‌های مختلف آن بودند که سابقه کار بیشتر از ۲۰ سال در آرشیو ملی دارند و به روند کار در آرشیو ملی کاملاً مسلط‌اند. در زمینه فرایندهای جاری آرشیو ملی از ایشان اطلاعات لازم کسب شد و وضعیت موجود فرایندهای سازمانی آرشیو ملی در بخش فراهم‌آوری و شناسایی اسناد بررسی شد. در حین مصاحبه علاوه بر شناسایی وضعیت موجود، چالش‌های وضعیت فعلی نیز مشخص شد.

در ادامه، فرایندهای وضعیت ایدئال، براساس متدولوژی‌های تحلیل و طراحی فرایند مدیریت سازمانی آماده شدند. این فرایندها با رویکرد پیاده‌سازی سامانه جامع مدیریت اسناد و دیدگاه سیستم‌محور به فعالیت‌های آرشیو ملی طراحی شدند. در واقع با پیاده‌سازی مدیریت فرایندهای سازمانی، این فرایندهای ایدئال در قالب دیگرام‌هایی تدوین شدند. داده‌های استفاده‌شده برای طراحی این فرایندها، اطلاعات کسب‌شده از مصاحبه با نخبگان آرشیو ملی و نیز «مستند نیازمندی‌های مربوط به پیشنهاد فنی» (RFP) نرم‌افزار جامع آرشیو ملی است که کارشناسان و متخصصان حوزه فناوری اطلاعات در سازمان اسناد و کتابخانه ملی آن را تدوین کرده‌اند.

در مرحله بعد، این دیگرام‌ها در قالب پرسش‌نامه از ۲۱ نفر از کارشناسان و متخصصان آرشیو ملی، نظرخواهی شدند و از آنان پرسش شد که این دیگرام‌های وضعیت ایدئال (مربوط به فرایندهای سازمانی که با کمک سامانه جامع مدیریت اسناد پیاده‌سازی می‌شوند) تا چه میزان با شرایط فعلی گردش کار در بخش شناسایی و ارزش‌یابی اسناد ملی مطابقت دارد.

۳. پیشینه پژوهش

کمالی (۱۳۸۸) در پایان‌نامه خود به بررسی وضعیت موجود شناسایی و فراهم‌آوری اسناد در آرشیو ملی ایران و ارتباط بین سازمان‌ها و وزارت‌خانه‌ها با آرشیو ملی در انتقال اسناد به آرشیو ملی و نحوه مدیریت این اسناد در سامانه مدیریت اسناد انتقالی پرداخته است. او برای گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه‌ای براساس قوانین و مقررات و آئین‌نامه‌های انتقال اسناد طراحی کرده است. نتایج حاصل از پژوهش او نشان داده است که از دید مدیران

اسناد سازمان‌ها، شاخص‌های ارزش‌یابی و انتقال اسناد در فرایند شناسایی و فراهم‌آوری دارای درجه مناسب است و شاخص‌های امحاء و مدیریت اسناد دارای درجه نامناسب است و باید سامانه‌ای درجهت گردآوری اسناد از مراکز دولتی با هدف شناسایی اسناد و تصمیم‌گیری درباره انتقال آن‌ها به مرکز اسناد ملی وجود داشته باشد و نبود این سامانه باعث کندی در تصمیم‌گیری می‌شود. همچنین از دید کارشناسان رابط آرشیو ملی، شاخص ارزش‌یابی اسناد در فرایند شناسایی و فراهم‌آوری دارای درجه مناسب است و شاخص‌های امحاء، انتقال و مدیریت اسناد دارای درجه نامناسب است. در پایان این پژوهش پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت شناسایی و فراهم‌آوری اسناد در آرشیو ملی ایران، ارائه شده است.

در پژوهش دیگری شریف نوبری، رضایی شریف‌آبادی و خسروی در سال ۱۳۸۹ به بررسی وضعیت فرایند ارزش‌یابی اسناد در آرشیو ملی ایران و مقایسه تطبیقی آن با آرشیو کانادا پرداخته‌اند و چالش‌های فرایند فعلی ارزش‌یابی اسناد در ایران را برشمرده‌اند که باید برای اصلاح آن‌ها اقدامات لازم انجام شود. براساس یافته‌های این پژوهش آرشیو ملی ایران ۳۰ درصد و کتاب‌خانه و آرشیو ملی کانادا ۸۴ درصد از ویژگی‌های فرایند ارزش‌یابی را دارا هستند. در تحلیل عملکردی هم آرشیو ملی ایران ۳۳ درصد و کتاب‌خانه و آرشیو ملی کانادا ۱۰۰ درصد معیارهای ارزش‌یابی را دارا هستند؛ درزمینه معیار تحلیل محتوی هم هر دو کشور تمامی معیارها را دارا هستند.

لی ژیاوبو^۱ در سال ۲۰۱۴ درزمینه طراحی و به‌کارگیری سیستم حرفه‌ای مدیریت اسناد برای استفاده در سازمان‌های آموزشی در سطح ملی، پژوهشی را در دانشگاه نفت شمال شرق چین^۲ انجام داد. او در این پژوهش با استفاده از طراحی‌های مدولار^۳ سامانه‌ای را برای مدیریت اسناد طراحی کرد که یک محیط ذخیره‌سازی اسناد، قابلیت پیمایش و جست‌وجو بر روی اسناد، و امکان ویرایش و تغییر بر روی اطلاعات با دسترسی‌های تعریف‌شده در آن وجود داشته باشد. او مشخصات و نیازمندی‌های چرخه اسناد در این سازمان‌ها را بررسی کرد و یک سیستم بومی‌شده مدیریت اسناد را برای آن مراکز طراحی کرد.

۴. فراهم‌آوری اسناد

یکی از وظایف اصلی آرشیوهای ملی کشورها، شناسایی و فراهم‌آوری اسناد است. این اسناد عمدتاً از طریق خرید، اهدا و یا انتقال از سازمان‌های دولتی گردآوری می‌شوند. در ایران و براساس قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران تمام اوراق، مراسلات، دفاتر، پرونده‌ها، عکس‌ها، نقشه‌ها، فیلم‌ها، میکروفیلم‌ها و سایر منابع اطلاعاتی‌ای که در سازمان‌های دولتی

1. Xiaobo, Li
2. Northeast Petroleum University
3. modular



تهیه می‌شوند و یا به آن‌ها تحویل می‌شوند باید براساس مقررات خاصی ارزش‌یابی شوند و آن دسته از اسنادی که از لحاظ اداری، تاریخی، مالی، سیاسی، قضایی، فرهنگی، علمی و فنی واجد ارزش نگهداری دائم هستند، به آرشیو ملی منتقل شوند (عزیزی، ۱۳۸۵). ضمناً برای آرشیو ملی ایران هم، وظیفه تهیه و تدوین قوانین، دستورالعمل‌ها، استانداردها و الزاماتی که دستگاه‌ها باید در تولید و ضبط و ثبت اسناد و مدارک رعایت کنند، در نظر گرفته شده‌است.

فرایند شناسایی و فراهم‌آوری اسناد بایگانی شده در سازمان‌ها و نهادهای دولتی، یکی از مأموریت‌های اصلی آرشیو ملی است. مفیدبودن فعالیت‌های آرشیو ملی، تاحدزیادی به نحوه فعالیت ارزش‌یابی دقیق اسناد و فراهم‌آوری آن‌ها برمی‌گردد (کمالی، خسروی و رضایی شریف‌آبادی، ۱۳۸۸).

سه وظیفه مهم آرشیوها جمع‌آوری، نگهداری و ایجاد دسترسی به اسناد است. اولین چالشی که آرشیوها با آن روبه‌رو هستند انتخاب اسناد است. ارزش‌یابی اسناد درواقع نوعی انتخاب اسناد با نگرش به ارزش‌های اداری، تاریخی، مالی و سیاسی اسناد برای نگهداری درازمدت آن‌ها است و باتوجه به حجم روزافزون سوابق کاغذی و الکترونیکی اسناد، امری ناگزیر و ضروری در فرایند مدیریت اسناد است (شریف نوبری و رضایی شریف‌آبادی، ۱۳۸۸). براین اساس می‌توان از ارزش‌یابی اسناد به عنوان قلب فعالیت‌های آرشیوی یاد کرد؛ چراکه اگر دقیق انجام نشود، امکان ازدست‌رفتن اسناد مهم و باارزش وجود دارد و ازطرفی ممکن است مخازن آرشیوی با کوهی از مجموعه اسناد بی ارزش و بدون محتوا پر شود. گفتنی است فراهم‌آوری و گردآوری اسناد شامل فرایندهای شناسایی و ارزش‌یابی اسناد، انتقال اسناد، خرید و اهدای اسناد است. به همین منظور ابتدا باید وضعیت موجود فرایندهای مذکور طبق قوانین و مقررات موجود در آرشیو ملی و چالش‌های این وضعیت مشخص شود و سپس فرایندهای ایدئال برای پیاده‌سازی سامانه جامع مدیریت اسناد در بخش فراهم‌آوری اسناد در آرشیو ملی تبیین شود.

۵. مدیریت فرایندهای سازمانی

فرایند سازمانی عبارت است از مجموعه فعالیت‌های مرتبط یا تأثیرگذاری که ورودی یک بخش از سازمان را به خروجی آن بخش مرتبط می‌کند (کامران رضایی و دیگران، ۱۳۸۸). برای بهینه‌کردن فرایندهای سازمانی، مدیریت فرایندهای سازمانی انجام می‌شود. مدیریت فرایندها روشی سیستماتیک برای سازمان‌دهی، مدیریت و بهبود مستمر فرایندهاست. مرتب‌کردن فرایندها و استفاده از روش‌شناسی استاندارد برای طراحی و بازطراحی آن‌ها

در سازمان‌ها به دستیابی به اهداف راهبردی سازمان‌ها منجر می‌شود. البته گفتنی است که استقرار مدیریت فرایند در یک سازمان، درعین سادگی پیچیده است. مدیریت فرایند سازمانی، شامل روش‌ها، فنون و ابزارهایی است که برای پشتیبانی از طراحی، اجرا، مدیریت و تحلیل فرایندهای کاری یک سازمان به کار می‌روند (سلطانی و اسماعیل‌لو، ۱۳۸۳).

۶. سیستم‌های مدیریت اطلاعات

سیستم مدیریت اطلاعات سازمانی عبارت است از: به کارگیری اصول مدیریتی و ابزارهای مناسب در فرایندهای مربوط به چرخه گردش اطلاعات با هدف دسترس پذیر کردن اطلاعات ارزشمند در قالب مناسب با کمترین هزینه و در سریع‌ترین زمان برای افراد دارای دسترسی (صبأغی نژاد و حیدری، ۱۳۹۴). در این سامانه، اطلاعات همواره در حال گردش است و در هر بخشی فرایندی بر روی آن انجام می‌شود و ارزش افزوده‌ای به آن اضافه می‌شود.

توسعه سیستم‌های مدیریت اطلاعات به عنوان ضرورت عصر اطلاعات، چالش‌های فراوانی را پیش روی سازمان‌ها قرار داده است. اصولاً هدف از توسعه سیستم‌های اطلاعاتی افزایش کارایی در رسیدن به اهداف کسب و کار است. یکی از چالش‌های سازمان‌ها در پیاده سازی سیستم‌های مدیریت اطلاعات، فرایندهای سنتی و دستی است که به بازنگری نیازمند است. به همین منظور در راستای مدیریت اطلاعات یک سازمان لازم است تا فرایندهای آن مجموعه بررسی شوند و در صورت نیاز بازنگری و مجدداً طراحی شوند.

۷. سامانه جامع مدیریت اسناد

مدیریت اسناد، حوزه‌ای از مدیریت مسئول در نظارت سیستمی بر ایجاد، استفاده و تعیین تکلیف اسناد است (عزیزی، ۱۳۸۵). امرسون در کتاب «چگونه اسناد خود را مدیریت کنید» توضیح داده است که مدیریت اسناد سازوکاری اداری است که در هر سازمان در مراحل ایجاد، توزیع، بایگانی، نگهداری و امحای اسناد قابل امحاء اعمال می‌شود. سامانه جامع مدیریت اسناد در واقع نوعی سیستم مدیریت اطلاعات است که در مراکز اسنادی پیاده سازی شده است.

هدف و وظیفه مدیریت اسناد، مراقبت از این موضوع است که اسناد تولید شده در دستگاه‌های دولتی طبق فرایند مدون و مشخصی ارزش یابی شوند و پس از بررسی کارشناسان متخصص به آرشیو ملی منتقل شوند. سپس این اسناد در آرشیو ملی توصیف



و فهرست شوند و نهایتاً طبق استانداردهای مشخص در مخازن آرشیوی نگهداری شوند و در هنگام مراجعه پژوهش‌گران به این مرکز، طبق سیاست‌های دسترسی موجود در اختیار قرار گیرند.

سامانه‌های جامع مدیریت اسناد، برای پشتیبانی از فرایند گردش سند طراحی می‌شوند. این سامانه‌ها در واقع نوعی سیستم مدیریت اطلاعات‌اند. به عبارتی این سیستم‌ها تمام فرایندهای مدیریت اسناد را به صورت سیستمی و در قالب سامانه‌ای جامع و یکپارچه پیاده‌سازی می‌کنند. این سامانه‌ها در جهت مدیریت بهتر اسناد، بهینه‌کردن بودجه، امنیت بیشتر، بازدهی بیشتر و یکپارچگی فعالیت‌ها عمل می‌کنند (ارکان و اوکومو^۱، ۲۰۱۷). همان‌طور که در قسمت سیستم‌های مدیریت اطلاعات هم ذکر شد، برای طراحی و پیاده‌سازی این سیستم‌ها در یک سازمان به بازنگری در فرایندهای آن مجموعه نیاز است. براین اساس پیاده‌سازی سامانه جامع مدیریت اسناد در آرشیو ملی نیز به بررسی فرایندهای موجود و بازنگری و طراحی فرایندهای جدید نیازمند است.

۸. یافته‌های پژوهش

طبق مصاحبه انجام‌شده با نخبگان و بررسی انجام‌شده، فعالیت فراهم‌آوری و گردآوری اسناد در آرشیو ملی به ۳ فرایند اصلی تقسیم می‌شود:

- فرایند شناسایی و ارزش‌یابی اسناد
- فرایند انتقال اسناد
- فرایند خریداری و دریافت اسناد اهدایی

۸.۱. فرایند شناسایی و ارزش‌یابی اسناد

۸.۱.۱. وضعیت موجود

اسناد دولتی شامل تمام مکاتبات دولتی، پرونده‌ها، مدارک و اسناد همه سازمان‌های دولتی است. برای نحوه نگهداری یا امحاء این اسناد فقط آرشیو ملی باید تصمیم‌گیری کند و هیچ سازمانی برای از بین بردن یا انتقال این اسناد بدون هماهنگی با بخش مربوطه در آرشیو ملی مجوز ندارد. به همین منظور برای تعیین تکلیف تمام اسناد موجود در سازمان‌ها، باید درخواست بررسی این منابع به آرشیو ملی ایران فرستاده شود. در حال حاضر درخواست‌ها به صورت فیزیکی و از طریق نامه و یا الکترونیکی از طریق سیستم اتوماسیون شبکه دولت برای آرشیو ملی ارسال می‌شود.

1. Arkan and Okumu



پس از ارسال درخواست ازسوی دستگاه‌ها به آرشیو ملی، بررسی و شناسایی اسناد دولتی در چرخه فراهم‌آوری آرشیو ملی انجام می‌شود. چهار نوع درخواست ازسوی دستگاه‌های دولتی برای آرشیو ملی ارسال می‌شود: درخواست امحاء؛ درخواست انتقال؛ درخواست تعیین مجوز جدید برای امحاء؛ و درخواست اعزام کارشناس (برای بررسی اسناد و تعیین تکلیف)

۱. **درخواست امحاء:** در برخی مواقع سازمان‌های دولتی براساس دستورالعمل‌های آرشیو ملی، برخی از اسناد و اوراق تولیدشده در آن سازمان را فاقد ارزش اطلاعاتی تشخیص می‌دهند و به‌همین دلیل برای امحاء این اسناد درخواست می‌دهند. این درخواست امحای اسناد به آرشیو ملی ارسال می‌شود و در واحد ارزش‌یابی اسناد بررسی می‌شود. در صورتی که این درخواست بدون اشکال باشد و طبق قوانین و دستورالعمل‌های مصوب باشد، مجوز امحاء برای آن دستگاه دولتی صادر می‌شود. معمولاً برای اسنادی که ماهیتاً ارزش اطلاعاتی ندارند، مانند برگه‌های مرخصی اداری، مجوز امحاء به‌راحتی صادر می‌شود و بعد از صدور مجوز امحاء صورت جلسه‌ای در داخل دستگاه اداری مربوطه برای امحاء اسناد تهیه می‌شود و برای آرشیو ملی ارسال می‌شود. البته در صورتی که درخواست امحاء ارسال‌شده دارای شرایط مجاز امحاء نباشد، درخواست ارسال‌شده برای تعیین تکلیف به مراجع بالاتر در آرشیو ملی ارسال می‌شود. شورای اسناد ملی دارای صلاحیت بررسی این درخواست‌ها و صدور مجوز امحاء یا انتقال آن‌هاست و این درخواست‌ها را بررسی می‌کند.

نتیجه بررسی شورای اسناد ملی از سه حالت خارج نیست:

صدور مجوز امحاء؛

صدور مجوز انتقال؛

نگهداری در سازمان درخواست‌کننده تا مدت‌زمانی مشخص. بعد از طی این مدت‌زمان، سازمان مربوطه باید درخواست جدید ارسال کند تا دوباره فرایند بررسی این درخواست انجام می‌شود.

۲. **درخواست انتقال:** در برخی مواقع سازمان‌های دولتی براساس مصوبات و دستورالعمل‌های موجود آرشیو ملی، برخی از اسناد خود را دارای شرایط انتقال می‌دانند. در این حالت درخواست انتقال را به بخش ارزش‌یابی اسناد در آرشیو ملی ارسال می‌کنند و اگر این درخواست مطابق با مقررات باشد، مجوز انتقال اسناد مربوطه صادر می‌شود و به سازمان ذی‌ربط اعلام می‌شود تا اسناد خود را به آرشیو ملی منتقل کند و در صورتی که درخواست انتقال فاقد شرایط لازم برای انتقال تشخیص داده شود، درخواست انتقال اسناد



برای تعیین تکلیف نهایی به شورای اسناد ملی ارسال می شود.

۳. درخواست تعیین مجوز جدید برای امحاء: در برخی مواقع سازمان های دولتی بنابر تشخیص خود برخی از اسناد موجود در سازمانشان را امحایی تشخیص می دهند؛ ولی به دلیل اینکه تاکنون در آرشیو ملی برای این دسته از اسناد ردیف امحایی مشخص نشده است، تصمیم می گیرند که برای تعیین تکلیف این اسناد، مجوز امحاء درخواست کنند تا از این پس به راحتی و براساس آن مجوز، اسناد امحایی خود را امحاء کنند. به همین منظور برای دسته خاصی از اسناد که ماهیت و موضوعی مشخص دارند، درخواست تعیین مجوز جدید برای امحاء به آرشیو ملی ارسال می کنند تا در شورای اسناد ملی بررسی شود. در صورتی که درخواست تعیین ردیف به صورت کامل و بدون اشکال از سوی دستگاه دولتی ارسال شده باشد، بررسی های لازم در شورای اسناد ملی انجام می شود. نتیجه بررسی شورای اسناد ملی ممکن است به تعیین مجوز جدید برای امحای اسناد منجر شود و یا با درخواست ارسال شده موافقت نشود.

۴. درخواست اعزام کارشناس: در برخی مواقع سازمانی دولتی برای تعیین تکلیف اسناد خود به مشاوره کارشناسان آرشیو ملی نیاز دارد. در این حالت دستگاه مربوطه درخواستی به آرشیو ملی می فرستد برای اعزام کارشناس برای بررسی اسناد در محل سازمان مربوطه تا پس از آن اقدامات مقتضی انجام شود.

۸.۱.۲. چالش های وضع موجود

باتوجه به اینکه در حال حاضر از سامانه ای برای مدیریت فرایندهای شناسایی و ارزش یابی اسناد استفاده نمی شود، مشکلات زیادی بر سر این کار وجود دارد که براساس مشاهدات انجام شده و نظرات مصاحبه شوندگان می توان به این موارد اشاره کرد:

۱. ارسال دستی درخواست ها به سازمان و ثبت نشدن این درخواست ها در سامانه ای یکپارچه؛

۲. نبود امکان جست و جو در درخواست های رسیده از طرف سازمان های دولتی برای پیگیری درخواست ها و مطلع شدن از نتیجه درخواست ارسال شده به آرشیو ملی؛
۳. نبود امکان اطلاع رسانی اتوماتیک به سازمان های درخواست کننده در زمینه اعزام کارشناس به سازمان مربوطه برای بررسی اسناد و سایر موارد دیگری که درباره درخواست آن ها تصمیم گیری شده است؛
۴. اطلاع نداشتن سازمان ها از آخرین وضعیت مجوزهای امحایی مشخص شده در آرشیو ملی.

۸.۲. فرایند انتقال اسناد

۸.۲.۱. وضعیت موجود

همان‌طور که در فرایند شناسایی و ارزش‌یابی اسناد توضیح داده شد، درخواست‌های گوناگونی برای آرشیو ملی ارسال می‌شود که پس از بررسی این درخواست‌ها توسط کارشناسان بخش ارزش‌یابی اسناد، نتیجه به سازمان‌های ذی‌ربط اعلام می‌شود.

برای اسنادی که امحایی یا انتقالی تشخیص داده می‌شوند، صورت‌جلسه امحاء یا انتقال در سازمان‌های درخواست‌کننده تنظیم می‌شود و برای آرشیو ملی ارسال می‌شود. در اینجا دومین گام در چرخه فراهم‌آوری اسناد آغاز می‌شود. آرشیو ملی برای صورت‌جلسات امحاء به‌ازای هر ردیف، تاریخ امحاء را تأیید می‌کند و در این هنگام پروسه امحاء اسناد طی می‌شود. اسناد انتقالی ممکن است مجوز انتقال داشته باشند و یا نداشته باشند. تنها تفاوتی که در پروسه اسناد بدون مجوز و دارای مجوز وجود دارد این است که برای اسناد بدون مجوز انتقال، بررسی در سطح ردیف^۱ انجام می‌شود تا در صورتی که بدون ردیف است برای آن ردیف جدید ایجاد شود. برای هر دو حالت (اسناد بدون مجوز انتقال و دارای مجوز انتقال)، ذخیره اولیه اطلاعات حداقل در سطح مجموعه^۲ و ردیف انجام می‌شود. سپس مراحل ثبت موقت و ضد عفونی برای انتقال دائم به مخزن آرشیو ملی و یا ارسال موقت به بایگانی راکد آرشیو ملی (بعضی از اسناد تا صدور مجوز انتقال دائم به مخزن آرشیو ملی موقتاً در بایگانی راکد نگهداری می‌شوند) اجرا می‌شود.

نکته قابل توجه آن است که الزاماً با هر درخواست انتقالی از سوی دستگاه‌های دولتی، موافقت نمی‌شود و شورای ملی اسناد که بالاترین مرجع تصمیم‌گیری در این باره است و در آرشیو ملی ایران تشکیل می‌شود درباره انتقال و یا عدم انتقال و امحاء اسناد و یا صدور مجوز بررسی کارشناسی تصمیم‌گیری می‌کند.

در حال حاضر اطلاعات ردیف اسناد انتقالی، در سامانه رسا (نرم‌افزار جامع کتابخانه ملی) وارد می‌شود. در واقع اولین نقطه ورود اطلاعات اسناد در سامانه رسا، بخش اسناد انتقالی است. ولی هیچ‌گونه اطلاعات جانبی از نحوه انتقال اسناد، تعداد، تاریخ، صورت‌جلسات انتقال و مستندات مربوطه در این سامانه وارد نمی‌شود و پیگیری همه این موارد به صورت سنتی است.

۸.۲.۲. چالش‌های وضع موجود

۱. ثبت‌نشدن صورت‌جلسات امحاء و انتقال در سیستمی یکپارچه و نبود امکان جست‌وجو در صورت‌جلسات قبلی در داخل سیستمی یکپارچه. در حال حاضر تمامی این

1. Series
2. Fonds



صورت‌جلسات به صورت کاغذی در بخش فراهم‌آوری نگهداری می‌شوند و هیچ‌گونه مدیریتی روی این صورت‌جلسات وجود ندارد.

۲. در حال حاضر هیچ‌گونه ارتباط سیستماتیک بین درخواست‌های ارسال شده از طرف سازمان‌ها و اسناد انتقالی وجود ندارد و امکان پیگیری یک درخواست از زمان ارسال تا مرحله‌ای که اسناد انتقالی به آرشیو ملی منتقل شده‌اند، وجود ندارد.

۳. گزارش‌گیری اتوماتیک براساس سازمان‌های انتقال‌دهنده سند، تاریخ انتقال، تعداد اسناد انتقالی و ... امکان‌پذیر نیست.

۴. فرایندهای امحاء داخلی مربوط به هر دو دسته انتقال اسناد، بدون ثبت اطلاعات در سیستمی یکپارچه انجام می‌شود و بنابراین سوابقی درباره این اسناد که زمانی به آرشیو ملی منتقل شده‌اند و در آنجا براساس سیاست‌های داخلی امحاء شده‌اند وجود ندارد. (البته سوابق به صورت فیزیکی وجود دارند، ولی هم امکان از بین رفتن آن‌ها وجود دارد و هم جست‌وجو در بین این سوابق بسیار دشوار و عملاً ناممکن است).

۵. هنگام انتقال اسناد به بایگانی راکد ملی، چون اطلاعات این اسناد در سامانه‌ای ثبت نمی‌شود، در زمینه اسناد مدت‌داری که بعد از گذشت زمان، باید از بایگانی راکد خارج شوند و به بایگانی ملی بروند یا باید امحاء شوند، هیچ‌گونه مدیریتی وجود ندارد و عملاً باید به صورت دستی این فرایند مرتب کنترل شود و در برخی مواقع ممکن است مدت‌ها از زمانی که سندی می‌تواند از بایگانی خارج شود بگذرد ولی این اسناد در همان محل باقی بمانند و بیهوده جا اشغال کنند. وجود سامانه جامع مدیریت اسناد در این بخش می‌تواند برای تمامی این اسناد، به صورت آنلاین اخطار صادر کند.

۸.۳. فرایند خریداری و دریافت اسناد اهدایی

۸.۳.۱. وضعیت موجود

یکی از روش‌های فراهم‌آوری و گردآوری اسناد در آرشیو ملی، خرید اسناد با ارزش از صاحبان سند و یا اهدای اسناد نفیس از طرف مالکان آن‌ها به آرشیو ملی است.

البته بعد از ارائه پیشنهاد از طرف افراد حقیقی یا حقوقی برای فروش یا اهدای سند، این اسناد در کمیته‌ای بررسی می‌شوند و اصل بودن، با ارزش بودن و میزان نفیس بودن آن‌ها تعیین می‌شود. براساس آرای کارشناسان کمیته، این منابع خریداری می‌شوند و یا از اهداکننده قبول می‌شوند و صورت‌جلسات مربوطه به صورت دستی تنظیم و آماده می‌شود. پس از دریافت سند و تکمیل فرم‌های مربوطه و صورت‌جلسات لازم برای پرداخت‌های مالی، این اسناد تحویل بخش خدمات آرشیوی می‌شود و در مخازن آن‌ها

نگهداری می شود تا به تدریج برای فهرست نویسی، به واحد تنظیم و توصیف اسناد برود و در آن بخش تنظیم و فهرست سند در نرم افزار رسا انجام شود و دوباره به مخازن واحد خدمات آرشیوی بازگشت داده شود.

تمام فرایندهای فراهم آوری اسناد که پیشتر ذکر شد، در حال حاضر به صورت کاملاً دستی انجام می شود و فقط اطلاعات توصیفی اسناد گردآوری شده - بعد از فهرست نویسی اسناد در نرم افزار جامع رسا - در کاربرگه داخل نرم افزار ثبت می شود و هیچ گونه اطلاعاتی از فرایندهای خریداری، اهدا و یا انتقال اسناد، نحوه خرید یا اهدا، هزینه های مربوطه و مکاتبات و اطلاعات افراد در هیچ سامانه ای ثبت نمی شود.

۸.۳.۲. چالش های وضع موجود

۱. ثبت نشدن درخواست فروش یا اهدای سند به صورت سیستمی و لزوم مراجعه حضوری متقاضیان فروش یا اهدای سند به آرشیو ملی؛
۲. اطلاعات مربوط به فروشنده یا اهداکننده و مشخصات سند اهدایی یا خریداری شده، مبلغ پرداخت شده برای اسناد خریداری، شروط اعلام شده درباره اسناد اهدایی، و مشخصات افراد فروشنده یا اهداکننده در سامانه ای یکپارچه ثبت نمی شوند.
۳. فرایند مربوط به تصمیم گیری های لازم درباره اسناد ارائه شده برای اهدا یا خرید - که کارشناسان در آرشیو ملی انجام می دهند - در هیچ سامانه ای ثبت نمی شود؛ بنابراین صورت جلسات و تصمیم گیری های مربوط به این اسناد برای مدیریت و کارشناسان به شکل سیستمی قابل پیگیری نیستند.
۴. اطلاع رسانی به فروشنده یا اهداکننده سند در حال حاضر به صورت تلفنی و یا حضوری انجام می شود. در حالی که با ایجاد سامانه امکان اطلاع رسانی از تصمیم آرشیو ملی در زمینه اسناد اهدایی یا خریداری، به صورت اتوماتیک انجام پذیر است و این فرایند تسریع می شود.

۸.۴. یافته های بخش کمی پژوهش

بر اساس شناخت وضعیت موجود و شناسایی چالش های آن، فرایندهای مطلوب برای بخش فراهم آوری اسناد تعیین شدند. سپس از کارشناسان و متخصصان آرشیو ملی درباره میزان انطباق فرایندهای طراحی شده با وضعیت موجود سؤال شد. جدول شماره ۱ نشان دهنده پاسخ کارشناسان آرشیو ملی است.



نوع فرایند و دیاگرام مربوطه	بسیار زیاد (۵)		زیاد (۴)		متوسط (۳)		کم (۲)		بسیار کم (۱)		میلگین وزنی
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
۱- فرایند ارسال درخواست‌های جدید از طرف سازمان‌های دولتی و پیگیری درخواست‌ها	۴		۸		۵		۳		۱		۳,۵۲
۲- فرایند بررسی درخواست‌های وارد شده از طرف سازمان‌های دولتی در آرشیو ملی	۵		۸		۵		۳		۰		۳,۷۱
۳- فرایند درخواست تعیین ردیف جدید امحاء از آرشیو ملی	۶		۹		۴		۲		۰		۳,۹۰
۴- فرایند بررسی صورت‌جلسات اسناد امحایی یا انتقالی در آرشیو ملی	۷		۸		۶		۰		۰		۴,۰۴
۵- فرایند انتقال اسناد دارای مجوز انتقال به آرشیو ملی	۴		۸		۷		۲		۰		۳,۶۷

جدول ۱

میزان انطباق فرایندهای طراحی شده،
با وضعیت موجود بخش فراهم آوری
اسناد



میانگین وزنی	بسیار کم (۱)		کم (۲)		متوسط (۳)		زیاد (۴)		بسیار زیاد (۵)		نوع فرایند و دیگر اگرام مربوطه
	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	
۳,۶۷		۰		۱		۸		۹		۳	۶- فرایند انتقال اسناد فاقد مجوز انتقال به آرشیو ملی
۳,۷۶		۰		۰		۷		۱۲		۲	۷- فرایند خرید اسناد در آرشیو ملی

ادامه جدول ۱

میزان انطباق فرایندهای طراحی شده، با وضعیت موجود بخش فراهم آوری اسناد

به پاسخهای کارشناسان وزنهای زیر داده شد: پاسخهای با میزان انطباق بسیار زیاد، وزن ۵؛ پاسخهای با میزان انطباق زیاد، وزن ۴؛ پاسخهای با میزان انطباق متوسط، وزن ۳؛ پاسخهای با میزان انطباق کم، وزن ۲؛ و پاسخهای با میزان انطباق بسیار کم، وزن ۱. با این وزن دهی میانگین وزنی پاسخها باتوجه به فراوانی آنها محاسبه شد که در ستون مربوطه در جدول ۱ آمده است. هم چنین میانگین وزنی ای که از این سرویسها مورد انتظار است، حد وسط بین میزان انطباق بسیار زیاد و میزان انطباق متوسط (بین ۵ و ۳) یعنی میزان انطباق زیاد (۴) در نظر گرفته می شود.

همان طور که مشاهده می شود از ۷ فرایند طراحی شده، میانگین وزنی یک فرایند بالاتر از حد مورد انتظار (۴) است. به همین جهت برای این فرایند به آزمون نیازی نیست و نتایج حاصل شده قابل قبول است؛ ولی برای شش فرایندی که میانگین وزنی مشاهده شده آنها از میانگین مورد انتظار کمتر است (یعنی فرایندهای شماره ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۷) باید تست شود که آیا فاصله معناداری از میانگین مورد انتظار دارند یا خیر که باتوجه به آزمون T انجام شده، نتایج زیر حاصل شد.



نوع فرایند	تعداد	میلگین وزنی	انحراف استاندارد	مقدار t	میانگین وزنی مقایسه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری
فرایند ارسال درخواست های جدید از طرف سازمان های دولتی و پیگیری درخواست ها	۲۱	۳,۵۲	۰,۲۴۵	۱,۹۴۲	۴	۲۰	۰,۰۶۶
فرایند بررسی درخواست های وارد شده از طرف سازمان های دولتی در آرشیو ملی	۲۱	۳,۷۱	۰,۲۲۰	۱,۳۰	۴	۲۰	۰,۲۰۸
فرایند درخواست تعیین ردیف جدید امحاء از آرشیو ملی	۲۱	۳,۹۰	۰,۲۰۶	۰,۴۶۲	۴	۲۰	۰,۶۴۸
فرایند انتقال اسناد دارای مجوز انتقال به آرشیو ملی	۲۱	۳,۶۷	۰,۱۹۹	۱,۶۷۳	۴	۲۰	۰,۱۰۹
فرایند انتقال اسناد فاقد مجوز انتقال به آرشیو ملی	۲۱	۳,۶۷	۰,۱۷۴	۱,۹۱۹	۴	۲۰	۰,۰۶۹
فرایند خرید اسناد در آرشیو ملی	۲۱	۳,۷۶	۰,۱۳۶	۱,۷۴۶	۴	۲۰	۰,۰۹۶

جدول ۲

نتایج آزمون T مربوط به فرایندهای کمتر از میانگین وزنی

باتوجه به فاصله اطمینان قابل قبول ۹۵٪ در آزمون T، اگر سطح معنی داری از ۰,۰۵ کمتر باشد اختلاف معنی داری وجود دارد که باتوجه به ستون سطح معنی داری در جدول شماره ۲ مشخص می شود که هیچ کدام از فرایندها و دیاگرام های طراحی شده با سطح قابل قبول و مورد انتظار، اختلاف معنی داری ندارند و به عبارتی فرایندهای طراحی شده و ایدئال در صورت راه اندازی سامانه جامع مدیریت اسناد در آرشیو ملی به طور کامل فرایندهای جاری را پوشش می دهند و مورد تأیید هستند.

باتوجه به پاسخ متخصصان آرشیو مشخص شد که وضعیت مطلوب طراحی شده که در RFP نرم افزار جامع اسناد و مصاحبه با متخصصان آرشیو ملی آماده شده است در صورت راه اندازی سامانه جامع مدیریت اسناد - که براساس همین فرایندها اجرایی می شود - پوشش دهنده وضعیت موجود است و تفاوت معناداری ندارد؛ بنابراین ضمن تأیید فرایندهای مطلوب طراحی شده، پیاده سازی سامانه یکپارچه مدیریت اسناد در این سازمان بسیار ضروری است.



۹. نتیجه گیری

برای سازمان دهی، مدیریت و بهبود مستمر فرایندهای یک سازمان باید مدیریت فرایندها در آن سازمان پیاده سازی شود. در آرشیو ملی ایران هم، چون داده و اطلاعات عنصر اصلی کسب و کار است، مدیریت اطلاعات بسیار ضروری است. به همین دلیل راه اندازی سامانه جامع مدیریت اسناد که با بازنگری در چرخه فرایندهای سازمانی آرشیو ملی، تلاش دارد اطلاعات و اسناد وارد شده به این سازمان را مدیریت کند، یکی از اقدامات مهم و اساسی در این مرکز است.

در راستای پیاده سازی سامانه جامع مدیریت اسناد در آرشیو ملی، یکی از بخش های مهم این سازمان، واحد فراهم آوری اسناد است که به طرق مختلف به گردآوری اسناد می پردازد. در این پژوهش وضعیت موجود فرایندهای فراهم آوری اسناد و وضعیت مطلوب این فرایندها با کمک نخبگان آرشیویست بررسی شد و مشخص شد که فرایندهای مطلوب می توانند در سامانه جامع مدیریت اسناد در آرشیو ملی استفاده شوند. موضوع پژوهش حاضر درباره مدیریت فراهم آوری اسناد کاغذی بود، ولی با توجه به رشد و گسترش مکاتبات الکترونیکی در سازمان های دولتی لازم است تا در زمینه بررسی نحوه مدیریت فراهم آوری این دسته از اسناد پژوهش های دیگری انجام شود.

منابع فارسی

کتاب

کیانی هفت لنگ، کیانوش. (۱۳۸۸). *آشنایی با آرشیوهای جهان*. تهران: هزاره ققنوس.

مقاله

رضایی، کامران؛ تدین، سحر؛ استادی، بختیار؛ اقدسی، محمد. (۱۳۸۸). «عوامل کلیدی موفقیت در پیاده سازی مدیریت فرایند و ارائه چارچوبی برای ارزیابی آمادگی سازمان». *نشریه مدیریت صنعتی*، دوره ۱ شماره ۳، پاییز ۱۳۸۸، صص ۳۷-۵۲.

سلطانی، مرتضی؛ اسماعیل لو، سجاد. (۱۳۸۳). «مدیریت فرایند محور». *ماهنامه تدبیر*، شماره ۱۴۹، صص ۱۴-۱۸.

شریف نوبری، مریم؛ رضایی شریف آبادی، سعید. (۱۳۸۸). «نظریه های اساسی در حوزه ارزش یابی اسناد آرشیوی». *فصل نامه گنجینه اسناد*، شماره ۷۵، پاییز ۱۳۸۸، صص ۱۰۷-۱۱۶.

شریف نوبری، مریم؛ رضایی شریف آبادی، سعید؛ خسروی، فربرز. (۱۳۸۹). «مطالعه تطبیقی شیوه



- ارزش‌یابی به‌کاررفته در آرشیو ملی ایران و کانادا». فصل‌نامه گنجینه اسناد، دوره ۲۰، شماره ۱، پیاپی ۷۷، صص ۱۰۶-۱۲۵.
- صباغی‌نژاد، زیور؛ حیدری، غلام‌رضا. (۱۳۹۴). «پانزده تعریف از مدیریت اطلاعات». مجله مطالعات کتابداری و علم اطلاعات، شماره ۱۶، صص ۳۹-۵۸.
- عزیزی، غلام‌رضا. (۱۳۸۵). «درآمدی بر مدیریت اسناد». فصل‌نامه گنجینه اسناد، دوره ۱۶، شماره ۱، پیاپی ۶۱، صص ۹۰-۹۷.
- کمالی، محبوبه؛ خسروی، فریبرز؛ رضایی شریف‌آبادی، سعید. (۱۳۸۸). «بررسی وضعیت فراهم‌آوری اسناد در آرشیو ملی ایران». فصل‌نامه گنجینه اسناد، دوره ۱۹، شماره ۴، شماره ۷۶، صص ۶۹-۸۰.

پایان‌نامه

- کمالی، محبوبه. (۱۳۸۸). «بررسی وضعیت موجود شناسایی و فراهم‌آوری اسناد در معاونت اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (آرشیو ملی) و ارائه راهکارهایی برای حل مشکلات آن». پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه الزهرا.

مستندپژوهشی

- مدیریت فناوری اطلاعات و ارتباطات سازمان اسناد و کتابخانه ملی. (۱۳۹۶). «مستند نیازمندی‌های نرم‌افزار جامع مدیریت آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران».

منابع لاتین

- Arkan, Mahmood; Okumu, Ibrahim Taner. (2017). "Design and Implementation of an Electronic Document Management System". *Mehmet Akif Ersoy Üniversitesi Uygulamalı Bilimler Dergisi (MAKÜ-Uyg. Bil. Derg)*, 1(1), pp 9-17.
- Xiaobo, Li. (2014). *The design and application of enterprise document management system*. Northeast Petroleum University.

English Translation of References

Books

- Kiani Haftlang, Kiyanoush. (1388/2009). "*Āšnāyi bā ārṣiv-hā-ye jahān*" (The national archive of the world). Tehran: Hezāre-ye Qoqnus. [Persian]
- Xiaobo, Li. (2014). *The design and application of enterprise document management*



system. Northeast Petroleum University.

Articles

Arkan, Mahmood; & Okumu, Ibrahim Taner. (2017). "Design and implementation of an electronic document management system". *Mehmet Akif Ersoy Üniversitesi Uygulamalı Bilimler Dergisi (MAKÜ-Uyg. Bil. Derg)*, 1(1), pp. 9-17.

Azizi, Gholamreza. (1385/2006). "Darāmadi bar modiriyat-e asnād" (An Introduction to Record Managment). *Fasl-nāme-ye Ganjine-ye Asnād*, 16(1), (series no. 61), pp. 90 – 97. [Persian]

Kamali, Mahboubeh; Khosravi, Fariborz; & Rezayi Sharif Abadi, Saeed. (1388/2009). "Barresi-ye vazēeyat-e farāham-āvari-ye asnād dar āršiv-e melli-ye Irān" (Recognition and acquisition of records by the National Archives of Iran). *Fasl-nāme-ye Ganjine-ye Asnād*, 19(4), (series no. 76), pp. 69 – 80. [Persian]

Rezayi, Kamran; Tadayyon, Sahar; Ostadi, Bakhtiar; & Aghdasi, Mohammad. (1388/2009). "Avāmel-e kelidi-ye movaffaqiyat dar piyāde-sāzi-ye modiriyat-e farāyand va erāe-ye čārčubi barāye arzyābi-ye āmādegi-ye sāzmān" (Critical success factors in implementation of process management and a framework for assessment of organization readiness). *Našriye-ye Modiriyat-e San'ati* (Industrial Management Journal) (IMJ), 1(3), Fall 1388/2009, pp. 37 – 52. [Persian]

Sabaghinezhad, Zivar; & Heydari, Gholamreza. (1394/2015). "Pānzdah tārīf az modiriyat-e ettelā'āt" (15 definitions of Information Management (IM)). *Majalle-ye Motāle'āt-e Ketābdāri va 'Elm-e Ettelā'āt* (Journal of Studies in Library and Information Science), 16, pp. 39 – 58. [Persian]

Sharif Nobari, Maryam; & Rezayi Sharif Abadi, Saeed. (1388/2009). "Nazariye-hā-ye asāsi dar howze-ye arzeš-yābi-ye asnād-e āršivi" (Archival appraisal theories). *Fasl-nāme-ye Ganjine-ye Asnād*, 75, Fall 1388/2009, pp. 107 – 116. [Persian]

Sharif Nobari, Maryam; Rezayi Sharif Abadi, Saeed; & Khosravi, Fariborz. (1389/2010). "Motāle'e-ye tatbiqi-ye šive-ye arzeš-yābi-ye be-kār-rafteh dar āršiv-e melli-ye Irān va Kānādā" (A comparative study of appraisal methods in the national archives of Iran and Canada). *Fasl-nāme-ye Ganjine-ye Asnād*, 20(1), (series no. 77), pp. 106 – 125. [Persian]



Soltani, Morteza; & Esmaellou, Sajjad. (1383/2004). "Modiriyat-e farāyand-mehvar"
(Process-oriented management). *Māhnāme-ye Tadbir*, 149, pp. 14 – 18. [Persian]

Dissertations

Kamali, Mahboubeh. (1388/2009). "*Barresi-ye vaz'eeyat-e mowjud-e šenāsāyi va farāham-āvari-ye asnād dar mo'avenat-e asnād-e Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Āršiv-e melli) va erā'e-ye rāhkār-hā-yi barāye hall-e moškelāt-e ān*" (Examining the current status of identifying and providing documents in the documents department of the National Archives and Records Organization of Iran (National Archives) and providing solutions to solve its problems.). [Masters' degree]. *Dānešgāh-e Azzahrā* (Alzahra University), *Dāneškade-ye Ketābdāri va Ettelā'-resāni* (Faculty of Library and information science). [Persian]

Research documentary

Modiriyat-e Fannāvari-ye Etteā'āt va Ertebātāt-e Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli (Information technology management of the National Library and Archives Organization of Iran). (1396/2017). "*Mostanad-e niyāzmandi-hā-ye narm-afzār-e jāme'-e modiriyat-e āršiv-e Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān*" (Documentary on the requirements of the comprehensive archive management software of the National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran). [Persian]





فمائه سال ۱۴۰۰ فصلنامه گنجینه اسناد

سید محمود سادات بیدگلی^۱

فمائه عنوان ها

- مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (۱۲۱):
۷۳-۴۲ «رقم» و «ملفوفه رقم» در عصر قاجار ۱۲۳: ۱۴۵-۱۲۰
جنبش کارگری و حزب توده در کارخانه
نخ‌ریسی و نساجی خسروی خراسان
۱۲۱: ۷۴-۱۰۶ مفاصاحساب در عصر قاجار ۱۲۲: ۱۱۰-
جواهرات سلطنتی در منازعات سیاسی سال
های سلطنت احمدشاه قاجار (۱۲۸۸-
۱۳۰۴ ش). ۱۲۴: ۳۲-۵۸
خودآرشیوی اعضای هیئت علمی در
مخازن سازمانی، صفحات شخصی و
پلتفرم‌های اجتماعی: تحلیل گرایش‌ها
انگلستان ۱۲۲: ۳۴-۶۱
بررسی عوامل بیولوژیک آسیب‌رسان به
آثار موزه‌ای؛ نمونه مطالعاتی: آثار کاخ موزه
نیاوران ۱۲۲: ۱۴۰-۱۶۴
بررسی نقش احزاب و گروه‌های سیاسی
همدان در انتخابات مجلس هفدهم ۱۲۴:
۳۱-۶
پساتصدی آرشیو ۱۲۳: ۱۴۶-۱۵۹
تجارت فرش ایران در قرن سیزدهم قمری
۱۲۱: ۶-۴۱
تحلیل انتخابات دوره پنجم مجلس شورای
ملی در اصفهان (با تکیه بر اسناد منتشر نشده
۱. استادیار تاریخ پژوهشکده امام خمینی و
انقلاب اسلامی
m.sadat@yahoo.com



پایه شیشه‌ای متعلق به دوره قاجار: مطالعه
چند نمونه نگاتیو پایه شیشه‌ای تاریخی
محفوظ در کاخ گلستان ۱۲۳: ۱۶۰-۱۸۰
طراحی و تدوین الگوی ساختاری برای
شاخص‌های اندازه‌گیری عملکرد در
آرشیوهای ملی جهان؛ کاربرد روش تحلیل
موضوعی ۱۲۴: ۱۵۶-۱۸۳
عاملیت زنان در وقف‌نامه‌های رقبات آبی
(مورد مطالعه: وقف‌نامه‌های دوره قاجار در
کرمان) ۱۲۳: ۲۶-۵۴

نمایه نویسندگان

عریضه‌های نوغان‌داران گیلان به مجلس
شورای ملی در سال‌های نخست حکومت
رضاشاه پهلوی (۱۳۰۶-۱۳۰۹): ۱۲۱
۱۶۴-۱۹۸
فرایند صدور مجوز چاپ و نشر روزنامه‌ها
در دوره قاجار ۱۲۴: ۶۰-۸۵
قدرت اقتصادی شهر آسترآباد در عصر
ناصری از راه تجزیه پیکسی عناصر قران‌های
نقره ناصرالدین‌شاه قاجار ضرب شده در
آسترآباد ۱۲۲: ۱۶۶-۱۹۰
کنگره دهقانان: تلاش دولت برای
مشروعیت بخشیدن به اصلاحات ارضی
۱۲۲: ۶۲-۸۶
مبارزه با قاچاق در خلیج فارس و دریای
عمان در زمان رضا شاه (۱۳۰۰-۱۳۲۰)
(براساس آرشیو سازمان اسناد ملی ایران)
۱۲۳: ۵۶-۸۸
مجاهدان مشروطه‌خواه آذربایجان در
سالهای جنگ جهانی اول (۱۳۳۳-
۱۳۳۷ ق) ۱۲۲: ۸۸-۱۰۸

مطالعه مفاهیم اسناد دیوانی دوره قاجار تا
پایان عهد ناصری با هدف مقوله‌بندی و
برقراری روابط اصطلاح‌نامه‌ای ۱۲۱: ۲۰۰-
۲۳۶
مناطق تاریخی کاشت گیاهان مورد استفاده
در کاغذسازی ایرانی (کتان، شاه‌دانه، کنف
و پنبه) ۱۲۴: ۱۸۴-۲۱۴
نقش ایرانیان یهودی در کشف و فروش
آثار عتیقه در دوره قاجار ۱۲۳: ۹۰-۱۱۹

ابراهیمی، سعیده ۱۲۴: ۱۱۸-۱۵۴
ابطحی، علیرضا ۱۲۱: ۷۴-۱۰۱
احراری، مریم ۱۲۴: ۱۱۸-۱۵۴
احمدی رهبریان، حسین ۱۲۲: ۱۱۰-۱۳۹
آزادی بویاغچی، مهرناز ۱۲۴: ۱۸۴-۲۱۴
اسدپور، حمید ۱۲۲: ۶-۳۲
اسدیان، هلن ۱۲۳: ۱۶۰-۱۸۰
اسفندیاری، فاطمه ۱۲۱: ۱۳۸-۱۶۳
افشارپور، مریم ۱۲۴: ۱۸۴-۲۱۴
افقری، محمد ۱۲۱: ۴۲-۷۳
باب‌الحوائجی، فهیمه ۱۲۱: ۲۰۰-۲۳۶
بهشتی شیرازی، ملوک‌السادات ۱۲۱: ۲۰۰-
۲۳۶
پناهی، عباس ۱۲۱: ۱۶۴-۱۹۸
پورطهماسبی، کامبیز ۱۲۴: ۱۸۴-۲۱۴
ترابی فارسانی، سهیلا ۱۲۴: ۸۶-۱۱۶
ثواب، جهانبخش ۱۲۱: ۱۰۸-۱۳۷
جهانی، فرشته ۱۲۲: ۸۸-۱۰۸
جوزی، زهره ۱۲۲: ۱۶۶-۱۹۰

- جوکار، طاهره ۱۲۴: ۱۱۸-۱۵۴
چمنکار، محمدجعفر ۱۲۳: ۵۶-۸۸
حریری، نجلا ۱۲۱: ۲۰۰-۲۳۶
حسینی صومعه، محدثه ۱۲۴: ۱۸۴-۲۱۴
حطیط، شهناز ۱۲۱: ۷۴-۱۰۱
خالندی، انور ۱۲۴: ۶-۳۱
خسروزاده، سیروان ۱۲۲: ۸۸-۱۰۸
دهقان نژاد، مرتضی ۱۲۱: ۴۲-۷۳
دهنوی، نظامعلی ۱۲۳: ۶-۲۴
رحمتی، علی ۱۲۴: ۸۶-۱۱۶
رحمتی، محسن ۱۲۱: ۱۰۸-۱۳۷
رشیدوش، محلی ۱۲۳: ۲۶-۵۴
ره، نادیا ۱۲۱: ۱۶۴-۱۹۸
زرین کلکی، بهناز ۱۲۳: ۱۴۶-۱۵۹
زننده دل نوبری، بابک ۱۲۴: ۱۵۶-۱۸۳
زندیه، حسن ۱۲۴: ۶۰-۸۵
سعادت مند، مرضیه ۱۲۲: ۶-۳۲
سعادت مهر، محمدامین ۱۲۲: ۱۶۶-۱۹۰
سعیدی نیا، حبیب الله ۱۲۲: ۶۲-۸۶
سودائی، بیتا ۱۲۲: ۱۴۰-۱۶۴
سیدبنکدار، سیدمسعود ۱۲۴: ۳۲-۵۸
شافعی، کیوان ۱۲۴: ۶-۳۱
شجاع، علی ۱۲۴: ۱۵۶-۱۸۳
شریعت پارسا، کیانا ۱۲۴: ۶۰-۸۵
شریف زاده، اکبر ۱۲۳: ۱۲۰-۱۴۵
شهرابی، شیما ۱۲۲: ۱۴۰-۱۶۴
شیخ احمدی، سیدمحمد ۱۲۴: ۶-۳۱
صادقی گندمانی، مقصودعلی ۱۲۲: ۱۱۰-۱۳۹
- صدیق، ثمین ۱۲۲: ۱۴۰-۱۶۴
ضرغامی، زهرا ۱۲۴: ۱۵۶-۱۸۳
عزیزی، غلامرضا ۱۲۴: ۱۵۶-۱۸۳
عسگرانی، محمدرضا ۱۲۳: ۹۰-۱۱۹
علیخانی، اعظم ۱۲۳: ۲۶-۵۴
فرزین، سامان ۱۲۲: ۱۶۶-۱۹۰
قنبری نژاد، زینب ۱۲۲: ۶۲-۸۶
کلیایی، مهدی ۱۲۲: ۱۴۰-۱۶۴
کوهستانی، حسین ۱۲۲: ۱۶۶-۱۹۰
اللهیاری، حسن ۱۲۲: ۶-۳۲
مظفری، پرستو ۱۲۱: ۱۰۸-۱۳۷
ملایی، مصطفی ۱۲۱: ۶-۴۱
موسوی، منصور ۱۲۳: ۹۰-۱۱۹
مومن، ابوالفتح ۱۲۴: ۶-۳۱
میرحسینی، زهره ۱۲۱: ۱۳۸-۱۶۳
نژاد ابراهیمی، صمد ۱۲۴: ۱۸۴-۲۱۴
نعیمی، صدف ۱۲۱: ۲۰۰-۲۳۶
نوحی، سحر ۱۲۳: ۱۶۰-۱۸۰
نورائی، مرتضی ۱۲۱: ۴۲-۷۳
نیک نژاد، علیرضا ۱۲۳: ۱۲۰-۱۴۵
هاشمی اعرابی، شکوه السادات ۱۲۴: ۸۶-۱۱۶
همایون سپهر، محمد ۱۲۳: ۲۶-۵۴
وحیدی راد، میکائیل ۱۲۲: ۳۴-۶۱

فایه موضوعی

- آرشیو ۱۲۳: ۱۴۶-۱۵۹
آرشیو ملی ۱۲۴: ۱۵۶-۱۸۳
آرشیو ملی ایران ۱۲۱: ۱۳۸-۱۶۳، ۲۰۰-۲۳۶
آزمایش پیکسی ۱۲۲: ۱۶۶-۱۹۰
آفات موزهای ۱۲۲: ۱۴۰-۱۶۴



- آقانو رالله نجفی ۱۲۱: ۴۲-۷۳
آلاداغ ۱۲۴: ۸۶-۱۱۶
آلیانس اسرائیلیت ۱۲۱: ۱۰۸-۱۳۷
ابریشم ۱۲۱: ۱۶۴-۱۹۸
احزاب سیاسی ۱۲۴: ۶-۳۱
احمدشاه ۱۲۴: ۳۲-۵۸
ارسنجان، حسن ۱۲۲: ۶۲-۸۶
استرآباد ۱۲۲: ۱۶۶-۱۹۰
استطالداران ۱۲۲: ۱۴۰-۱۶۴
اسناد تاریخی ۱۲۴: ۶۰-۸۵
اسناد دیوانی ۱۲۱: ۲۰۰-۲۳۶؛ ۱۲۳: ۱۴۵-۱۲۰
اسناد شرعی ۱۲۱: ۱۳۸-۱۶۳
اسناد نوغانداران ۱۲۱: ۱۶۴-۱۹۸
اصطلاح نامه ۱۲۱: ۱۳۸-۱۶۳
اصطلاح نامه ها ۱۲۱: ۲۰۰-۲۳۶
اصفهان ۱۲۱: ۴۲-۷۳
اصلاحات ارضی ۱۲۲: ۶۲-۸۶
افشاریه ۱۲۴: ۸۶-۱۱۶
اقتصاد ۱۲۲: ۱۶۶-۱۹۰؛ ۱۲۴: ۳۲-۵۸
امینی، علی ۱۲۲: ۶۲-۸۶
انتخابات ۱۲۴: ۶-۳۱
انگلستان ۱۲۲: ۳۴-۶۱
ایل شادلو ۱۲۴: ۸۶-۱۱۶
آثار عکاسی پایه شیشه‌ای ۱۲۳: ۱۶۰-۱۸۰
الباقی ۱۲۲: ۱۱۰-۱۳۹
بحرین ۱۲۲: ۳۴-۶۱
پروانه بید ۱۲۲: ۱۴۰-۱۶۴
پساتصدی ۱۲۳: ۱۴۶-۱۵۹
پهلوی اول ۱۲۳: ۵۶-۸۸
پهلوی ۱۲۱: ۱۶۴-۱۹۸
تبعیدگاه ۱۲۲: ۶-۳۲
تجارت ۱۲۱: ۶-۴۱
تحلیل موضوعی ۱۲۴: ۱۵۶-۱۸۳
تصدی ۱۲۳: ۱۴۶-۱۵۹
تیمورتاش ۱۲۲: ۳۴-۶۱
جزایر و بنادر (بندرها) ۱۲۳: ۵۶-۸۸
جزیره خارک ۱۲۲: ۶-۳۲
جنگ جهانی اول ۱۲۲: ۸۸-۱۰۸
جواهرات سلطنتی ۱۲۴: ۳۲-۵۸
چاپ و نشر ۱۲۴: ۶۰-۸۵
حزب توده ۱۲۱: ۷۴-۱۰۱؛ ۱۲۲: ۶-۳۲
حسابرسی ۱۲۲: ۱۱۰-۱۳۹
حفاری‌های غیرقانونی ۱۲۳: ۹۰-۱۱۹
حفاظت پیشگیرانه ۱۲۲: ۱۴۰-۱۶۴
خلیج فارس ۱۲۲: ۶-۳۲، ۳۴-۶۱؛ ۱۲۳: ۵۶-۸۸
دبستان ناصری (دبستان احمدیه) ۱۲۳: ۶-۲۴
دریای عمان ۱۲۳: ۵۶-۸۸
دسترسی آزاد ۱۲۴: ۱۱۸-۱۵۴
دیوان سالاری ۱۲۱: ۲۰۰-۲۳۶
رزین ۱۲۳: ۱۶۰-۱۸۰
رضاخان ۱۲۱: ۴۲-۷۳
رضاشاه ۱۲۲: ۳۴-۶۱
رفتار خودآرشیوی ۱۲۴: ۱۱۸-۱۵۴+
رقم ۱۲۳: ۱۲۰-۱۴۵
روابط اصطلاح نامه‌ای ۱۲۱: ۲۰۰-۲۳۶
زنان ۱۲۳: ۲۶-۵۴
ژلاتین ۱۲۳: ۱۶۰-۱۸۰

- ساختار ظاهری ۱۲۴: ۶۰-۸۵
 ساختار محتوایی ۱۲۴: ۶۰-۸۵
 سکه‌شناسی ۱۲۲: ۱۶۶-۱۹۰
 سنندج ۱۲۱: ۱۰۸-۱۳۷
 سوسک چرمخوار ۱۲۲: ۱۴۰-۱۶۴
 سیاست‌ها ۱۲۴: ۱۱۸-۱۵۴
 سیاق ۱۲۲: ۱۱۰-۱۳۹
 سیستم اندازه‌گیری عملکرد ۱۲۴: ۱۵۶-۱۸۳
 شاخص اندازه‌گیری عملکرد ۱۲۴:
 ۱۸۳-۱۵۶
 شاخص کلیدی عملکرد (KPI) ۱۲۴:
 ۱۸۳-۱۵۶
 شریا/رومنو ۱۲۴: ۱۱۸-۱۵۴
 صادرات ۱۲۱: ۶-۴۱
 صمغ ۱۲۳: ۱۶۰-۱۸۰
 طایفه ۱۲۴: ۸۶-۱۱۶
 طرابوزان ۱۲۳: ۶-۲۴
 عاملیت ۱۲۳: ۲۶-۵۴
 عتیقه ۱۲۳: ۹۰-۱۱۹
 عثمانی ۱۲۲: ۸۸-۱۰۸؛ ۱۲۳: ۶-۲۴
 عصر پهلوی دوم ۱۲۲: ۶-۳۲
 عمال عثمانی ۱۲۲: ۸۸-۱۰۸
 غارت‌گری ۱۲۲: ۸۸-۱۰۸
 الفاضل ۱۲۲: ۱۱۰-۱۳۹
 فرش (قالی) ۱۲۱: ۶-۴۱
 قاجار ۱۲۱: ۶-۴۱، ۱۰۸-۱۳۷، ۱۶۴-۱۹۸؛ ۱۲۲: ۱۱۰-۱۳۹؛ ۱۲۳: ۹۰-۱۱۹، ۱۴۵-۱۲۰
 قاجاریه ۱۲۱: ۲۰۰-۲۳۶
 قاجاق ۱۲۳: ۵۶-۸۸
 کاخ موزه نیوران ۱۲۲: ۱۴۰-۱۶۴
 کارخانه نخ‌ریسی و نساجی خسروی ۱۲۱:
 ۷۴-۱۰۱
 کارگران ۱۲۱: ۷۴-۱۰۱
 کاغذسازی ایرانی ۱۲۴: ۱۸۴-۲۱۴
 کردستان ۱۲۱: ۱۰۸-۱۳۷
 کرمان ۱۲۳: ۲۶-۵۴
 کلودیون ۱۲۳: ۱۶۰-۱۸۰
 کنگره دهقانان ۱۲۲: ۶۲-۸۶
 گروه‌واژگان ۱۲۱: ۱۳۸-۱۶۳
 گیاه پنبه ۱۲۴: ۱۸۴-۲۱۴
 گیاه شاه‌دانه ۱۲۴: ۱۸۴-۲۱۴
 گیاه کتان ۱۲۴: ۱۸۴-۲۱۴
 گیاه کنف ۱۲۴: ۱۸۴-۲۱۴
 گیلان ۱۲۱: ۱۶۴-۱۹۸
 مالکیت ۱۲۳: ۲۶-۵۴
 مالیات ۱۲۲: ۱۱۰-۱۳۹
 متصدی ۱۲۳: ۱۴۶-۱۵۹
 مجاهدان ۱۲۲: ۸۸-۱۰۸
 مجلس ۱۲۴: ۳۲-۵۸
 مجلس پنجم ۱۲۱: ۴۲-۷۳
 مجلس شورای ملی ۱۲۱: ۴۲-۷۳؛ ۱۲۴:
 ۶-۳۱
 مجلس هفدهم ۱۲۴: ۶-۳۱
 مجوز ۱۲۴: ۶۰-۸۵
 محمدرضا شاه پهلوی ۱۲۲: ۶۲-۸۶
 مدارس نوین ۱۲۳: ۶-۲۴
 مشروطه ۱۲۳: ۹۰-۱۱۹؛ ۱۲۴: ۳۲-۵۸
 مشهد ۱۲۱: ۷۴-۱۰۱

- مفرد ۱۲۲: ۱۱۰-۱۳۹
ملفوفه رقم ۱۲۳: ۱۲۰-۱۴۵
منابع آب ۱۲۳: ۲۶-۵۴
مناطق تاریخی کاشت ۱۲۴: ۱۸۴-۲۱۴
من ذالک ۱۲۲: ۱۱۰-۱۳۹
ناشران ۱۲۴: ۱۱۸-۱۵۴
ناصرالدین شاه قاجار ۱۲۲: ۱۶۶-۱۹۰
نظام آموزشی ۱۲۱: ۱۰۸-۱۳۷
نمایه های موضوعی ۱۲۱: ۲۰۰-۲۳۶
نمایه الفبایی ۱۲۱: ۱۳۸-۱۶۳
نمایه درختی ۱۲۱: ۱۳۸-۱۶۳
نمایه گردشی / چرخشی ۱۲۱: ۱۳۸-۱۶۳
نهضت ملی کردن نفت ۱۲۴: ۶-۳۱
والیان ۱۲۴: ۸۶-۱۱۶
وطن پرستان ۱۲۲: ۸۸-۱۰۸
وقف ۱۲۳: ۲۶-۵۴
همدان ۱۲۴: ۶-۳۱
یهودیان ۱۲۱: ۱۰۸-۱۳۷، ۱۲۳: ۹۰-۱۱۹

Table of contents

Ganjineh-Ye Asnad

(Peer-reviewed Journal)

Vol.32, No.1, (Spring 2022)

Ser.No: 125

ISSN: 1023-3652

E-ISSN: 2538-2268

Historical Research

- The Role of the Student Movement in the Publicization of the Islamic Revolution: A Case Study of Isfahan Students (1972-1979)\ **Maryam Ghanuni, Morteza Nouraei, Feridon Allahyari** 6-45(40)
- The Process of Establishing Gun and Cartridge Factories in the Qajar period (1807-1922): An Analytical Investigation\ **Adel Shabani Moghadam, Morteza Dehghannejad, Asghar Foroughi Abari** 46-69(24)
- Tourism Advertising in the Second Pahlavi Period (1941-1979)\ **Somayeh Bakhtiari** 70-111(42)
- Types and Uses of Clerics and Merchants' Endowments in Sari Region (Mazandaran) in the Qajar Period\ **Farshid Noroozi, Jamshid Norozi** 112-143(32)

Archival Studies

- Empowering Archivists: Effects of Using Multimedia on the English Reading Skills, Vocabulary Knowledge, and Self-regulation among Iranian Archivists\ **Zahra Zarghami, Roya Khoii, Mozghan Rashtchi** 144-182(39)
- Identification and Introduction of the Seals of the Qajar Chancellors\ **Reza Farsati, Mohammad Khandan, Mohammadreza Vasfi** 184-225(41)
- Designing Records Acquisition Process in the National Archives of Iran on the Basis of Comprehensive Records Management System\ **Reza ShahrabiFarahani, Fahimeh Babalhavaeji, Nadjla Hariri, Fatemeh Nooshinfard** 226-245(20)
- The Index of Articles Published in *Ganjine-ye Asnad* (2021-2022) **Seyyed Mahmood Sadat Bidgoli** 246-251(6)

English Abstracts \ **Ebrahim Afshar Zanjani**

Ganjine-ye Asnad

Historical Research & Archival Studies Quarterly

Vol.32, No.1, Spring 2022

(125)

E-ISSN: 2538-2268 | ISSN: 1023-3652

A peer-reviewed journal published by the National Library and Archives of the
Islamic Republic of Iran

Editor-in-Chief:

Saeed Rezaei Sharifabadi, PhD srezaei@alzahra.ac.ir

Managing Editor:

Golamreza Azizi, PhD greazizi@gmail.com

Executive Officer: Seyyed Mahmood Sadat Bidgoli, PhD m.sadat@yahoo.com

Editorial Board:

Terry Eastwood, Professor, University
of British Columbia, Canada.

Ray Edmondson, OAM, B.A. Dip
Lib Phd, Australia.

Gholamreza Fadaei, Professor,
University of Tehran, Iran.

A.Hossein Farajpahlou, Professor,
Shahid Chamran University, Iran.

Saeed Rezaei Sharifabadi, Professor,
Alzahra University, Iran.

Hossein Mirjafari, Professor, University
of Isfahan, Iran.

Morteza Nouraei, Professor, University of
Isfahan, Iran.

Mohammad Bagher Vosoghi, Professor,
University of Tehran, Iran.

Fariborz Khosravi, Associate Professor,
National library and Archives of Iran,
Iran.

Narges Neshat, Associate Professor,
National library and Archives of Iran,
Iran.

S. Amirmasoud Shahramnia, Associate
Professor, University of Isfahan, Iran.

ganjineh.nlai.ir | Email: ganjinehasnad@gmail.com | Tel: 9821 81625554

Address: Iran National Archives, Kosha St, Haqani High way, Tehran, Iran

Index by: Google scholar, Research gate, ISC, SID & Iran Journal

